

فرهنگ اصطلاحات
عرفان اسلامی

(فارسی - انگلیسی)

(انگلیسی - فارسی)

کتابخانه مرکز مطالعات
و تحقیقات ادیان مذاهب

تهیه کنندگان :
گروهی از پژوهشگران

ویراستار : دکتر سید محمود موسوی

با مقدمه و اصلاحات
دکتر سید حسین نصر



دفتر پژوهش و نشر سهروردی



دفتر پژوهش و نشر سهروردی

تهران، خیابان فتحی شقاقی، نرسیده به بزرگراه شهید گمنام، پلاک ۱۵۰

تهران، صندوق پستی: ۱۵۸۵۵ / ۴۱۳

تلفن و فکس: ۴ - ۸۰۲۸۹۵۳

E-mail: SuhrawardiPup@Hotmail.com

این اثر با حمایت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده است.

فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی - فارسی - انگلیسی و انگلیسی - فارسی / تهیه کنندگان: گروهی از پژوهشگران دفتر پژوهش و نشر سهروردی؛ با مقدمه و اصلاحات سید حسین نصر؛ ویراستار: سید محمود موسوی. - تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۲.
۷۸۰ ص. - (مجموعه فرهنگ‌های اصطلاحات علوم و معارف اسلامی؛ (۱))
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

ISBN 964-6980-31-7

کتابنامه: ص ۴۸۱

۱. عرفان - اصطلاح‌ها و تعبیرها. ۲. فارسی - واژه‌نامه‌ها - انگلیسی. ۳. زبان انگلیسی - واژه‌نامه‌ها - فارسی. الف. نصر، سید حسین، ۱۳۱۲ - ب. موسوی، سید محمود، ۱۳۴۰ - ج. دفتر پژوهش و نشر سهروردی.

1. 1. Persion Language - Dictionaries - English 2. English Language
Dictionaries - Persion.

۲۹۸ / ۸۰۳

BP ۲۷۴ / ۳ / ۳۵۶

کتابخانه ملی ایران

م ۸۲-۸۰۵

فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی

فارسی - انگلیسی و انگلیسی - فارسی

با مقدمه و اصلاحات دکتر سید حسین نصر

گروهی از پژوهشگران: تهیه کنندگان: □ ویراستار: دکتر سید محمود موسوی

دیدآور: چاپ و صحاف: □ ایتموگرافی: طیف‌نگار

اول: نوبت چاپ □ تاریخ چاپ: بهار ۱۳۸۲

۵۸۰۰ تومان: قیمت □ تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

ISBN : 964-6980-31-7 □ شابک: ۹۶۴-۶۹۸۰-۳۱-۷

حق چاپ محفوظ است

Printed in the Islamic Republic of Iran

فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار دکتر سید حسین نصر
۱۳	سخن ناشر
۱۳	ضرورت تدوین فرهنگ اصطلاحات علوم اسلامی
۱۷	سابقه‌ی تدوین فرهنگ‌های تخصصی
۱۸	تنگناها و مشکلات
۱۹	پدیدآورندگان
۲۰	تشکر و قدردانی
۲۵	پیش‌گفتار ویراستار
۲۵	محدوده‌ی واژه‌گزینی
۲۵	مراد از «علوم اسلامی» و «اصطلاح»
۲۷	مراحل انجام کار
۲۷	الف - شناسایی و گزینش منابع
۲۹	ب - واژه‌گزینی
۳۰	ج - ویرایش
۳۱	۱ - در ناحیه‌ی مدخل‌ها
۳۳	۲ - در ناحیه‌ی معادل‌ها

۶ □ فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی

۳۵	تقدیر و تشکر
۳۷	فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی
۳۵۹	اسماء و صفات الاهی
۳۷۱	فهرست منابع و مآخذ
۳۷۳	الف - منابع عمومی
۳۷۴	ب - منابع تخصصی

پیش‌گفتار دکتر سید حسین نصر

زبان عرفان زبان حال و مکاشفه و شهود است در قالب لسان بشری که عمده‌تاً زبان قال است و مفاهیم آن از تجارب حسی و برونی انسان سرچشمه گرفته و واژه‌های آن با شعور و وجدان عادی او مرتبط است. موفقیت گفتار در بیان حقایق درونی به‌رغم به کار بردن قالب لسان ظاهراً عادی، در این است که در بطن زبان، معانی درونی مستتر است و منشأ کلام بشری عقل قدسی و کلام الاهی است که پس از تنزل از مراتب وجود، به عالم ناسوتی قدم گذارده، ولی هنوز نیروی بازگشت انسان را به مراتب برین هستی در خود حفظ کرده است. بالاترین مثال این حقیقت، لسان وحی است و کلام پروردگار که در قالب زبان این جهانی، حقایق عالم معنا و مراحل اعلای وجود را بیان می‌دارد و اعجاز وحی نیز در همین حقیقت شگرف است. در اسلام عرفا با اتکاء به وحی الاهی و لسان قرآنی و نیز قدرت رمز و تمثیل که در زبان وجود دارد، به تدریج زبان خاصی برای بیان حقایق صوفیانه و عرفانی به وجود آورده‌اند که ظاهر آن در استفاده از واژه‌های زبان‌های متداول مانند عربی و فارسی با زبان عادی تشابه داشت، ولی باطن آن از عالمی دیگر حکایت می‌کرد. وانگهی

خواننده را در جست و جوی حقیقت، از عالم ظاهر به جهان درون رهنمون باشد.

طی چند قرن، یک فرهنگ غنی عرفانی در زبان فارسی به وجود آمد که در نوع خود در سطح جهانی کم نظیر و شاید بتوان گفت بی نظیر بود؛ چون زبان فارسی می توانست هم از واژه های قرآنی و ریشه های عربی و هم از واژه های زبان های ایرانی استفاده کند و چند، و نه یک نظام اصطلاحاتی برای بیان مطالب عرفانی به وجود آورد. عرفای فارسی زبان، هم از حق و تجلی و تعین و فنا و محق و محو سخن می گفتند و هم از خال و مو و ابرو، و هم از آتش و آتشکده و دیر مغان، و هم از ساغر و می و جام. در نتیجه، یک فرهنگ بسیار غنی اصطلاحات رمزی عرفانی به وجود آمد که پایه از برای تکوین ادبیات عرفانی فارسی شد و آن را یکی از غنی ترین ادبیات عرفانی و صوفیانه ی جهان ساخت.

سیر تکوین و تحول تاریخ زبان انگلیسی این چنین نبود. از یک جهت، زبان انگلیسی با زبان فارسی شباهت دارد و در یک امر مهم مشترک است و آن این که همان طور که زبان فارسی قادر است از واژه های عربی و مخصوصاً قرآنی و نیز کلمات مأخوذ از زبان های ایرانی و به ویژه دری استفاده کند، زبان انگلیسی نیز توان اخذ واژه از زبان لاتین و نیز زبان های ژرمانیک را دارد و به همین جهت، از موهبت یک ادبیات غنی و حتی شاه کارهای مهم عرفانی برخوردار است. فرق اساسی این دو زبان از لحاظ عرفان، در این است که در چند قرن اخیر در انگلستان و سایر ممالک انگلیسی زبان چندان عنایتی به عرفان نشد و بسیاری از واژه های عرفانی مهجور و به فراموشی سپرده شد، در حالی که در بین فارسی زبانان، عرفان همواره زنده مانده است.

از قرن گذشته، نهضت ترجمه ی آثار صوفیانه و عرفانی که در سده ی نوزدهم مسیحی آغاز شده بود فزونی گرفت و بسیاری از متون مهم

عرفانی فارسی به زبان انگلیسی ترجمه شد، ولی بسیاری از مترجمان در مقابل مشکلات عدیده قرار گرفتند، مخصوصاً برای ترجمه‌ی متون عرفان نظری مکتب ابن عربی و پیروانش. این مشکلات، هم از به فراموشی سپرده شدن واژه‌های موجود در دوران جدید در غرب سرچشمه می‌گرفت و هم از از بین رفتن -روح درک رمز و تمثیل، و نتیجتاً عدم توجه به زبان رمزی عرفان و بالاخره هم از تفاوت بین ماهیت عرفان مسیحی و عرفان اسلامی. ولی به هر حال، برخی از مترجمان با موقّیّت قابل توجّهی روبه‌رو شدند و آثار پرارجی از خود به جا گذاشتند.

اکنون زمان آن فرا رسیده است که فرهنگ دقیق اصطلاحات عرفانی دوزبانه به طبع رسد و آنان را که دست‌اندرکار ترجمه‌ی آثار جاویدان عرفان اسلامی از زبان فارسی هستند یاری کند. جهان امروز سخت محتاج ترجمه‌های دقیق و رسا با اسلوب سنگین ادبی است که از تمام امکانات زبان انگلیسی استفاده کند و برای تحقّق پذیرفتن این مهم، چنین فرهنگی کاملاً ضروری است. هم‌چنین برای غنای ادبیات فارسی و ایجاد آگاهی بیش‌تر از فرهنگ‌ها، تمدّن‌ها و ادیان دیگر، لازم است شاه‌کارهای عرفانی دیگر ملل به زبان فارسی برگردانیده شود که این امر نیز محتاج به چنین فرهنگی است.

کتابی که از مدّ نظر خوانندگان محترم می‌گذرد، نخستین مجلد از مجموعه فرهنگ‌های اصطلاحات علوم و معارف اسلامی است که در حوزه‌ی علوم عقلی شامل: عرفان، فلسفه و کلام، اخلاق، منطق و در حوزه‌ی علوم نقلی شامل: فقه، اصول فقه، تفسیر و علوم قرآنی، رجال و درایه و ادبیات عرب است و در راستای نیل به این هدف بنیادی فراهم آمده است و اوّلین قدم مهم در این زمینه به شمار می‌آید. امید است به خواست خداوند و در آینده‌ای نه چندان دور، معادل‌های اصطلاحات این مجموعه به دیگر زبان‌های مهم نیز فراهم آید.

فرهنگ حاضر عمده‌ی اصطلاحات عرفانی را در بر دارد و واژه‌های فارسی منتخب آن به‌دقت برگزیده شده و انتخاب معادل‌های انگلیسی آن‌ها نیز به‌دقت انجام یافته و در تهیه‌ی آن از بسیاری از پراچ‌ترین ترجمه‌های دهه‌های اخیر استفاده شده است.

این جانب صورت نهایی این فرهنگ را به‌دقت مطالعه کرده و یکایک مدخل‌ها و معادل‌ها را از نظر گذرانده و معادل‌های بسیاری به آن افزوده و در مواردی نیز حکم و اصلاح‌هایی در آن انجام داده‌ام. باید به دفتر پژوهش و نشر سهروردی و مدیر مسؤول محترم آن آقای صدری، در انجام این امر تبریک گفت و آرزوی موفقیت از برای ایشان و همه‌ی پدیدآوردندگان این مجموعه، به‌ویژه دانشمند محترم آقای مصطفی ملکیان و نیز ویراستار محترم آن، آقای دکتر سید محمود موسوی، که در فراهم ساختن این مجموعه به‌ویژه فرهنگ حاضر زحمات فراوان کشیده‌اند، از درگاه احدیت متعال توفیق مسألت داشت.

راقم این سطور یقین دارد که فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی کمک بزرگی برای مترجمان ایرانی خواهد بود و سهم بسزایی در بهتر برگردانیدن گنجینه‌های معرفت فارسی به جهان خارج خواهد داشت و وسیله‌ای ارزنده خواهد بود برای تبدیل کردن زبان انگلیسی به یک "زبان اسلامی"؛ یعنی زبانی که در آن معارف و ارزش‌های اسلامی، که در قلب آن عرفان قرار گرفته، به‌سهولت قابل بیان است و ادبیات آن زبان، خود حامل جهان‌بینی اسلامی است. هنگامی که اسلام وارد بنگال شد زبان بنگالی و ادبیات آن جزئی از عالم فرهنگی هندو بود، ولی دیری نپایید که همین زبان و ادبیات، به صورت یکی از مهم‌ترین زبان‌ها و ادبیات‌های اسلامی در آمد. چنین تحوّل‌ی اکنون در زبان انگلیسی نیز مشهود است و امید است که به یاری ترجمه‌های اصیل، و نیز نگارش مطالب مربوط به عرفان و حکمت اسلامی به زبان انگلیسی، این تحوّل با موفقیت کامل به

پیش‌گفتار دکتر سید حسین نصر □ ۱۱

مقصد رسد. در تحقق یافتن این مهم یقیناً فرهنگ حاضر سهمی خواهد داشت و نیز کمک خواهد کرد تا مترجمان از تشتت و پراکندگی در برگرداندن متون عرفانی رهایی یابند.

وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِالصَّوَابِ

سید حسین نصر

تیر ماه ۱۳۸۰

سخن ناشر

ضرورت تدوین فرهنگ اصطلاحات علوم اسلامی

امروزه با توجه به اهمیت گفت‌وگوی بین فرهنگ‌ها و آشنایی هر چه بیش‌تر و دقیق‌تر فرهنگ‌های گوناگون و تمدن‌های زنده‌ی دنیا با منابع و متون یک‌دیگر و به‌ویژه با توجه به اهمیت گفت‌وگوی ادیان مختلف به عنوان یکی از مهم‌ترین ساحت‌ها و عناصر سازنده‌ی فرهنگ و تمدن، ضرورت عرضه‌ی معارف بنیادین و متون معتبر دینی به زبان‌های گوناگون، بیش از پیش آشکار شده است. در این میدان رقابت، که پیروان همه‌ی ادیان به شکل‌های گوناگون در حال عرضه‌ی معارف دینی خویش‌اند، و امروزه گریزی از آن نیست، عالمان مسلمان باید در کنار عالمان دیگر ادیان زنده‌ی جهان خود را برای یک گفت‌وگوی جدی و سرنوشت‌ساز آماده کنند. بدون شک، معرفی ابعاد گوناگون فرهنگ غنی اسلام و نشان دادن زیبایی‌ها و جاذبه‌های آن به مردم دنیا جز از طریق ترجمه و انتقال مفاهیم اسلامی به زبان‌های دیگر امکان‌پذیر نیست.

بدیهی است که در این راستا، اطلاع‌رسانی صحیح و بهنگام و تدوین فرهنگ‌های تخصصی دو یا چندزبانه در حوزه‌ی هر یک از رشته‌های

مختلف علوم و معارف اسلامی از نقش کلیدی برخوردار است. چنین تلاشی البته اگر به درستی صورت پذیرد، می تواند تا حدود زیادی و اصولاً تا آنجا که محدودیت های طبیعی ترجمه و انتقال مفاهیم از یک زبان به زبان دیگر اجازه می دهد، از ضعف ها و کاستی های زبانی و ادبی متون ترجمه شده بکاهد.

توجه به رشد روزافزون جریان الحاد و معنویت ستیزی در جهان که تخریب و ضدیت با همه ی ادیان و در رأس آن ها ادیان ابراهیمی و از آن جمله دین اسلام را هدف گرفته است از یک سو، و دشمنی ها و عنادهایی که به انگیزه های مختلف با دین اسلام بخصوصه می شود و چه بسا در پاره ای از موارد ناشی از بد معرفی کردن فرهنگ اسلام و نتیجتاً بدفهمی آن باشد، می تواند بر اهمیت چنین تلاش علمی ای بیفزاید و ضرورت آن را بیش تر نشان دهد.

در حال حاضر، در بسیاری از دانشگاه های معتبر دنیا و به ویژه اروپا و آمریکا، دپارتمان های مطالعات اسلامی تأسیس گردیده و صدها استاد و پژوهشگر و دانش پژوه در گوشه و کنار جهان به کار مطالعه، تدریس و فراگرفتن مفاهیم و متون اسلامی مشغول اند و به جرأت می توان گفت حتی یک فرهنگ معتبر و جامع دویا چندزبانه که پاسخگوی نیازهای آنان باشد و در امر تفهیم و تفهّم یاری شان رساند در اختیار ندارند.

البته از ده ها سال پیش، توسط شخصیت ها و مؤسسه های مختلف در سراسر جهان، در این زمینه تلاش های پراکنده ای صورت گرفته و اکثر اصطلاحات رشته های مختلف علوم اسلامی، به ویژه عرفان اسلامی و تصوّف، فلسفه، اخلاق، منطق، فقه و... به درست و یا نادرست، دقیق و یا نادقیق، توسط بسیاری از اندیشمندان، که عمدتاً از شرق شناسان و اسلام شناسان بنام غربی هستند، به زبان های مهم اروپایی و به ویژه انگلیسی معادل گذاری شده است، که به حق تلاشی مبارک و قابل تقدیر

است. ولی آنچه مایه‌ی تأسف است این است که نه تنها هیچ مؤسسه و نهادی داخل کشور تاکنون به طور اصولی و بر اساس استانداردهای فرهنگ‌نویسی به این مهم پرداخته است، بلکه تلاش درخوری نیز در جهت استقصا و استخراج مدخل‌ها و معادل‌های صحیح رشته‌های مختلف علوم و معارف اسلامی از منابع معتبر موجود، و سر و سامان دادن و پیرایش و ویرایش آن‌ها و ارائه‌ی روش‌مند آن‌ها در قالب یک فرهنگ چندزبانه و یا چند فرهنگ دوزبانه صورت نگرفته است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بنیان‌گذاری نظام دینی در کشور خودمان و به‌ویژه بعد از تشکیل برخی نهادهای عریض و طویل دولتی که متولّی و متصدّی سر و سامان دادن به کارهای دینی و فرهنگی مربوط به خارج از کشور شدند، این انتظار می‌رفت که بخش ناچیزی از بودجه‌ی فراوان خویش را به این کار اختصاص دهند و از سفره‌ای که از ده‌ها سال پیش توسط دیگران گسترده شده، بهره‌ی لازم را ببرند و دست کم در کنار سفارش پی در پی ترجمه‌ی کتاب‌های دینی و چاپ و ارسال فلّه‌ای آن‌ها به خارج از کشور، به چنین تلاشی نیز دست زنند و در حدّ توان خویش، قدری از آشفتگی بازار این متاع بکاهند، ولی با کمال تأسف، گویا آنان تاکنون اولویّت چنین کاری را احساس نکرده‌اند و یا امکانات‌شان اجازه‌ی انجام چنین کاری را به آنان نداده است!

به هر حال، افزون بر آنچه ذکر گردید، در دسترس بودن فرهنگ‌های تخصّصی دوزبانه در حوزه‌ی اصطلاحات مربوط به رشته‌های مختلف علوم و معارف اسلامی، می‌تواند فوائد بسیاری را به دنبال داشته باشد که در این جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

اولاً: می‌تواند علاوه بر فراهم آوردن زمینه‌ی مناسب برای ترجمه‌ی متون کلاسیک در حوزه‌های گوناگون علوم اسلامی، که به‌حقّ از سرمایه‌های بزرگ فرهنگ و تمدّن اسلامی به شمار می‌آیند، مترجمان

تازه کار را در امر ترجمه‌ی متون اسلامی و به‌ویژه متونی که بیش‌تر جنبه‌ی تبلیغی دارند، یاری دهد و از میزان خطاهای آنان بکاهد و حتی الامکان گره از کار آنان بگشاید.

ثانیاً: می‌تواند در امر تثبیت معادل‌های صحیح که در گوشه و کنار توسط برخی از اندیشمندان به کار برده شده و حاکی از تمام بار معنایی مفاهیم اسلامی است نقش مؤثری را ایفا کند.

ثالثاً: می‌تواند بستر مناسبی باشد برای آن‌که اسلام‌شناسان و محققان برجسته با ارائی معادل‌های هر چه دقیق‌تر برای اصطلاحات استخراج شده به تدریج از ضعف‌ها و کاستی‌های موجود در این حوزه بکاهند.

رابعاً: می‌تواند در امر یکسان‌سازی معادل‌ها و جلوگیری از تشّت و آشفته‌کاری در به کار گرفتن معادل‌های گوناگون و بعضاً با بار معنایی ناکافی مفید واقع شود.

با توجه به این نکته که اندیشمندان، اسلام‌شناسان و قرآن‌پژوهان برجسته‌ی دنیای غرب از دیرباز در زمینه‌ی علوم و معارف اسلامی تحقیقات مهمّ و فراوانی انجام داده و کتاب‌های ارزش‌مندی را به زبان انگلیسی پدید آورده‌اند، روایت «انگلیسی - فارسی» این مجموعه نیز می‌تواند زمینه‌ی مناسبی را برای ترجمه‌ی فارسی متون یاد شده فراهم آورد و از این رهگذر جامعه‌ی فرهنگی کشورمان و به‌ویژه فرهیختگان حوزه و دانشگاه را از یک سو، با دیگر قرائت‌های مربوط به حوزه‌های مختلف علوم و معارف اسلامی که از اتفاقان نسبی نیز برخوردار است آشنا سازد و از سوی دیگر، آنان را برای پاسخ‌گویی به بدفهمی‌ها و کج‌اندیشی‌ها بیش از پیش آماده کند.

به هر حال، ناشر با توجه به اهمّیت و ضرورت انجام چنین کاری، به عنوان اوّلین تجربه‌ی خویش در زمینه‌ی پژوهش و نشر به فکر افتاد تا

آن چه را که به خاطرش خطور کرده و ضرورتش را احساس کرده است خود با دست خالی جامه‌ی عمل بپوشاند.

اندیشه‌ی تهیّه و تدوین مجموعه‌ی فرهنگ‌های اصطلاحات علوم و معارف اسلامی که کتاب حاضر نخستین مجلد از مجلّات نه‌گانه‌ی آن است و به اصطلاحات عرفان اسلامی و تصوّف اختصاص دارد، به حدود هفت / هشت سال پیش (سال ۱۳۷۴ ه‍.ش)، باز می‌گردد. در آن هنگام که نگارنده به اقتضای اشتغال اداری خویش، کم و بیش با ترجمه و مترجمان کتاب‌های اسلامی سر و کار داشت، به این حقیقت پی برد که بعضی از مترجمان محترمی که دستی در این کار دارند، هر چند با ادبیّات زبان مبدأ و مقصد تا حدودی آشنایند، ولی اطلاع چندانی از مفاهیم دینی و اصطلاحات رشته‌های مختلف علوم اسلامی ندارند و همین نقیصه باعث شده است تا برخی از کتاب‌های ترجمه شده، نه تنها اثر مثبتی در پی نداشته باشد، بلکه گاه در اثر ترجمه‌ی نادرست پاره‌ای از اصطلاحات و مفاهیم کلیدی آن‌ها، نارسا و ناکارآمد و بعضاً خنده‌آور از کار در آید.

البته نقد و بررسی ترجمه‌های متون اسلامی و به‌ویژه متونی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی با شتاب هر چه بیش‌تر به زبان‌های گوناگون و مهم‌تر از همه به زبان انگلیسی ترجمه شده است، خود داستان دیگری است و از حوصله‌ی این مقدّمه خارج است. امید است این مهمّ روزی جامه‌ی عمل به خود گیرد و از این رهگذر، تجربه‌ها آموخته شود.

سابقه‌ی تدوین فرهنگ‌های تخصصی

سابقه‌ی تهیّه و تدوین فرهنگ‌های تخصصی دوزبانه (فارسی - انگلیسی و یا عربی - انگلیسی) در حوزه‌ی رشته‌های مختلف علوم و معارف اسلامی در کشور ما و نیز دیگر کشورهای اسلامی چندان زیاد نیست. شاید بتوان

گفت تعداد ریز و درشت این قبیل فرهنگ‌ها، چه آن‌هایی که به یکی از رشته‌های علوم اسلامی اختصاص یافته و چه آن‌هایی که به چند یا چندین رشته پرداخته و منتشر شده‌اند، مجموعاً کم‌تر از بیست عنوان باشد، که مشخصات کتاب‌شناختی برخی از آن‌ها که دارای اعتبار نسبی بوده و در این مجموعه مورد استفاده قرار گرفته‌اند، در ضمن فهرست منابع اختصاصی هر یک از رشته‌های نه‌گانه‌ی این مجموعه آمده است.

خوشبختانه در سال‌های اخیر در کشور خودمان ایران از سوی اشخاص و یا مؤسسه‌های پژوهشی، چند عنوان فرهنگ از این دست تهیه و منتشر گردیده است. یکی از آخرین فرهنگ‌هایی که در این زمینه انتشار یافته، فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی است که توسط گروه «ترجمه‌ی بنیاد پژوهش‌های اسلامی» وابسته به آستان قدس رضوی تهیه و منتشر شده است. فرهنگ یاد شده که در دو جلد و در دو روایت «فارسی - انگلیسی» و «انگلیسی - فارسی» تدوین شده مهم‌ترین و جامع‌ترین فرهنگ تخصصی دوزبانه در حوزه‌ی علوم و تمدن اسلامی است که تاکنون در کشور ما چاپ و منتشر شده است. این فرهنگ هرچند که به لحاظ حوزه‌های مختلف علمی که مدّ نظر قرار داده و نیز از به لحاظ شمار مدخل‌هایی که در حوزه‌ی هر یک از علوم در خود جای داده است، نسبت به دیگر فرهنگ‌هایی که در این زمینه در سال‌های اخیر منتشر شده، از مزیت‌های زیاده‌تری برخوردار است، و در نوع خود تلاشی است قابل تقدیر، ولی دارای نقطه‌ضعف‌هایی است که بر اهل فن پوشیده نیست.

تنگناها و مشکلات

کسانی که حتی از دور دستی در کار فرهنگ‌نگاری و تهیه و تدوین فرهنگ‌های دوزبانه به‌خصوص در زمینه‌ی علوم و معارف اسلامی داشته

و دارند، از تنگناهای آن به خوبی اطلاع دارند. کسانی که این مسیر پُرپیچ و خم و ناهموار را هرچند برای مدّتی کوتاه و حتّی در حوزه‌ای محدود پیموده و مشکلات آن را تجربه کرده‌اند، به خوبی می‌دانند که در جریان انجام چنین کارهایی ناشر با چه مشکلاتی رو به رو خواهد بود. کوچک‌ترین مشکل، که خود کوهی بزرگ و غولی وحشتناک است و هر روز در برابر دیدگان انسان ظاهر می‌شود، پشتیبانی کار و فراهم آوردن هزینه‌های مادی آن است و مهم‌ترین مسأله، فراهم آوردن نیروی انسانی باصلاحیت است؛ یعنی دست یافتن به چندین پژوهشگر (گروه واژه‌گزینان و ویراستاران) مسلّط به زبان مبدأ و مقصد، آشنا با مفاهیم رشته‌های مختلف علوم اسلامی، آشنا با شیوه‌ی فرهنگ‌نگاری و معیارهای آن، دارای روحیه‌ی تحقیق و فراغت لازم برای انجام یک کار درازمدّت و...

روشن است جذب و گزینش یک فرد، تا چه رسد به گروهی از این دست افراد، چه میزان دشوار و توان‌فرسا است. بر اهل فنّ نیز پوشیده نیست که نادیده گرفتن ویژگی‌های یاد شده و یا تسامح در گزینش افراد واجد صلاحیت، چه مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت و چه فرصت‌ها و چه سرمایه‌هایی را به هدر خواهد داد و جبران آن، چه میزان سخت خواهد بود.

پدیدآورندگان

مجموعه‌ی فرهنگ‌های اصطلاحات علوم و معارف اسلامی، که کار معادل‌گذاری اصطلاحات رشته‌های مختلف علوم اسلامی را دنبال می‌کند، حاصل تلاش و کوشش و مساعدت ده‌ها نفر و چند هزار ساعت کار دشوار و پی‌در پی آنان است.

گروهی از پژوهش‌گران این دفتر، کار فیش‌برداری و واژه‌گزینی از

بیش از ۳۰۰ اثر را به عهده داشته‌اند. پدیدآورندگان این مجموعه که عمدتاً از پژوهش‌گران حوزوی و دارای تحصیلات دانشگاهی هستند، تا کنون (زمان انتشار کتاب حاضر) عبارتند از آقایان:

دکتر سید محمود موسوی	دکتر مصطفی ملکیان
دکتر حسینعلی شیدانشید	مرتضی کریمی نیا
دکتر قاسم کاکایی	دکتر محمود کریمی
علی ملاحسینی	دکتر محمدعلی شمالی
حمیدرضا شاکرین	دکتر محمدباقر ملکیان
محمدجعفر صدری	سعید عدالت‌نژاد
دکتر رضا برنجکار	محمد فتحعلی خانی
احمدرضا جلیلی	عباسعلی براتی
حسین عشاقی	

تشکر و قدردانی

اکنون به لطف خداوند و به همت گروهی از دانش‌پژوهان فرهیخته، نهالی که بیش از هفت سال پیش در زمین نشانده شد، به بار نشست و طلعیی ثمرات آن نمودار گشته است، ناشر از این بابت خدا را سپاس می‌گوید و وظیفه‌ی خویش می‌داند که از همه‌ی کسانی که در رشد و شکوفایی آن سهیم بوده و در این راستا نقشی ایفا کرده‌اند تشکر و قدردانی کند و از درگاه خداوند متعال برای همه‌ی آنان توفیق روزافزون آرزو کند.

به‌ویژه لازم می‌داند از استاد مصطفی ملکیان که در طول این مدّت، با معرفّی منابع مورد نیاز، تأیید اعتبار برخی از منابع ارائه شده و بعضاً با در اختیار قرار دادن آن‌ها و نیز مطالعه و بازبینی کارهای آماده شده و ارائه‌ی تذکرات و راهنمایی‌های سودمند، ناشر و ویراستار را یاری رسانده‌اند تشکر کند.

هم‌چنین ناشر وظیفه‌ی خویش می‌داند از برادرگرامی حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر سید محمود موسوی که مسؤولیت ویراستاری نخستین حلقه‌ی این مجموعه، یعنی فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی را بر عهده داشته و در بهینه‌سازی هرچه بیشتر آن از هیچ کوششی فروگذار نکرده و با دقت و حوصله‌ی تمام کار را به انجام رسانده است نیز تشکر و قدردانی کند.

پس از انجام مراحل گوناگون کار و تهیه و تدوین فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی، صورت نهایی مدخل‌ها و معادل‌های فراهم آمده جهت ملاحظه و ارزیابی در اختیار متفکر عالی‌قدر و دانشمند گرانمایه جناب آقای دکتر سید حسین نصر قرار داده شد. ایشان نیز بیش از آن مقدار که انتظار می‌رفت، با بزرگواری هر چه تمام، علی‌رغم مشغله‌های فراوان خویش که بر فرهیختگان پوشیده نیست، تمام فرهنگ را به دقت مطالعه کرده و یکایک مدخل‌ها و معادل‌ها را از نظر گذرانده و معادل‌های جدیدی را بر آن‌ها افزودند و در مواردی نیز در مورد پاره‌ای از معادل‌های ارائه شده، حکم و اصلاح‌هایی انجام داده و از این رهگذر، به حق بر غنای این فرهنگ افزوده‌اند. ناشر از ایشان نیز کمال تشکر و سپاس‌گزاری را دارد.

در جریان تهیه‌ی منابع مورد نیاز این مجموعه که عمدتاً در ایران از کتاب‌های کم‌یاب به شمار می‌آیند، ناشر به‌ناگزیر دست نیاز به سوی شخصیت‌های حقیقی و حقوقی بسیاری دراز کرده و بارها و بارها از این کتابخانه به آن کتابخانه مراجعه نموده و گاه با دست خالی و گاه با دست پر بازگشته، زمانی با گشاده‌رویی و تشویق و مساعدت مسؤولان مربوط و زمانی دیگر با ترش‌رویی و شنیدن پاسخ منفی آنان روبه‌رو شده است. به هر حال، در این راستا با بسیاری از شخصیت‌ها و مجامع فرهنگی و دوستان خویش در داخل و خارج کشور و از آن جمله: آمریکا، انگلستان، کانادا، لبنان، سوریه، عربستان سعودی، هند، پاکستان و ... مکاتبه و

گفت و گو کرده و منابع ارزش مندی را از این طریق به دست آورده است. در این رابطه، جا دارد از دوست گرامی حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای مهندس حسن طارمی، معاون محترم علمی بنیاد دائرة المعارف اسلامی که با فراهم ساختن امکان استفاده از کتابخانه‌ی غنی آن بنیاد، سهم بسیار زیادی در دست‌یابی به منابع مورد نیاز این طرح داشته‌اند، تشکر و قدردانی کنم.

اساتید گران قدری هم چون دکتر مهدی محقق و دکتر هوشنگ اعلم ناشر را در انجام این کار، راهنمایی و مورد تشویق و لطف خویش قرار داده‌اند و اساتید و سروان عزیز دیگری نیز علاوه بر راهنمایی‌های خود، با فراهم آوردن زمینه‌ی مساعد برای استفاده از کتابخانه‌های تحت مدیریت خویش، این جانب را یاری بسیار کرده‌اند که بدین وسیله از همه‌ی آنان به‌ویژه جناب آقای دکتر غلامرضا اعوانی در مورد کتابخانه‌ی انجمن حکمت و فلسفه، جناب آقای کامران فانی و سرکار خانم پوری سلطانی در مورد کتابخانه‌ی ملی، جناب آقای دکتر نصرالله پورجوادی در مورد کتابخانه‌ی مرکز نشر دانشگاهی (و نیز به خاطر در اختیار قرار دادن برخی از کتاب‌های شخصی خویش)، جناب آقای فرخ امیرفریار در مورد کتابخانه‌ی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جناب آقای حاج کریمی در مورد کتابخانه‌ی دائرة المعارف بزرگ اسلامی، و جناب آقای سرلک در مورد کتابخانه‌ی بنیاد دائرة المعارف اسلامی تشکر و قدردانی می‌کنم.

در پایان، وظیفه‌ی خویش می‌دانم از جناب آقای احمد مسجدجامعی، وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی، و آقای سهراب حمیدی، مشاور محترم ایشان که با مساعدت‌های خود راه تولید آن را هموار ساختند، تشکر و قدردانی کنم.

جناب آقای مهندس احمد یوسفی کار برنامه‌نویسی کامپیوتری این

سخن ناشر □ ۲۳

مجموعه را بر عهده داشته‌اند و نیز آقای محسن یزدیان و سرکار خانم مرضیه توکلی کار تایپ مدخل‌ها و معادل‌ها و وارد کردن اطلاعات را انجام داده‌اند که از آنان نیز تشکر و قدردانی می‌شود. خداوند به همه‌ی آنان پاداش خیر عطا فرماید.

و ما توفیقی الا بالله و الحمد لله رب العالمین

۱۳۸۱ / ۱۱ / ۲۲

محمد جعفر صدری

پیش‌گفتار ویراستار

کسانی که از دور و نزدیک دستی در کار فرهنگ‌نگاری دارند به‌خوبی می‌دانند که پیمودن این راه پُریچ و خم کاری است بس دشوار. از این رو، چه‌بسا استفاده از تجربه‌ی دیگران بتواند قدری راه را برای کسانی که قصد دارند در این مسیر قدم بگذارند، هموار سازد و از دشواری‌های آن بکاهد و بر کیفیت و غنای حاصل تلاش‌شان بیفزاید. در همین راستا و به منظور رفع پاره‌ای از ابهام‌ها، مطالبی را به‌اختصار به اطلاع علاقه‌مندان گرامی می‌رسانیم

محدوده‌ی واژه‌گزینی

همان‌گونه که عنوان اصلی این مجموعه (فرهنگ‌های اصطلاحات علوم و معارف اسلامی) نشان می‌دهد، محدوده‌ی کار آن عبارت است از استخراج «اصطلاحات» «علوم و معارف اسلامی» و معادل‌گذاری آن‌ها. در این جا لازم است قبل از هر چیز، توضیحی کوتاه درباره‌ی مقصود از واژه‌ی «اصطلاح» و «علوم اسلامی» ارائه دهیم:

مراد از «علوم اسلامی» و «اصطلاح»

مراد ما از «علوم اسلامی» در این مجموعه عبارت است از علوم‌ی که به

نحوی در ارتباط با گزاره‌های دینی است، اعم از علومی که به طور مستقیم مربوط به دین و متشکل از گزاره‌های دینی‌اند و یا آن دسته که به طور مستقیم مربوط به دین نیستند، ولی انسان را در فهم گزاره‌های دینی و متون مقدّس آن یاری می‌رسانند. بنابراین، علاوه بر علم اخلاق، علم کلام و علم فقه که در حوزه‌ی هر دینی معمولاً یافت می‌شوند، علومی مانند اصول الفقه، فلسفه، منطق، ادبیّات (صّرف، نحو، معانی، بیان و...) و رجال و درایه را می‌توان از مصادیق علوم اسلامی به معنای دوّم به حساب آورد. البته به یک اعتبار سوّمی هم می‌توان معنای دیگری برای علوم دینی و از آن جمله علوم اسلامی در نظر گرفت که دامنه‌ی آن از معنای دوّم نیز فراتر می‌رود و علاوه بر علوم دسته‌ی اوّل و دوّم، علوم دیگری را نیز در برمی‌گیرد و آن عبارت است از علومی که متدینان به یک دین، در باب آن تلاش کرده و با مایه‌های دینی آن را توسعه داده‌اند. بنابراین، علوم اسلامی به این معنا، علاوه بر علوم دسته‌ی دوّم، شامل علومی مانند: معماری، خطاطی، ریاضیّات قدیم، نجوم و... می‌گردد.

مراد ما از علوم اسلامی در این جا، علوم اسلامی به معنای دوّم آن است که به دو دسته‌ی کلی قابل تقسیم است: علوم عقلی شامل: عرفان و تصوّف، فلسفه، کلام، اخلاق، منطق، و علوم نقلی شامل: فقه، اصول فقه، تفسیر و علوم قرآنی، رجال و درایه و ادبیّات (صّرف، نحو، معانی و...).

پدیدآورندگان این مجموعه در صدد بوده‌اند اصطلاحات مربوط به هر یک از این علوم را در حدّ توان استقصا و معادل‌گذاری کنند.

واژه‌ی «اصطلاح» نیز دارای معانی متعدّد است، ولی مراد ما از «اصطلاح» در این جا عبارت است از کلیدواژه‌ها و کلماتی که در هر یک از رشته‌های مختلف علوم اسلامی تداول بسیار دارد، اعمّ از آن که در هر یک از رشته‌های مورد نظر دارای معنای خاصّی باشد و یا اگر معنای خاصّی ندارد، عالمان آن حوزه برای بیان آن مفهوم از واژه‌ی خاصّی

استفاده کرده و می‌کنند. در محدوده‌ی این معنا می‌توان واژه‌های دیگری را نیز جای داد که موضوع و محور احکام و مباحث هر یک از این علوم قرار می‌گیرند.

بنابراین، واژه‌ی «اصطلاح» در این کتاب شامل موارد زیر می‌گردد:

۱ - واژه‌هایی که در حوزه‌ی هر یک از رشته‌های مختلف علوم اسلامی، دارای معنای خاصی غیر از معنای لغوی آنها است.

۲ - واژه‌هایی که در عرف عالمان رشته‌ی خاصی از علوم اسلامی تداول بسیار دارند، هرچند دارای معنای اصطلاحی ویژه‌ای نیستند.

۳ - واژه‌هایی که محور و موضوع احکام و مباحث یک علم واقع می‌شوند، اگرچه معنای اصطلاحی خاصی ندارند.

در این جا لازم است این نکته را یادآور شویم که با توجه به تداخل و هم‌پوشی برخی از رشته‌های علوم مورد نظر با یک‌دیگر از یک سو، و کاربرد برخی از واژه‌ها در معانی خاص از سوی برخی از ارباب علوم از سوی دیگر، نمی‌توان اصطلاحات برخی از رشته‌های علوم اسلامی را کاملاً از هم تفکیک و مرز دقیقی میان آنها مشخص کرد. از این رو، به‌ناچار تعدادی از مدخل‌ها در برخی از رشته‌های این مجموعه مانند عرفان و فلسفه، اخلاق و عرفان، اصول فقه و کلام و... تکرار شده است.

مراحل انجام کار

پس از مشخص شدن محدوده‌ی انجام کار و تعیین رشته‌های گوناگون علوم اسلامی مورد نظر، نخست به سراغ شناسایی و گزینش منابع معتبر در هر یک از رشته‌های یاد شده رفتیم.

الف - شناسایی و گزینش منابع

در گزینش منابع، علاوه بر احراز دقت و آشنایی صاحب اثر با مفاهیم و

اصطلاحات حوزه‌ی کار و آشنایی کافی وی با زبان مبدأ و مقصد، که ویژگی همگانی تمام منابع بوده است، اولویت‌های زیر مدّ نظر بوده است.

۱ - شناسایی فرهنگ‌های تخصّصی دوزبانه (فارسی - انگلیسی و عربی - انگلیسی) در زمینه‌ی هر یک از رشته‌های یاد شده.

۲ - شناسایی متونی که در زمینه‌ی هر یک از رشته‌ها، از زبان فارسی و یا عربی به زبان انگلیسی ترجمه شده است.

۳ - شناسایی متونی که در زمینه‌ی هر یک از رشته‌های مورد نظر از ابتدا به زبان انگلیسی نگاشته شده است.

در مواردی که منابع دسته‌ی اوّل و دوّم وافی به مقصود نبود، از منابع دسته‌ی سوّم استفاده شده است.

فهرست منابع هر یک از رشته‌های یاد شده، به تفکیک در پایان هر یک از مجلّدها، نه‌گانه‌ی این مجموعه خواهد آمد.

علاوه بر این، در ارتباط با گزینش منابع، لازم است به نکاتی اشاره کنیم:

۱ - در تدوین و تنظیم نهایی مجموعه‌ی واژگان مربوط به هر یک از رشته‌ها، از ذکر منابع و مأخذی که برای استخراج تک‌تک معادل‌ها مورد استفاده قرار گرفته است، تعدّداً و به دلایل زیر، خودداری کرده‌ایم:

الف - با توجّه به منابع متعدّد و فراوان مربوط به هر یک از رشته‌ها، کدگذاری آن‌ها و ذکر همه‌ی کدها در جلوی هر یک از معادل‌ها چندان خوشایند به نظر نمی‌رسید. مثلاً ممکن بود در مقابل برخی از معادل‌های اصطلاحات عرفانی ناچار شویم که کد بیش از ۳۰ منبع را ذکر کنیم و بدیهی است که چنین کاری جالب به نظر نمی‌آید، هرچند نیک می‌دانیم در پاره‌ای از موارد، ذکر مأخذ و یا مأخذ معادل یک اصطلاح برای مراجعه‌کننده جالب و مفید باشد.

ب - تلاش پدیدآورندگان بر این بوده است که کلیه‌ی معادل‌های

مناسب را در اختیار قرار دهند تا مؤلفان و مترجمان به سلیقه‌ی خود از میان آن‌ها بهترین و مناسب‌ترین را برگزینند. گفتنی است پاره‌ای از معادل‌های استخراج شده که نادرست می‌نمودند، از این مجموعه حذف شده و در پاره‌ای از آن‌ها تغییراتی صورت گرفته است؛ هم‌چنان که در برخی از موارد، با توجه به معادل‌های موجود برای بعضی دیگر از مدخل‌ها معادل ساخته‌ایم.

۲ - با توجه به تطوّر دائمی زبان و هموارتر شدن تدریجی مسیر ترجمه و نگارش متون اسلامی به زبان انگلیسی، و نیز غنی‌تر و دقیق‌تر شدن واژگان علوم اسلامی، در حدّ امکان تلاش گردیده تا منابع گزینش شده، از لحاظ زمانی متنوّع باشد و آثار مترجمان و نویسندگان قدیم و جدید، هر دو مورد استفاده قرار گیرد.

۳ - هم‌چنین تلاش شده است حتی‌الامکان در هر یک از رشته‌های یاد شده، از آثار مترجمان و نویسندگان متعدّد، و با سلیقه‌های گوناگون و دارای ادیان و مذاهب و ملیّت‌های مختلف استفاده شود. این امر می‌توانست بر توان ویراستار در انتخاب معادل‌های مناسب بیفزاید.

۴ - با توجه به این که برخی از رشته‌های علوم اسلامی مورد نظر (مانند فلسفه) دارای مکتب‌های گوناگون هستند، کوشیده‌ایم تا منابع منتخب، ناظر به همه‌ی مکاتب موجود در آن رشته باشد تا واژگان به دست آمده از غنای لازم برخوردار باشد.

۵ - برای دقّت و اتقان هرچه بیش‌تر کار، سعی گردیده است تا آن‌جا که در امکان بود، کار فیش‌برداری از منابع مربوط به هر یک از رشته‌ها، توسط پژوهش‌گران متعدّد انجام شود، تا مبدا اصطلاحی از قلم بیفتد.

ب- واژه‌گزینی

پس از شناسایی منابع معتبر مورد نظر، کار واژه‌گزینی و استخراج

مدخل‌ها و معادل‌ها آغاز شد. همان‌گونه که پیش از این یادآور شدیم کار واژه‌گزینی در اولویت اول مبتنی بر استفاده از فرهنگ‌های تخصصی دوزبانه و در اولویت دوم مقابله‌ی متون فارسی و عربی با ترجمه‌ی انگلیسی آن‌ها بوده است.

پس از انجام فیش‌برداری و استخراج مدخل‌ها و معادل‌ها از منابع دسته‌ی اول و دوم، در صورتی که موارد استخراج شده ناکافی تشخیص داده می‌شد، برای تکمیل کار به منابع دسته‌ی سوم مراجعه می‌شد. در این راستا، از طریق:

(۱) مطالعه‌ی اثر مورد نظر از ابتدا تا انتها و استخراج کلیه واژه‌ها و پیدا کردن معادل فارسی آن‌ها (بعضاً با مراجعه به فرهنگ‌های معتبر انگلیسی-فارسی)؛

(۲) مراجعه به ایندکس و نمایه‌ی موضوعی کتاب‌ها؛

(۳) کمک گرفتن از آوانویسی اصطلاحاتی که در کنار آن‌ها ذکر شده است. هرچند منابع مورد استفاده، از قبل بر اساس موضوعات مورد نظر از یک‌دیگر تفکیک شده بود، ولی به هنگام فیش‌برداری از منابع اختصاصی هر یک از رشته‌ها، به منظور هر چه غنی‌تر کردن واژگان دیگر رشته‌ها، در صورتی که به اصطلاحات مربوط به دیگر رشته‌ها برخورد می‌شد، آن‌ها نیز استخراج می‌گردید.

به هر حال، به همت تنی‌چند از پژوهش‌گران کار فیش‌برداری و واژه‌گزینی از ۳۰۰ اثر به زبان فارسی، عربی و انگلیسی (مربوط به رشته‌های نه‌گانه‌ی این مجموعه)، بیش از ۲ سال به طول انجامید و در پرتو آن، حدود ۷۵,۰۰۰ مدخل به همراه معادل‌های آن‌ها به دست آمد.

ج- ویرایش

پس از به انجام رسیدن کار واژه‌گزینی، انجام پاره‌ای اصلاحات، هم در

ناحیه مدخل‌ها و هم در ناحیه‌ی معادل‌ها ضروری می‌نمود. مهم‌ترین کارهایی که در این مرحله در مورد اصطلاحات عرفانی صورت گرفته به اختصار عبارت است از:

الف - در ناحیه‌ی مدخل‌ها

۱ - حذف مدخل‌های نامربوط و اضافه کردن آن به مجموعه‌ی واژگان رشته‌های مربوط و یا حذف آن از کل مجموعه در صورتی که مربوط به هیچ‌یک از آن‌ها نبود.

۲ - مراجعه به منابع مربوط، اعم از فرهنگ‌های تخصصی یک‌زبانه، اصطلاح‌نامه‌ها و متون تخصصی و دست یافتن به اصطلاحات از قلم افتاده.

۳ - فارسی‌سازی مدخل‌ها و یکسان‌سازی رسم‌الخط و شیوه‌ی ضبط آن‌ها؛ در این رابطه باید توجه داشت که اساس کار در ناحیه‌ی مدخل‌ها ذکر صورت مفرد اصطلاحات بوده است، ولی در موارد زیر صورت جمع یک اصطلاح نیز آمده است:

الف) در مواردی که صورت جمع یک کلمه خود موضوعیت داشته و اصطلاح به حساب می‌آمده است، اعم از این که کلمه‌ی مورد نظر اصلاً مفرد نداشته باشد و یا اگر دارد، صورت مفرد آن اصطلاح نیست، مانند ابدال، اوتاد و مانند آن.

ب) در مواردی که هم صورت مفرد و هم صورت جمع آن تداول دارند و یا این که صورت جمع معادل یک اصطلاح با شیوه‌هایی غیر از افزودن «s» جمع بسته می‌شوند، مانند متّین [= the godwary]، متوکّین [= the trustful] و...

ج) در مواردی که صورت جمع یک کلمه، معنایی غیر از معنای مفرد آن را دارا باشد، مانند واژه‌ی «صلوات» که علاوه بر این که جمع

«صلاة» است، به معنای «درود بر پیامبر و اهل بیت او (ع)» نیز هست.

۴- در مواردی که برای واژه‌گزینی، بین دو متن مقابله صورت گرفته و نثر متن اصلی، به سبک فارسی قدیم بوده است، برای استفاده‌ی بیش‌تر مترجمان مدخل استخراج شده در نسخه‌ی فارسی - انگلیسی به همان شکل اصلی آن آمده است، هرچند شکل امروزی آن را نیز در جای خود آورده‌ایم.

۵- در مورد واژه‌های مرکب عربی (صفت و موصوف) که در زبان فارسی تداول فراوان دارند، معیار در ضبط املاي آن، همان صورت متداول آن در زبان فارسی بوده است، هرچند از نظر عربی اشتباه باشد. مانند ترکیب‌های اسماء الحسنی، حجرالأسود و مشعرالحرام که صورت صحیح آن الحجر الأسود و المشعر الحرام است.

۶- از اضافه کردن الف و لام در ابتدای مدخل‌هایی که ریشه‌ی عربی دارند و در سیاق متون عربی معمولاً همراه با الف و لام به کار می‌روند اجتناب کرده‌ایم، مانند تمامی اسماء و صفات خداوند. در این گونه موارد تنها به ذکر کلمه‌ی خداوند در جلوی آن‌ها در داخل قلاب [] اکتفا کرده‌ایم. البته در پایان هر دو بخش از کتاب حاضر، اسماء و صفات الهی را به صورت مستقل آورده‌ایم.

۷- از درج صورت فعلی مدخل‌ها (و به تبع، معادل‌ها) خودداری شده است، ولی در موارد معدودی که درج آن‌ها سودمند به نظر آمده با علامت مصدری to مشخص گردیده‌اند.

۸- ترتیب مدخل‌ها طبق حروف الفبا است، ولی در مواردی مانند عالم عالم و نظایر آن که با اختلاف حرکت معانی مختلفی پیدا خواهند کرد، و نیز با وصف‌های متعدد می‌توانند به کار روند، ترتیبی اتخاذ شده است تا پس از ذکر یک مدخل با کلیه‌ی وصف‌های مربوط به آن، مدخل دیگر درج شود.

۹- در نسخه‌ی انگلیسی-فارسی برای سهولتِ دست‌یابی به واژه‌ها و کارایی هر چه بیش‌تر این فرهنگ، ترکیب‌های وصفی علاوه بر درج آن‌ها به ترتیب الفبایی، در ذیل مدخل اصلی (موصوف) مربوط به عنوان مدخل فرعی که با تورفتگی مشخص گردیده درج شده‌اند.

۱۰- در نسخه‌ی انگلیسی-فارسی، برای یک‌نواختی ترتیب الفباییِ مدخل‌ها، حرف تعریف the و علامت مصدری to به آخر آن‌ها انتقال یافته و در ترتیب الفبایی به حساب نیامده‌اند.

۱۱- هم‌چنین در این نسخه مدخل‌هایی که با حروف بزرگ نوشته می‌شوند و تفاوت معنایی و یا کاربردی دارند، هم‌چون Good, Eminent به عنوان مدخل مستقل درج شده‌اند.

ب- در ناحیه‌ی معادل‌ها

۱- بررسی صحت و سقم هر یک از معادل‌ها و حذف معادل‌های ناصحیح، جای‌گزینی معادل‌های صحیح و احیاناً تصحیح آن‌ها.

۲- کنترل معادل‌هایی که لازم است در ابتدای آن‌ها حرف تعریف «the» اضافه شود.

۳- بررسی و تصحیح و یکسان‌سازی مواردی که لازم است حرف نخست معادل‌ها بزرگ [capital] باشد.

۴- در مواردی که معادل یک مدخل واژه‌ای دخیل، اعم از لاتین، عربی و غیره بوده است، کلمه‌ی مورد نظر به صورت ایتالیک نگاشته شده و در صورت لزوم آوانویسی شده است.

۵- در مواردی که در مقابل یک مدخل بیش از یک معادل ذکر گردیده است، ترتیب معادل‌ها صرفاً بر اساس رعایت حروف الفبا بوده است نه اولویت آن‌ها.

۶- در مواردی که املاي یک واژه در زبان انگلیسی بریتانیایی و

انگلیسی آمریکایی متفاوت بوده است، انگلیسی بریتانیایی را ترجیح داده‌ایم.

تذکر یک نکته در این جا لازم می‌نماید و آن این که با توجه به بار معنایی بسیاری از اصطلاحات و نارسایی معادل‌های آن‌ها در زبان انگلیسی (و نیز در دیگر زبان‌ها)، امروزه بسیاری از پژوهش‌گران و مترجمان برجسته، در بسیاری از موارد همراه با معادل‌های انگلیسی اصطلاحات، صورت آوانویسی شده‌ی آن‌ها را نیز ذکر می‌کنند. استفاده از صورت اصلی اصطلاحات کلیدی که تا حدودی در همه‌ی زبان‌ها امری متداول است می‌تواند در تثبیت هرچه بیشتر کلیدواژه‌های علوم اسلامی و گسترش فرهنگ غنی اسلام نقش مهمی را ایفا کند.

در پایان، یادآور می‌شود به رغم کوشش‌های فراوانی که در جهت ارائه‌ی هر چه بی‌عیب و نقص‌تر کتاب حاضر به عمل آمده، بدون شک حاصل کار خالی از ضعف و کاستی نیست و این امر با توجه به نبودن کار معادل‌گذاری اصطلاحات علوم و معارف اسلامی هرچند غریب نمی‌نماید، ولی هر از چندگاه بازنگری و تجدیدنظر و توسعه‌ی کمی و کیفی مدخل‌ها و معادل‌های ارائه شده را می‌طلبد. امید است بتوانیم در این راستا با استفاده از نقطه‌نظرها، پیشنهادها و انتقادهای سازنده‌ی همه‌ی فرهیختگان و صاحب‌نظران در چاپ‌های بعدی از نقاط ضعف کار بکاهیم و بر نقاط قوت آن بیفزاییم. انشاءالله.



نخستین مجلد از این مجموعه که به اصطلاحات عرفان اسلامی اختصاص دارد، در بخش فارسی - انگلیسی حدود ۶۵۰۰ مدخل و ۱۲۰۰۰ معادل و در بخش انگلیسی - فارسی حدود ۹۵۰۰ مدخل و ۱۳۰۰۰ معادل را در خود جای داده است.

مدخل‌ها و معادل‌های به دست آمده حاصل فیش‌برداری از حدود ۷۰ عنوان کتاب، اعمّ از فرهنگ‌های اصطلاحات تخصصی دوزبانه و متون عرفانی است که از زبان فارسی و یا عربی به زبان انگلیسی ترجمه شده و یا از ابتدا به این زبان نگاشته شده است. پدیدآورندگان این منابع، عمدتاً دانشمندان و اسلام‌شناسان دنیای غرب و از مترجمان بنامی هستند که سال‌ها در زمینه‌ی عرفان و تصوّف قلم زده و آثاری را ترجمه کرده‌اند و چهره‌های سرشناسی هم‌چون سید حسین نصر، هانری گربن، رینولد نیکلسون، ویلیام چیتیک، حامد الگار، آرثور آبربی، تیتوس بورکهارت، مارتین لینگز و... در میان آنان به چشم می‌خورد. مشخصات کتاب‌شناختی منابع یادشده در پایان فرهنگ آمده است.

تقدیر و تشکر

در این جا بر خود لازم می‌دانم که از تمامی کسانی که در پدید آوردن این اثر ایفای نقش نموده‌اند، به‌ویژه همکاران گرامی که در گردآوری اوّلیه‌ی واژه‌ها زحمت مقابله‌ی متون را بر خود هموار ساخته‌اند، خصوصاً جناب آقای دکتر حسینعلی شیدانشید که برای تکمیل مدخل‌های عرفان نظری و تصوّف زحمت مضاعفی را متحمّل شده‌اند صمیمانه تشکر و قدردانی کنم. هم‌چنین این بنده وظیفه‌ی خود می‌داند مراتب سپاس و امتنان خود را از استاد گران‌قدر جناب آقای دکتر مصطفی ملکیان که با راهنمودها و نکته‌سنجی‌های خود ما را یاری رسانده‌اند و نیز از دانشمند محترم جناب آقای دکتر سید حسین نصر که در مراحل پایانی کار مجموعه‌ی حاضر را به رغم تمامی اشتغالات علمی از نظر گذرانده و با اصلاحات و افزوده‌های خویش بر ارزش کار افزوده‌اند ابراز داشته و توفیق آن جنابان را از ایزد مّنان آرزو نمایم. نیز از ناشر محترم جناب آقای محمّد جعفر صدری که با همت بلند خویش به فکر تهیه و تدوین این

مجموعه‌ی عظیم افتادند و با پیگیری‌های مستمرّ خویش کار را به این مرحله رساندند صمیمانه سپاس‌گزارم. توفیق ایشان را در زمینه‌ی نشر معارف دینی و گسترش فرهنگ اسلامی از خدای عزّوجلّ خواهانم.

و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین

سید محمود موسوی

زمستان ۸۱

فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی

water of immortality; water of life	آب حیات
	آب حَيَوَان ← آب حیات
water of Tavern	آب خرابات (کنایه از صفا و یکرنگی)
water of <i>Khidr</i>	آب خضر (نیز ← آب حیات)
	آب زندگانی ← آب حیات
water of favor	آب عنایت (کنایه از رحمت متواتر الاهی)
exalted fathers; high fathers	آباء علوی
dignity; esteem; honour	آبرو
fire	آتش (کنایه از لهیب عشق الاهی)
hell-fire	آتش دوزخ
fire of love	آتش عشق
fire of love	آتش محبت
fire-temple	آتشکده (کنایه از عالم عشق)
effects; traces	آثار
engendered effects;	آثار کونیّه
existential effects	
	آثم ← گناه کار
hereafter	آجل (= آخرت)

the Last	آخر [خداوند]
last days	آخر الزمان
hereafter; next world;	آخرت
ultimate life; the world to come	
disciplines; manners; moral rites	آداب
qualities; morals;	
religious duties of Islam	آداب الاسلام
internal disciplines; internal rules	آداب باطنی
manners of Sufi monastery	آداب خانقاه
rules of ascetic discipline	آداب ریاضت
manners of sheikh	آداب شیخ
manners of companionship	آداب صحبت
external rules (of discipline)	آداب ظاهری
etiquette	آداب معاشرت
customs	آداب [و رسوم]
Adam of spirits	آدم ارواح
Original Adam	آدم اصلی
Angelic Adam	آدم جبروتی
True Adam	آدم حقیقی
earthly Adam	آدم خاکی
Spiritual Adam	آدم روحانی
man of Angelic World	آدم ملکوتی
man of corporeal world	آدم مملکی
Adam of the age	آدم وقت
Adamic	آدمی [وصف]
composure; equanimity; serenity; tranquillity	آرامش

desire; wish; yearning	آرزو
unending desire; vanity	آرزوی دور و دراز
avarice; covetousness	آز
trial; try	آزمایش
threshold	آستان
sacred threshold	آستان قدس
sky of the Unseen	آسمان غیب
acquaintance; knowledge	آشنایی
dwelling; nest	آشیانه
bosom; embrace	آغوش
horizons; macrocosm; vacant regions	آفاق
blight; harm	آفت
evil of worldly people	آفت اهل زمانه
canker of the soul; evil of the soul	آفت نفس
sun of eternity	آفتاب ازل
sunlight of revelation	آفتاب تجلی
sunlight of the soul	آفتاب جان
sunlight of glory	آفتاب جلال
sunlight of the Truth	آفتاب حق
sunlight of the spirit	آفتاب روح
sunlight of dignity	آفتاب عزت
sunlight of the intellect	آفتاب عقل
sunlight of grandeur	آفتاب کبریا
sunlight of gnosis;	آفتاب معرفت
sunlight of knowledge	
sunlight of existence	آفتاب وجود

sunlight of existence	آفتاب هستی
benefactions; blessings; favours; graces	آلاء
excrement; pollution; stain	آلودگی
polluting	آلودن
	آلهه ← اله
desires; wishes; yearnings	آمال
to be absolved; to be forgiven	آمرزیده شدن
Amen; May it be so	آمین
instantaneous	آنی
song; sound	آواز
sigh	آه
	آیات ← آیه
phenomena of nature	آیات (= نشانه‌ها)
signs upon the horizons	آیات آفاقی
Divine signs; <i>vestigia Dei</i>	آیات الاهی
signs upon the souls; signs (with)in themselves	آیات انفسی
signs of faith	آیات ایمان
clear signs; perspicuous signs	آیات بینات
anthropomorphic signs; signs of similarity	آیات تشبیه
signs of contemplation	آیات تفکر
God's signs; signs of the Truth	آیات حق
traditionally transmitted signs	آیات سمع
signs of the intellect	آیات عقل
signs of knowledge	آیات علم

supreme signs	آیات کبریٰ
ambiguous verses	آیات متشابه
	آیت ← آیه
mirror	آینه
mirror of horizons and souls	آینهٔ آفاق و انفس
mirror of the soul	آینهٔ جان
mirror of beauty	آینهٔ جمال
beauty-displaying mirror	آینهٔ جمال‌نما
God-displaying mirror	آینهٔ خدانما
burnished mirror	آینهٔ صافی
universal mirror	آینهٔ کلّ
mirror of existence	آینهٔ وجود
mirror of existence	آینهٔ هستی
extraordinary event	آیه (= پدیدهٔ خارق‌العاده)
verse	آیه [قرآن]
miracle (of prophet)	آیه (= معجزه)
phenomenon of nature;	آیه (= نشانه)
portent; sign; token	
Light Verse	آیهٔ نور
faith; religion	آیین (= دین)
method; way	آیین (= راه و روش)
custom	آیین (= رسم)
doctrine	آیین (= عقیده)

coalition	ائتلاف
	ائمه ← امام
Leaders of the Names	ائمه اسماء (= امهات اسماء)
Leaders of the Attributes	ائمه صفات
First Father	اب اول (= حقيقت محمدی)
Second Father	اب ثانی
Real Father	اب حقیقی
Father of all things	اب کل
delimited Father; qualified Father	اب مقید
permission	اباحه
antinomism; libertinism	اباحه گری
libertine; licentious	اباحی
antinomians; Libertinists	اباحیه
trial; try	ابتلاء (= آزمایش)
affliction	ابتلاء (= گرفتاری)
bliss; ecstasy; happiness	ابتهاج

bliss of perfection	ابتهاج کمالی
lament	ابتهال
eternity; eternity to come; eternity	آبد [اسم]
without end; post-eternity; post-temporality	
all eternity	ابدالآباد
	ابدالآبد ← ابدالآباد
endless; everlasting	آبدی
act of showing; manifestation; manifesting	ابداء
innovation; original creation; origination	ابداع
(advanced) saints; Substitutes	آبدال
seven Substitutes	آبدال سبعة
the pious; the righteous	ابرار
brow; eye-brow	ابرو (کنایه از حاجب ذات)
virgins of the Unseen World	آبکار عالم غیب
the Devil; <i>diabolus</i> ; Iblis; Lucifer; Satan	ابلیس
full of cunning Iblis	ابلیس پرتلبیس
son of the present state	ابن الحال
man of the moment; son of the moment	ابن الوقت
all-comprehensive son	ابن جامع
wayfarer	ابن سبیل
followers of the truth	ابناء الحقیقة
gateways	ابواب
doors to gratuitous bounty	ابواب تفضل
gateways to proximity	ابواب تقرب
gateways to obedience	ابواب طاعات
doors to Divine Knowledge	ابواب علم الاهی

gateways to luminous chambers	ابواب عُرفات نور
gateways to vision	ابواب مکاشفت
Father of the spirits	ابوالارواح (= حقیقت محمدی)
Father of mankind	ابوالبشر
awe	ابهت
compliance	اتباع
absorption; unification; union	اتحاد
supreme union	اتحاد اعلیٰ
high union	اتحاد عالی
<i>unio mistica</i>	اتحاد عرفانی
vastness	اتساع
Divine vastness	اتساع الاهی
becoming qualified	اتصاف
be joining; joinedness	اتصال (= انفصال)
absorption; connectedness	اتصال (= به هم پیوستن)
connection; junction	اتصال (= پیوند)
attainment	اتصال (= رسیدن)
corporeal union	اتصال جسمانی
imaginative union	اتصال خیالی
visionary union	اتصال شهودی
existential union	اتصال وجودی
being wary	اتقاء
certitude; perfection; solidness	اتقان
dependence on God	اتکال به خدا
affirmation	اثبات (= محو)
effect; mark	اثر

	اثم ← گناه
dualism; duality	اثنینیت
granting	اجابت (= اعطاء ناشی از پذیرش خواهش)
answer; reply; response	اجابت (= پاسخ)
certificate; permission	اجازه
coming together; concentration;	اجتماع
conjunction	
abstinence; keeping away	اجتناب
effort	اجتهاد
recompense; reward	اجر
corporeous bodies; corpses	اجساد
corporeal beings; (corporeal) bodies	اجسام
bodies of fire	اجسام ناری
bodies of light	اجسام نوری
end	اجل (= پایان)
appointed hour; appointed	اجل (= سرآمد)
time; term	
life span; portion	اجل (= مدت حیات)
end of life; lease of life;	اجل (= وقت مرگ)
moment of death; one's time	
man's term	اجل آدمی
a named term	اجل مسَمّی
instantaneous death;	اجل ناگهانی (= مرگ مفاجات)
sudden death	
glorification	اجلال
undifferentiated mood	اجمال

in summary fashion; in	به نحو اجمال
undifferentiated mode	
prophetic sayings; traditions	احادیث
sacred sayings; sacred traditions	احادیث قدسی
encompassing knowledge;	احاطه (= علم کامل)
total knowledge	
covering; embracing; encompass;	احاطه (= محیط بودن)
encompassing; encompassment	
perfect encompassing	احاطه تام
imperfect encompassing	احاطه غیر تام
sovereign encompassment	احاطه قیومی
friends	احباء
beloved ones	احباب (= یاران)
concealment; veiling	احتجاب (= تجلی)
abstinence	احتراز
burning	احتراق
courtesy; veneration	احترام
pomp	احتشام
precaution	احتیاط
the Alone; the One; the Unique	آحد [خداوند]
Unity of the One	احدیّت احد
Unity of the States	احدیّت احوال
Unity of the Names	احدیّت اسماء
Unity of the Dependence	احدیّت تعلّق
Unity of the Bringing Together	احدیّت جمع
Unicity; Unity	احدیّت [خداوند]

Unity of the Essence	احدیّت ذات
Unity of the Entity	احدیّت عین
Unity of multiplicity; Unity of the Manyess	احدیّت کثرت
Unity of the Word	احدیّت کلمه
Unity of the Will	احدیّت مشیّت
the free; nobles	احرار
beneficence; benevolence; doing good; doing the beautiful; donation; generosity; goodness; kindness; virtue; well doing	احسان
spiritual virtue	احسان [مرحله‌ای پس از اسلام و ایمان]
perfect worship; sincerity in worship	احسان [در عبادت]
evocation; summoning	احضار
evocation by heart	احضار قلبی
properties	احکام (= آثار)
rules of the Truth	احکام حقیقت (≠ احکام شریعت)
rules of Law	احکام شریعت
decrees of fate and destiny	احکام قضا و قدر
	احوال ← حال
revival; revivification	احیاء
to keep up awake	احیاء داشتن
to revive; to revivify	احیاء کردن
bringing of the dead to life;	احیاء مردگان
restoring the dead to life; resurrection	احیاء موتی ← احیای مردگان

bringing news; report-giving	اخبار
Divine reports	اخبار الاهی
trial; try	اختبار (= آزمایش)
confinement; specification	اختصاص
election	اختصاص (= کسب)
hiddenness; occultation	اختفاء
intercourse; mixture	اختلاط
intercourse with men	اختلاط خلق
diversity in states	اختلاف احوال
ego-centric-willing; free will;	اختیار (= آزادی عمل)
self-willing	
choosing; option; selecting	اختیار (= انتخاب)
on one's will; optional;	اختیاری
volitional; voluntary	
Divine punishing	اخذ الاهی (= مؤاخذہ)
taking of the Covenant	اخذ میثاق
other-worldly; pertaining to the afterlife	آخروی
admonition	اخطار
concealment	اخفاء (= اظهار)
the most hidden	اخفی
devotion; faithfulness; purifying one's	اخلاص
self; purity; sincere consecration;	
sincere devotion; sincerity	
ethics; manner of character;	اخلاق
morality; moral traits	
character traits of God	اخلاق الاهی

	اخلاق اللہ ← اخلاق الاهی
morals of paganism	اخلاق جاہلی
good morals	اخلاق خوب
bad character qualities	اخلاق رذیلہ
virtues	اخلاق فاضلہ
commendable characteristics;	اخلاق محمودہ
virtuous character	
good morals	اخلاق نیک
brothers	اخوان
Brethren of Purity; Brothers of	اخوان الصفا
Pure heart	
brotherhood of catharsis	اخوان تجرید
brotherhood	اخوت
the chosen	اخیار (= برگزیدگان)
the good; the righteous	اخیار (= نیکان)
discharge; fulfilment	اداء
code of conduct; comportment; correct attitude	ادب
towards God; correct behavior; correctness	
of manner; courtesy; decorum; discipline;	
(good) manners; politeness; proper conduct;	
right conduct; rule of conduct; spiritual	
comportment; training in good conduct	
culture	ادب (= فرهنگ)
courtesy of the Truth	ادب حق
courtesy of service	ادب خدمت
courtesy according to the Law	ادب شریعت

the courteous	ادباء (= اهل ادب)
misfortune	ادبار (≠ اقبال)
general knowledge;	ادراک اجمالی
undifferentiated knowledge;	
vague perception	
inner perception	ادراک باطنی
self-evident perception	ادراک بدیهی
differentiated perception	ادراک تفصیلی
intuitive perception	ادراک ذوقی
external perception; sense	ادراک ظاهری
perception	
evident hierophanic	ادراک واضح و جلّی
knowledge	
claim; pretence; pretension	ادّعا
	ادعیه ← دعا
presumptuousness	ادلال [مقام]
courteous	ادیب
Divine man of courtesy	ادیب الاهی
lover's master	ادیب عشق
	اذکار ← ذکر
misguiding	اذلال
authority; permission	إذن
God's permission; leave of God	إذن الله
display	ارائه
benevolence; devotion;	ارادت
discipleship	

act of will(ing); desire; normative	اراده
will; volition; wanting; will	
Eternal Will	اراده ازل
Divine Will	اراده الاهی
resolve; to intend; to will	اراده کردن
arbitrary will	اراده گزاف
volitional; voluntary;	ارادی (= اختیاری)
willingly	
intentional;	ارادی (= عمدی)
purposeful	
ecstatic men; possessors of	اریاب احوال
spiritual states	
people of specification	اریاب اختصاص
Sufis	اریاب تصوّف
men of piety; the pious	اریاب تقوی
mystics; those who possess	اریاب حال
mystical states	
possessors of spiritual states	اریاب حالات
people of secret	اریاب راز
people of wayfaring;	اریاب سلوک
wayfarers	
wayfarers and	اریاب سلوک و معرفت
gnostics	
possessors of learning;	اریاب علوم
possessors of the sciences	
men of learning	اریاب فضل

holy men	اریاب قدسی
the magnanimous; people of the hearts	اریاب قلوب
lords of liberality	اریاب کرم
those engaged in the inner spiritual warfare; votaries of self-mortification	اریاب مجاهدت
men of chivalry	اریاب مروّت
mystics; possessors of spiritual realities	اریاب معانی
possessors of unveiling	اریاب مکاشفه
possessors of ecstasies	اریاب مواجید
the perspicacious and experienced	اریاب نظر و تجارب
men of the Path	اریات طریقت
possessors of ecstasy	اریاب وجد
high-minded persons; men of noble aspiration	اریاب همّت
forty days (of spiritual retreat)	اربعینّیات
communication; communion; relationship	ارتباط
communication with God; relationship to God	ارتباط با خدا
to be nourished; to receive provision	ارتزاق کردن
the Most Compassionate of the compassionate	ارحم الراحمین [خداوند]
sending (forth) the messengers	ارسال رسل
guidance; instruction	ارشاد
celestial Earth	ارض ملکوت
elements; pillars	ارکان

Four Pillars	ارکان اربعه (= اوتاد اربعه)
articles of faith	ارکان ایمان
Pillars of the religion	ارکان دین
Pillars of the Law	ارکان شرع
principle of purification	ارکان طهارت
Let me see	اَرِنی
	ارواح ← روح
particular souls; particular spirits	ارواح جزئیّه
holy spirits	ارواح قدسی
embodied souls; embodied spirits	ارواح متجسّد
fiery spirits	ارواح ناری
luminous spirits	ارواح نوری
<i>irhâs</i> (laying the foundations)	ارهاص (= نوعی خرق عادت)
eternity; eternity without beginning;	ازل
pre-eternity; pre-temporality	
eternity of the eternities; the very eternity	ازلِ اَزال
aveternal; eternal; pre-eternal; primordial	ازلی
eternity; pre-eternity	ازلیّت
dragon; serpent	اژدها (کنایه از نفس امّاره)
bad manners; discourtesy	اسائۀ ادب
captivity	اسارت
secondary causes	اسباب
cause of perturbation	اسباب تفرقه
master; mentor; shaykh; Sufi master	استاد
delight	استبشار
contemplative vision; meditation	استبصار

with insight; seeking insight	
asking for forgiveness; asking	استتابه
for recantation	
occultation; veiling; obscurity	استتار
granting	استجاب (= اعطاء)
	ناشی از پذیرش خواهش)
answering; responding	استجاب (= پاسخ)
preference	استحسان
evocation	استحضار
capacity; right; rightful claim	استحقاق
derision; frivolity; slighting	استخفاف
vicegerency	استخلاف
circularity	استداره
turning back to	استدبار
becoming more remote from God;	استدراج
being led on step by step; Divine	
deception; drawing somebody little	
by little	
invitation; request	استدعا
seeking refuge	استعاذه
metaphorical	استعاری
aid	استعانت
enthraling	استعباد
aptitude; capacity; predisposition	استعداد
to practise abstinence	استعفاف
cry for help	استغاثة

absorbing; engrossment; immersion; total absorption	استغراق
immersive	استغراقی
asking God for forgiveness; asking pardon of God; formula to ask God for forgiveness; petitioning of pardon; seeking of forgiveness	استغفار
to ask pardon; to beg to be forgiven; to seek forgiveness	استغفار کردن
detachment; independence; indifference; needlessness; self-confidence; self-sufficiency	استغناء
rectitude; resistance; righteousness; spiritual steadfastness; steadfastness; straight-for-wardness; uprightness; walking aright	استقامت
inward rectitude	استقامت باطن
outward rectitude	استقامت ظاهر
facing towards	استقبال
rest	استقرار
absolute authority; independence	استقلال
independently; on its own	بالاستقلال
abasement	استکانت
arrogance; pride	استکبار
completion; increase; perfecting; perfection	استکمال
seeking help	استمداد
wailing column (of the Prophet	استن حنّانه

Mosque in Medina)

sitting

استواء

sitting upon the Throne

استواء بر عرش

equanimity

استواء دل

act of derision; derision; sneering

استهزاء

annihilation; destruction

استهلاک

conquest; making oneself master of

استیلاء

Dominion

استیلاء [خداوند]

night journey of the Prophet (from

إسراء

Mecca to Quds); spiritual journey

Divine Secrets

اسرار الاهی

secret thoughts

اسرار (= اندیشه‌های نهانی)

Divine Mysteries; Divine Secrets

اسرار خداوند

mysteries; secrets

اسرار (= رازها)

Divine Mysteries

اسرار ربّانی

esoteric meaning of rites;

اسرار عبادات

mysteries of worship

hidden mysteries of the

اسرار مکنون غیب

World of the Unseen

Seraphiel

اسرافیل

four journeys

اسفار اربعه

اسفار چهارگانه ← اسفار اربعه

the lowest depth of degradation;

اسفل السّافلین

the lowest hell; the lowest of the low

rejection of all accessories

اسقاط الاضافات

the greatest (Divine) Name;

اسم اعظم

the greatest Name (of God); the Highest Name; Supreme Name esoteric name	اسم باطن
all-comprehensive Name	اسم جامع (= اسم اعظم)
hidden name	اسم خفی
external name; manifest name	اسم ظاهر
Name of the Name	اسم الاسم
Names	اسماء
Names for enumeration	اسماء احصاء
Names of Divine Acts	اسماء افعال
Divine Names	اسماء الاهی
particular Divine Names	اسماء الاهی جزئی
universal Divine Names	اسماء الاهی کلی
	اسماء الحسنیٰ ← اسماء حسنیٰ
immanent Names of God	اسماء تشبیہی خداوند
Names for magnification	اسماء تقدیس
Names for declaring incomparability	اسماء تنزیہ
transcendent Names of God	اسماء تنزیہی خداوند
Names of Majesty	اسماء جلال
Names of Beauty	اسماء جمال
	اسماء چهارگانه الاهی ← امّہات اسماء
God's most Beautiful Names;	اسماء حسنائی خداوند
the most Beautiful Names of God	
Beautiful Names; the Most	اسماء حسنیٰ
Beautiful Names; the most perfect	
Names; Names of perfection	

creaturely Names	اسماء خَلْقِيَّه
Names of the Essence	اسماء ذات
Lordly Names; Names of suzerainty	اسماء ربوبی
qualitative Names	اسماء صفات
accidental names; Names indicating accidents	اسماء عَرَضِي
Names of severity	اسماء قهر
Names of Gentleness; Names of Mercy	اسماء لطف
(Divine) Names and Attributes;	اسماء و صفات
Names and Qualities	
Names of the Names	اسماء الاسماء
example; exemplar	اسوه
a good example; an excellent	اسوه حسنه
exemplar; a perfect model	
	اشارات ← اشاره
peculiar symbolism; subtle allusions	اشارات لطیف
allegory; allusion; allusive	اشارات
meaning; indication; mystic sign	
advice	اشارات (= توصیه)
allegory; indication; symbol;	اشاره
symbolic allusion; symbolic utterance	
allusion	اشاره (≠ تفسیر)
advice	اشاره (= توصیه)
sharing in names; sharing of Names	اشتراک در اسم
sharing of terminology	اشتراک در لفظ
sharing in expression;	اشتراک لفظی

sharing in verbal form	
desire; enthusiasm; longing; yearning	اشتياق
brilliance; dawning; effusion of light;	اشراق
illumination; raying-out of light	
Illuminationists	اشراقيان
the most noble of all creatures	اشرف مخلوقات
the most wretched	اشقى الاشقياء
the damned; the wicked; the wretched	اشقيا
attestation; witnessing; causing to witness	اشهاد
Fingers of the All-Merciful	اصابع الرحمن
companions; disciples; folk	اصحاب
possessors of spiritual states	اصحاب احوال
folk of allusion	اصحاب اشارات
	اصحاب افكار ← اهل فكر
folk of first degrees; people	اصحاب بدايات
of first degrees	
Companions of the Prophet	اصحاب پیامبر (ص)
companions of theophany;	اصحاب تجلی
companions of the Self-Disclosure	
Sufis	اصحاب تصوّف
preachers of God's Unity	اصحاب توحید
polemicists	اصحاب جدل
folk of Bringing Together;	اصحاب جمع
people of Bringing Together ¹	
folk of the Garden;	اصحاب جنت
people of the Garden	

folk of the Fire; people of the Fire	اصحاب جہنم
those on the left	اصحاب چپ
traditionalists	اصحاب حدیث
folk of disagreement;	اصحاب خلاف
people of disagreement	
people of the heart	اصحاب دل
those on the right	اصحاب راست
Companions of the Messenger	اصحاب رسول
formalists	اصحاب رسوم
folk of the spiritual concert;	اصحاب سماع
people of the Hearing	
people of the secret	اصحاب سرّ
people of intoxication	اصحاب سکر
people of the Law	اصحاب شریعت
the wicked	اصحاب شقاوت
Companions of the Left (Hand)	اصحاب شمال
arithmeticians	اصحاب عدد
disciples of the rational intellect;	اصحاب عقول
perfect among the Sufis	
folk of the spiritual chivalry;	اصحاب فتوّت
people of the Chivalry	
folk of revelation	اصحاب فتوح
folk of the hearts; people of	اصحاب قلوب
the hearts; the perfect among the Sufis	
folk of strength; people of strength	اصحاب قوّت
folk of the charismatic act;	اصحاب کرامت

people of the charismatic act	
folk of generosity;	اصحاب کرم
people of the generosity	
folk of visions; people	اصحاب کشف و شهود
of the visions	
theologians	اصحاب کلام
people of ingenuity;	اصحاب کیاست
people of sagacity	
people of inner spiritual warfare;	اصحاب مجاهدت
votaries of self-mortification	
folk of visions; people of the visions	اصحاب مشاهدات
folk of the inner realities;	اصحاب معانی
people of the inner realities	
folk of the inner discoveries;	اصحاب مکاشفات
people of the visions	
folk of the Fire; people of the Fire	اصحاب نار
Companions of the Prophet	اصحاب نبی (ص)
folk of considerative thinking;	اصحاب نظر
people of considerative thinking;	
people of reason; rational theoreticians	
authorities in the transmission of <i>Ḥadīth</i>	اصحاب نقل
folk of the last degrees;	اصحاب نہایات
people of the last degrees	
ecstatics	اصحاب وجد
people of revelation	اصحاب وحی
people of certainty	اصحاب یقین

Companions of the Right (Hand)	اصحاب یمین
choice; choosing; election	اصطفاء (= برگزیدن)
terminology	اصطلاح
being consumed; loss of	اصطلام (= وُلّه وارد بر
consciousness; passion	قلب و مسلط بر آن)
intimates	اصفیاء
principle; root; stock	اصل
Divine root	اصل الاهی
amelioration; conciliation; establishing	اصلاح
peace; establishing wholesomeness; making	
whole; making wholesome; putting in order	
creating concordance among men	اصلاح بین مردم
compromising disputes among	اصلاح ذات البین
people; reconciliation between	
Muslims; settling disputes	
greater advantage; the greatest	اصلح
advantage; more befitting; the most befitting	
idols	اصنام
principles of faith	اصول اعتقادی
dogmatics; fundamentals of religion;	اصول دین
principles of religion; roots of	
religion; true principles of religion	
attributions; correlations;	اضافات (= عین وجود)
relationships	
attribution; correlation	اضافه (= عین وجود)
agitation; being distraught; distraction;	اضطراب

trembling; vacillation	
confused dreams	اضغاث احلام (= خواب‌های آشفته)
more misguided	اضلّ
leading astray; misguidance	إضلال
complying; obedience	اطاعت
infants of the Path	اطفال طریقت
application; ascription	اطلاق (= اسناد)
absoluteness; nondelimitation;	اطلاق (= مطلق بودن)
unboundedness	
in a nondelimited sense	على الاطلاق
absoluteness of being;	اطلاق وجود
unboundedness of being	
assurance; resting; serenity; tranquillity	اطمینان
calmness of the heart; tranquility	اطمینان قلب
of the heart	
aspects; grades	اطوار
conditions of man	اطوار بشریّت
aspects of heart; conditions of heart	اطوار دل
making apparent; manifestation;	اظهار
manifesting	
to show self-conceit	اظهار رعونت نفس
great ones; outstanding men	اعاظم
crossing over	اعتبار
metaphorical interpretation;	اعتبار (≠ تفسیر)
taking heed	
equilibrium	اعتدال

pleading of excuses	اعتذار
to confess; to realize	اعتراف کردن
cling; holding fast	اعتصام
belief; believing; faith	اعتقاد
articles of faith; beliefs	اعتقادات
devotions; pious retirement; prayer in seclusion; (religious) retreat; retiring into a mosque for devotion; retreating into seclusion; seclusion in mosque; spiritual retirement; spiritual retreat	اعتکاف
confidence; reliance	اعتماد
Divine concern	اعتناء الاهی
inimitability; miracle	اعجاز
spiritual brides	أعراس (= تجلیات روحانی الاهی)
turning away from the Truth	اعراض از حق
renunciation of the self	اعراض از نفس
the Heights	اعراف
dignity; honour; might	اعزاز
bestowal; granting	اعطاء
ancestors; heels	اعقاب
signposts; waymarks	أعلام
knowledge-giving	إعلام
signposts of the Unseen	أعلام غیوب
the most exalted; supreme	اعلیٰ
the highest of heavens; the highest of the high; supreme zenith	اعلیٰ علیّین

acts; deeds	اعمال
agents	اعوان
crookedness	اعوجاج
	اعیان ← عین
archetypes of the names; entities of the names; essences of the names	اعیان اسماء
archetypes; eternal hecceities;	اعیان ثابتہ
eternal <i>hexeities</i> ; fixed entities; immutable	
archetypes; immutable entities; immutable	
essences; permanent archetypes;	
unalterable essences	
entities of the attributes	اعیان صفات
multiple essences	اعیان کثیرہ
engendered beings;	اعیان کوئیہ (≠ اعیان ثابتہ)
existentiated essences	
allurement; seduction; temptation	اغراء
desires; interests; motives	اغراض
worldly desires	اغراض دنیوی
selfish motives	اغراض نفسانی
allurement; enticing; seduction; temptation	اغوا
intruders; others; outsiders;	اغیار
strangers; unrelated people	
diffusion; effusion; emanating;	افاضہ
emanation; flowing; issuance;	
pouring; pouring forth	
abasement	افتادگی

calumny; slandering	افترا
scattering; separation	افتراق
being in want of God; dependence; indigence; need; neediness; state of being dependent on God	افتقار
individual Sufis	افراد
working corruption	افساد
depressed nature; sluggish nature; sluggishness	افسردگی طبع
divulging of secrets	افشاء سرّ
Divine Acts	افعال الاهی
horizon	افق
annihilating	افناء
subsistence through God	اقامت به حقّ
advance; advancing; approach; welcome	اقبال
following; imitation	اقتدا
authority	اقتدار
confession (of faith); confirming; professing	اقرار
Poles	اقطاب
Muhammadian Poles	اقطاب محمدی
great ones	اکابر
the elder Sufi; the foremost	اکابر صوفیّه
among the Sufis; the great Sufi	
the Great; the Greatest	اکبر [خداوند]
becoming draped	اکتساء
acquisition	اکتساب

satisfaction	اكتفا
bounty; generosity	إكرام
abhorrence	اكراه
the Most Generous of the Generous	اكرم الاكرمين [خداوند]
elixir	اكسير
grand alchemy; great elixir	اكسير اعظم
elixir of the Law	اكسير شريعت
elixir of gnostics	اكسير عارفان
	اكوان ← كُون
dense engendered beings	اكوان كثيفه (= اشياء عالم حس)
subtle engendered beings	اكوان لطيفه (= اشياء عالم مثال)
Divine	الاهى
divine sciences; Divine things; theology	الاهيات
Divine ones; mystical theosophists; mystics; theosophers	الاهيُون
intellects; people of inner vision	آلباب
seeking refuge with; solicitation	التجاء
enjoyment	التذاذ
concern	التفات
compulsion	الجباء
entreaty; nuisance	الحاح
atheism; denying God; deviation; doubting God's existence; heresy	الحاد
atheistic	الحادى
obligatory	الزامى

the Primordial Covenant	آلست (= عهد ازلی)
hidden graces	الطاف خفیّه
the exhalations of Dominical	الطاف ربّانی
Favour; Lordly graces	
cancellation	الغاء
affinity; companionship; familiarity; intimacy	الفت
casting; casting away; expulsion; instruction	القاء
Divine inspiration	القاء الاهی
Satanic suggestion	القاء شیطانی
angelic inspiration	القاء مَلَکی
fiery inspiration; inspiration	القاء نارِی (= القاء جنّی)
of the jinn	
pain	آلم (≠ لذّت)
divinity	الوّه
Divine nature; divinity; Godhead	الوهیّت
deity; god	اله
God	اله [خداوند]
(Divine) inspiration; God's	الهام
inspiration; inspiration; minor revelation;	
teaching through Divine inspiration	
Divine inspiration	الهام حقّ
Divine inspirations; Lordly inspirations	الهامات ربّانی
inspirationists	الهامیان
Elias	الیاس (کنایه از قبض)
Mecca; Mother of the Cities	امّ القری
Archetypal Book; Mother of the Book	امّ الکتاب

mother of wisdom;	امّ حکمت (= معرفت نفس)
source of wisdom	
mother of all woes;	امّ الخبائث (کنایه از شراب)
mother of iniquities	
possession of command	إِمَارَت
commanding	امّاره
commanding to evil	امّارة به سوء
head; Imam; leader of the	امام
Muslim community; prototype	
esoteric Imam	امام باطن
exoteric Imam	امام ظاهر
the Hidden Imam	امام غایب
manifest Imam	امام مبین
infallible Imam	امام معصوم
awaited Imam; expected Imam	امام منتظر
direction of the religious	امامت امّت
community; leadership of the religious	
trust	امانت
trust of knowledge	امانت معرفت
wishes	امانیّ
community of Islam; community of	امّت
Muslims; nation; people; religious community	
the beastly community; community	امّت بهیمه
of dumb beast	
community of love	امّت عشق
conforming	امتثال

ordeal; test; testing; trial	امتحان
commingling; mixture	امتزاج
self-restraint	امتناع (= خودداری)
compassion; free gift; gratuitous kindness	امتنان
likenesses; parables	امثال
effacement of self; self effacement	امحاء نفس
assistance; Divine assistance; help	امداد
bidding; command; commanding;	امر
commandment; injunction; order	
affair; command	امر (≠ خلق)
Command of the Desire	امر ارادی
eternal command	امر ازلی
Divine Command; Divine <i>Fiat</i> ; Divine order	امر الهی
"Be" of existentiatio; Command of Creation	امر ایجاد
command of revealed Law;	امر تشریعی
revealed command	
command by intermediary;	امر تکلیفی
prescriptive command	
command without	امر تکوینی (= حکم تکوینی)
intermediary; engendered command;	
existential command	
hidden commandment	امر خفی (= حکم خفی)
Divine Affair	امر ربّانی
commandment of the Law	امر شرع (= حکم شرع)
intelligible being; intelligible entity	امر معقول
blights of states; diseases of states	امراض احوال

blights of beliefs; diseases of beliefs	امراض اعتقادات
blights of deeds; diseases of deeds	امراض افعال
blights of sayings; diseases of sayings	امراض اقوال
the bodily diseases; physical illnesses	امراض بدن
psychological illnesses; soul's sicknesses	امراض نفس
Command of God	امرالله
abstinence	امساک
ratification	امضاء
	امل ← آرزو
dictation	املاء
peace; safety; security; tranquillity	امن
heads of craft guilds; trustees;	اُمَناء
the trustworthy; the trusty	
	امنیّه ← آرزو
nonexistent entities; nonexistent matters; nonexistent qualities	امور عدمی
existential entities; ontological entities; ontological qualities	امور وجودی
major categories; mothers	امّهات
Leaders of the Names; Mothers of (Divine) Names	امّهات اسماء
mothers of realities;	
sources of realities	امّهات حقایق
low mothers	امّهات سُفلی
postponing	امهال
illiterate; unlettered	اُمّی

hopeful	امیدوار
hope of union	امید وصال
trustee; trustworthy; trust	امین
I am God; I am the Truth	انا الحق
conversion; recurrence; repeated	اتابه
turning; repentance; returning; returning to God; turning	
egoism; narcissism; self assertion; selfishness	انانیّت
amiability; deployment; expansion; extension;	انبساط
gladness; joy; slackness of demeanor	
informality	انبساط (≠ تکلف)
to become expansive; to relax	انبساط یافتن
excitement; issuing forth; motivation	انبعاث
prophets among the friends;	انبیاء اولیاء
prophets of the saints	
awakening; waking up	انتباه
to abstract; to draw away	انتزاع کردن
passage; transfer	انتقال
spiritual affinity; spiritual attraction	انجذاب روحی
deviation; disequilibrium	انحراف
decadence	انحطاط
being wrapped; interpolation	اندراج
advice	اندرز
distress; grief; sorrow	اندوه
warning	انذار
causing to descend	انزال

solitude	انزوا
affability; attachment; familiarity;	أنس
intimacy; intimate familiarity	
intimacy with God	أنس با خدا
human being; man	انسان
	انسان ارفع ← انسان کامل
original man; primordial man	انسان اصلی
	انسان اوّل ← انسان کامل
complete man	انسان تامّ
real man; true man	انسان حقیقی (نیز ← انسان کامل)
animal human being	انسان حیوان (≠ انسان کامل)
microanthropos; microcosm;	انسان صغیر
small human being	
virtuous man	انسان فاضل
Ancient Man; Primordial Man	انسان قدیم
<i>anthropos teleios</i> ; Perfect Man;	انسان کامل
Universal Man	
great human being; Great Man;	انسان کبیر
macroanthropos; macrocosm	
universal man	انسان کلّی
absolute man; generic man	انسان مطلق
humanity	انسانیت
disinterestedness	انسلاخ (= قطع علائق)
configuration; creation	انشاء
expansion of the breast; expansion	انشرح صدر
of the chest; openness of spirit	

equitable balance; equitableness; to be just	انصاف
nurturing of equity	انصاف پروری
separation after unification	انصداع (= فرق بعد از جمع)
breaths of the creatures	انفاس خلایق
breaths of men	انفاس خلق
fragrant tidings	انفاس خوش
holy breaths	انفاس قدسی
isolation; separateness	انفراد
selves; souls	أنفُس
parting; separateness; separation	انفصال
being acted upon; passivity; receptivity	انفعال
contraction	انقباض
cut-off; detachment; devotion	انقطاع
through separation from the world;	
isolation; separation; separation from	
creatures; severance; vanishing	
isolation from men	انقطاع از خلق
detachment of worldly causes	انقطاع اسباب
attachment to God; being alone with	انقطاع الی الله
God; detachment by attaching to God	
being overthrown; revolution	انقلاب
acquiescence; obedience; submission;	انقیاد
submissiveness	
censure; denial; unbelief	انکار
the most deniable of the deniables;	انکر منکرات
the most indefinite of the indefinites	

humility; meekness	انکسار
	انوار ← نور
pre-eternal lights	انوار ازلیّه
Lights of Divine Commandment;	انوار اسفهبدیّه
Lordly Lights; signeurial lights	
lights of evident truths	انوار بینات
	انوار قاهره ← نور قاهر
supernal lights	انوار علوی
rays of the Hidden	انوار غیبیّه
detached lights; lights free of any locus	انوار مجرّد
the burning lights	انوار محرقه
lights of guidance	انوار هدایت
femininity	انوثت
engrossment	انهماک
Being; <i>haecceity</i> ; Ipseity; this-ness	آئیت
intimate	انیس
penitent	اوّاب
commands and prohibitions	اوامر و نواهی
Pegs; Pillars; Supports	اوتاد
Four Pillars; Four Supports	اوتاد اربعه
high peak of possibility	اوج امکان (کنایه از مقام خلافت الاهی)
apex of grandeur; apex of magnificence	اوج کبریا
litanies	اوراد
Sufis of intermediate rank	اوساط (= متوسطان در سلوک)
the Attributes of the Divinity;	اوصاف الاهی
Divine Qualities	

attributes of human nature	اوصاف بشری
fair attributes	اوصاف جمیلہ
laudable qualities;	اوصاف حمیدہ
praiseworthy qualities	
the Attributes of Lordship;	اوصاف ربوبی
the characteristics of God as	
the Lord; Lordly Attributes	
attributes of servanthood; man's	اوصاف عبودیتہ
attributes as a servant of God	
containers	اوعیہ
the First	اَوَّل [خداوند]
Supreme First	اَوَّل اعلیٰ
possessors of eyes; possessors of eyesights	اولوالابصار
possessors of inner meaning; possessors	اولوالالباب
of mind; possessors of the kernel	
leaders; rulers; those charged with authority	اولوالامر
possessors of firmness and	اولوالعزم
determination; possessors of firm	
resolve; possessors of steadfastness	
learned men; possessors of knowledge	اولوالعلم
primacy; priority	اولویت
here-before; this world	اُولٰٓئِ (ہے آخرت)
saints	اولیاء
	اولیاء اللہ ← اولیاء خدا
friends of God; God's saints;	اولیاء خدا
holy people; saints of Allah; saints	



of God; those devoted to Allah
 firstness; primacy; primality;
 primordiality

اَوَّلِيَّت

insolence

اوهام ← وهم

اهانت

orientation

اهتداء

concern; effort

اهتمام

people of hereafter

اهل آخرت

antinomians

اهل اباحت

men of spiritual virtue

اهل احسان

folk of spiritual states;

اهل احوال

people of spiritual states

folk of specification;

اهل اختصاص

people of specification

the courteous

اهل ادب

folk of tastes; intuitive people;

اهل اذواق

people of tastes; the voluptuary

men of discipleship

اهل ارادت

folk of secondary causes;

اهل اسباب

people of secondary causes

men of Divine deception

اهل استدراج

folk of the spiritual journey;

اهل اسراء

people of spiritual journey

people of secrets

اهل اسرار

men of allusion

اهل اشارت

people who learn through allusion

اهل اشاره

people of choice and acceptance	اهل اصطفاء و قبول
those who can see warnings	اهل اعتبار
people of confession	اهل اعتراف
people of confession	اهل اقرار
the Worthy of pious fear	اهل التقوى [خداوند]
the pure	اهل الصفوه
people of proximity	اهل القربه
folk of Allah; folk of God;	اهل الله
the initiated; men of God; people of Allah;	
people of God; those who follow God	
folk of trustworthiness; people of	اهل امانت
trustworthiness; people who can be trusted	
intimates	اهل انس
folk of equity; people of equity	اهل انصاف
people of detachment	اهل انقطاع
people of rejection	اهل انكار
folk of lights; people of lights	اهل انوار
the self-giving; the unselfish	اهل ايثار
the faithful; people of belief;	اهل ايمان
people of faith	
followers of the wrong; people of falsity	اهل باطل
esotericists; esoterists	اهل باطن
people of argument	اهل بحث (≠ اهل ذوق)
folk of first degrees	اهل بدايات
innovators	اهل بدع
people of innovation	اهل بدعت

people of demonstration; people of proof	اهل برهان
folk of insight; insightful people;	اهل بصیرت
people of insight	
people of tears; the tearful	اهل بُكاء
the afflicted	اهل بلا
people in the Garden; people of paradise	اهل بهشت
Household (of the Prophet);	اهل بیت (ع)
people of the Household	
people of inner interpretation	اهل تأویل
people of catharsis	اهل تجرید
scholars; theosophers; verifiers	اهل تحقیق
people of advance; people of progress	اهل ترقی
anthropomorphists; immanentists	اهل تشبیه
Sufis	اهل تصوّف
people of disunity; separatists	اهل تفرقه
imitators; people of imitation	اهل تقلید
people of descending	اهل تنزّل
affirmers of God's Unity; Unitarians	اهل توحید
people of Sovereignty	اهل جبروت
folk of Bringing Together;	اهل جمع
people of Bringing Together	
folk of the Garden; people of	اهل جنت
the Garden; those in Paradise	
those who exert themselves for God	اهل جهاد
people of mystical state	اهل حال
the veiled	اهل حجاب

contemplatives; people of presence	اهل حضور
adherents of the Truth; followers	اهل حق
of the Truth; people of Truth	
mystics; people who adhere to	اهل حقیقت
the Truth; philosophers	
people of wisdom; theosophers	اهل حکمت
people of cloister	اهل خانقاه
people of service	اهل خدمت
the humble; people of humility	اهل خشوع
men of solitude	اهل خلوت
people of pain	اهل درد (= شیفتگان وصال)
men of heart; people of the heart	اهل دل
people of proof	اهل دلیل
worldings; the worldly; worldly men	اهل دنیا
men of religion; people of religion;	اهل دین
the religious; religious people	
folk of remembrance; invokers;	اهل ذکر
people of Remembrance	
folk of taste; the people of intuition;	اهل ذوق
people of taste; the voluptuary	
the initiated; possessors of Divine secrets	اهل راز
	اهل رسم ← اهل رسوم
the exoteric; exoterists; people	اهل رسوم
attached to externals	
the satisfied	اهل رضا
people of quenching	اهل ری

people of hypocrisy	اهل ریا
the blessed; the happy	اهل سعادت
people of spiritual journey	اهل سلوک
people who hear from God in the	اهل سماع
Jcreatures; those who experience	
the spiritual concert	
braggarts	اهل سمعه
inmates of the heavens	اهل سموات
the orthodox; people of orthodoxy	اهل سنت
folk of Law; people of Law;	اهل شرع
people who follow the Law	
folk of <i>shirk</i> ; people of <i>shirk</i>	اهل شرک
folk of healing; healers; people of healing	اهل شفا
people of wretchedness; the wicked	اهل شقاوت
people of intuition; visionaries	اهل شهود
people of companionship	اهل صحبت
the sober	اهل صحو
the truthful	اهل صدق
minor sinners; people who	اهل صغایر
commit minor sins	
people of Purity	اهل صفا
people of the Bench; people of	اهل صفه
the Portico; people of Veranda	
people of monastery	اهل صومعه (کنایه از قطع علایق مادی)
people of Laughter	اهل ضحک
people of idle talks	اهل طامات (= خودنمایان)

folk of the Path; men of the Way;	اهل طريق ← اهل طريقت
people of the Path; the Sufis	اهل طريقت
people in search	اهل طلب
followers of formal religion; formalists	اهل ظاهر
health seekers	اهل عافيت
gnostics; mystics	اهل عرفان
people of love	اهل عشق
the learned; religious scholars;	اهل علم
scholars; theologians	
people of blessing; people of concern;	اهل عنايت
people of favour	
the jealous; people of jealousy; the zealous	اهل غيرت
the chivalrous	اهل فتوت
folk of revelation; people of revelation	اهل فتوح
people of differentiation;	اهل فرقان
people of discernment	
man of excellence; the eminent	اهل فضل
people of meditation; people of reflection	اهل فكر
folk of the Koran; followers of the Koran;	اهل قرآن
people of Koran	
men of hearts	اهل قلوب
people of severity	اهل قهر
mortal sinners; people who commit	اهل كبائر
grave sins	
folk of the Book; people of the Book	اهل كتاب

men of charismatic acts; saints	اهل کرامت
intuitive mystics; people of unveiling	اهل کشف
people of perfection; the perfect	اهل کمال
followers of night; people of night	اهل لیل
folk of gatherings and speech; folk of sitting place and the speaking; people of sitting place and the speaking	اهل مجالس و حدیث
lovers; those given to love	اهل محبت
folk of self-examination; people of self-examination	اهل مراقبه
gnostics; people of knowledge	اهل معرفت
the intelligent; men of the inner world	اهل معنا
the Worthy of pardon	اهل مغفرت [خداوند]
people of spiritual stations	اهل مقامات
the covetous	اهل منیه
people of criteria	اهل موازین
people of the fire; those condemned to hell fire	اهل نار
considerative thinkers; people of reasoning; people of vision; rationalists	اهل نظر
the imperfect; people of imperfection	اهل نقص
ecstatics; people of ecstasy	اهل وجد
people of finding	اهل وجود
people of unity	اهل وحدت
people of piety; the pious	اهل ورع

people of union	اهل وصول
people of fidelity; the faithful	اهل وفا
frivolous imitators; scoffers	اهل هزل
the magnanimous	اهل همت
people of capricious desire	اهل هوا
people of awe	اهل هیبت
people of certainty; people of certitude	اهل یقین
aptitude; competence; dignity	اهلیت
carelessness	اهمال
capricious winds	اهواء
fears; terrors	اهوال
days of life; worldly existence	ایام حیات
Days of God	ایام الله
altruism; bestowal; munificence;	ایثار
preferring others to oneself; self-giving;	
selflessness; unselfishness	
bestowal of existence; bestowing;	ایجاد
existence-giving; existentiation	
existentiating a non-existent thing	ایجاد معدوم
God	ایزد
Divine	ایزدی
being; existence	ایس (= وجود)
	ایقان ← یقین
	ایماء ← اشاره
believing; religious belief; (religious) faith	ایمان
firm faith	ایمان استوار

inner faith; interior faith	ایمان باطنی
belief in eschatology; belief in the afterlife	ایمان به اخرویات
certain faith; sure faith	ایمان قطعی
belief with the heart; interior faith	ایمان قلبی
secure	ایمن
locatedness; whereness	آینیت
court	ایوان

ب

gate of gates	باب الابواب
gate of the Garden	باب الجنّة
way to Allah	باب الله
gate of the heart	باب قلب
morning breeze	باد صبا (کنایه از نفحات رحمانی)
wine	باده (کنایه از غلیان عشق)
cup of gnosis	باده عرفان
cup of love	باده عشق
cup of intoxication	باده مست
pure wine	باده ناب
wine-worshipper	باده پرست
wine-seller	باده فروش
wine-drinkers	باده نوشان
desert	بادیه [گذرگاه دشوار در سیر و سلوک]
burden of the trust; load of deposit	بار امانت
rain of inspiration	باران الهام

flash	بارقه
Divine flash	بارقهٔ الاهی
burden of favour	بار منت
the Author; the Creator; the Maker; the Producer	باری [خداوند]
market	بازار
market of love	بازار عشق
market	بازار (کنایه از مقام تجلیات انوار الاهی)
market of blame	بازار ملامت
return to God	بازگشت به سوی خدا
	بأساء ← بلا
the Donator; the Extender; the Open-Handed; the Outspreader	باسط [خداوند]
false; unreal	باطل
esoteric aspect; esoteric counterpart; esoteric dimension; the inner; inner aspect; inner being; inner dimension; inner disposition; inner intention; innermost secret; inner reality; inner self; inner state; inside; the interior; internal aspect; inward dimension; the inward state; spiritual self	باطن [اسم]
the Concealed; the Hidden; the Inward; the Occult	باطن [خداوند]
inward aspect of the Koran	باطن قرآن
esoteric meaning; hidden meaning;	باطن [معنا]

inner meaning; inward sense

esoteric; hidden; inherent; interior;

باطن [وصف]

inward; latent; nonmanifest; private

inwardly

در باطن

esoteric; interior; internal; inward

باطنی

Bâtiniyyah; esotericists

باطنیّه

the Resurrector

باعث [خداوند]

garden

باغ

garden of Angelic World

باغ ملکوت

garden plot

باغستان (کنایه از عالم ملکوت)

enduring; eternal; permanent; subsistent

باقی

the Abiding; the Enduring;

باقی [خداوند]

the Everlasting; the Immortal;

the Permanent; the Subsistent

lasting righteous deeds

باقیات الصّالحات

on its own

بالاستقلال

homonymous

بالاشتراك

at root; by principle

بالاصاله

in reality; in truth

بالحقیقه

adult; mature

بالغ

finally; in the end

بالمآل

figurative(ly); in a metaphorical sense

بالمجاز

belief in the heart; belief with the heart

باور قلبی

worldly demand

بایست دنیا

want of the carnal soul

بایست نفسانی

idol	بت
idolater; idolatrous; idol-worshipper	بت پرست
idolatry; idol-worship	بت پرستی
idol-house; idol-temple;	بت خانه (کنایه از عالم لاهوت)
temple of idols	
idol-breaker	بت شکن
idol-temple; temple of idols	بت کده (کنایه از باطن عارف کامل)
ocean; sea	بحر
eternal sea	بحر ابدی
pre-eternal sea	بحر ازلی
sea of inspiration	بحر الهام
limitless ocean	بحر بلاشاطی (= دریای بی کران)
limitless ocean	بحر بی پایان
limitless ocean	بحر بی کران
sea of revelation	بحر تجلی
sea of dominion; sea of Sovereignty	بحر جبروت
sea of bounty	بحر جود
sea of the Truth	بحر حقیقت
sea of manifestation	بحر ظهور
sea of love	بحر عشق
sea of gift	بحر عطا
sea of vision	بحر عیان
sea of grandeur	بحر کبریا
God-given sea	بحر لدنی
encompassing sea	بحر محیط
sea of existence	بحر هستی

bounty; disbursing; generosity;	بخشش
indulgence; remission	
generosity; liberality; munificence	بخشندگی
munificent	بخشنده
meanness; miserliness; niggardliness; stinginess	بخل
avaricious; miserly-stingy; niggardly	بخیل
evil	بد
origin of primordality; primordial state	بدایت فطرت
bad temper; evilness of temper	بدخویی
full moon	بدر
heretic; heterodox; innovator	بدعت‌گذار
disloyalty	بدعه‌دی
evil-doer	بدکار
	بُدلاء ← ابدال
ill-fame	بدنامی
body	بدن
Universal Body	بدن کلی
evil; vice	بدی
the Incomparable; the Innovator	بدیع [خداوند]
disbursing; impart; imparting; lavishness;	بذل
liberality; outlay; readiness to sacrifice;	
sacrificing	
spiritual sacrifice	بذل روح
goodness of character; innocence;	بِرّ
virtue; virtuousness	
kindliness; kindness	بِرّ [اسم]

the Righteous	بر [خداوند]
guiltlessness; innocence	برائت (= بی گناهی)
<i>Burâq</i>	براق
<i>Burâq</i> of the inhalation	براق نفخه
<i>Burâq</i> of the soul	براق نفس
chilliness of certainty	بردالیقین
endurance; meekness	بردباری
imaginal world; intermediary place;	برزخ
intermediate stage; intermediate world;	
interstice; intervening stage; interworld;	
isthmus; third world	
supreme <i>Barzakh</i>	برزخ اعلیٰ
the Highest <i>Barzakh</i>	برزخ اعلیٰ (= نفس الرّحمن)
isthmus of isthmuses	برزخ البرازخ
intermediary; interval	برزخ [وصف]
imaginal; somewhere in between the	برزخی
spiritual and the physical	
flash; light; lighting	برق
lighting of union	برق وصال
benediction; blessing; Divine blessing;	برکت
grace; spiritual presence	
Muhammadian grace	برکت محمدی
the Elect of Allah	برگزیدگان خدا
leading authorities on religion	بزرگان دین
great ones among the people;	بزرگان قوم [طائفه]
great ones of the Folk	

grandeur; pride	بزرگی
banquet; feast	بزم
plain of intimacy	بساط انس
plain of mercy	بساط رحمت
feast of proximity;	بساط قرب
plain of propinquity	
plain of union	بساط وصل
awe-inspiring plain	بساط هیبت
	بسایط ← بسیط
rose garden	بستان
dilation; ease; expanding; expansion;	بسط
outspreading; proliferation; relaxation;	
spiritual expansion; unrestraint	
noncompound; not divisible; simple	بسیط
cheerful	بشاش
alacrity; joyfulness	بشاشت
humanity; man; mortal; mortal man	بشر
	بُشری ← بشارت
humanity; human nature; human state;	بشریت
mortal nature	
	بصائر ← بصیرت
eye; vision; sight	بصر
endowed with vision; insightful; seeing	بصیر
the All-Seeing; the Clairvoyant;	بصیر [خداوند]
the Seeing; the Seer	
clairvoyance; discernment; inner eye;	بصیرت

insight; intellectual vision; intuitive intelligence; luminous inner vision; mental vision; perspicacity; power of perception; sagacity; spiritual eye; vision spiritual vision	بصيرت ربّاني
vanity; wastefulness	بطالت
insolence	بطر (= اهانت)
inward aspect of the Koran	بطن قرآن
bellies; inner dimensions; inward aspects	بطون
resurrection; sending forth; the Uprising	بعث
the specific sending forth;	بعث خاصّ
the specific Uprising	
general sending forth;	بعث عامّ
general Uprising	
distance (from God);	بعد (≠ قرب)
farness; remoteness	
sensual distance; sensual remoteness	بعد حسّي
spiritual distance; spiritual remoteness	بعد معنوي
the Distant	بعيد [خداوند]
hatred; rancour	بغض
abiding; continuance; duration;	بقا
permanence; perpetuation; persistence;	
subsistence; superexistence; survival	
subsistence with God	بقاء بالله
abiding of abiding; subsistence	بقاء البقاء
of subsistence	

immortality	بقا (= خلود)
crying; weeping	بُكاء
	بُكَائِین ← اهل بُكاء
affliction; calamity; misfortune;	بلا
temptation; torment; tribulation; trouble	
test; trial	بلا (= آزمون)
communication	بلاغ
afflicted	بلاکش
nightingale	بلبل
	بَلْبَلَات ← بَلْبَه ← بلا
bond of rank	بند جاه
bond of property	بند مال
bond of hylè	بند هیولی
adoration; bondage; servanthood;	بندگی
service; servitude	
servant; slave	بنده
God's bondsman; God's servant;	بنده خدا
God's slave	
descendants of Adam	بنی آدم
psychological influences;	بواعث نفسانی
sensual influences	
adversity; trouble	بؤس (= گرفتاری)
flower-garden; rose garden	بوستان
fragrance of familiarity	بوی آشنایی
adornment; brilliance; lustre;	بهاء
splendour	

Glory	بهاء [خداوند]
bewilderment	بُھت (= تحیر)
happiness; joy	بہجت
supreme joy; supreme splendor	بہجت کبریٰ
selfish interest	بہرہ نفسانی
Garden; paradise	بہشت
eternal Garden; Garden of Immortality	بہشت جاوید
people in the Garden; people of paradise	بہشتیان
animality	بہیمیت
wilderness	بیابان
without choice	بی اختیار
ill-mannered	بی ادب
unworthiness; worthlessness	بی ارزشی
faithless; unbelieving	بی ایمان
disbelief; unbelief	بی ایمانی
incomparable	بی بدیل
void of knowledge; void of	بی خبر
news; void of vision	
in ecstasy	بی خودی (= مقام سکر)
selfless	بی خویش
heartlessness; loss of heart	بی دلی
sincere; without hypocrisy	بی ریا
impatient; restless	بی قرار
to become restless;	بی قرار شدن
to lose all self-control	
recklessness	بی مبالاتی

incomparable	بی مثال
incomparable	بی نظیر
unconsciousness	بی هوشی (= مقام طمس)
explanation; explication; speech	بیان
house of sorrows	بیت الأحران
God's House; God's sanctuary;	بیت الله
House of God	
house of wisdom	بیت الحکمه
house of service	بیت الخدمه
house of hope	بیت الرجاء
noble house	بیت الشرف
house of worship	بیت العباده
house of dignity; house of grandeur	بیت العزّه
Inhabited House	بیت المعمور
Holy House	بیت المقدس
ancient House	بیت عتیق
spiritual wakefulness	بیداری (= صحو)
allegiance; homage; initiation	بیعت
oath of allegiance; pledge	
strangeness	بیگانگی
stranger	بیگانه
fear; trepidation	بیم
disease of the soul	بیماری روح

پ

ascetic	پارسا
pious men	پارسا مردان
asceticism	پارسایی
holy; pure	پاک
having lost one's all; staking one's all	پاک بازی
pure of skirt	پاک دامن
purity; sanctity	پاکی
clean; purified	پاکیزه
refinement of the soul	پالایش نفس
(spiritually) mature	پخته (= بالغ)
divided attention; mental dispersion	پراکندگی خاطر
the cunning	پرتلبیس
screen; veil	پردہ (= حاجب میان حق و بنده)
screen of thought	پردہ پندار
screen of imagination; veil of imagination	پردہ خیال
screen of chastity	پردہ عصمت

screen of Cloud	پردهٔ عماء
curtain of jealousy	پردهٔ غبطه
veil of the Unseen;	پردهٔ غیب
screen of the hidden	
screen of jealousy	پردهٔ غیرت
screen-holder	پرده‌دار
full of feeling; full of life	پر شور
compass of existence	پرگار وجود
moth	پروانه
abstemious; ascetic	پرهیزگار
asceticism; piety	پرهیزگاری
agitation; confusion; distress	پریشانی
base; chaff; indecent; sordid; vile	پست
baseness; sordidness	پستی
praiseworthy; valuable	پسنده
wearing of wool	پشمینه‌پوشی
regret; repentance	پشیمانی
bridge of trial	پل بلوی
defiled; unclean	پلید
to take shelter in	پناه بردن به
delusion; imagination; thought	پندار
arrogant fancy; arrogant thought	پندار مغرورانه
exterior of Law	پوست شریعت
husk; shell	پوسته (≠ هسته)
cup; wine-vessel	پیاله
apostle; messenger; prophet	پیامبر

the Blessed Messenger;	پیامبر اکرم (ص)
the Blessed Prophet	
unlettered Prophet	پیامبر امّی (ص)
curve of tress	پیچ زلف
manifest	پیدا
master; sage; saint; saintly man; spiritual	پیر
director; spiritual guide; spiritual master;	
spiritual preceptor; spiritual teacher;	
Sufi master	
Pîr of Tavern	پیر خرابات
Pîr of monastery	پیر دیر
Pîr of companionship	پیر صحبت
perfect Pîr	پیر کامل
Pîr of Canaan	پیر کنعان
Magian spiritual teacher;	پیر مغان
perfect murshid; Pîr of Magians;	
Pîr of wine-seller; the old Magian	
Pîr of wine-tavern	پیر میخانه
	پیرو ← مرید
presence	پیشگاه
before God	پیشگاه خدا
exemplar; leader	پیشوا
leadership	پیشوایی
apostle; messenger; prophet	پیغمبر
messenger	پیک
body; corpse; image	پیگر

pledge; vow

پیمان

cup

پیمانه

bond; connect; connection

پیوند

ت

penitent; repentant	تائب
twist	تاب
attendant; function; subordinate	تابع
mystic emotions	تأثرات عرفانی
sensuous effect; sensuous impression	تأثیر شهوانی
delay	تأخیر
showing courtesy	تأدب
breeding; chastening; discipline	تأدیب
correcting the limbs	تأدیب جوارح
fresh-faced	تازه‌روی
imitation	تأسی
pain; suffering	تألم
becoming God-like; deiformity	تأله
contemplation; meditation;	تأمل
reflection; speculation	
to contemplate; to ponder; to reflect	تأمل کردن

esoteric commentary; esoteric exegesis;	تأویل
esoteric interpretation; explaining away;	
hermeneutic interpretation; spiritual	
hermeneutics; symbolic interpretation;	
taking the word back	
intellectual interpretation;	تأویل عقلی
rational interpretation	
Koranic hermeneutics	تأویل قرآن
	تأویلات ← تأویل
affirmation; support	تأیید
heavenly affirmation; heavenly support	تأیید آسمانی
Divine affirmation; Divine support	تأیید الاهی
Divine affirmation; Divine strengthening;	تأیید ربّانی
dominical aid; dominical support	
complete devotion;	تبئیل (= انقطاع کامل)
total devotion	
pompousness; strutting	تبختر
change; transformation	تبدّل
donation	تبّع
blessedness; blessing	تبرک
blessedness and auspiciousness	تبرک و تیمّن
exemption	تبری
annunciation; bringing of	تبشیر (= بشارت دهی)
glad tidings	
preaching; propagating	تبلیغ
covering ; veil	تثّق (= پرده، حجاب)

veil of majesty; veil of splendour	تُتَّقِ جلال
covering of dignity; veil of dignity	تُتَّقِ عَزَّت
covering of the Unseen;	تُتَّقِ غِيب
veil of the Invisible	
trinity; triplicity	تثلیث
Christian trinity	تثلیث عیسوی
Muhammadan triplicity	تثلیث محمدی
apophasis; dubitation; mystic dubitation	تجاهل عارف
haughtiness; tyranny	تجبر
renewance	تجدد
renewal of opposites	تجدد اضداد
renewal of essences; renewal of likes	تجدد امثال
recurrence of the creative act;	تجدید خلق
renewal of creation	
recurrence of similitudes;	تجدید مُثُل
renewal of Platonic Ideas	
visionary experience	تجربه شهودی
catharsis; detachment	تجرد
detachment from worldly matters	تجرد از شواغل دنیوی
purging the inner being of	تجرد باطن از محبت دنیا
love of the world	
celibacy	تجرد (≠ تأهل)
catharsis; denudation; disassociation;	تجريد
disengagement; divestiture; isolation; stripping	
purgation from desire	تجريد از هوا
denudation of the spirit	تجريد روح

corporealization; embodiment	تجسّد
corporealization of the spirits	تجسّد ارواح
corporealization	تجسّم
embodiment of deeds	تجسّم اعمال
corporealization	تجسيم
epiphany; illumination; manifestation;	تجلّى
revelation; self-disclosure; self-manifestation;	
self-revelation; theophany; transfiguration;	
unveiling	
Self-disclosure of Divine Names;	تجلّى اسمائى
theophany of Divine Names	
Self-disclosure of Divine Acts;	تجلّى افعال
theophany of Divine Acts	
Self-disclosure of the Most Holy;	تجلّى اقدس
theophany the Most Holy	
Self-disclosure of the Most Omnipotent;	تجلّى اقهر
theophany of the Most Omnipotent	
Divine unveiling; theophany	تجلّى الاهى
manifestation of Divinity	تجلّى الوهيّت
First Self-disclosure	تجلّى اوّل (= فيض اقدس)
existentiating theophany	تجلّى ايجادى
Second Self-disclosure;	تجلّى ثانى (= فيض مقدّس)
Second theophany	
manifestation of Glory;	تجلّى جلال
theophany of majesty	
manifestation of the Beauty;	تجلّى جمال

theophany of the Beauty	
manifestation of sensation	تجلی حسّ
special Self-disclosure; special theophany	تجلی خاصّ
manifestation of imagination	تجلی خیال
manifestation of the Essence;	تجلی ذات
theophany of the Essence	
manifestation of the Divine Essence;	تجلی ذات الاهی
theophany of the Divine Essence	
essential theophany	تجلی ذاتی
essential theophany	تجلی ذاتی حبی (= تجلی علمی غیبی)
of love	
manifestation of dominicality	تجلی ربوبیت
spiritual manifestation	تجلی روحانی
	تجلی شهادت ← فیض مقدّس
manifestation of the visible;	تجلی شهود
visible manifestation	
theophany of the Attributes	تجلی صفات
disclosure of conjectures	تجلی ظنون
manifestation of the invisible	تجلی غیب (= فیض اقدس)
manifestation of the heart	تجلی قلب
to disclose; to epiphanize; to reveal	تجلی کردن
existential manifestation	تجلی وجودی (= فیض مقدّس)
shining	تجلیه
	تجوّز ← مجاز
alteration	تحریف
actualization	تحصیل

gift	تحفه
realization; self-realization	تحقق
research inspired by the Divine Throne	تحقيق عرشى
governing control	تحكم
displaying gentleness	تحلم
adorning; affectation; imitation of	تحلى
praiseworthy people in word and deed	
adornment; beautification	تحليه
endurance	تحمل
eulogizing	تحميد
metamorphose; transmutation	تحول
amazement; bewilderment;	تحير
confusion; perplexity	
spatial confinement	تحيز
specification	تخصّص
specification	تخصيص
discrepancy	تخلف
adopting character traits as one's own;	تخلق
assuming traits; assumption of traits	
Divine exemplification	تخلق الاهى
acquisition of God's characteristics	تخلق به اخلاق الاهى
assuming the character traits of God;	تخلق به اخلاق الله
imitating the character of God	
assuming the Divine character	تخلق به اخلاق حق
assumption of dominical traits	تخلق به اخلاق ربوبيت
assuming the traits of God's Names	تخلق به اسماء الاهى

	تخلّی ← تخلیه
	تخلیص ← نجات
relinquishment; vacating; withdrawal	تخلیه
imaginalization	تخیل
imaginative creation	تخییل
interpenetration	تداخل
approach; drawing close	تدانی (= معراج مقرّبین)
contemplation; meditation; reflection	تدبّر
design; destiny; disposing; foresight;	تدبیر
forethought; governance; planning;	
regulation; self-direction; self-willing	
governning the affair	تدبیر امر
economics; governance of the domicile	تدبیر منزل
coming close	تدلّی (= نزول حقّ به سوی مقرّبین)
concealing	تدلیس
piety; religiosity; religiousness	تدین
admonition; recalling; recollection	تذکّر
reminding	تذکره
abasement; humility; lowliness	تذلل
nourishment; training	تربیت
cultivation of the soul	تربیت نفس
quaternity	تربیع
wise hierarchy	ترتیب حکمی
hierarchy of the cosmos	ترتیب عالم
interpreter of mysteries	ترجمان الاسرار
compassion; pity	ترحم

to take pity; to treat with compassion	ترحم کردن
hesitation; vacillation; wavering	تردد
fear; terror	ترس
disquieting fear; heart piercing fear	ترس پریشان‌زا
agitating fear	ترس هیجان‌انگیز
Christian; monk	ترسا
Christian lad; young Christian	ترسابچه (کنایه از جاذبه روحانی)
Christianity	ترسایی (کنایه از تجرید و تفرید از خلق)
self-exaltation	ترفع
ascension; ascent; climbing	ترقی (≠ تنزل)
avoidance; discarding; foregoing; leaving;	ترک
missing; neglecting; renunciation	
abandoning fear	ترک خوف
abandonment of the world	ترک دنیا
abandonment of sin	ترک زلت
non-performance of <i>ṣalât</i>	ترک صلات
renunciation of enjoyment	ترک لذت
abandoning the examination	ترک مراقبت
(of conscience)	
compoundedness; mountedness	ترکیب
immaterialization; spiritualization	تروح
spiritualization of the corporeal bodies	تروح اجسام
futilities	تُرّهات (= یاوه‌ها)
great antidote	تریاق اعظم
being purified	تزکی
purging; purification; refinement	تزکیه

refinement of the heart; refinement of the soul; self-purification	تزکیه نفس
declaration of self-purity	تزکیه نفس [به معنای مذموم]
deceit	تزویر
forgery	تزئیف
artificial intoxication; pretended intoxication	تساکر (= خود را به مستی زدن)
indulgence; lenience	تساهل
calling upon the holy; exaltation; glorification; praise; praising	تسبیح
connivance	تستر
indignation; resentment	تسخط
controlling	تسخیر
quietening the mind	تسکین فکر
infinite regression	تسلسل
acceptation; assent; resignation; submission; subordination	تسلیم
to surrender oneself to God	تسلیم حق تعالی شدن
surrendering to God	تسلیم خدا
to succumb	تسلیم شدن
abandonment	تسلیم (= واگذاری)
a fountain in Paradise	تسنیم
insinuation	تسویل
insinuation of Satan	تسویل شیطان
deceit of the Devil	تسویل شیطانی
enticements of the soul	تسویل نفس

proportioning	تسویه
mutual similarity	تشابه
assimilation; participation; becoming similar	تشبه
resemblance to the Divine	تشبه به باری تعالی
affirming similarity; anthropomorphism;	تشبیه
anthropomorphosis; similarity	
mental distraction	تشیت خاطر
Law-giving	تشریع
bestowal of honour; coat of honour;	تشریف
ennobling; honouring	
assuming shape; taking shape	تشکل
remorse; shame	تشویر (= ندامت)
confusion of one's mind	تشویش خاطر
tribulation of Satan	تشویش شیطان
tribulation of the soul	تشویش نفس
exhibiting patience; forbearance	تصبر
adhesion of faith; affirming the truth;	تصدیق
attesting; bearing testimony	
verification by the heart	تصدیق به دل
confirmation of the heart	تصدیق دل
acceptance by the heart;	تصدیق قلبی
assent by the heart	
pure verification	تصدیق مطلق
dominion; free activity; free disposal;	تصرف
holding sway; influence; personal	
initiative; working	

effect of the rapturous	تصرّف جذبات الوهیت
Divine states	
effect of His rapture-bestowing grace	تصرّف جذبات عنایت
operation of the senses	تصرّف حواس در محسوسات
on sense objects	
inflecting; inflection	تصریف
discharge; purification	تصفیه
purification of the heart	تصفیه دل
artifice	تصنع
conception; conceptualization	تصور
concept and judgement	تصور و تصدیق
Sufism	تصوّف
practical Sufism	تصوّف عملی
imaginal conformity with God	تضاهی الاهی خیالی
entreat; entreaty; humbling; lament;	تضرّع
self-abasement; showing humility; supplication	
optional religious practices; voluntary prayer	تطوّع
optional; supererogatory; voluntary	تطوّعی
purgation; purification	تطهیر
purifying the heart	تطهیر قلب
feigning; ostentation	تظاهر
transcendence	تعالی
Sufi teachings	تعالیم صوفیه
weariness	تعّب
(external) obedience; subservience; true service	تعبد
on authority; on faith	تعبداً

interpretation; transposition	تعبیر
interpretation of dream	تعبیر رؤیا
to interpret	تعبیر کردن
manyness; multiplicity	تعدد
ameliorating; balancing	تعديل
punishing	تعذيب
objection; self-presentation	تعروض
God's making Himself known to someone;	تعرف
introduction; self-revealing; self-revelation	
characterization	تعريف (≠ تنزيه)
bestowing of Divine knowledge;	تعريف (= دانا ساختن)
Divine knowledge giving; God's	
giving knowledge; granting of gnosis;	
informing gnosis; instruction	
dignity; power	تعزّز
haughty seclusion	تعزّل (= خلوت تفرعن آميز)
mourning song	تعزيت
wooing	تعشّق
prejudice	تعصّب
inclining	تعطف
agnosticism	تعطيل [در معرفت]
ineffectuality; inoperativeness	تعطيل [در وجود]
exaltation; glorification; magnification;	تعظيم
magnifying; proclamation of the Divine	
greatness; reverence; veneration	
magnifying religious waymarks;	تعظيم شعائر

revering the waymarks	
magnifying God's waymarks	تعظیم شعائر اللہ
attachment; belonging; belongingness;	تعلق
cleaving; clinging; co-dependence;	
connection; connexion; interdependence	
full attachment; full binding	تعلق تام
corporeal attachments	تعلقات جسمانی
worldly attachments; worldly ties	تعلقات دنیوی
to account for	تعلیل کردن
Divine teaching	تعلیم الاهی
God-given teaching	تعلیم لدئی
deepening one's thought;	تعمّق
pondering; speculation	
self-exertion	تعمّل (≠ اختصاص)
incantation; talisman	تعوّذ ← استعاذہ
concrete determination; designation;	تعویذ
entification; individuation	تعیّن
essential determination	تعیّن ذاتی
entifications	تعیّنات
Divine determinations	تعیّنات الاهی
angelic world of determinations;	تعیّنات روحی
determinations of spirits; individuations	
constituting the spirits; spiritual	
determinations	
determinations of souls;	تعیّنات نفسانی

individuations constituting the
souls; psychic determinations

designation of levels

تعيين مراتب

suffering injustice

تغابن

change of expression;

تغيّر

transformation; variation

change of states

تغيّر احوال

boastfulness; ostentation; pretentiousness

تفاخر

ranking in degrees of

تفاضل [نظريّة ابن عربي]

excellence; surpassing others

separation of the inner being

تفرّد باطن

inherent spiritual knowledge

تفرّس (= فراست)

causing division; differentiation;

تفرقه (≠ جمع)

dispersion; distraction;

distribution; separation

distraction of one's heart

تفرقه دل

dispersion of will

تفرقه همّت

loneliness; separation

تفريد

inner separation

تفريد باطنی

freeing the locus; freeing the place

تفريغ محل

dispersion; division

تفريق

commentary

تفسير (≠ اعتبار)

Quranic commentary

تفسير قرآن

being gratuitously bountiful; benevolence;

تفضّل

bounteousness; condescension; favour;

gratuitous bounty

God's favour	تَفَضُّلِ الاهی
to take inquiry of the welfare	تَفَقُّد کردن
acquiring knowledge of religion	تَفَقُّه در دین
contemplation; meditation; pondering; reflection; speculation; thinking	تَفَكُّر
abandonment; absolute delegation of power; delegation; free will; renunciation; submission; yielding	تَفْوِیض
entrusting the affair	تَفْوِیض امر
to delegate; to entrust	تَفْوِیض کردن
confrontation; contrariety	تَقَابُل
sainthood; sanctity	تَقَدَّس
precedence; priority	تَقَدَّمَ
necessity preceding existence	تَقَدَّمَ وجوب
determination; Divine decree; Divine providence; general measurement; predestination; predestiny; predetermination; pre-measurement; pre-ordination; providence	تَقْدِیر
Divine determination; God's destiny	تَقْدِیرِ الاهی
predestined by God	تَقْدِیرِ حَقِّ
Divine destiny; Divine predestination	تَقْدِیرِ ربَّانی
glorification; sanctification; sanctifying	تَقْدِیس
sanctifying the heart	تَقْدِیسِ قلب
coming closer; proximity	تَقَرُّب
drawing nigh to the presence of God	تَقَرُّبَ به حضرت عَزَّت

approach to God; drawing	تَقَرُّبٌ به خدا
close to God; nearing God	
approaching to God with	تَقَرُّبٌ به فرائض
obligatory rituals	
approaching to God with	تَقَرُّبٌ به نوافل
supererogatory works and rituals	
to draw close; to draw close\high;	تَقَرُّبٌ جستن
to seek nearness	
divided attention	تقسیم خاطر
asceticism	تَقَشُّفٌ
deceit; fluctuation	تَقَلُّبٌ
fluctuation	تَقْلِبٌ (= دگرگونی)
following authority; imitation	تَقْلید
dutifulness; fear of God; god-consciousness;	تَقْوَا
god-fear; godfearing; godfearingness;	
godliness; godwariness; good conduct;	
guarding against evil; piety; pious fear	
of Divine chastisement; reverential fear	
godwariness of the hearts	تَقْوَى القلوب
	تَقَى ← مَتَّقَى
delimitation; determination	تَقْيِدٌ
binding; delimitation; qualification	تَقْيید
the Law's obligations	تکالیف شرع
arrogance; pride	تَكْبَرٌ
repetition of self-disclosure;	تکرار تجلّی
repetition of theophany	

ennobling; reverence	تکریم
anathema; excommunication	تکفیر (= کافر شمردن)
burdening oneself; effort; taking trouble	تکلف
artificial effort; discomfort;	تکلف (≠ انبساط)
self-constraint	
imposing obligation; injunction;	تکلیف
prescription; religious capacity and	
responsibility; religious obligation	
inflecting on one what is beyond	تکلیف به مالا یطاق
one's capacity	
coming to be; existention	تکوّن
bringing things into being; bringing things	تکوین
to be; bringing to be; creation; engendering	
explanation of how	تکیف (= بیان کیفیّت)
ambiguity; concealing; deception;	تلبیس
deluding; obscuration	
taking pleasure	تلذذ
purification	تلطیف
receiving	تلقّی (≠ القاء)
investiture of the robe	تلقّی خرقه
disciple; pupil; student	تلمیذ (≠ شیخ)
agitation; change; changing	تلوین (≠ تمکین، تقلّب حال)
colouration; changing of states;	
variation; variegation	
completeness; completion	تمام
mutual impeding	تمانع

animal enjoyments	تمتعات حیوانی
worldly and otherworldly enjoyments	تمتعات دنیوی و اخروی
apparition; appearing; appearing (in likeness); imaginalization	تمثل
to appear	تمثل یافتن
example; symbolic figuration; typification	تمثیل
admiration	تمجید
sneer	تمسخر
confirmation; establishment; firmness; fixity; peace of mind; rank of fixity; rest; stability (of one's inner state) ; steadfastness; strengthening	تمکین (≠ تلوین، دوام کشف)
cupidity; desire; frivolity; longing	تمنی
distinction	تمیز
discernment	تمییز
conflict among the Names	تنازع اسماء
metempsychosis; reincarnation; transmigration	تناسخ
metempsychosist; reincarnationist	تناسخی
reproduction	تناسل
mutual aversion	تنافر
admonition	تنبيه
anger; violence of disposition	تندخویی
descent; redescend from the Divine Reality	تنزل
Divine Descent	تنزل الاهی

imaginal Descent	تنزل مثالی
Five Descents	تنزلات خمس
spiritual visitations	تنزلات روحانی
incomparability; transcendence	تنزه
declaration of incomparability; declaring	تنزیه
incomparability; isolation; <i>remotio</i> ; remotion	
God's transcendence	تنزیه خداوند
showing piety	تنسک
taking enjoyment	تنعم
blessing	تنعیم
straitenedness	تنگدستی
constricted abode of this world	تنگنای زندان سرای دنیا
variation	تنوع
variation of Laws	تنوع شرایع
desolation; loneliness; solitude	تنهایی
the Acceptor of repentance; the	تواب [خداوند]
Relenter; the Relenting	
artificial ecstasy; ecstatic state;	تواجد (= اظهار حالت وجد)
exhibition of ecstasy; inviting	
ecstasy; sympathetic ecstasy;	
trying to reach ecstasy	
courtesy; humbleness; modesty;	تواضع
submission; submissiveness	
propagation	توالد
succession of self-disclosures;	توالی تجلیات
succession of theophanies	

attrition; penitence; repentance; turning	توبه
repentance of shame	توبه استحياء
repentance of return	توبه انابه
repentant	توبه کار
to repent; to return to God	توبه کردن
repentant	توبه کننده
sincere repentance; unswerving	توبه نصوح
repentance	
rebuking the self; rebuking the soul	توبیخ نفس
attentiveness; face-turning	توجه
Divine attention; projection of the Divine Will	توجه الاهی
directing oneself toward God;	توجه به حق
turning toward God	
direction toward God; turning to God	توجه به خدا
out-of-love face-turning	توجه حبی
absolute unification; absolute Unity;	توحید
affirmation of God's Unity; belief in God's Oneness; belief in God's Unity; declaration of God's Unity; Divine Unity; God's Oneness; God's Unity; Monotheism; Oneness of Ultimate Reality; profession of God's Unity; Unicity; Unitarianism; Unity of God; upholding the Unity of Godhead	
Unity of Divine Acts	توحید افعال
Unity pertaining to Divine Acts	توحید افعالی

Unity of the Divine; Unity of the Divinity	توحید الوهه
unification of Divinity	توحید الوهیت
unification of humanity	توحید بشریت
singleness of worship and devotion	توحید در عبادت
Unity of Divine Essence	توحید ذاتی
Unity of Divine Attributes	توحید صفات
unification of the heart	توحید قلب
absolute oneness; absolute unification	توحید مطلق
unity of the Necessary Being	توحید واجب
unity of being	توحید وجود
loving	توّد (= محبت)
the Torah	تورات
expansiveness; vastness	توسّع
Divine expansiveness;	توسّع الاهی (= اتّساع الاهی)
Divine vastness	
entreaty; supplication	توسّل
to entreat; to make mediator	توسّل جستن
stead of the soul	توسن نفس
deluge of calamity	توفان بلا
deluge of sea	توفان قلزم
deluge of wrath	توفان قهر
storm of gnosis	توفان معرفت
assistance; bestowal of success; Divine aid;	توفیق
Divine assistance; Divine blessing;	
efficient grace; success given by God	
Divine assistance; Divine succour	توفیق الاهی

to give success; to make successful	توفیق دادن
Divine aid; Divine assistance	توفیق یزدانی
Divine signature; Divine signing	توفیق الاهی
confidence; handing in everything to God;	توکل
pleading; reliance; resignation; trust;	
trustfulness; trusting; trust in God	
confidence in God; depending	توکل به خدا
on God; reliance upon God; relying	
on God; trust in God	
to have confidence; to place	توکل کردن
confidence in; to trust	
association; befriending; loyalty	تولی
guardianship; rulership	تولیت
appointing	تولیت (≠ عزل)
apprehension; illusion	توهم
night-watching; nocturnal orisons; vigil	تهجد
correction; cultivation; refinement; refining	تهذیب
improvement of morals; refinement of	تهذیب اخلاق
character; refinement of morals	
refinement of the heart	تهذیب قلب
purification of the carnal soul;	تهذیب نفس
self-discipline; self-purity	
praising Allah by saying: "There is no	تهلیل
god but Allah"	
accusation; suspiciousness	تُهْمَت
	تهیؤ ← استعداد

certitude

تَیْقَن

auspiciousness

تَیْمَن

wilderness of misguidance;

تیه ضالالت

wilderness of misguidedness

ث

fixity; permanence; stability	ثبات
fixity; immutability; permanence	ثبوت
external immutability	ثبوت خارجی
mental immutability	ثبوت علمی
two weighty ones	ثقلان (= جَوِّ و انس)
laud; laudation; praise	ثنا
dualist	ثنوی
Divine recompense; Divine reward;	ثواب
recompense; reward	
abundant reward	ثواب جزیل

ج

denier; refuser	جامد
highway of rectitude	جاده صواب
the Appointer; the Instaurer; the Maker	جاعل [خداوند]
cup	جام (کنایه از قلب عارف سالک)
Divine cup	جام الاهی
cup of faith	جام ایمان
world-viewing cup	جام جهان‌بین
magic cup; world-displaying	جام جهان‌نما (کنایه از قلب عارف کامل)
cup; world-revealing bowl	
cup of Witnessing	جام شهود
cup of inner self	جام ضمیر
cup of love	جام محبت
cup of wine	جام می
cup of non-existence	جام نیستی
cup of union	جام وصال

bringing together; complete; embracing	جامع
to embrace	جامع بودن
the Gatherer	جامع [خداوند]
all-comprehensiveness	جامعیت
Sufi garb; woolen garment	جامه صوفی
life; soul; spirit	جان
human soul	جان آدمی
soul of the heart	جان دل
spiritual animus	جان روحانی
desolate soul; veiled soul	جان مهجور
the beloved; loved one; sweetheart	جانان
sacrificing life	جانفشانی
eternal; everlasting; immortal	جاودان
<i>philosophia perennis</i>	جاویدان خرد
eternity; everlastingness; immortality	جاودانگی
abiding; everlasting	جاودانه
eternal; everlasting; immortal	جاوید
worldly honour	جاه خلق
dignity; fame; grandness; honour;	جاه (= منزلت)
power; prestige; reputation	
ignorant	جاهل
the fool who adopts asceticism;	جاهل متنسک
the ignorant who adopts asceticism	
age of ignorance; pre-Islamic period;	جاهلیت
pre-Islamic state; state of ignorance;	
time of ignorance	

the All-Dominating; the All-Powerful;	جَبَّار [خداوند]
the Almighty; the Awful; the Compelling;	
the Dominator; the Overbearing; the	
Overpowering	
Dominion; Magnificence	جَبَّارِیت [خداوند]
absolute determination; compulsion;	جبر
predestination; predetermination	
Gabriel	جبرئیل
pure determinism; sheer compulsion	جبر محض
compulsion and volition; predestination	جبر و اختیار
and free will	
constraint; domination; dominion;	جبروت
invincibility; magnificence; majesty;	
might; power; superbness	
Magnificence	جبروت [خداوند]
	جبریل ← جبرئیل
Mount Sinai	جبل طور سینا
natural disposition; original disposition	جِبَلَّت
apparel; robe; woolen tunic	جِبَّه
denial; refusal; ungratefulness	جحد
scepticism; skepticism	جحود
earnest; over-earnestness; seriousness	جِدِّ
separation	جدایی
attraction; attraction by God;	جذبه
rapture; rapturous state	
ecstatic	جذبی

crimes	جرائر
to discredit	جرح کردن (= تعدیل کردن)
the Bell	جَرس (کنایه از خطاب الهی وارد بر قلب)
draught	جرعه
draft of wine	جرعه می
sin	جرم
intrepid	جرئ (= جسور)
world's record	جریده عالم
crime	جریره
recompense; requital	جزا
lack of fortitude	جَزَع
(corporeous) body	جسد
corporeal form	جسد عنصری
(corporeal) body; corporeal frame	جسم
elemental body	جسم عنصری
Universal Body	جسم کلی
subtle body	جسم مثالی
<i>corpora</i> ; corporeal	جسمانی
corporeal bodies	جسمانیات
corporeality	جسمیت
intrepid	جسور
corporeal	جسیم
curl; ringlet	جَعَد (= پیچش مو)
cause upon an effect; cause upon	جعل
the caused; effect of the agent;	
instauration; making	

ill-treatment; oppression; outrage; unkindness	جفا
glory; grandeur; greatness;	جلال
magnificence; majesty; Majesty (of God);	
Rigour (of God); splendour	
Glory of the Unity; Majesty of the Unity	جلال احدیت
Majesty of the Unity of Essence	جلال احدیت ذات
Divine Majesty; Rigour of God	جلال الاهی
Majesty of God; Rigour of God	جلال خدا
splendour	جلالت
manifestation; presence in society	جَلُوت (≠ خلوت)
occupying the throne; sitting	جلوس
manifestation	جلوه
the Disclosed	جلئی [خداوند]
companion; sitting companion	جلیس
the Majestic	جلیل [خداوند]
inanimate being; inanimate thing	جماد
beauty; gracefulness	جمال
Divine Beauty	جمال الاهی
Divine Beauty	جمال خداوندی
all-comprehensiveness; concentration;	جمع (≠ فرق)
congregation; gnostic synthesis;	
synthesis; union; unitedness	
coincidence of opposites;	جمع اضداد
<i>coincidentia oppositorum</i>	
last stage of union; perfect union;	جمع الجمع
union of union	

concentration of religious ambition;	جمع الهمّة
concentration of spiritual will	
unification after separation	جمع بعد از فرق
all-comprehensiveness; composure;	جمعیت
concentration; synthesis	
phrase; sentence	جمله
society of mankind	جمله خلق
beautiful; fair; generous	جمیل
the Beautiful	جمیل [خداوند]
demon; elemental spirit; genie;	جنّ
invisible entity; jinn	
Divine Side	جناب الاهی
Garden; Paradise	جنّت
Garden of Specification	جنّت اختصاص
Garden of Deeds	جنّت اعمال
Garden of the Real	جنّت حقّ
Garden of Eternity; Garden of Immortality	جنّت خلد
Garden of Vision	جنّت رؤیت
Garden of Eden	جنّت عدن
Garden of Paradise	جنّت فردوس
Sensible Garden	جنّت محسوس
Intelligible Garden	جنّت معقول
Spiritual Garden	جنّت معنوی
Garden of Inheritance	جنّت میراث
Garden of Bliss; Garden of Delight	جنّت نعیم
soldiers of the heart	جنود قلب

lunacy; madness	جنون
generous; liberal	جواد
the Generous; the Munificent	جواد [خداوند]
neighborliness; proximity	جوار
neighborhood of God; proximity of God	جوار الله
organs	جوارح
chivalrousness; chivalry; manliness;	جوان مردی
manly nobility	
generosity; liberality	جوان مردی (= سخاوت)
bounty; generosity; lavishness; munificence	جود
essential generosity	جود ذاتی
tumult and shout	جوش و خروش
hunger	جوع
religious warfare; strife; struggle	جهاد
lesser holy struggle; lesser holy war;	جهاد اصغر
smaller holy struggle	
greater (holy) struggle; greater war;	جهاد اکبر
struggle against the desires (of the carnal soul)	
fight with one's own self; spiritual	جهاد با نفس
combat; spiritual warfare	
exertion; diligence	جهد
ignorance; nescience	جهل
Gehenna; hell; inferno	جهنم
devoid of knowledge; ignorant	جهول

چ

the Well Zamzam

چاه زمزم

pit of the chin

چاه زرخدان

lamp

چراغ

lamp of the eye

چراغ چشم

inner eye; inner sight

چشم باطن

eye of discernment; eye of insight;

چشم بصیرت

illuminating sight; spiritual eyesight

eye of sorcery

چشم جادو

truth-perceiving eye;

چشم حقیقت بین

truth-perceiving sight

sick eye

چشم خمار

eye of heart; eye of intelligence;

چشم دل

heart's eye

eye of sorcery

چشم سحرانگیز

outward eye

چشم ظاهر

bold eye

چشم مخمور

intoxicated eye	چشم مست
Fountain of Life; Spring of Life	چشمہ حیات
	چشمہ حیوان ← چشمہ حیات
fountain of life; spring of life	چشمہ زندگانی
a forty-day (period of) seclusion	چلہ
undergoing a forty-day period of seclusion	چلہ نشینی
cross	چلیپا
sword	چمن
face	چہرہ
red face	چہرہ گلگون
external dimension; external face	چہرہ مُلکی

ح

concealer; veil; veiler	حاجب
created being; created in time;	حادث
ephemeral; newly arrived thing;	
occurrence; phenomenon; temporally	
produced	
the Reckoner	حاسب [خداوند]
the Present	حاضر [خداوند]
people of presence	حاضران
the Guardian; the Preserver	حافظ [خداوند]
the Conditioner; the Dominant;	حاکم [خداوند]
the Judge; the Ruler	
a transitory spiritual state; ecstasy;	حال
feeling; inner state; inward experience;	
mystical state; mystic state; passing state;	
positive disposition; spiritual experience;	
spiritual feeling; spiritual state; state of	
spiritual changes	

dwelling; immanent; incarnate	حَال
state of sobriety and composure	حال صحو و تمكين
state of loss	حال فقد
state of internal revelation	حال كشف و شهود
and contemplation	
engendered state	حال كَوْنِي
state of gain	حال وجد
condition; demeanour	حالت
inner state	حالت باطن
ecstatic state	حالت وجد
instantaneous state	حالت وقت
one who praises; praiser	حامد
bearers of the Throne	حاملان عرش
carriers of the Koran	حاملان قرآن
cherishing; friendship; love	حُب
Divine love	حَبِّ الْاِلهِي
love of God	حَبِّ اللّٰه
Firm Cable; strong rope	حبل المتين
love of power	حَبِّ جَاه
love of this world; love of worldly gain	حَبِّ دُنْيَا
spiritual love	حَبِّ رُوحَانِي
love of authority; love of rule	حَبِّ رِيَاسَت
love of passions	حَبِّ شَهَوَات
natural love	حَبِّ طَبِيعِي (= حَبِّ عَوَام)
popular love	حَبِّ عَوَام (= حَبِّ طَبِيعِي)
love of the carnal soul; self-love	حَبِّ نَفْس

jugular vein	حبل ورید
core of the heart;	حَبَّةُ الْقَلْبِ (= سَویدای دل)
recess of the heart	
beloved of God; friend of God	حبیب الله
the Beloved	حبیب [خداوند]
friend; lover	حبیب (= محبّ)
beloved; friend	حبیب (= محبوب)
a veil covering God; barrier;	حجاب
curtain; screen; veil; veiling	
emergence from the veil	از حجاب بیرون آمدن
from behind the veil	از ورای حجاب
within the screen	در حجاب
the greatest barrier;	حجاب اعظم
the greatest of the veils	
the nearest of the veils	حجاب اقرب
veil of humanity; veil of mortality	حجاب بشریت
veil of remoteness	حجاب بُعد
veil of directions	حجاب جهات
veil of imagination	حجاب خیال
veil of reasoning	حجاب دلیل
veil of essence	حجاب ذات
veil of remembrance	حجاب ذکر
veil of covering	حجاب رینی
veil of time	حجاب زمان
veil of attributes	حجاب صفات
natural veil; veil of nature	حجاب طبیعی

veil of darkness	حجاب ظلمانی
veil of dignity	حجاب عزّت
veil of knowledge	حجاب علمی
veil of favour ; veil of concern	حجاب عنایت
veil of forgetfulness; veil of negligence	حجاب غفلت
veil of the Unseen	حجاب غیب
veil of jealousy	حجاب غیرت
veil of clouding	حجاب غینی
confounding veil	حجاب فاتن
veil of the heart	حجاب قلب
veil of Majesty	حجاب کبریا
veil of gnosis; veil of knowledge	حجاب معرفت
veil of place	حجاب مکان
veil of the self	حجاب نفس
natural veil of the self	حجاب نفسی طبیعی
luminous veil; veil of light	حجاب نورانی
veils	حُجُب
Divine veils	حُجُب الاهی
established veils	حُجُب موضوعه
luminous veils; veils of lights	حُجُب نور
proof	حجّت
proof of God	حجّة الله
conclusive argument; decisive	حجّت بالغه
argument; evident proof	
intellectual proof; rational proof	حجّت عقلی
interdiction	حَجْر (= منع)

bound; limit	حدّ
(limit of) equilibrium	حدّ اعتدال
boundary of the Presence	حدّ حضرت
frontier of placelessness	حدّ لامکان
impetuosity; irritability; vehemence	حدّت
contingency; new arrival	حدوث
Divine limits	حدود الاهی
essential limits	حدود ذاتی
<i>hadīth</i> ; prophetic saying; tradition	حدیث
byword; conversation; discourse;	حدیث (= سخن)
novelty; statement; story	
tale of love	حدیث عشق
sacred locution; sacred saying	حدیث قدسی
conversation of the soul; psychic	حدیث نفس
conversation; talking to oneself	
free	حرّ
juridically forbidden; unlawful	حرام
straitness	حرج
cupidity; eager desire; gluttony; greed	حرص
letter; speech	حرف [هر جزئی از هر موجود]
glowing passion; inward glow	حرقت (= سوز درون)
ardent love; glow of love	حرقتِ محبّت
ecstatic movements	حرکات وجدی
movement of ardent desire	حرکت شوقی
holy sanctuary; sacred fold;	حَرَم
sacred precinct	

Sanctuary of God	حرم خدا
sacred fold of the beloved	حرم یار
frustration; loss	حرمان
dignity; honour; respect;	حرمت
reverence; sanctity	
letters	حروف (کنایه از حقایق بسیطه)
lofty letters; subtle letters	حروف عالیات
freedom; liberty	حریت
an avid person; miser	حریص
rival	حریف
sanctuary; fold	حریم
fold of the dignity	حریم حرمت
distress; grief; sad element;	حُزن
sadness; sorrow; tragic element	
sense	حسّ [ظاهر و باطن]
account; reckoning	حساب [قیامت]
envy	حسادت
envy; jealousy	حسد
consolation; regret; repent; sorrow	حسرت
beauty; comeliness; excellence;	حُسن
goodness; loveliness; virtue	
beautiful character traits;	حسن اخلاق
virtuous character	
good comportment; good manners	حسن ادب
God-given beauty	حسن خداداد
beauty of disposition; good character	حسن خُلق

good disposition

essential goodness;

حسن ذاتی (≠ حسن زائد)

essential virtue

non-essential goodness

حسن زائد (≠ حسن ذاتی)

goodly obedience

حسن طاعت

entertaining good notion;

حسن ظنّ

fair thought; good thinking

good thoughts about God

حسن ظنّ به خدا

the beautiful and the ugly

حسن و قبح

حسنات ← حسنه

beautiful act; good action;

حسنة

good attribute; good thing; good

work; merit; righteousness; virtue

the Reckoner

حسیب [خداوند]

assemble; the mustering; resurrection

حشر

majesty; pompp; repugnance

حشمت

حضرات ← حضرت

Presences integrating the Names;

حضرات اسماء

Presences of the Names

Five Divine Presences; Five Presences

حضرات خمس

Presence of innovation

حضرت ابداع

Presence of union

حضرت اتّصال

Presence of absolute Unity

حضرت احدیّت

Presence of properties

حضرت احکام

Presence of specification

حضرت اختصاص

Presence of free will

حضرت اختیار

Presence of concealment	حضرت اخفاء
Presence of courtesy	حضرت ادب
Presence of the Names	حضرت اسماء
Presence of the Names and Attributes	حضرت اسماء و صفات
Presence of absoluteness;	حضرت اطلاق
Presence of nondelimitation;	
Presence of unboundedness	
Presence of Bringing Back	حضرت اعاده
Presence of Individuals	حضرت افراد
Presence of Acts	حضرت افعال
Presence of engendered beings	حضرت اکوان
Divine Presence	حضرت الاهی
Presence of "Am I not Your Lord?"	حضرت اَلْسْتُ
Presence of Allah	حضرت اللّٰه
Divine Presence	حضرت الوهیت
Presence of Command	حضرت امر
human presence	حضرت انسانی
Presence of existence-giving	حضرت ایجاد
intermediate Presence;	حضرت برزخی
Presence of <i>Barzakh</i>	
Presence of Magnification;	حضرت تقدیس
Presence of sanctity	
Presence of Imaginalization	حضرت تمثّل
Presence of the imaginal	حضرت تمثیل (= عالم مثال)
Presence of Immutability	حضرت ثبوت

all-comprehensive Presence;	حضرت جامع
global Presence	
Presence of Glory; Presence of Majesty	حضرت جلال
Presence of Glorious Majesty	حضرت جلّت
Presence of Beauty	حضرت جمال
absolutely encompassing Presence;	حضرت جمع
Presence of All-Comprehensiveness;	
Presence of Bringing Together	
integral Divine Presence	حضرت جمعیت
Presence of (Sense) Perception	حضرت حسّ
Presence of sensation and	حضرت حسّ و شهادت
witnessing; Presence of the	
Sensation and the Witnessed	
Presence of Life	حضرت حیات
Presence of wonder	حضرت حیرت
the Almighty; God (Almighty	حضرت خداوندی
and Glorious)	
Presence of Address	حضرت خطاب
Presence of Creation	حضرت خلق
Active Imagination; imaginal	حضرت خیال
Presence; imaginal world; the	
imaginative Dignity; imaginative	
Presence; Imaginatrix; Presence	
of the Imagination	
imaginal Presence;	حضرت خیالیّه
imaginative Dignity	

Presence of the Essence	حضرت ذات (= عالم غیب مطلق)
Divine Presence	حضرت ربّانی
Presence of Lordship	حضرت ربوبیت
Presence of messengerhood	حضرت رسالت
Presence of Doubts	حضرت شکوک
absolute Divine Presence;	حضرت شہادت مطلق
Divine Presence in the Absolute;	
Presence of the Absolute	
Manifestation	
Presence of Witnessing	حضرت شہود
dignity; majesty; plane	حضرت (= عالم، مرتبہ)
(of being); Presence	
Presence of Justice	حضرت عدل
	حضرت عزّ ← حضرت عزّت
Mighty Presence;	حضرت عزّت
Presence of the Almighty	
Presence of Knowledge	حضرت علم
Presence of the Cloud;	حضرت عماء
Presence of the Chaos	
Presence of the Manifest;	حضرت عیان
Presence of Vision	
Presence of Jesus	حضرت عیسویہ
Presence of Entity	حضرت عین
Presence of Wealth and utter Freedom	حضرت غنا
Presence of the Absent	حضرت غیب
Presence of the relative	حضرت غیب مضاف

non-manifestation

Presence of the Absolute

حضرت غیب مطلق

non-manifestation

Presence of the Relative

حضرت غیب مقید

Non-manifestation

Presence of Singleness;

حضرت فردائیت

Presence of Singularity

Presence of Singleness

حضرت فردیت

Presence of Power

حضرت قدرت

Presence of Sanctity

حضرت قدس

Presence of Proximity

حضرت قرب

Presence of Wrath

حضرت قهر

Presence of Grandiloquence

حضرت لسن

Presence of the Imagination

حضرت مثال

Presence of Images

حضرت مثل

Muhammadian Presence;

حضرت محمدی

Presence of Muhammad

Presence of the Named

حضرت مسمی

Presence of the Kingdom

حضرت ملک

Presence of Moses

حضرت موسویہ

Presence of Marriage

حضرت نکاح

Presence of Light

حضرت نور

Presence of Plural-Unity

حضرت واحدیت

Presence of All-Embracingness

حضرت واسع

Presence of necessity by another

حضرت وجوب بالغیر

Presence of Essential Necessity

حضرت وجوب ذاتی

Presence of Being;	حضرت وجود
Presence of Existence	
Presence of Unicity	حضرت وحدانیت
presence; readiness	حضور
Divine Presence	حضور خداوند
	حضور دل ← حضور قلب
alertness of the heart;	حضور قلب
awareness; conscious awareness; presence	
of consciousness; presence of the heart	
in the right spirit; with	با حضور قلب
cordial presence	
depths of the human state	حقیض بشریت
vanities of the world	حطام دنیا
enjoyment; interest; pleasure; share	حظاً
pleasure of the soul; selfish interest;	حظاً نفس
selfish pleasure; sensual pleasure	
Domain of Holiness	حظیره قدس
protection; safeguard	حفظ
observing the rules of religion	حفظ آداب شریعت
guarding trust; protecting trust	حفظ امانت
the Guardian	حفیظ [خداوند]
rightful due	حقّ
God's right	حقّ الله
man's right	حقّ الناس
apodicticity; certain truth; real certitude;	حقّ الیقین
reality of certainty; reality of certitude;	

truth of certainty; truth of certitude

right

حَقّ (≠ باطل)

reality; truth

حَقّ (= حقیقت)

Divinity; God; *Ḥaqq*; the Real;

حَقّ [خداوند]

Reality; the Real One; the True; the Truth

real; true; veritable

حَقّ [وصف]

imaginary reality; imaginary truth

حَقّ متخیّل

realized

حَقّ (= محقّق)

absolute Truth

حَقّ مطلق

the Veritable Reality

حَقّ حقیق [خداوند]

realities; spiritual truths; verities

حقایق

realities of the Divine Names

حقایق اسماء

realities of faith; verities of faith

حقایق ایمان

Lordly realities

حقایق ربّانی

spiritual truths

حقایق روحانی

imaginal realities

حقایق مثالی

esoteric true reality; esoteric truth;

حقیقت

immediate reality; reality; verity

truth

حقیقت (≠ خطا)

essence

حقیقت (= ماهیت)

truth of faith

حقیقت ایمان

reality of the world

حقیقت دنیا

spiritual reality; spiritual truth

حقیقت روحانی

gnostic reality; gnostic truth;

حقیقت عرفانی

mystical reality; mystic truth

elemental reality

حقیقت عنصریّه

universal reality; universal truth	حقیقت کلیّه
imaginal reality; imaginal truth	حقیقت مثالی
Muhammadian Reality;	حقیقت محمدی
pure Muhammadian Essence;	
Reality of Muhammad	
intelligible reality; intelligible truth	حقیقت معقول
unique truth	حقیقت واحده
hidden reality; Reality of the realities;	حقیقة الحقایق
Truth of the truths	
real; true; veritable	حقیقی
literal; true	حقیقی (≠ مجازی)
recounting; story	حکایت
commandment; regulation; ruling property	حُکم
God's pre-eternal decree; pre-eternal	حکم ازلی
decree; pre-eternal dictate	
principle of Divine deception	حکم استدراج
properties of the Divine Names	حکم اسماء
Divine decree; God's command	حکم الاهی
	حکم الله ← حکم الاهی
inner decree; inner judgement	حکم باطن
judgement of separation	حکم تفریق
the Arbitrator; the Judge	حَکَم [خداوند]
commandment of the Law;	حکم شرع
decree of the Law	
outer judgement; outward decree	حکم ظاهر
judgement of intellect	حکم عقل

decree of fate and destiny	حکم قضا و قدر
	حکماء ← حکیم
metaphysics; philosophy;	حکمت
<i>theosophia</i> ; theosophy	
sapience; wisdom	حکمت (= دانایی)
providential purpose	حکمت (= غرض)
moral philosophy; moral wisdom	حکمت اخلاقی
illuminationist philosophy;	حکمت اشراق
Oriental philosophy; Oriental	
theosophy; Oriental Wisdom;	
theosophy of Light	
Divine wisdom; metaphysics; theosophy	حکمت الاهی
comprehensive theosophy	حکمت جامعه
true wisdom	حکمت حقیقی
perennial philosophy; <i>philosophia</i>	حکمت خالده
<i>perennis</i> ; <i>Sophia Aeterna</i> ; <i>Sophia perennis</i>	
God's Wisdom	حکمت خدا
Divine Wisdom; Providential	حکمت خداوندی
Wisdom	
Divine wisdom; Lordly wisdom	حکمت ربوبی
Christic <i>Sophia</i> ; Christic Wisdom	حکمت عیسویّه
unknown theosophy	حکمت مجهوله
unexpressed theosophy	حکمت مسکوت عنها
philosopher; sage; wise	حکیم
the All-Wise; the Wise	حکیم [خداوند]
allowed; lawful; permissible;	حلال

religiously allowed	
sweetness	حلاوت
sweetness of faith	حلاوت ایمان
sweetness of invocation;	حلاوت ذکر
sweetness of remembrance	
sweetness of being;	حلاوت وجود
sweetness of existence	
ring of service	حلقه بندگی
circle of remembrance;	حلقه ذکر
Sufi circle of invocation	
ringlet	حلقه زلف
circle of the initiated; initiatic	حلقه صوفیانه
circle; Sufi circle	
forbearance; forbearing; meekness;	حلم
mildness; patience	
displaying gentleness	حلم ورزی
dwelling; immanence; incarnation;	حلول
indwelling; infusion; inherence;	
localisation; transfiguration	
to become incarnated; to dwell; to implant	حلول کردن
incarnationism	حلول [مکتب]
incarnationist; transubstantiated	حلولی
	حلولیان ← حلولیه
adherents of incarnation; incarnationists	حلولیه
gentle	حلیم
the Clement; the Gentle	حلیم [خداوند]

praise	حمد
carrying the trust	حمل امانت
	حَمَلَةُ عَرْش ← حاملان عرش
	حَمَلَةُ قرآن ← حاملان قرآن
ardour; fervency; manly zeal; zeal	حمیت
the Laudable; the Praiseworthy	حمید [خداوند]
scalding water	حمیم [در جهنم]
loving care; tenderness	حنان
the Compassionate	حَنّان [خداوند]
one with primordial faith; primordialist	حنیف
Sigh of God	حنین خدا
inner senses; internal senses	حواس باطن
external senses; outer senses	حواس ظاهر
houri	حور
	حول ← قوّه
the Alive; the Eternally Living;	حیّ [خداوند]
the Ever-Living; the Living; the Living One	
bashfulness; contrition; decency; diffidence;	حیا
embarrassment; modesty; shame	
bashful	با حیا
life	حیات
eternal life; everlasting life;	حیات ابدی
life of endless eternity	
esoteric life	حیات باطنی
eternal life; immortal life	حیات جاوید
permanent life	حیات دائم

the closest life; earthly world;	حيات دنيا
lower life; terrestrial life; worldly life	
hasty life	حيات عاجل
life of the heart	حيات قلب
	حيارى ← حيران
astonished; astounded; bewildered	حيران
	حيرانى ← حيرت
amazement; astonishment; bewilderment;	حيرت
confusion; disorientation; perplexity	
satanic perplexity	حيرت شيطاني
scope	حيطه
	حيلت ← حيله
cunning; machination; trick	حيله
demonic cunning; demonic intrigue	حيله شيطاني
animal	حيوانى
animality	حيوانيت

خ

affrighted; fearful; scared	خائب ← نوميد خائف
the Last of the Prophets; Seal of the Prophets	خاتم النبیین ← خاتم انبياء (ص) خاتم انبياء (ص)
Seal of the Friends; Seal of the Saints	خاتم اولياء
Seal of Muhammadan Friends;	خاتم اولياء محمّدى
Seal of Muhammadan Saints	
Seal of prophethood	خاتم پیامبران ← خاتم انبياء (ص) خاتم نبوت
Seal of Muhammadan Sainthood	خاتم ولايت محمّدى
servants	خادمان (= مقيمان خانقاه)
dismayed; loser; lost	خاسر
humble; humble-minded; lowly	خاشع
elect; elite	خاصّ
the elect among the elect;	خاصّ الخاصّ
the elect few; super-elect	

specific	خاص (عام)
noble and common	خاص و عام
the chosen; the elect	خاصان
	خاصة الخاصة ← خصوص الخصوص
the chosen of God	خاصگان حق
humble; subjected; submissive	خاضع
arriving thought; incoming thought;	خاطر
inspiration; passing thought; stray	
thought; thought; vain thought	
coming from the Divine	خاطر الاهی
first thought	خاطر اول
second thought	خاطر ثانی
coming from the Lord	خاطر ربانی
satanic thought	خاطر شیطانی
angelic thought	خاطر ملکی
ego-centric thought; passing thought of	خاطر نفسانی
the self; selfish passing thought	
the Abaser; He-Who-Puts-Down	خافض [خداوند]
dust of abasement	خاک مذلت
earthly	خاکی
dark mole	خال سیاه (کنایه از عالم غیب)
mole	خال (کنایه از نقطه وحدت)
pure; sincere	خالص
the Creating; the Creator	خالق [خداوند]
novice; (spiritually) immature	خام [آنکه در بدایت سلوک است]
silence	خاموشی

crudeness; immaturity	خامی
cloister; dervish monastery; Sufi centre;	خانقاه
Sufi hospice; Sufi meeting place; Sufi monastery	
inhabited house; prosperous house	خانه آباد
house of immortality	خانه بقا
ruined house	خانه خراب
house of wine-keeper	خانه خمّار (کنایه از مقام بی‌رنگی)
house of the heart	خانه دل
evil; impurity; loathsome; malice	خبث
vileness of beliefs	خبث عقیدت
bad; evil; malicious	خبیث
cognizant; experienced	خبیر
the Aware; the Informed	خبیر [خداوند]
	ختم اولیاء ← خاتم اولیاء
Seal of command; consummation	ختم امر
of command	
Seal of saintship	ختم ولایت
shame	خَجَل
beseeking God; calling upon God	خدا را خواندن
god-fearing	خدا ترس
deceit	خُداع
God the Exalted	خداوند تعالی
master of time	خداوند وقت
masters of inwardness	خداوندان باطن
masters of time; possessors of time	خداوندان وقت
Divinity	خداوندی

<i>theos agnostos</i> ; unknowable God	خدای ناشناختنی
intrigue; stratagem; swindling	خدعه
Satanic intrigue	خدعه شیطانى
service (of God)	خدمت
abandoning; abandonment	خزلان
abode of destruction	خراب آباد
Tavern(s); vintner's house	خرابات
tavern of the world	خرابات دنیا
tavern of the spirit	خرابات روح
lover's ruined tavern	خرابات عشق
Tavern of Magians	خرابات مغان
tavern-frequenter	خراباتى
superstition	خرافه
intelligence; reason; wisdom	خِرَد
sage; wise	خردمند
violating the Law	خرق شریعت
abnormal phenomenon; breaking the habit; habit-breaking; miracle	خرق عادت
cloak; dervish-frock; dervish mantle;	خرقه
mantle; patched garment; patched	
(Sufi) frock; rag; ragged mantle;	
woolen garment	
robe of discipleship	خرقه ارادت
cloak of blessing	خرقه تبرک
sound cloak	خرقه صحیحہ
torn cloak	خرقه ممزّقه

khirka-wearer	خرقه پوش
tearing one's garment	خرقه دریدن
cloak of sainthood	خرقه ولایت
harvest	خرمن
treasures of the Unseen	خزائن غیب
hidden-treasures of the Unseen	خزائن مکنون غیب
storehouse; treasury	خزانه
storehouse of imagination;	خزانه خیال
treasury of imagination	
storehouse of nature	خزانه طبیعت
treasury of the Unseen	خزانه غیب
storehouse of senses	خزانه محسوسات (= خیال)
treasurers	خزّنه (= نگهبانان)
treasurers of Paradise	خزّنه بهشت
storehouse; treasury	خزینه
storehouse of secrets	خزینه اسرار
storehouse of humanity;	خزینه انسانیت
treasury of humanity	
baseness; paltriness; vileness	خسّت
base nature; vileness of nature	خسّت طبع
shattered heart	خسته دل
eternal loss	خسران ابدی
self defeating	خسران نفس
humble adoration; humbling; humility;	خشوع
lowliness; submission; submissiveness	
awe; dread; fear	خشیت

fear of God	خشیت [از خدا]
desirable characteristics;	خصال پسندیده
praiseworthy qualities	
reprehensible characteristics;	خصال ناپسند
reprehensible qualities	
character	خصلت
the elect few; the elect of the elect	خصوص الخصوص
enmity	خصومت
<i>Khadīr; Khidr</i>	خضر (کنایه از بسط)
doing homage; humble subjection;	خضوع
humility; modesty; submission	
astray; error; going astray	خطا
error-covering	خطاپوش
Divine address	خطاب الاهی
	خطایا ← خطیئه
	خطرات ← خواطر
occurrence	خطور
currents of thought	خطورات ذهنی
delinquency; fault; sin	خطیئه
hiddenness	خفا (≠ ظهور)
debasement; lightness of disposition	خفت
arcane; hidden; mysterious	خفی
the Hidden	خفی [خداوند]
the Void	خلأ (≠ ملاء)
paragon of being; summary	خلاصهٔ موجودات
of existence	

Divine vicegerency

خلافت الاهی

the Ever-Creating

خلاق [خداوند]

sincere friendship; friendship;

خلّت

friendship with God; intimacy; love

immortality

خلد

lofty Paradise

خلد برین

ecstasy

خلسه

removal

خلع

doffing of the Sandals;

خلع نعلین

Removal of the Sandals

coat of honour; dress of honour;

خلعت

garment of honour; robe of honour

robe of light

خلعت نور

character; character quality;

خُلُق

character trait; disposition

good character; good disposition;

خُلُق حسن

virtuous quality

mighty morality; sublime character;

خُلُق عظیم

sublime morality; sublime morals;

sublime nature; tremendous character;

tremendous nature

generous disposition

خُلُق کریم

blameworthy character;

خُلُق مذموم

blameworthy disposition

good disposition; good nature

خُلُق نیکو

creation

خُلُق (= آفرینش)

creation; creatures	خلق (= مخلوقات)
creation of deeds	خلق اعمال
creation as existentionation	خلق ايجاد (≠ خلق تقدير)
creation as determination	خلق تقدير (≠ خلق ايجاد)
new creation; recurrent creation	خلق جديد
permanent creation	خلق دائم
	خلقت ← خلق
cell-door; isolation; privacy; retirement;	خلوت
seclusion; solitary life; solitude;	
spiritual retreat; utter exclusion	
cell of seclusion; place of seclusion	خلوت خانه
adytum of the pure	خلوت خانه پاكان
adytum of <i>tawhîd</i>	خلوت خانه توحيد
adytum of the friends	خلوت خانه دوستان
adytum of proximity	خلوت خانه قرب
secluded pavilion of the heart	خلوت سراى دل
place of retreat	خلوت گاه
secluded shrine	خلوت گاه خاص
sitting in solitude	خلوت نشين
absolute seclusion; absolute solitude	خلوت مطلق
bound retreat	خلوت مقيد
limpidity; sincerity	خلوص
sincere intention	خلوص نيّت
successor of the Messenger;	خليفة الرسول
vicegerent of the Messenger	
Divine Vicegerent; Steward of God;	خليفة الله

Vicegerent of God

Divine Vicegerent;

خلیفه‌الاهی

Vicegerent of the Divine

God's Vicegerent

خلیفه خدا

intimate friend

خلیل

beloved friend of God; friend of Allah;

خلیل الله

friend of God; intimate friend of God

curve of tress

خم زلف

jar

خُم (کنایه از بدایت سلوک)

intoxication; wine-sickness

خُمّار

Vintner; wine-keeper;

خُمّار (کنایه از عاشق سرگردان)

wine-merchant

cellar; wine-house

خمخانه

abating passions

خمستان ← خمخانه

silent

خمود شهوت

ferment

خموش

slumber of heedlessness

خمیره

خواب غفلت

God's Will; providence; Will of God

خواست خدا

sensual desire

خواستۀ نفس

connoisseurs; rank of the few; selected ones

خواصّ

the elect; the elite

خواصّ (≠ عوام)

the selected among the selected ones

خواصّ الخواصّ

elect servants; the elite among servants

خواصّ العباد

the elect among the saints; elect saints

خواصّ اولیاء

currents of thought; fancies; ideas that

خواطر

suddenly come into one's heart or mind;	
incoming thoughts; passing thoughts;	
promptings; random thoughts; stray	
thoughts; thoughts; transient states;	
transient things	
dispersed thoughts; extraneous	خواطر پراکنده
suggestions	
satanic incoming thoughts	خواطر شیطانی
angelic incoming thoughts	خواطر ملکى
ego-centric thoughts; passing	خواطر نفسانى
thoughts of the self; selfish	
passing thoughts	
voices from the Unseen	خواطف
tray of separation	خوان فراق
universal feast of generosity	خوان کرم عام
lovely ones	خوبان
ego; self; soul	خود
consciousness; self-awareness	خود آگاهى
self-centred; self-conceited; self-satisfied	خود بین
egoism; self-conceit; self-regard	خود بینى
selfish; self-worshipper	خود پرست
selfishness; self-worship	خود پرستى
obstinacy	خود رآیى
Self-seller	خود فروش
self-interest	خود کامى
selfhood	خودى

sweet of song	خوش الحان
contentment	خوش دلی
sheaf	خوشه
awe; fear; terror	خوف
agitating fear; restless fear	خوف بی قرار
fear of account	خوف حساب
fear of punishment	خوف عذاب
fear of death	خوف مرگ
	خوف مُقلَق ← ترس پریشان‌زا
	خوف مقلقل ← ترس هیجان‌انگیز
fear and hope	خوف و رجاء
heart's blood	خون دل
self-centred; self-conceited	خویشتن‌بین
apparition; dream; fancy;	خیال
imagination; imagining	
vain fancy; vain imagining	خیال باطل
real imagination; true imagination	خیال حقیقی
imaginal faculty	خیال (قوّه)
microcosmic world of imagination;	خیال متصل
conjoined Imagination; contiguous Imagination	
absolute theophanic Imagination;	خیال مطلق
absolute unconditioned Imagination;	
nondelimited Imagination	
conditioned Imagination; delimited	خیال مقید
Imagination	
autonomous Imagination; detached	خیال منفصل

Imagination; discontiguous Imagination;
dissociable Imagination; macrocosmic
world of imagination

corrupt fancies

vain fancies

imaginal; imaginary

deceiving; disloyalty; treachery

being thwarted; disappointment

boon; good; goodness; interest

the Best of the Deceivers

the Good; the Goodness

great boon; great good

sheer good; sheer goodness

absolute good; absolute goodness;

pure good

charitable gifts; good works;

pious acts; welfare

benevolent

خیالات ← خیال

خیالات فاسد

خیالات واهی

خیالی

خیانت

خیبت (= یأس)

خیر

خیرالماکرین [خداوند]

خیر [خداوند]

خیر کثیر

خیر محض

خیر مطلق

خیرات

خیرخواہ

د

cycle of prophecy; prophetic cycle	دائرة نبوت
circle of existence; circle of <i>wujûd</i>	دائرة وجود
cycle of initiation; cycle of sanctity	دائرة ولایت
constantly present	دائم الحضور
constantly engaged in invocation	دائم الذکر
constantly engaged in <i>ṣalât</i>	دائم الصلاة
the Lasting	دائم [خداوند]
abode; kingdom; realm; world	دار
abode of the hereafter; last abode	دار آخرت
abode of trial	دار ابتلاء (= دنیا)
Abode of the All-Merciful	دارالرحمن
Abode of Islam; House of Islam	دارالاسلام
Abode of Peace; Paradise	دارالسلام
abode of permanence; kingdom of eternity	دارالقرار
Kingdom of Allah	دارالله
abode of abiding; abode of	دار بقاء (= آخرت)
subsistence; everlasting abode	

abode of obligation	دار تکلیف
abode of discernment	دار تمییز (= آخرت)
abode of glory	دار جلال
abode of the living	دار حیوان
abode of the world; the closest abode	دار دنیا
abode of good pleasure	دار رضوان
abode of felicity; abode of happiness	دار سعادت
abode of pride; deceptive world;	دار غرور
house of delusion; house of vanity	
abode of annihilation; transient world	دار فانی (= دنیا)
abode of annihilation; transient world	دار فنا (= دنیا)
abode of generation and corruption	دار کون و فساد
inciter; missionary; prompter	داعی
impulse; motive	داعی (= داعیه)
missionaries; propagandists	داعیان
impulse of longing	داعیه شوق
snare of deceit	دام تزویر
snare	دام (کنایه از جلوه‌های فریبنده دنیا)
expulsive	دافع
judge	داور
circle of possibility	دایره امکان
Great Circle	دایره کبری (= ولایت)
Anti-Christ; <i>Dajjāl</i>	دجّال
interference; intrusion	دخل
pearl	درّ
pearl of speech	درّ سخن

tavern-door	در میخانه
gates of the Paradise	درهای بهشت
in God's grip	در قبضه خدا
ascending degrees; degrees; degrees of ascent	درجات
degrees of the people of certainty	درجات اهل یقین
lofty degrees	درجات علیا
high degrees of salvation	درجات نجات
degree; rank; stage; step	درجه
exalted rank	درجه رفیع
high degree of felicity	درجه سعادت
rank of direct vision	درجه عیان
degree of perfection	درجه کمال
pain of longing	درد اشتیاق
painful longing of the quest	درد طلب
pain of separation	درد فراق
dreg	دُرد
dreg-drinkers; drinkers of	دُردکشان (کنایه از صوفیان یکرنگ)
wine-dregs; drinking of wine-dregs	
ragged drinkers of dregs	دُرد نوشان ژنده پوش
the afflicted	دردمندان
painful	دردناک
correct; sound	درست (≠ نادرست)
true; veracious	درست (= صادق)
righteousness; truthfulness	درستی
	دُرّة البیضاء ← عقل اوّل
attainment; comprehension; grasp	دُرک

the lowest abyss	دَرَکِ اسفل
degrees of descent; descending	درکات
degrees; low degrees	
abasements of loss	درکات خسران
degrees of hell; degrees of hellfire;	درکات دوزخ
descending degrees of hell	
low degrees of wretchedness	درکات شقاوت
court; threshold	درگاه
Divine Portal; Divine Threshold	درگاه الاهی
Court of God	درگاه خدا
dervish; mendicant; Sufi	نومیدی، درویش
within the screen	درون پرده
pauper	درویش (= فقیر)
(spiritual) poverty	درویشی (= فقر)
encompassing sea	دریای محیط
ocean of light	دریای نور
searching hand	دست طلب
commands; regulations	دستورات
plain of Resurrection	دشت قیامت
call; calling; calling God; individual	دعا
prayer; invitation; invocation; petition;	
private liturgy; saying prayer;	
supplication; supplicatory prayer	
good invocation; prayer of goodness	دعای خیر
midnight-prayer	دعای نیمه شب
pretence; pretension	دعوا

to claim divinity	دعوای خدایی کردن
call; calling; incitation	دعوت
summoning men unto God	دعوت بندگان به حق
call (to conversion)	دعوت [به آیین]
calling to God; call towards God	دعوت به حق تعالی
subtleties of actions	دقایق اعمال
secret; subtlety	دقیقه
a great subtlety	دقیقه‌ای عظیم
a subtle point	دقیقه‌ای لطیف
heart; soul	دل
delighter of hearts	دل آرام
heart-ravisher; heart-render; sweetheart	دل بر
captivator of hearts; heart-binding	دل بند
to attach the heart to worldly things	دل به دنیا بستن
heart-pleasing	دل پذیر
ruined heart	دل خراب
wounded heart	دل خسته
devoted	دل داده
heart-possessor	دل دار
affection; consolation	دل داری
heart-ravishing	دل ریا
afflicted heart	دل رنجور
beloved; heart-ravisher; ravisher	دلستان
of hearts; sweetheart	
bereaved	دل سوخته
distraught heart	دل سودا زده

commiserate	دل سوزی
heart of night	دل شب
disappointment	دل شکستگی
heart-broken	دل شکسته
broken hearted	دل شکسته
distraught heart	دل شیدا
heart-allurer	دل فریب
alluring; heart alluring	دل کش
wounded heart	دل مجروح
wretched heart	دل مسکین
concern; preoccupation	دل مشغولی
ruined heart	دل ویرانه
denotation	دلالت
argument; proof; reason	دلیل
the Guide; the Indicator	دلیل [خداوند]
legal proof; legal reason	دلیل شرعی
argument from providence	دلیل عنایت
breath; moment	دم
abjection; lowliness; vileness	دنائت
extreme nearness	دنوّ
sordid	دنی (= پست)
lower world; this world with its passions;	دنیا
world; world in a profane sense; worldly	
gains; worldly interests; worldly things	
mammonism; seeking this world; worldliness	دنیا طلبی
deceitful world	دنیای غدار

mundane; worldly	دنیوی
	دواعی ← داعی
promptings of longing	دواعی شوق
sensual promptings	دواعی شہوانی
perenniality; perpetuation; perpetuity;	دوام
persistence; subsistence	
constant silence; perpetual silence	دوام سکوت
constant silence	دوام صمت
constant fasting; perpetual fasting	دوام صوم
constant ablution	دوام وضو
distance; remoteness	دُوری
to distance oneself; to keep aloof from;	دوری جستن
to keep away	
beloved; comrade; friend; lover	دوست
lover	دوستدار
friendship; love	دوستی
worldliness	دوستی دنیا
last night	دوش
auspicious fortune; good fortune;	دولت
worldly power	
low-minded	دون‌ہمت
low aspiration	دون‌ہمتی
Aeon; aveternity; Time	دھر
	دھر اوّل ← دھرالذہور
Aeon of Aeons; first Aeon	دھرالذہور (= دھراوّل)
Aeonists; materialists	دھریّون

astonishment; confusion; stupefaction	دهشت
country; homeland	دیار
abode of abiding; abode of permanence	دیار باقی
the Retributer	دیّان [خداوند]
country of Friend	دیار دوست
religiosity	دیانت
bird's eye	دید اجمالی
vision of generosity	دید فتوّت
spiritual vision	دیدن با قلب
gaze of the people of the world	دیدۀ اهل غیب
of the Unseen	
eye of vision	دیدۀ بصیرت
soul-seeing eye	دیدۀ جان‌بین
beauty-perceiving eye	دیدۀ جمال‌بین
world-seeing eye	دیدۀ جهان‌بین
truth-perceiving eye	دیدۀ حقیقت‌بین
cloister; country; hermitage; monastery	دیر
Magians' cloister	دیر مغان
cell and church	دیر و کنشت
eternity; everlastingness; persistence	دیمومیت
faith; religion; theology	دین
religion-nurturing	دین‌پرور
cultivation of religion	دین‌پروری
devout; god-fearing; pious	دیندار
primordial faith	دین حنیف
pure religion; religion of purity	دین خالص

lunacy; madness

دیوانگی

distraught; lunatic; madman

دیوانه

ذ

Essence of Divine Unity

ذات احدیّت

Essence of Creator

ذات باری

Divine Essence; Essence of the Real

ذات حقّ [تعالیٰ]

Essence of God

ذات خداوند

uncreated essence

ذات قدیم

transcendent essence

ذات متعالی

by nature; essentially; in nature; naturally

ذاتاً

invoker; praiser of God;

ذاکر

recollector; rememberer

Repository of God

ذخیره الاهی

summit of servitude

ذروة عبودیّت

act of remembrance; call; evocation;

ذکر

formula of remembrance; invocation;

invocation of God; invoking; orison;

recalling; recitation of God's Names;

recollection (of God); remembering;

remembrance of God; reminder

invocation of God; remembrance of God	ذکر اللہ
open invocation; open remembrance	ذکر جلیّ
invocation of God; mentioning the name of God	ذکر حقّ
secret invocation; secret remembrance	ذکر خفیّ
invocation with the imagination	ذکر خیالیّ
invocation with the tongue	ذکر زبانیّ
invocation with the heart;	ذکر قلبیّ
invocation with the spirit	
invocation with the tongue	ذکر لسانیّ
invocation with words	ذکر لفظیّ (≠ ذکر نفسیّ)
spiritual invocation	ذکر معنویّ (= ذکر قلبیّ)
invocation with the soul	ذکر نفسیّ (≠ ذکر لفظیّ)
masculinity	ذکورّت
	ذُلّ ← ذَلّت
abasement; dishonour; humiliation;	ذَلّت
humility; lowliness; self abasement	
worldly debasement	ذَلّت دنیا
base; humble	ذلیل
blamable	ذمیم
crime; guilt; misdeed; sin; vice	ذنب
beings endowed with spirit	ذوات الرّوح
Lord of Splendor; the Majestic;	ذوالجلال [خداوند]
the Possessor of Glory	
possessor of the Two Eyes	ذوالعینین [عالی مقام ترین عارف]
direct experience; discernment; experience;	ذوق

flavour; immediate tasting; intimate taste;
 intuition; intuitive experience; mystic
 perception; sapiential knowledge; spiritual
 leaning; spiritual taste; taste; tasting
 taste of intimacy
 taste of beauty
 taste of God's witnessing;
 taste of witnessing
 taste of proximity to God
 taste of love
 forgetfulness of the exterior world;
 oblivion

ذوق انسى

ذوق جمال

ذوق شهود

ذوق قربت حقّ

ذوق محبّت

ذهول

fragrance of existence	رائحة وجود
interconnecting factor; interconnector	رابط
intertying; link; relation	رابطه
	راجی ← امیدوار
delight of certainty	راحت یقین
eternal ease; everlasting ease	راحة الابد
the Merciful	راحم [خداوند]
mystery; secret	راز
the Nourisher; the Nourishing;	رازق [خداوند]
the Provider	
beginning of wisdom	رأس الحکمه
righteous; walking straight	راست رو
honest conduct; righteous conduct	راست کرداری
honest speech; veracity	راست گفتاری
the firm in knowledge; those firmly	راسخان در علم
rooted in knowledge	
acquiescent; approving; content; satisfied	راضی

to approve; to be satisfied	راضی بودن
beseecher; desirous	راغب
clemency; compassion; mercy; pity	رأفت
the Exalter	رافع [خداوند]
path; road; way	راه
Path to God; way of Truth	راه حق
Divine Path; Path of God	راه خدا
path of perdition; wrong way	راه ضلالت
way and usage	راه و رسم
path of guidance; right way	راه هدایت
monk	راهب
guide; road-guide	راهبر
knower of the Path	راه شناس
beacon; guide; waymark	راه نما
orthodoxy	رای جمهور
correct opinion; perspicacious opinion	رای صائب
direct observation; direct vision	رای العین
the Lord	رَبِّ
Supreme Lord	رَبِّ اعلیٰ
Lord of all being; Lord of the universe;	رَبِّ العالمین
Lord of the world; Lord of the worlds	
the Guardian Lord; the Lord;	رَبِّ [خداوند]
the Master	
man of mystical state	رَبِّ حال (= صاحب حال)
spiritual father	رَبِّ روحانی
Lord of the Lords; the Lord Supreme	رَبِّ الارباب

dwelling of Sufis; Inn; monastery;	رباط (کنایه از دنیا)
Sufi centre; Sufi convent	
dominical; heavenly; Lord-like;	ربّانی
Lordly; rabbinical	
Lordliness	ربّانیت
Attribute of God that controls and	ربوبیت
nourishes the universe; Deity; Divine	
Lordly condition; Divine Lordship;	
Divinity; Lordliness; Lordly State;	
Lordship; Sovereignty; suzerainty	
degree; standing	رتبه
level of degree; level of rank	رتبهٔ مکان
hope	رجاء
Men of the Yearning	رجال اشتیاق
	رجال الله ← مردان خدا
Men of the Help; Men of the Succour	رجال امداد
Men of Breaths	رجال أنفاس
Men of the Six Days	رجال ایام سته
Men of the Limit	رجال حدّ
Men of the inner Sense; Men of	رجال حسّ باطن
the Nonmanifest Sense	
Men of the Manifest Sense; Men of	رجال حسّ ظاهر
the outward Sense	
Men of the Wonder	رجال حیرت
Men of perfumes; Men of Scents	رجال روائح
Men of Path; Men of spiritual path	رجال طریقت

Men of the Inability	رجال عاجز
Men of Number	رجال عدد
Men of the Absent; Men of the invisible world	رجال غیب
knowledgeable men;	رجال مطلع
Men of the Overview	
Men of Intentions	رجال نِیات (= نِیّاتُون)
filth; impurity	رجس
<i>parousia</i> ; return	رجعت
voluntary return	رجوع اختیاری
compulsory return	رجوع اضطراری
Divine return	رجوع الاهی
manliness	رجولیت
commiserate; mercy	رحم
compassionate; Divine; merciful	رحمانی
clemency; compassionateness	رحمانیت
benediction; benevolence; blessing;	رحمت
clemency; compassion; compassionateness;	
mercy; sympathy	
mercy of the Names	رحمت اسمائی
Divine mercy	رحمت الاهی
gratuitous mercy	رحمت امتنانی
all-spreading mercy	رحمت انتشاری
God's mercy	رحمت حقّ
special mercy; specific mercy	رحمت خاصّ
mercy of God	رحمت خدا

essential mercy	رحمت ذاتی
	رحمت رحمانی ← رحمت عام
	رحمت رحیمی ← رحمت خاص
all-inclusive mercy; general mercy	رحمت عام
	رحمت واجب ← رحمت خاص
all-embracing mercy	رحمت واسعه
essential mercy	رحمت وجوبی
Divine mercy; God's mercy	رحمة الله
the All-Compassionate; the All-Good;	رحمن [خداوند]
the All-Merciful; the Clement;	
the Compassionate; the Merciful	
the Compassionate; the Infinitely	رحیم [خداوند]
Merciful; the Merciful; the	
Mercy-Giving; the Most Merciful	
pure wine	رحیق
mercifulness	رحیمیت
cheek; face	رخ
face of the Beloved	رخ یار
permission	رخصت
cloak; gown	رداء
vices	رذائل
evil; vice	رذیلت
the All-Provider; the Provider;	رزاق [خداوند]
the Sustainer	
message; messengerhood; mission; vocation	رسالت
Divine message; Divine mission;	رسالت الاهی

Divine vocation	
resurrection	رستاخیز
freed; saved	رستگار
deliverance; salvation	رستگاری
	رُسل ← رسول
formality	رسم
ambassador; envoy	رسول
Messenger of God	رسول الله
practices	رسوم
God's direction; guidance	رشد
jealousy	رَشک
the Guide to the Right Path	رشید [خداوند]
acceptance; acquiescence; approval;	رضا
cheerful submission; consent; content;	
contentment; favour; good pleasure;	
inner contentment; inner joy; pleasure;	
quietism; satisfaction; spiritual pleasure;	
submission to God's pleasure; to be	
pleased with God; total submission	
acceptance of destiny; contentment with	رضا به قضا
destiny; contentment with the decree of God	
God's approval; pleasure of God	رضای الاهی
God's pleasure	رضای خدا
(Divine) pleasure; good pleasure; paradise	رضوان
anxiety; fear; panic	رعب
tremble	رعشه

feebleness; folly; frivolity; laxity;	رعونات ← رعونت
thoughtlessness; vanity; weakness	رُعونت
feebleness of human nature;	رعونت طبع
weakness of human nature	
feebleness of the soul; folly of the soul	رعونت نفس
the subject; those committed to	رعیّت
somebody's charge	
desire; longing; urge; yearn; yearning	رغبت
stimulus of joy	رغبت ذوق
concupiscence; strong longing	رغبت شدید
removal of secondary causes	رفع اسباب
lifting a screen; lifting of the veil;	رفع حجاب
unveiling	
exaltation; lifting up; up-lifting	رفعت
clemency; comfort; considerateness;	رفق
gentleness; kindliness; kindness;	
mercy; showing mercy	
elevated	رفیع
the Lofty; the Up-lifter	رفیع [خداوند]
the Up-lifter of the degrees	رفیع الدّرجات [خداوند]
companion; comrade; friend	رفیق
Great Friend	رفیق اعلیٰ
	رقائق ← رقیقه
delicacy; gentleness	رَقّت
tenderness	رَقّت دل

dance; dancing	رقص
the Surveyor; the Vigilant;	رقیب [خداوند]
the Watcher; the Watchful	
intangible reality; tenuity	رقیقہ
abjection; ignominy	رکاکت
pillar of religion	رکن دین
bowing down; profound inclination	رکوع
reliance	رکون
cipher; hidden meaning; secret sign	رمز
the Ramaḍan	رمضان
afflicted; experienced pain	رنج دیدہ
distressed; vexed	رنجہ دل
debauchee; libertine; spiritual	رند
wanton; profligate	
profligate of Tavern	رند خرابات
the libertine	رندان
debauchery; dissipation;	رندی
sinfulness; profligacy	
to practise profligacy	رندی کردن
colour	رنگ
to becolour	رنگین کردن
chamber of vision	رواق منظر
stenches of the Hell; stench of the Fire	روائح نار
soul; spirit	روان ← روح
ease; freshness; grace; repose	رُوح (= بسط)
soul; spirit; <i>spiritus</i> ; vital spirit	روح

spirit of the Devil	روح ابلیس
ascribed spirit; attributed spirit	روح اضافی [مثل روح اللہ]
Supreme Spirit	روح اعظم
Faithful Spirit; Gabriel	روح الامین
Divine Spirit	روح الاهی
Gabriel; Holy Ghost; <i>Madonna</i>	روح القدس
<i>Intelligenza</i> ; Spirit of Holiness;	
Spirit of Saintity; Spirit of Sanctity	
Spirit of Allah; Spirit of God; <i>Spiritus Dei</i>	روح اللہ
command spirit	روح امری
human spirit; spirit of man	روح انسانی
spirit of faith	روح ایمان
human spirit	روح بشری
pure Muhammadan spirit	روح پاک محمدی
partial spirit; particular spirit	روح جزئی
spirit of the jinn	روح جنّ
animal soul	روح حیوانی
imaginal soul	روح خیالی
rebellious spirit	روح سرکش
lower spirit	روح سُفلی
spirit of Satan	روح شیطان
spirit of devotion	روح عبادت
higher spirit	روح علوی
spirit of the act; spirit of the deed	روح عمل
holy spirit	روح قدسی
Universal Spirit; universal spirit	روح کلی

subtle spirit	روح لطیف
immaterial soul; pure spirit	روح مجرّد
Muhammadian Spirit	روح محمدی
governing spirit	روح مدبّر
ascribed spirit; attributed spirit	روح مضاف [مثل روح الله]
sanctified spirit	روح مقدّس
spirit of the angel	روح ملک
angelic spirit	روح ملکی
spirit breathed in by God	روح منفوخ
vegetable spirit; vegetative spirit	روح نامیه
spirit of ritual prayer; spirit of <i>ṣalât</i>	روح نماز
spiritual	روحانی
spiritual beings; spiritual realities	روحانیات
sainthood; spirituality	روحانیت
Day of <i>Alast</i>	روز آلاست
day of assembling	روز حشر
Day of Judgement; Judgement Day	روز قیامت
time of union	روزگار وصال
garden; gardenplot; paradise	روضه (= باغ)
celestial garden	روضه اخروی
fear; terror	رُوع (= خوف)
the Affectionate; the Clement; the Kind	رؤوف [خداوند]
lovely face	روی زیبا
dream-vision	رؤیا
Divine dream-vision	رؤیای رحمانی
satanic dream	رؤیای شیطانی

veridical dream	رؤیای صادق
sound dream	رؤیای صالحه
angelic dream	رؤیای ملکى
vision; visualization	رؤیت
vision of God	رؤیت الاهى
heart vision; vision by the heart	رؤیت به دل
heart vision; vision by the heart	رؤیت به قلب
beatific vision; <i>visio Dei</i> ; vision of God	رؤیت خداوند
intellectual vision; mental vision	رؤیت علمیه
ocular vision	رؤیت عینیّه
vision by the heart	رؤیت قلبی
vision of the angles	رؤیت ملائکه
ocular vision	رؤیة العین
	رؤیة الله ← رؤیت خداوند
absolution; emerging from; salvation	رهايى
deliverer; setting free	رهايى بخش
monk	رهبان
monasticism	رهبانیت
awe; dread; horror	رهبت
leader	رهبر
traveller along the path; wayfarer	رهرو
quenching	رى
bigotry; dissemblance; dissimulation;	ریا
duplicity; hypocrisy; making a show;	
ostentation; showing off; show of honesty	
braggart; double-faced; hypocrite;	ریاکار

impostor; ostentatious; two-faced	
authority; leadership; mastership	ریاست
abstinence; act of self-denial; ascetic	ریاضت
discipline; asceticism; ascetic practice;	
austerity; discipline; exercise of	
self-discipline; mortification; self-discipline;	
self-mortification; severe austerity; spiritual	
exercise; strenuous effort; training	
ascetic practice according to Shari'ah;	ریاضت شرعی
ascetic practice derived from Shari'ah	
to mortify; to mortify oneself;	ریاضت کشیدن
to practise asceticism	
chastening of the soul; self-mortification;	ریاضت نفس
training the soul	
ascetic combat; asceticism and	ریاضت و مجاهدت
ascetic combat	
ascetic; austere	ریاضت کش
asceticism; austerity	ریاضت کشی
hesitation	ریب
support of life; well-being	ریحان
rust	رئین (= حجاب کفر و ظلمت)

ز

pilgrim	زائر
rebuking	زاجر
pure	زاکی
cloister; hermitage; Sufi centre	زاویه
abstainer; abstemious; abstinent; anchorite;	زاهد
ascetic; hermit; recluse; saintly man	
choice of creatures	زیده کاینات
cream of the world	زیده عالم
augury; prohibition	زجر
worldly adornments	زخارف دنیا
adornments of this world	زخارف دنیوی
transient adornments; transient	زخارف فانی
allurements	
worldly bliss and its trappings	زخارف نعیم دنیوی
pure; virtuous	زکی
backsliding	زلّت

curl; lock (of hair); ringlet; tress	زلف
nearness; proximity	زُلفی (= قرب)
fault	زلل (= لغزش)
Zulaikha	زلیخا
invisible instant; solitary time;	زمان فرد
unique time; unit of time	
separated time; <i>tempus discretum</i>	زمان منفصل
	زمرّد ← نفس کلّی
Green Emerald	زمرّدة الخضراء (= نفس منبعث از عقل اوّل)
	زنادقه ← زندیق
Christians' belt; Christians' girdle	زُنّار
religious cord; <i>zunnâr</i>	
chin	زنخدان
atheism; disbelief; impiety	زندقه
alive; living	زنده
to enliven; to restore to life; to resurrect	زنده کردن
atheist; free-thinker; miscreant; unbeliever	زندیق
rust; taint	زنگار
rust of denial	زنگار انکار
rust of heart	زنگار دل
rust of instinct nature	زنگار طبیعت
excess of lights in the heart; unnecessary things	زوائد
destruction; evanescence; perdition	زوال
loss of faith	زوال ایمان
loss of lust; removal of lust	زوال شهوت
destruction of the soul	زوال نفس

couple; spouse	زوج
coupleness; marriage	زوجیت
	زُهاد ← زاهد
abnegation; abstemiousness; abstinence;	زهد
ascetic devotion; asceticism; austerity;	
continence; renouncement; renunciation	
(of the world); self-denial	
being indifferent towards the	زهد در آخرت
life hereafter	
being indifferent towards the world	زهد در دنیا
to practise asceticism; to renounce	زهد ورزیدن
vanishing of false attributes	زهوق صفات باطل
excess; self-indulgence	زیاده‌روی
pilgrimage	زیارت
perversity	زیغ (= گمراهی)
ornament	زینت

س

asking by capacity	سؤال به استعداد
asking by being in a state	سؤال به حال
verbal asking	سؤال به لفظ (= دعا)
asking by being in a state	سؤال حال
asking by one's essence	سؤال ذاتی
the foremost; preceders	سابقون
magician; sorcerer	ساحر
shore of sobriety	ساحل صحو
pure; unobstructed	ساذج
camel-driver	ساریان
melody	ساز
cup of wine; goblet	ساغر (= جام)
cup-bearer	ساقی
abiding; stationary	ساکن
holy traveller; initiate; novice;	سالک
one who actually treads upon the Path;	
traveller (on the Road); traveller on the	

spiritual path; travelling; voyager in the

Path; wayfarer; wayfarer (on the Path)

outside wayfarer

سالک خارج

inside wayfarer

سالک داخل

attracted wayfarer

سالک مجذوب

pilgrims on the way to the Truth;

سالکان حق

those who are travelling the road to God

Sameritan

سامری

the Hearer; the Hearing; the Listener

سامع [خداوند]

negligent

ساهی

سایر ← سالک

shade; shadow

سایه

mediate cause; occasion; secondary cause

سبب

flashing glories; glories; splendours

سُبُحات

Glory be to God

سبحان الله

predatoriness

سبعت

light-burdened ones

سبک باران

light-hearted; light-spirited

سبک روح

jar

سبو

the Glorified

سُبُوح [خداوند]

glorified and sanctified

سُبُوحی و قدوسی

the right path; the road

سبیل

Path of guidance

سبیل الرشاد

Divine Path; Path of God

سبیل الله

gratitude

سپاس

to praise

سپاس گزاردن

grateful; thankful	سپاس گزار
gratefulness; thankfulness	سپاس گزاری
veiler	ستار
the Concealer of sins	ستار [خداوند]
concealing; covering; curtain;	ستر
curtaining; occultation; veil	
prayer-mat	سجاده
prostration	سجده
prostration	سجود
prostration by essence; prostration	سجود ذاتی
of the essence	
prostration of the heart	سجود قلبی
last night-hours	سحر
morning-riser; morning-rising	سحر خیز
magic; sorcery	سحر
perdition	سحق (= فنا)
generosity; liberality; munificence	سخاوت
hard-heartedness	سخت دلی
hardship of separation	سختی هجران
anger; disapproving; wrath	سخط
Word of God	سخن خدا
the Generous	سخی [خداوند]
rectitude	سداد
Lote Tree	سدره
Lote Tree of the Limit;	سدرۃالمنتهی
Lotus of the Limit	

tress-tip	سر زلف
head of the street	سر کوی
conscience; contemplative consciousness;	سرّ
heart; inmost heart; inmost of the heart;	
inmost self; inner dimension; inner self;	
secret; secret centre; secret domain;	
secret heart; Self	
mystery; secret	سرّ (= راز)
	سرّ اخلاص ← سرّ قدر
Divine Mystery	سرّ الاهی
the most secret; secret of secrets	سرّ السرّ
Divine Mystery	سرّ الله
secret of Resurrection	سرّ حشر
hidden secret	سرّ خفیّ
Divine Mystery; Lordly Mystery	سرّ ربّانی
secret of Divine suzerainty; secret of	سرّ ربوبیت
suzerainty; secret of the Godhead	
secret of the secrets of suzerainty	سرّ سرّ ربوبیت
inner meaning of the Law	سرّ شریعت
mystery of Destiny;	سرّ قدر
mystery of measuring out	
secret of the soul	سرّ نفس
mystery inherent in	سرّ وجود (نیز ← حقیقت محمدی)
being; mystery of existence	
mirage	سرّاب
chamber	سرّایرده

chamber of secret	سراپردهٔ راز
chamber of love	سراپردهٔ محبت
	سرائر ← سریره
Lamp; lantern	سراج
pavilions	سراذقات
everlasting abode; mansion	سرای باقی
of eternity	
plain of catharsis	سرای تجرید
transient abode	سرای فانی
to suppress one's lusts	سرکوب کردن هواها
head-revolving	سرگردان
being perplexed; being puzzled;	سرگشتگی
bewilderment	
distracted; perplexed; wanderer	سرگشته
eternal; everlasting; immortal; unceasing	سرمد
ecstatic; intoxicated; self-intoxicated	سر مست
cypress	سرو
song of assemble	سرود مجلس
happiness; joy	شُور
commander; leader; master	سَروَر
eminence; leadership	سَروَری
communication; infusion; permeation	سریان
to penetrate; to permeate	سریان داشتن
penetration of the light;	سریان نور
permeation of the light	
permeation of existence;	سریان وجود

spreading of existence

to become permeated; to communicate

سریان یافتن

conscience; consciousness; heart; innermost

سریره

heart; innermost secret of man;

intimate of the soul; intimate thought;

mindedness; secret; secret heart; secret

of the soul; secret thought

the Swift in reckoning

سريع الحساب [خداوند]

the Swift in punishing

سريع العقاب [خداوند]

assault; awesome blow; onslaught;

سَطَوْتُ

penalty; severity; vengeance

beatitude; bliss; felicity; good fortune;

سَعَادَت

good luck; happiness; prosperity

eternal bliss; eternal felicity;

سَعَادَت ابدی

eternal happiness

other-worldly bliss; other-worldly

سَعَادَت اخروی

happiness

supreme bliss; supreme happiness

سَعَادَت عظمی

auspicious union; bliss of union

سَعَادَت وصال

felicitous; fortunate; happy; lucky

سَعَادَت مند

the blessed; the felicitous

سَعْدَاء

expansion of the chest; openness of

سَعَةُ صَدْر

the chest; openness of vision

openness of heart; vastness of heart

سَعَةُ قَلْب

existential openness; ontological vastness

سَعَةُ وجودی

auspicious; blessed; blest; blissful;

سَعِيد

felicitous; happy	
journey	سفر
spiritual journey	سفر روحانی
Divine envoys	سفرای حق
	سفرهای چهارگانه ← اسفار اربعه
low	سُفلی
Divine envoy	سفیر حق
drunkenness; inebriety; intoxication;	سُکر
rapture; swoon	
silence; speechlessness	سکوت
contentment; repose; stillness; tranquility	سکون
stillness of the soul; tranquility of the soul	سکون نفس
Divine Peace; peace; quiet(ness);	سکینه
repose; rest; sanctuary; tranquillity	
peace	سلام
the Peace; the Source of Peace	سلام [خداوند]
to greet	سلام گفتن
on whom be peace	سلام الله عليهم
blamelessness; health; safety; welfare	سلامت
health of one's being; security of mind	سلامت صدر
chain of spiritual masters; initiatic chain	سلسله
Sovereign of Names	سلطان اسماء
the Authority; the Sovereign	سلطان [خداوند]
king of love; monarch of love	سلطان عشق
sovereign of Jealousy	سلطان غیرت
sovereign of Time	سلطان وقت

kingship; monarchy; power;	سلطنت
reign; sovereignty	
abiding monarchy; eternal	سلطنت سرمدی
kingship; eternal sovereignty	
power; sovereignty; sway	سلطه
all the early Muslims; forefathers	سَلَف
pious predecessors; righteous forebearers	سَلَف صالح
peace	سِلْم
journey on the Path; progression in	سلوک
the Path; spiritual wayfaring; traversing;	
treading; wandering on the Path	
pure; wholesome	سَلِیم
sound in discernment	سَلِیم النّظر
bountifulness; liberality; wideness	سماحت
audition; listening; mystical concert and	سماع
dance; mystical music; religious songs with	
sweet voice; singing oratorios; song;	
spiritual audition; spiritual concert; Sufi	
audition	
audition of voices and songs	سماع اصوات و الحان
audition of poetry	سماع شعر
audition of the Koran	سماع قرآن
	سماوات سبع ← هفت آسمان
celestial; heavenly	سماوی
audition; hearing	سمع
desire for good repute; reputation	سُمعه

orally transmitted; traditional	سمعی
transmitted knowledge	سمعیات
the Hearer; the Hearing	سمیع [خداوند]
puerty	سنّ بلوغ
established commendable custom;	سنّت
<i>Hadīth</i> ; way of life; wont	
Prophet's <i>Sunnah</i> ;	سنّت پیامبر (ص)
wonts of the Prophet	
good custom	سنّت حسنه
ugly custom	سنّت سیئه
setting down <i>sth</i> as custom	سنّت‌گذاری
following the <i>Sunnah</i> ; orthodox Muslim;	سُنی
Sunni Muslim	
bad; evil; ugly	سوء
evil character	سوء اخلاق
bad manners; discourtesy; ill-manner	سوء ادب
evil acts; evil deeds	سوء اعمال
mistrust; suspicion	سوء ظنّ
great majority; great mass	سواد اعظم
consuming of the moth	سوختن پروانه
design; love; melancholy; passion;	سودا
vain imagining; vanity	
melancholiac; melancholic; melancholy	سودایی
burning; passion	سوز
passion of yearning	سوز اشتیاق
inward burning; inward yearning	سوز درون

burning of heart; heart's consuming	سوز دل
burning and melting	سوز و گداز
burning of separation	سوز هجران
consuming	سوزان
Market of the Garden	سوق الجنّه
core of the heart; recess of the heart	سویدای دل
sleeplessness; waking	سَهَر (= بیداری)
	سیئات ← سیئه
evil act; ugly act; unrighteousness; vice; wickedness	سیئه
	سیّاحون ← ملائکه سیّاح
mastership	سیادت
darkness; obscurity	سیاهی (کنایه از ذات حقّ)
leader; lord; master	سیّد
Master of the first and the last	سیّد اولین و آخرین
the Lord	سیّد [خداوند]
Leader of the Saints	سیّد الاولیاء
contemplative voyage; journey; motion; voyage	سیر
external journey; objective journey;	سیر آفاقی
objective voyage	
horizontal journey; horizontal movement	سیر افقی
journey to God	سیر الی الله
spiritual journey; spiritual voyage;	سیر انفسی
subjective journey; subjective voyage	
journey with God	سیر بالله
descending journey	سیر رجوعی

ascending journey; ascending movement	سیر صعودی
ascending journey	سیر عروجی
journey in God	سیر فی الله
descending journey; descending movement	سیر نزولی
character	سیرت
biography; life	سیره
phoenix	سیمرخ
letter magic; science of the magical	سیماء
property of letters; <i>semeia</i>	
heart	سینه
burning heart	سینه نالان

ش

God's Affairs; God's Tasks	شؤون خدا
delightful; joyful	شاد
delight; joyfulness	شادی
Lawgiver	شارع
intercessor	شافع
the Cure-Giver; the Healer	شافی [خداوند]
grateful; thankful	شاگرد
the Grateful	شاگرد [خداوند]
constitution	شاکله
to embrace	شامل بودن
affair; rank; state; task	شان
object of contemplation; witness	شاهد
the Witness; the Witnesser	شاهد [خداوند]
attestation; proof	شاهد (= دلیل و بیّنه)
beautiful being	شاهد (= زیباروی)
contemplative	شاهد (= ناظر)
witnesses of the Unseen	شاهدان غیب

witness of God	شاهد حقّ
witness of annihilation	شاهد فنا
eternal witness; witness of the eternal	شاهد القدّم
night of vigilance	شب احیاء
illuminated night amidst the day of darkness	شب روشن میان روز تاریک
night of dis-union	شب فرقت
the Blessed Night; Night of Decree; Night of Destiny; Night of Power	شب قدر
night of the Ascension; night of ascent to heaven	شب معراج
night of separation	شب هجر
night of separation; separation's night	شب هجران
nightly vigil; pray-night	شب زنده داری
a form of corporeal nature; apparition	شبیح
obfuscation	شبهه
	شجره ← انسان کامل
avarice; niggardliness	شُحّ (= آز)
avarice indulged	شُحّ مطاع
ruler-recognizer	شحنه شناس
lieutenant of longing; viceroy of longing	شحنه شوق
intensity of luminosity	شدّت نور
intensity of existence	شدّت وجود
the Terrible in Punishment;	شدید العذاب [خداوند]
the Terrible in Tribulation	
the Terrible in Punishing	شدید العقاب [خداوند]

bad will; mischief	شرّ
conditional evil; delimited evil	شرّ مقید
wickedness of soul	شرّ نفس
drink; wine	شراب
wine of pre-eternity	شراب ازل
wine of <i>Alast</i>	شراب آلت
wine of <i>tawhîd</i>	شراب توحید
wine of vision; wine of witnessing	شراب شهود
pure drink; pure wine	شراب طهور
wine of love	شراب عشق
wine of perpetuity	شراب لایزال
wine of gnosis	شراب معرفت
pure wine	شراب ناب
wine-house	شراب‌خانه
	شرایع ← شریعت
drinking	شرب
drinking wine	شرب خمر
expansion of the breast; expansion of the chest; openness of the spirit	شرح صدر
running commentary	شرح مزجی
internal prerequisite	شرط باطنی
monastic vows	شرط رهبانیت
vow of chivalry; vow of moral virtue	شرط مروّت
	شرع ← شریعت
lawfully	شرعاً
eminence; excellence	شرف

the noble	شُرَفَاء
ascribing partner to God; associating other gods with God; associating others with God; associationism; polytheism hidden polytheism; latent polytheism	شِرْک
open polytheism	شِرْک خَفِیّ
sheer polytheism	شِرْک صَرِیح
inward association of gods with God	شِرْک مَحْض
shame before God	شِرْک مَعْنَوِی
covetousness; cupidity	شَرَم از خداوند
Divine Law; the Law; revealed Law; revealed religion; Sacred Law; Shariah	شَرَه (= آَز)
Divine Law and Spiritual Way; the Law and the Way	شَرِيعَت
noble	شَرِيعَت و طَرِيقَت
associate; co-sharer; partner	شَرِيف
ecstatic expression; ecstatic phrase; theopathic locution; theophanic locution; word of ecstasy	شَرِیک
inspired paradoxes; theopathic locutions; theophanic locutions; untruly utterances; words of ecstasy	شَطَح
ecstatic expressions; ecstatic utterances; theophanic locutions	شَطَحَات
rituals; sacred observances; symbols; waymarks God's Waymarks	شَطَحِیَات
poetry	شَعَائِر
	شَعَائِرِ اللّٰه
	شَعْر

religious ceremony; ritual; waymark	شعیره
health-giving	شفابخش
intercession	شفاعت
translucent; transparent	شّفاف
even	شفع (≠ وتر)
dusk	شفق
affection; commiseration; compassion;	شفقت
kindliness; kindness; pity	
	شقاء ← شقاوت
affliction; distress; eternal misfortune;	شقاوت
misery; unhappiness; wretchedness	
eternal affliction; eternal woe;	شقاوت ابدی
everlasting woe	
afflicted; unhappy; wretched	شقیّ
doubt; scepticism; skepticism	شکّ
gratitude; thank; thankfulness; thanking;	شکر
thanks; thanksgiving	
theoretical gratitude	شکر علمی
practical gratitude	شکر عملی
to be grateful; to give thanks; to thank	شکر کردن
verbal gratitude	شکر لفظی
gratefulness; thanking	شکرگزاری
heartbroken ones	شکسته دلان
semblance	شکل
torment of separation	شکنجهٔ فراق
grateful; thankful	شکور

the Grateful; the Rewarder	شکور [خداوند]
equanimity; patience	شکیبایی
candle	شمع (کنایه از نور عرفان)
candle of the heart; heart's candle	شمع دل
all-encompassingness	شمول
impurities of doubt	شوائب شک
ardour; deep emotion; madness	شور
tumult and uproar	شور و شرّ
distraught	شوریده
in a distraught state	شوریده حال
ardor; desire; eagerness; fervour;	شوق
longing; yearn; yearning	
restless desire	شوق بی قرار
majesty; might; pomp	شوکت
states	شؤون (= مراتب وجود)
declaration of faith	شهادت (= اعلام ایمان)
the visible	شهادت [عالم]
great witness; major witness	شهادت کبری
perjury	شهادت کذب
honey of annihilation	شهد فنا
city of love	شهر عشق
	شهوات ← شهوت
animal passions	شهوات حیوانی
passions of the soul; pleasures	شهوات نفسانی
of the soul	
concupiscent; erotic	شهوانی

appetite; bestial pleasure; carnal desire;

شهوت

concupiscibility; consummation;

covetousness; cupidity; desire; lust;

passion; sexual desire; voluptuousness

desire for food; desire of the stomach

شهوت بطن

concupiscence; sexual passion

شهوت جنسی

animal passion

شهوت حیوانی

hidden passion; secret lust

شهوت خفی

spiritual passion

شهوت روحانی

natural lust; natural passion

شهوت طبیعی

inspiration; intuition; seeing;

شهود

vision; witnessing

presence

شهود (= حضور)

immediate witnessing; witnessing

شهود بی واسطه

without intermediary

to contemplate

شهود کردن

concupiscent; concupiscible

شهوئی

the Witness; the Witnesser

شهید [خداوند]

thingness

شیئیت

demons; devils; Satans

شیاطین

demons in human and jinn form;

شیاطین جنّ و انس

demons in humans and jinns

elder; physician of the soul; sage;

شیخ

shaikh; shaykh; spiritual master;

spiritual preceptor; Sufi Master

Master of Illumination

شیخ اشراق

Doctor <i>Maximus</i> ; the Greatest	شیخ اکبر [لقب ابن عربی]
Master; the Greatest Shaykh; Great	
Master; the Most-great Master	
the greatest master; master of masters	شیخ المشایخ
efficacious master; perfect master	شیخ کامل
master who has attained union	شیخ واصل
mastership; preceptorship	شیخوخت
distractedly in love	شیدا
distraughtness	شیدایی (= شدت غلیان عشق)
demon; devil; evil genius; Satan	شیطان
demonic; satanic	شیطانی
devilishness	شیطننت
rapture	شیفتگی

ص

patient; persevering	صابر
the patient	صابرين
companion; owner; possessor	صاحب
endowed with insight	صاحب بصيرت
possessor of the Self-Disclosure	صاحب تجلّی
man of variegation	صاحب تلوين
man of stability	صاحب تمکين
ecstatic man; possessor of spiritual state	صاحب حال
master of news	صاحب خبر
man of heart; spiritualist	صاحب دل
people of hearts	صاحب دلان
endowed with taste; possessed of taste;	صاحب ذوق
possessor of spiritual perception	
Lord of Time	صاحب زمان (= غوث)
man of inward feeling;	صاحب سرّ
possessor of spiritual secret	
Law-bringing	صاحب شريعت [وصف]

possessor of the nearness of obligatory works	صاحب قرب فرائض
man of heart	صاحب قلب
possessor of hearts	صاحب قلوب
possessed of miraculous deeds	صاحب کرامت
man of charismatic acts;	صاحب کرامات
performer of miracles	
intuitive person; possessor of spiritual vision	صاحب کشف
possessor of the station of no station	صاحب لامقام (= الاهیون)
companion of subtlety	صاحب لطف
owner of the level	صاحب مرتبت
possessor of ascents;	صاحب معارج
possessor of the Stairs	
possessor of spiritual station; saintly	صاحب مقام
possessor of ecstasies	صاحب مواجید
authorities; those of vision	صاحب نظران
possessor of spiritual influence	صاحب نفّس
person in union; person of union	صاحب وصول
possessor of time	صاحب وقت
possessor of sainthood	صاحب ولایت
possessor of lofty aspiration;	صاحب همّت
possessor of spiritual will	
the Truthful	صادق [خداوند]
lightning; thunderbolt	صاعقه (کَنایه از لَهِیبِ مَحَبّت)

clear; lucid; pure	صافی
men of pure heart	صافی دلان
pious; righteous; wholesome;	صالح (≠ طالح)
righteous deeds; wholesome deeds	صالحات
the pious; the virtuous	صالحان
the Creator; the Maker	صانع [خداوند]
breeze; east wind; morning gale; zephyr	صبا [باد]
morning of pre-eternity	صبح ازل
endurance; forbearance; fortitude;	صبر
patience; perseverance	
patience in obedience	صبر بر طاعت
patience in sinful actions	صبر بر گناه
patience in dangers and difficulties	صبر بر مصیبت
graceful patience	صبر جمیل
protected patience; safe patience	صبر عاصم
dawn; morning draught	صبح
patient	صبور
the Patient	صبور [خداوند]
companionship; company; society; speech	صحبت
soundness of character; soundness	صحت سریرت
of consciousness	
flawless intention	صحت نیت
plain of wonder	صحرای حیرت
plain of resurrection	صحرای عرصات
plain of Judgement	صحرای محشر
revealed books; scriptures	صُحُف

plain of Resurrection	صحنة قیامت
sober; soberness; sobriety; waking state	صحو (≠ سکر)
sobriety after effacement	صحو بعد از محو
sobriety and effacement	صحو و محو
book; scripture	صحیفه
friendship	صداقت
breast; chest; heart	صدر
breast of the spheres	صدر افلاک (= کرسی)
Foremost among the Theosophers;	صدرالمتألهین
Leader of Theosophers	
Ṣadrian	صدرايی
husk; shell	صدف (≠ گوهر)
honesty; loyalty; modesty; sincerity;	صدق
truth; truthfulness; veracity	
sincerity of desire	صدق ارادت
truth of faith	صدق ایمان
truth of speech; veracity	صدق قول
charity	صدقه
emanation; procession	صدور
close friend	صدیق حمیم
faithful devotee; righteous; saint;	صدیق
sincere devotee; sincere person; true	
believer; truthful one; veracious;	
veracious believer	
saints; sincere devotees; the sincerely	صدّیقین
devoted; the truthful; the veracious	

goblet; long-necked goblet	صُراحی
Straight Path	صراط مستقیم
pure Being; sheer Being	صرف الوجود
beggars; paupers	صعاليك
thunderstruck	صَعِق (= مدهوش)
	صعق (= فنا در
annihilation; perdition	هنگام تجلّی ربّانی)
ascention of deeds	صعود اعمال
	صغائر ← صغیره
smallness of soul	صَغَر نفس
minor sin; trivial offence	صغیره [گناه]
limpidness; purity; serenity	صفا
brightness; transparency	صفا (= روشنی)
purity of the inmost heart	صفاء السرّ
attributes; qualities	صفات
attributes of action; attributes of acts;	صفات افعال
attributes of operations	
inner qualities; internal attributes	صفات باطن
animal qualities; attributes of animality	صفات بهیمی
attributes of similarity	صفات تشبیه
attributes of incomparability	صفات تنزیه
affirmative qualities; positive attributes	صفات ثبوتی
praiseworthy attributes;	صفات حمیده
praiseworthy qualities	
Attributes of God; Divine Qualities	صفات خداوند
blameworthy attributes;	صفات ذمیمه

repugnant qualities	
Dominical Attributes;	صفات ربوبی
Dominical Qualities	
negative attributes; negative qualities	صفات سلبی
external attributes; outward qualities	صفات ظاهری
transcendent qualities	صفات علیا
attributes of perfection;	صفات کمال
qualities of perfection	
attributes of the Divine domain;	صفات لاهوتی
qualities of the Divine domain	
attributes of favour; qualities of favour	صفات لطف
blameworthy attributes;	صفات مذموم
repugnant qualities	
attributes of the human domain;	صفات ناسوتی
human qualities	
affirmative qualities of the soul;	صفات نفسانی ثبوتیه
positive attributes of the Self	
proponents of <i>Kalâm</i>	صفاتیان
inward purity	صفای باطن
purity of the heart	صفای دل
spiritual clarity; spiritual purity	صفای روحانی
purity of spirituality	صفای روحانیت
inward purity; purity of the heart	صفای قلب
Quality of Speech	صفت تکلم
Quality of Knowledge	صفت علم
attribute of action	صفت فعل

Quality of Power

صفت قدرت

Divine Attribute of Sustaining;

صفت قیومی خداوند

Sustaining Quality of God

election; purity

صفوت

choice of Allah; chosen of God

صفوة الله

selected friends

صَفْوَه

chosen; elected

صَفِیَّ

choice of Allah; chosen by God

صَفِیُّ الله

essential polish

صقالت ذاتی

areal region

صُقْع

canonical prayer; ritual prayer; *ṣalāt*

صلات

prayer of man

صلات انسان

goodness; rectitude ;safety; virtue;

صلاح

well being; wholesomeness

outward virtue

صلاح ظاهر

peace; reconciliation

صلح

the peaceful; the righteous

صُلَحَاء

the Prayer of God

صلوة الحق

صلوة الیل ← نماز شب

silence

صمت (= سکوت)

the Constant; the Eternal;

صمد [خداوند]

the Eternally Besought; the Everlasting

Refuge; the Immovable; the Impenetrable;

the Impermeable; the Recourse

art; artisanry

صنعت

trumpet

صُور

Seraphiel's Trumpet	صُور اسرافیل
forms of deeds	صُور اعمال
corporeous forms	صُور جسدیه
Lordly forms	صُور ربّانی
Divine form; Divine image	صورت الاهی
human form; human image	صورت انسانی
inner form; inner image	صورت باطنی
bodily form	صورت جسمانی
<i>Forma Dei</i> ; Form of the Exalted	صورت حقّ تعالیٰ
Divine Truth	
<i>Forma Dei</i> ; form of God	صورت خدا
imaginal form	صورت خیالی
form of the heart	صورت دل
outer image; outward form	صورت ظاهری
creaturely image	صورت کُونیّه
apparitional body; apparitional figure; imaginal form	صورت مثالی
sensory form; sensory image	صورت محسوس
Muhammadian form	صورت محمدی
wool	صوف
Sufi	صوفی
venerable Sufi	صوفی محتشم
Sufism	صوفیگری
the Sufis	صوفیّه
arrogance; assault; onslaught	صولت
imperiousness of	صولت هیبت الوهیت

the awe of Divinity

fast; fasting

صوم

fasting of the free

صوم احرار

fasting of the chosen; fasting of the elite

صوم خواص

fasting of the common

صوم عوام

fasting of the slaves

صوم عبيد

fasting of the heart

صوم قلب

cloister; hermitage; monastery

صومعه (کنایه از مقام

تفرد و تجرید از ماسوی الله)

wine

صهباء (= می)

fast; fasting

صيام

self-preservation

صیانت نفس

ض

criterion; general rule	ضابطه
the Harmer	ضارّ [خداوند]
erring; misguided; one who has erred	ضالّ (= گمراه)
blasphemous	ضالّه (= کفرآمیز)
controlling the imagination	ضبط خیال
keeping one's passions in check	ضبط شهوات نفسانی
laughter	ضحک (= خنده)
to strike similitude	ضرب امثال
necessary; self-evident	ضروری (= بدیهی)
	ضلال ← ضلالت
aberration; err; erring; going	ضلالت
astray; misguidance; misguidedness;	
wandering off the Straight Path	
inner self; the most interior secret of man	ضمیر
brightness; illumination; luminosity;	ضیاء
lustre; radiance	
constraint; constriction	ضیق

ط

the Sufi; tribe	طائفه
act of devotion; act of obedience;	طاعت
act of piety; devotion; obedience; piety	
false deity	طاغوت
aspirant; seeker	طالب
seeker of safety; seeker of well-being	طالب سلامت
enamoured seeker; seeker of love	طالب عاشق
idle talk	طامات
pure	طاهر
bird	طایر
holy bird	طایر قدسی
perfect natures	طباع تامّ
four natures	طباع اربعه
four natures	طباع چهارگانه
perfect nature	طبع تامّ
sealing	طبع (= ختم)

nature	طبع (= طبیعت)
levels; strata	طبقات
Divine physician	طیب الاهی
bodily physician	طیب جسمانی
physician of the soul	طیب روح
spiritual physician	طیب روحانی
the fifth nature	طبیعت پنجم (= عادت)
bodily nature	طبیعت جسمانی
delight; emotion; joy; music; rapture	طرب
edge; side	طرف
ringlet	طُرّه (کنایه از تجلیات جمال)
method; path; road; way	طریق
path of asceticism	طریق زهد
method of Sufism; mystical way;	طریقت
mystic Path; the Path; spiritual	
Path\Way; (Sufi) way; the Way	
fraternity; Sufi order	طریقت (= سلسله)
method of Sufism; Path of Sufism	طریقت تصوّف
love's Path	طریقت عشق
	طریقه ← طریقت
savour of devotion; taste of devotion	طعم عبادت
savour of gnosis; taste of gnosis	طعم عرفان
contumacy; rebellion; transgression	طغیان
investigation; pursuit; quest;	طلب
request; requisition; search;	
seeking; spiritual quest	

ambition	طلب جاه
seeking the good	طلب خیر
quest of worldly gain	طلب دنیا
asking for mercy	طلب رحمت
quest for power	طلب ریاست
pursuit of knowledge; quest for knowledge	طلب علم
pursuit of perfection; quest for perfection	طلب کمال
seeking forgiveness	طلب مغفرت
talisman	طلسم
supreme talisman	طلسم اعظم
breaking the talisman;	طلسم گشایی
opening the talisman	
contentment; non-perturbation; quietness;	طمأنینه
quietude; rest; security; serenity; tranquillity	
avarice; avariciousness; greed; greediness	طمع
circumambulation	طواف
circles of Sufism; Sufi orders	طوایف تصوّف
Mount Sinai	طور سینین
stage of intellect; stage of reason	طور عقل
beyond the stage of reason	ورای طور عقل
procession round the <i>Ka'bah</i>	طوف کعبه
extended hope	طول امل
immaculacy; purification; purity	طهارت
inward purification	طهارت باطن
specific purification	طهارت خاصّ
inward purity; purification of the heart	طهارت دل

spiritual purification; spiritual purity	طهارت روحانى
lesser purification; lesser purity	طهارت صغرى
outward purification	طهارت ظاهر
general purification	طهارت عام
inward purity; purification of the heart; purity of heart	طهارت قلب
greater purification; greater purity	طهارت كبرى
spiritual purification; spiritual purity	طهارت معنوى
purity of the soul	طهارت نفس
purity	طهر
purifying	طهور
going through stations	طى منازل
rapid journey from one point to another; swift traversal on the earth	طى الارض
excellent; pleasant; sweet	طيب

ظ

exterior; outward	ظاهر
the exoteric; the exterior; external dimension; the outer; outer behavior	ظاهر (≠ باطن)
the Apparent; the Exterior; the Manifest; the Manifested; the Outward	ظاهر [خداوند]
the apparent	ظاهر (≠ خفی)
outward dimension; outward situation	ظاهر (≠ سر)
exoteric meaning; literal aspect; outward meaning; outward sense; outward significance	ظاهر [معنا]
exterior of religion	ظاهر دین
exterior of Law	ظاهر شریعت
container for meaning	ظرف معنا
containership	ظرفیت
shadow	ظّل
shadow of God	ظّل الله
luminous shadow	ظّل نوری

oppression; wrongdoing	ظلم
doing wrong oneself; wronging oneself	ظلم به نفس
Land of Darkness	ظلمات
dark; tenebrous	ظلمانی
darkness; shadow	ظلمت
creaturely darkness; darkness of	ظلمت خلقت
createdness; darkness of the created state	
extremely oppressive	ظلوم
surmise	ظنّ
predominant surmise	ظنّ غالب
outward meanings; outward things	ظواهر
	ظواهر شریعت ← ظاهر شریعت
outwardness	ظهور
manifestation	ظهور (بـ خفاء)
outward significance	ظهور [معنا]
manifestation of God	ظهور الاهی

ع

devotee; pious devotee; worshipper	عابد
customs; habits	عادات
the Just	عادل [خداوند]
gnostic; God-addicted man; knower;	عارف
mystic; sapient; true knower	
perfect mystic	عارف کامل
perfect gnostic	عارف مکمل
enamoured; (enthusiastic) lover; lover of God	عاشق
distraught lover	عاشق شوریده
devoted lover	عاشق صادق
adoration; loving	عاشقی
disobedient; rebel; rebellious;	عاصی
rebellious sinner; sinner	
good health	عافیت (بلا)
end; final state	عاقبت
intelligent; rational; rational	عاقل

thinker; sage ;wise	
assiduous; devoted	عاکف
abode; domain; realm; universe; world	عالم
the world to come	عالم آجل
next world	عالم آخرت
physical world; world of bodies	عالم اجسام
world of the elements	عالم ارکان
world of pure Spirits	عالم ارواح
world of secrets	عالم اسرار
the lowest world; the world below	عالم اسفل
microcosm	عالم اصغر
world of shadows	عالم اظلال
higher world; the world above	عالم اعلیٰ
	عالم اعلیٰ ← عالم علوی
world of immutable entities	عالم اعیان ثابتہ
world of the heavens	عالم افلاک
macrocosm	عالم اکبر
possible world; world of possibility	عالم امکان
spiritual world; world of command	عالم امر
world of intimacy	عالم انس
world of breaths	عالم انفاس
intermediate world	عالم اوسط
world of certainty	عالم ایقان
intermediary world	عالم برزخ
realm of abiding; world of permanence	عالم بقا
realm devoid of colour	عالم بی رنگی و بی چونی

and quality	
world of self-disclosure	عالم تجلی
world of compilation	عالم تدوین
world of writing	عالم تسطیر
world of Oneness; world of Unity	عالم توحید
Divine Empire; Imaginal World;	عالم جبروت
sphere of Divine power; world of absolute	
Immensity; world of Domination; world of	
Sovereignty; world of the All-Powerful	
mineral realm	عالم جمادی
world of sense	عالم حس
world of reality; world of truth	عالم حقیقت
animal realm; animal world	عالم حیوانی
world of creation	عالم خلق
world of Imagination	عالم خیال
the lowest world	عالم دنیا
world of pre-existence	عالم ذرّ
world of mysteries	عالم راز
world of the spirits	عالم روح
spiritual world	عالم روحانی
dream world	عالم رؤیا
apparent world; exterior world;	عالم شهادت
manifest world; phenomenal world;	
seen world; sensible world; visible	
present world; witnessed domain; world	
of experience; world of the sensible;	

world of the visible; world of visibility	
contiguous world of visibility	عالم شهادت متصل
discontiguous world of visibility	عالم شهادت منفصل
visible world	عالم شهود
little cosmos; microcosm	عالم صغیر
world of form	عالم صورت
external world; world of manifestation	عالم ظاهر
present world	عالم عاجل
non-existent world	عالم عدم
world of infallibility	عالم عصمت
world of intelligence	عالم عقل
supernal world; upper world	عالم علو
upper world; the world above;	عالم علوی
world of sublimity	
elemental world	عالم عنصری
terrestrial world	عالم عنصری
the Absent; the Hidden; hidden world;	عالم غیب
invisible world; supersensible world;	
Unseen world; world of invisible realities;	
world of Mystery; world of the Unseen	
world of Absolute	عالم غیب مطلق (= حضرت ذات)
Mystery	
perishable world	عالم فانی
realm of effacement; world	عالم فنا
of annihilation	
world of emanation	عالم فیض

world of Sanctity	عالم قدس
world of nearness to God	عالم قرب حق
macrocosm	عالم كبير
realm of multiplicity	عالم كثرت
dense world	عالم كثيف (≠ عالم لطيف)
world of unveiling matters	عالم كشف
relating to the Unseen	
world of divinity	عالم لاهوت
subtle world	عالم لطيف (≠ عالم كثيف)
imaginal realm; imaginal world;	عالم مثال
intermediate suprasensory world; <i>mundus</i>	
<i>imaginalis</i> ; subtile world; visionary realm; world	
of archetypal figures; world of archetypal	
images; world of autonomous images; world of	
Idea-Images; world of images; world of	
Imagination; world of immaterial bodies; world	
of immaterial matter; world of subsistent	
Idea-Images; world of subsistent images; world	
of subtile substances	
world of absolute imagination;	عالم مثال مطلق
world of Unbounded Imagination	
luminous world of apparitional	عالم مثال نوراني
figures; luminous world of Idea-Images	
	عالم مثّل ← عالم مثال
world of the senses	عالم محسوسات
world of the Witnessing	عالم مشهود

world of ideas (archetypes)	عالم معانی
world of the Kingdom	عالم مملکت
Angelic World; world of Dominion;	عالم ملکوت
world of the Realm	
world of the relationships	عالم مناسبات
world of humanity; human domain	عالم ناسوت
world of considerative thinking;	عالم نظر
world of speculative thinking	
contiguous world of souls	عالم نفس متصل
discontiguous world of souls	عالم نفس منفصل
world of souls	عالم نفوس
world of the light	عالم نور
luminous world	عالم نورانی
realm of unicity; world of unicity	عالم وحدانیت
realm of unity; world of unity	عالم وحدت
	عالم وسيط ← عالم مثال
learned man; learned master; man of knowledge; man of religious learning	عالم
the Knower; the Knowing;	عالم [خداوند]
the Omniscient	
knower of God	عالم بالله
Knower of the Absent and	عالم به غیب و شهادت
the Witnessed; Knower of	
the Invisible and the Visible	
Divinely inspired master; Divinely learned	عالم ربّانی
man; rabbinical theologian	

man of knowledge and practice

عالم عامل

absolute knower

عالم مطلق

superior angels

عالون (= رؤسای ملائکه)

the Elevated; the Eminent

عالی [خداوند]

lofty of degree

عالی مقام

all-inclusive

عام (= خاص)

commoners; common people

عامه

plebeian

عامی

devotees; devout men; worshippers; bondsmen

عباد

God's bondsmen; God's servants

عباد الله

purified chosen servants;

عباد مخلصین

purified worshippers

عبادات ← عبادت

act of devotion; devoutness; divine

عبادت

service; (divine) worship; obligation

towards God; religious devotion;

(religious) service; work of devotion

essential adoration; essential service;

عبادت ذاتی

inherent worship

accidental worship

عبادت عرضی

announced expression; expression

عبارت (= اشارت)

of a state of soul in words

adorer; servant; slave; worshipper of God

عبد

chosen bondsman

عبد خاص

righteous bondsman; righteous servant;

عبد صالح

saintly servant

universal bondsman; universal servant	عبد كلّي
God's slave	عبد مملوك
servant of the Last	عبد الآخر
servant of the Unique	عبد الاحد
servant of the Maker	عبد الباري
servant of the Inward; Servant of the Nonmanifest	عبد الباطن
servant of the Resurrector	عبد الباعث
servant of the Enduring; servant of the Everlasting	عبد الباقي
servant of the Innovator	عبد البديع
servant of the Righteous	عبد البرّ
Servant of the Seeing;	عبد البصير [اسم رمزي ابدال]
Servant of the Seer	
servant of the Relenter	عبد التّوّاب
Servant of All-Comprehensive;	عبد الجامع
Servant of He-Who-Brings-Together	
servant of the Almighty; servant of the Overpowering Ruler	عبد الجبّار
servant of the Majestic	عبد الجليل
servant of the Beautiful	عبد الجميل
servant of the Generous; servant of the Munificent	عبد الجواد
servant of the Preserver	عبد الحافظ
servant of the Reckoner	عبد الحسيب
servant of the Guardian	عبد الحفيظ

servant of the Real; servant of the Truth	عبدالحق
servant of the Judge	عبدالحكم
servant of the Clement;	عبدالحليم
servant of the Gentle	
servant of the Praiseworthy	عبدالحميد
Servant of Alive; Servant of the Ever-Living	عبدالحى [اسم رمزى اوتاد]
servant of the Creator	عبدالخالق
servant of the Aware	عبدالخبير
servant of the Provider	عبدالرازق
servant of the Exalter	عبدالرافع
Servant of the Lord	عبدالرب [اسم رمزى امام]
servant of the All-Good;	عبدالرحمن
servant of the Compassionate	
servant of the Merciful	عبدالرحيم
servant of the Provider	عبدالرزاق
servant of the Guide to the Right Path	عبدالرشيد
servant of the Surveyor	عبدالرقيب
servant of the Peace	عبدالسلام
Servant of the Hearing;	عبدالسميع [اسم رمزى ابدال]
Servant of the Hearer	
Servant of the Grateful	عبدالشكور [اسم رمزى ابدال]
servant of the Witness; servant of the Witnesser	عبدالشهيد
servant of the Patient	عبدالصبور
servant of the Besought; servant	عبدالصمد

of the Eternal

servant of the Harmer

servant of the Outward

servant of the Just

servant of the Mighty;

servant of the Powerful

servant of the Most Pardoning

servant of the All-High

Servant of the All-Knowing;

Servant of the Omniscient

servant of the All-Forgiving

servant of the Pardonor

servant of the Arbitor;

servant of the Conquerer

servant of the Active

servant of the Restrainer

Servant of the All-Powerful;

Servant of the Omnipotent

servant of the All-Holy;

servant of the Holy

servant of the Eternal

servant of the Most Strong

servant of the All-Powerful;

servant of the Overwhelming

servant of the Great

servant of the Generous

عبدالضار

عبدالظاهر

عبدالعدل

عبدالعزيز

عبدالغفور

عبدالعلي

عبدالعليم [اسم رمزي اوتاد]

عبدالغفار

عبدالغفور

عبدالفتاح

عبدالفعال

عبدالقابض

عبدالقادر [اسم رمزي اوتاد]

عبدالقدوس

عبدالقديم

عبدالقوي

عبدالقهار

عبدالكبير

عبدالكريم

God's Servant; Servant of Allah; Servant of God; Slave of God	عبدالله [اسم رمزی قطب]
servant of the Deferrer	عبدالمؤخر
servant of the Sublime	عبدالماجد
servant of the Withholder	عبدالمانع
servant of the Creator	عبدالمبدع
servant of the Most-High;	عبدالمتعالی
servant of the Transcendent	
servant of the Magnificent	عبدالمتكبر
servant of the Answerer	عبدالمجيب
servant of the Beneficial	عبدالمحسن
servant of the Humiliator	عبدالمذل
Servant of the Desirer;	عبدالمريد [اسم رمزی اوتاد]
Servant of the Willing	
servant of the Form-Giving	عبدالمصور
servant of the Exalter	عبدالمُعزّ
servant of the Restorer	عبدالمُعید
servant of the Enricher	عبدالمُغنی
servant of the All-Potent	عبدالمقتدر
servant of the Advancer	عبدالمقدّم
servant of the Just	عبدالمقسط
servant of the Food-Provider;	عبدالمقیت
servant of the Guardian	
Servant of King	عبدالمَلِك [اسم رمزی امام]
servant of the Death-Giver	عبدالمُمیت
servant of the Avenger; servant of	عبدالمنتقم

the Vengeful	
servant of the Benefactor	عبدالمُنعم
servant of the Existence-Giver	عبدالموجد
servant of the Patron	عبدالمولی
servant of the Guardian; servant of the Protector; servant of the Vigilant	عبدالمهیمن
servant of the Light	عبدالتور
servant of the Perceiver	عبدالواجد
servant of the One	عبدالواحد
servant of the Inheritor	عبدالوارث
servant of the All-Embracing;	عبدالواسع
servant of the Vast One	
servant of the Lord	عبدالوالی
Servant of the Loving	عبدالودود [اسم رمزی ابدال]
servant of the Trustee	عبدالوکیل
servant of the Patron	عبدالولی
servant of the Bountiful	عبدالوہاب
servant of the Guide	عبدالہادی
due consideration; warning	عبرت
servitude; total adoration; total devotion	عبودت
adoration; devotion; human condition of vassaldom; servanthood; servant-ness; servanthship; service; servitude; slavery; worship	عبودیت
servitude of free will	عبودیت اختیار
voluntary servitude	عبودیت اختیاری

servitude of compulsion	عبودیت اضطرار
compulsory servitude	عبودیت اضطراری
servitude of possibility	عبودیت امکان
servitude of direction	عبودیت تصریف
servitude of the spirit	عبودیت روح
little slave	عُبیّد
threshold	عتاب ← معاتبه
threshold of servitude	عَتَبَه (= آستانه)
threshold of gnosis	عَتَبَه عبودیت
complacency; self-conceit	عُجب
helplessness; incapacity	عجز
justice	عدل
non-being; non-existence; privation of being	عدم
beginningless non-existence	عدم ازلی
detachment; nonattachment	عدم تعلّق
failure to be wholehearted	عدم حضور قلب
real non-existence	عدم حقیقی
non-non-existence	عدم لاوجود
complete negation; total negation	عدم محض
bound non-existence; relative non-existence	عدم مقیّد
chastisement; punishment; torment	عذاب
eternal punishment; eternal torment	عذاب ابدی
divine punishment; divine torment	عذاب الاهی
bodily punishment; bodily torment	عذاب حسی
spiritual punishment; spiritual torment	عذاب معنوی

excuse	عذر
the Virgin Most Pure	عذراء بتول
wedding fests	عراس
Divine Throne of Tabernacle;	عرش
the Empyrean; God's Throne; heavenly	
Throne; the Throne; Throne of God	
Divine Throne	عرش الالهى
Throne of the Compassionate	عرش الرَّحْمَنِ
Throne of Divinity	عرش تقدیس
place of resurrection;	عرصات (= عرصة قیامت)
plain of resurrection	
common consent; common usage	عرف
gnosticism; mysticism	عرفان
contemplation; gnosis;	عرفان (= شناخت)
sapience; theosis	
divine knowledge	عرفان (= شناخت خدا)
practical mysticism; practical Sufism	عرفان عملی
theoretical mysticism; theoretical Sufism	عرفان نظری
ascent	عروج
glory; grandeur	عزّ
grandeur; inaccessibility	عزّت
self-respect; self-respect	عزّت نفس
Azrael	عزرائیل
dismissing	عزل (= تولیت)
hermitage; isolation; retirement; retreat;	عُزِلَتْ
seclusion; solitude; withdrawal	

deliberated intention; determination;	عزم
firm resolve; firm will; intent;	
intention; resolution	
the Exalted; the Glorious;	عزیز [خداوند]
the Inaccessible; the Loved; the Mighty;	
the Powerful; the Precious; the Strong;	
the Unattainable	
enthusiastic love; (erotic) passion; love;	عشق
passionate desire; passionate love	
love of created things; metaphorical love	عشق مجازی
love-player	عشق باز
love-making; love-playing	عشق بازی
Satan's wiles; the wiles of Satan	عشوۀ شیطان
boastful wiles of one's soul	عشوۀ نفس
worshipper of coquetry	عشوہ پرست
chastity; divine protection; immaculacy;	عصمت
immaculateness; impeccability; inerrancy;	
infallibility; innocence; protection from	
sins; purity; sinlessness	
act of disobedience; rebellion; transgression	عصیان
bestowal; generosity; gift; giving	عطا
God's gift	عطای الاهی
bestowals; bounties; gifts	عطایا
the Sympathetic	عطوف [خداوند]
bounty; gift	عطیہ
the Magnificence; the Majesty;	عظمت [خداوند]

the Might	
the Glorified; the Great; the Mighty;	عظیم [خداوند]
the Tremendous	
continence of heart	عَقَّتْ دَل
demon	عَفْرِیت
clemency; forgiving; indulgence;	عَفْو
mercy; pardon; pardoning	
the All-Pardoning; the Most Pardoning	عَفُو [خداوند]
chaste	عَفِیف
chaste of soul	عَفِیفُ النَفْس
chastisement; punishment; retribution	عِقَاب
mighty obstacles	عَقَبَات عَظِیم
difficult ascent; obstacle	عَقَبَه
next world; world to come	عُقْبَى
knot; knotting	عَقْد
knotting of the heart	عَقْدُ الْقَلْب
discursive reasoning; intellect;	عَقْل
intellectual faculty; intelligence; mind;	
rational faculty; reason	
passion-polluted intellect;	عَقْل آلوده به هوا
reason-polluted by passions	
listless intelligence	عَقْل افسرده
greater intellect	عَقْل اکبر
passive intellect	عَقْل انفعالی
<i>Deus revelatus</i> ; First Intellect;	عَقْل اوّل
<i>Nous</i> ; <i>protokistos</i>	

First Intellect; First
Intelligence

عقل اوّل (= حقیقت محمّدی)

common sense; sound judgement

عقل سلیم

clear intelligence; clear mind

عقل صریح

practical intellect

عقل عملی

instinctive intelligence

عقل غریزی

in-born intellect; intuition; natural intellect

عقل فطری

Active Intellect; *Madonna Intelligenza*

عقل فعال

intellectus sanctus; sacred intellect

عقل قدسی

universal intelligence; universal reason

عقل کل

angelic intelligence

عقل ملکی

theoretical intellect

عقل نظری

intellectus materialis; material intellect

عقل هیولانی

عقلاء ← عاقل

insane sanes

عقلاء مجانین

chastisement; punishment; torment

عقوبت

intelligentia spiritualis;

عقول مجرّده

separated intelligences

angeli intellectuales; angelic intelligences

عقول ملکی

reflection of wine

عکس می

attachments; worldly connexions;

علائق

worldly encumbrances

worldly bonds; worldly ties

علائق دنیوی

connexion; relation; relationship

علاقه (= ارتباط)

the Ever-Knowing of absent

علام الغیوب [خداوند]

things

knowledge	علم
encompassing knowledge	علم احاطی
knowledge of beneficence; knowledge of spiritual virtues	علم احسان
knowledge of spiritual states	علم احوال
knowledge of sincerity	علم اخلاص
morals	علم اخلاق
knowledge of spiritual tastes	علم اذواق
knowledge of spirits	علم ارواح
eternal knowledge	علم ازلی
dogmatic science; knowledge of religious doctrines	علم اعتقادی
Divine Knowledge; Divine science; God's knowledge; <i>scientia sacra</i>	علم الاهی
knowledge of inspiration	علم الهام
certain knowledge; knowledge of certainty; knowledge of certitude; science of certainty; science of certitude	علم الیقین
unlettered knowledge	علم امّی
knowledge of lights	علم انوار
esoteric knowledge; esoteric science; inner knowledge	علم باطن
inner knowledge; interior knowledge	علم باطنی
knowledge of God	علم باللّه
science of spiritual states	علم حال

Divine Knowledge; God's Knowledge;	علم خداوند
science of the imagination	علم خضر ← علم افراد
acquired science;	علم خیال
learned science	علم دراست (≠ علم وراثت)
knowledge tasted; sapience	علم ذوق
doctrine derived from the Lord;	علم ربّانی
Lordly knowledge	
exoteric knowledge; formal science	علم رسمی
exoteric knowledge; formal science	علم رسوم
science of transmission	علم روایت
knowledge of asceticism	علم زهد
knowledge of the Law; religious	علم شریعت
science; science of the Law	
intuitive knowledge; science of vision	علم شهودی
silent knowledge	علم صامت
exoteric knowledge; outward knowledge;	علم ظاهر
exoteric science; external science	
exterior knowledge; outward knowledge	علم ظاهری
knowledge of the intellect	علم عقل
knowledge of immediate vision	علم عیان
knowledge of the Absent;	علم غیب
knowledge of the unseen world	
discursive knowledge	علم قال
little knowledge; scant knowledge	علم قلیل
acquired science;	علم کسبی (≠ علم موهوب)

earned science	
knowledge of spiritual unveiling;	علم کشف
science of vision	
divinely inspired knowledge;	علم لدنی
God-given knowledge; inner	
knowledge; knowledge from	
God; secret knowledge	
encompassing knowledge	علم محیط
constant knowledge; reposing knowledge	علم مستقر
legitimate knowledge	علم مشروع
absolute knowledge	علم مطلق
discursive knowledge	علم مقال
knowledge with God	علم مع الله
knowledge of devotional practice	علم معامله
knowledge of unveiling	علم مکاشفه
acquired knowledge; earned science	علم مكتسب
hidden knowledge	علم مکنون
knowledge from God	علم من الله
bestowed science	علم موهوب (≠ علم کسبی)
signpost	عَلَم (= نشانه)
formal knowledge; theoretical science	علم نظری
contemplation and action; knowledge	علم و عمل
and action	
all-embracing knowledge	علم واسع
inherited science	علم وراثت (≠ علم دراست)
knowledge of asceticism;	علم ورع و تقوی

knowledge of piety	
knowledge of time; science of time	علم وقت
	علم يقين ← علم اليقين
men of science; religious scholars	علماء
esoteric scholars; men of inner knowledge	علماء باطن
scholars of spiritual taste	علماء ذوق
conventional religious scholars;	علماء رسوم
exoteric scholars	
evil scholars	علماء سوء
doctors of the Law; exoteric scholars	علماء ظاهر
heedless savants	علماء غافل
exoteric religious scholars;	علماء قشرى
superficial scholars	
cognitive	علمى
highness	علو
magnanimity	علو طبع
high aspiration; loftiness of aspiration;	علو همّت
magnanimity	
sciences of spiritual states	علوم احوال
illuminative sciences; luminous sciences	علوم اشراقى
mystic sciences	علوم ذوقى
Lordly sciences	علوم ربّانى
formal sciences; official sciences	علوم رسميه
sciences of the mysteries	علوم سرّ
Sufi sciences	علوم صوفيّه
intellectual sciences; rational sciences;	علوم عقلى

speculative sciences	
religious sciences; traditional sciences;	علوم نقلی
transmitted sciences	
exalted	علوی
supernal entities; heavenly bodies	علویات
the All-High; the All-Highest;	علی [خداوند]
the Exalted; the Great;	
the Highest; the Supreme	
the All-Knowing; the Knower;	علیم [خداوند]
the Knowing; Omniscient	
Chaos; Cloud	عماء (= مرتبت احدیت)
eternal life	عمر جاویدان
act; action; deed; practice	عمل
inner action; internal action	عمل باطن
evil act	عمل بد
bodily action; bodily deed	عمل بدنی
outward practice of literal religion;	عمل به شریعت
practice of the Law	
bodily action	عمل جوارح
sincere action	عمل خالص
evil deed; ugly deed	عمل زشت
secret action; spiritual action	عمل سرّ
wrong deed	عمل سیئی (≠ عمل صالح)
good deed; wholesome deed	عمل صالح
external action; outer action	عمل ظاهر
dark deed	عمل ظلمانی

act of the heart; deed of the heart	عمل قلبی
carnal action; carnal deed	عمل نفسانی
inclusiveness; universality	عموم (≠ خصوص)
all-encompassingness; comprehensiveness	عمومیت
blindness	عمی (= نابینایی، کنایه از حقیقت حقایق)
distress	عناء (= سختی)
aid; assistance; blessing; countenance;	عنایت
favour; kindness; providential care; solicitude	
concern	عنایت (= التفات)
eternal providence; predestination;	عنایت ازلی
pre-eternal grace	
Divine premeditation; Divine providence	عنایت الاهی
God's uncaused grace	عنایت بی علت الوهیت
Divine favour; Divine grace	عنایت حق
in God's eyes; with God	عندالله
at-ness; immediate proximity; with-ness	عندیّت
the greatest element	عنصر اعظم
elementality	عنصریّت
phoenix	عنقاء
common people; the multitude;	عوام
the profane; the vulgar	
the common among the saints	عوام اولیاء
common folk; common people	عوام الناس
the Helper	عون [خداوند]
alliance; compact; contract; covenant;	عهد
engagement; pact; treaty; undertaking; vow	

oath	عهد (= سوگند)
promise	عهد (= وعده)
"Am I not" compact;	عهد أأست
the covenant of <i>Alast</i>	
covenant of trust	عهد امانت
brigand	عيار
brigandage	عيارى
actual vision; contemplative meditation;	عيان
eye-to-eye viewing; immediate	
vision; true vision; vision	
by immediate vision	بالعيان
immediate vision of immediate vision	عيان العيان
imperfection; vice	عيب
feast	عيد
enjoyment; living in pleasure	عيش
essence; phenomenal object	عين
entity	عين (≠ اثر)
essential union; perfect union	عين الجمع
the truth itself	عين الحقيقة
fountain of life	عين الحيات
complete negation; total non-existence	عين العدم
Eye of the heart	عين القلب
Eye of God	عين الله
absolute being	عين الوجود
essence of time; Eye of Time	عين الوقت
certain sight; essence of certainty;	عين اليقين

essence of certitude; Eye of certainty;

Eye of certitude; intuition of certainty;

vision of certainty; vision of certitude

Eye of controlling rule

عین تحکم

Eye of governing control

عین تحکیم

essence of separation

عین تفرقه

essence-archetype; eternal *hexeity*;

عین ثابت

eternal individuality; existent entity;

immutable entity; immutable essence

essence of unity

عین جمع

quintessence of desire

عین رغبت

eye of favour

عین عنایت

eye of understanding

عین فهم

Sought-after Entity

عین مقصوده (= انسان کامل)

existent entity

عین موجوده

unique essence

عین واحده

identity; same-ness

عینیت (= یکسانی)

غ

absent	غائب (≠ شاهد)
the Nourisher	غاذی [خداوند]
the Forgiver of sin	غافر الذنب [خداوند]
careless; headless; ignorant; inadvertent;	غافل
inattentive; negligent; unconscious; witless	
abstruse	غامض
hidden from sight	غایب از نظر
aim; furthest limit; goal; utmost limit	غایت
extremity of confusion	غایت حیرت
purpose of the hidden unseen	غایت مکنون غیب
goal of goals; ultimate goal	غایة الغایات
veiling nutrition	غذای حجابی (= غذای طبیعی)
true nutrition	غذای حقیقی (= غذای روحی)
natural nutrition	غذای طبیعی (≠ غذای حقیقی)
strangers	غریاء
estrangement; exile	غُرْبَت

ambition; desire; individual desire;	غرض
personal desire; purpose	
selfish interest; selfish purpose	غرض نفسانی
presumption; pride	غرور
arrogance	غرور (= عُجب)
deceit; deception; delusion	غرور (= فریب)
deceit of fantasy	غرور پندار
guile of Satan	غرور شیطان
beautiful fawn	غزال رعنا
cloud; covering	غشاوه
swooning	غَشَّیت
usurpation	غصب
anger; indignation; irascibility; wrath	غضب
covering; veil	غطاء (= حجاب)
the All-Concealing; the All-Forgiving;	غَفَّار [خداوند]
the Forgiver	
carelessness; distraction; forgetfulness;	غفلت
forgetting; heedlessness; ignorance;	
neglecting; negligence; negligency;	
unawareness	
forgetfulness of God; neglect of God	غفلت از حق
forgetfulness of God; negligence of God	غفلت از خدا
the Concealing; the Forgiving;	غَفُور [خداوند]
the Indulgent; the Pardoner	
servant; slave	غلام
dominance of ardor; dominance	غلبات شوق

of yearning	
throes of ecstasy	غلبات وجد
fit of ecstasy	غلبهٔ حال
dominance of God; sway of God	غلبهٔ حق
dominance of love; rapturous love	غلبهٔ محبت
dominance of lust	غلبهٔ هوا
fervour of contemplation	غلیان مشاهده
distress; gloom; grief; pain; sorrow	غم
grief of time	غم ایام
commiseration; sympathy	غم خواری
grief-stricken	غم دیده
grief of exile; <i>nostalgia</i>	غم غربت
grief of separation	غم هجران
amorous glance; glance;	غمزه
glance of sorcery; wink	
glance of sorcery	غمزهٔ جادو
abundance; independence; riches; richness;	غنا
self-independence; self-sufficiency	
Gnosticism	غنوصیه [فرقه]
independent; rich	غنی
the All-Rich; the Rich	غنی [خداوند]
self-sufficient; subsistent by itself	غنی بالذات
rich in God	غنی بالله
rich in itself	غنی بنفسه
absolutely rich; all-rich	غنی مطلق
deliverance	غوث

absence	غیاب
the Aider of the	غیاث المستغیثین [خداوند]
seekers of aid	
the hidden; interior; invisibility;	غیب
invisible; the non-manifested	
invisible world of the innermost heart	غیب السرائر
the most hidden; the most non-manifested;	غیب الغیب
the unseen of the Unseen; the utmost	
unseen; the uttermost unseen	
mystery	غیب (= راز)
the Absent; domain of the Unseen;	غیب [عالم]
the Hidden; invisible domain;	
invisible reality; invisible world; the	
Non-manifested; the Unknowable;	
the Unseen; the Unseen world	
unknown absent; unknown mystery	غیب مجهول
the preserved Unseen	غیب مصون (= غیب مکنون)
absolute non-manifestation;	غیب مطلق
the Absolute Unseen	
the concealed Unseen	غیب مکنون (= غیب مصون)
the Absent and the Witnessed	غیب و شهادت
absence of ipseity	غیب هویت
absence; absence of selfhood;	غیبت (≠ حضور)
occultation	
absence of the essence	غیبت ذات
absence of the heart; failure to be	غیبت قلب

wholehearted

absence of relatedness

غیبت مضافت

absence of selfhood

غیبت هویت

hidden; occulted; unseen

غیبی

other; the other-than-God; stranger

غیر

enthusiasm; jealous care; jealous honour;

غیرت

jealous pride; jealousy; zeal; zealousness

Divine jealousy

غیرت الاهی

jealousy of faith

غیرت ایمانی

religious zeal

غیرت دینی

natural zeal

غیرت طبیعی

immortal

غیرفانی

indefinite; infinite

غیرمتناهی

anger; rage

غیظ

thin veil

غین (= حجاب رقیق)

ardent; fervent; jealous; zealous

غیرور

ف

victorious; winner	فائز
the Overpowering	فائق [خداوند]
free	فارغ (= رها از همه تعلقات)
disinterested; empty-heart	فارغ دل
criterion	فارق
the Originator	فاطر [خداوند]
agent	فاعل
action; activity	فاعلیت
starvation	فاقه (= نیازمندی)
omen	فال
to cast omen	فال زدن
the Splitter	فالق [خداوند]
annihilated; dead; ephemeral; fleeting;	فانی
mortal; perishable; perishing;	
transient; transitory; vanished	
self-annihilated	فانی از نفس

the Reliever	فَتَّاح [خداوند]
illumination; inspiration;	فتح
opening; revealing	
Divine inspiration	فتح الاهی
nearby inspiration; nearby victory	فتح قریب
clear victory; manifest victory	فتح مبین
total victory	فتح مطلق
intermission; interval	فترت
affliction; rebellion;	فتنه (= جوش و خروش سالکان)
temptation; disturbance; tumult	
chivalrousness; chivalry; manliness;	فتوت
manly nobility	
generosity; liberality	فتوت (= سخاوت)
grace; spiritual favours; unsolicited gifts	فتوح
Divine diffusions; Divine insights;	فتوحات
Divine self-disclosures; illuminations;	
openings; revelations; tastings; unveilings	
revelations from the Unseen	فتوحات غیبی
the manly; youths	فتیان
dawn; first-light	فجر
spreading dawn; true dawn	فجر صادق
elongated dawn; false dawn	فجر کاذب
boasting; excellence; nobility; pride	فخر
Divine glory; Divine splendor	فرّ یزدانی
duties; obligatory rituals	فرائض
flight	فرار

fleeing to Allah	فرار الى الله
acuteness; foresight; ingenuity;	فراست
inherent spiritual knowledge;	
insight; intuition; perspicacity;	
sagacity; spiritual insight	
disengagement; freedom; repose	فراغ
freedom from care; tranquility	فراغت
abandonment; parting; separation	فراق
consolation; ease; freedom from grief; repose	فَرَج
delight; joy	فرح
the Single; the Solitary	فرد [خداوند]
Divine singularity; isolation;	فردانیت
singleness; singularity; uniqueness	
incomparability; singularity	فردیت
earth; ground	فرش (≠ عرش)
angel of revelation	فرشته وحی
having an angelic inner being	فرشته سیرت
angelic; possessing angelic qualities	فرشته صفت
compulsory; obligation;	فرض (= واجب)
obligatory ritual	
impossible supposition	فرض محال
differentiation; separation; separative	فرق (≠ جمع)
consciousness; vision of things as they are	
differentiation of differentiation	فرق الفرق [مقام]
criterion (of right and wrong);	فرقان
discernment; separator	

severance	فرقت
denomination; faction; sect	فرقه
saved sect; sect which achieves salvation	فرقه ناجیه
command of the Law	فرمان شرع
abasement	فروتنی
branches of legal rules; branches of the rulings	فروع احکام
branches of the religion; ramifications of the religion	فروع دین
derivatives of the religious Law	فروع شریعت
splendour	فروغ
lowliness; vileness of disposition	فرومایگی
grieve-redresser	فربادرس
unique in (one's) day;	فربد وقت (= یگانه دوران)
unparalleled in (one's) day	
compulsory; obligation; obligatory ritual	فربضه
fearing	فزع
corruption; immorality; lewdness;	فسق
licentiousness; sinfulness; vice	
evil of deeds	فسق معامله
sinfulness	فسوق
separation	فصل
clear decisive speech; differentiation of address judgement; decisive address	فصل الخطاب
excellences; merits; virtues	فضائل
ranking (in excellence); talent; virtue	فضل

bounty	فضل (= انعام)
excellence; superiority	فضل (= برتری)
the Bounty	فضل [خداوند]
grandeur	فضل (= عظمت)
favour; generosity; grace	فضل (= لطف)
Divine favour	فضل (= لطف الاهی)
excess	فضل (= مقدار زائد)
excellent merit	فضل (= هنر)
Divine generosity; Divine grace	فضل الاهی
Dominical grace	فضل ربّانی
excellence; merits; virtue	فضیلت
virtue and vice	فضیلت و رذیلت
constitution; innate disposition; innate nature; natural disposition; original disposition; original nature; primordial disposition; primordial nature	فطرت
primordial nature; primordial state	فطرت اولی
primordial nature of spirit	فطرت روح
bringing forth by God	فطرة الله
primordial	فطری
active; <i>agens</i>	فعال
the Absolute Author of action;	فعال [خداوند]
the Active	
the Doer of whatever He wills	فعال ما یشاء [خداوند]
Divine act; Divine work	فعل الاهی
act of man; act of the creature	فعل بنده

act of obligation; ceremonial action	فعل به تکلف
corporeal act	فعل جسمانی
act of God	فعل حق
act of God	فعل خدا
virtuous act	فعل شایسته
blameworthy action	فعل مذموم
clamour; complaint; lamentation	فغان
complete indigence; deprivation;	فقر
destitution; indigence; insufficiency;	
need; poverty; want	
the lesser understanding	فقه اصغر (= فقه)
the greater understanding	فقه اکبر (= اصول دین)
doctors of the Law; jurists	فقهاء
pauper; penniless; poor man; Sufi	فقیر
doctor of the Law; jurist	فقیه
meditation	فکر
reflection	فکر (= تأمل)
thinking	فکر (= تفکر)
idea; thought	فکر (= صورت ذهنی)
thought	فکرت
salvation; success	فلاح
philosophy	فلسفه
celestial sphere; firmament; heaven; sky	فلک
starless celestial sphere	فلک اطلس
the highest sphere	فلک اعلیٰ
the lowest sphere	فلک اقصیٰ

sphere of constellations	فلک البروج
sphere of the moon's mansions	فلک المنازل
sphere of the fixed stars	فلک ثوابت
sphere of life	فلک حیات
sphere of the moon	فلک قمر
first sphere; the highest sphere;	فلک الافلاک
sphere of the spheres	
art of polemics; science of polemics	فن مباحثه
absorption; annihilation; annulment;	فنا
death; destruction; disintegration;	
dissolution; effacement; evanescence;	
extinction; fading away; losing one-self;	
non-existence; nothingness; passing-away;	
perishing; self-annihilation; self-effacement;	
transitoriness; vanishing	
ecstasy; ecstatic absorption;	فناء [فی الله]
mystical fusion; mystic's passing-away	
vanishing from the will	فناء از اراده
passing-away from qualities	فناء از اوصاف
vanishing from the people	فناء از خلق
self-annihilation	فناء از نفس
vanishing from desire	فناء از هوی
passing-away of human nature	فناء البشرية
annihilation of annihilation;	فناء الفناء
effacement of effacement	
true effacement	فناء حقیقی

annihilation in Divine Unity;	فناء در توحید
annihilation in Unity	
annihilation in God	فناء در خدا
annihilation in the Essence	فناء در ذات
annihilation in annihilation;	فناء در فنا
double annihilation	
cognitive extinction; intellectual extinction	فناء علمی
annihilation of the annihilation of	فناء فناء الفناء
annihilation; effacement of the	
effacement of effacement	
annihilation in Allah; annihilation	فناء فی الله
in God; effacement in God	
complete annihilation	فناء کلی
soul's perishing; vanishing of the self	فناء نفس
immortal; indestructible	فنا ناپذیر
revealed signs	فواتح
core; heart	فؤاد
triumph; victory	فَوْز
Divine elocution	فهوایت (خطاب مستقیم حق در عالم مثال)
(in the imaginal world)	
for Allah's sake; for the sake of Allah;	فی سبیل الله
in God's cause; in the cause of Allah	
all-emanating	فیاض
abundance; effusion; emanation;	فیض
flood; overflow	
act of bestowing Divine influence;	فیض اقدس

the most holy effusion; the most sacred
effusion; the most sacred emanation;
the most saintly effusion; sacrosanct
effusion

emanation without intermediary; grace
without intermediary

فیض بی واسطه

emanation of continuous theophany;
eternally manifesting emanation

فیض تجلی دائم

saintly effusion

فیض قدس

hieratic effusion; hierophanic effusion;

فیض مقدس

holy effusion; sacred effusion

effusion of being

فیض وجود

effusion; emanation

فیضان

effusion of Dominical grace

فیضان فضل ربّانی

ق

the Speaker	قائل [خداوند]
self-subsistent	قائم به نفس
distance of two bowstrings;	قاب قوسین
length of two bows; space of two	
bow-lengths; two bow's length	
the Gripper; the Restrainer	قابض [خداوند]
receptacle; receptive; susceptible	قابل (≠ فاعل)
the Acceptor of repentance	قابل التَّوب [خداوند]
the Omnipotent; the Powerful	قادر [خداوند]
all-mighty; all-powerful	قادر مطلق
Koran reciter; reciter of the Koran	قاری
mount <i>Qâf</i> of separation	قاف تفرید
sayings; words	قال (≠ حال)
corporal frame	قالب جسمانی
earthly frame; frame of clay	قالب خاکی
satisfied	قانع

code of the Truth; law of the Truth	قانون حقیقت
code of the Law; ordinance of the Law	قانون شریعت
code of the Path; law of the Path	قانون طریقت
the Dominant; the Dominator; the Overpowerer; the Ruler; the Subjugating evil; repulsiveness; ugliness	قاهر [خداوند]
firebrands	قبح
compression; contracting; contraction; restraint; spiritual contraction; spiritual stress; state of contraction	قبسات
contraction of the spirit; seizure of the spirit	قبض (≠ بسط)
grasp; grip	قبض روح
<i>Qiblah</i>	قبضه
receptivity	قبله
supreme receptivity	قبول
dome of God	قبول اعلیٰ (= عقل اوّل)
cursing; maligning; reviling	قُبَّة حَقّ
bowl; cup; goblet	قَدَح (= عیب جوئی)
destiny; measure; measuring out	قَدَح (= جام)
power; strength	قَدَر
eternal power	قدرت
power to dominate	قدرت ازلی
Divine Omnipotence	قدرت تصرف
holiness; sanctity	قدرت خداوند
sanctity	قدس
	قدسیّت

<i>a patre ante</i> ; ancientness; (anterior) eternity; eternal existence; eternity; everlastingness; infinite pre-existence; pre-existence; uncreatedness; uncreated world	قَدَم
the All-Holy; God the Holy; the Holy; the Most Holy	قُدّوس [خداوند]
the Mighty; the Powerful	قدیر [خداوند]
eternal; pre-existent; sempiternal	قدیم
the Ancient; the Eternal;	قدیم [خداوند]
the Everlasting; the Pre-eternal	
ease	قَرار (≠ تَرَدّد)
approach; approaching; approximation; nearness; near presence; presence; proximity	قرب
nearness to God	قرب الاهی
nearness to God; propinquity to God;	قرب الی اللّٰه
proximity of God	
nearness (to God); proximity (to God)	قرب [به خدا]
nearness of obligatory works;	قرب فرائض
approach to Divine precepts	
approach to spontaneous acts of devotion;	قرب نوافل
nearness of supererogatory works;	
offering; sacrifice	قربان
	قربت ← قرب
consolation; freshness of the eye	قَرّة العین
the Near; the Very Near One	قریب [خداوند]
comrade; sibling	قرین

being hardened; cruelty; hardness	قساوت
hard-heartedness	قساوت قلب
justice; just scale	قسط
lot; portion	قسمت
allotment; lot	قسمت (= امر مقدر)
destiny	قسمت (= تقدیر)
hardness of heart	قسوت (= سختی دل)
husk; shell	قشر (= لب)
aim; intention; purpose; quest	قصد
wishing to go into seclusion	قصد عزلت
circumscription; decision; decree;	قضا
Divine decree; fate; Fate and Destiny;	
(God's) decree; predetermination;	
pre-ordination	
decree and destiny; decree and	قضا و قدر
preordination; Divine decree	
and destiny; Divine decree	
and predestination	
Divine decree and destiny;	قضا و قدر الاهی
Divine foreordination	
heavenly decree	قضای آسمانی
Divine will; God's decree	قضای الاهی
God's decree	قضای حق
leader; Magnate; Pillar; Pivot; Pole	قطب
pole of guidance	قطب ارشاد
Great Pole	قطب اعظم

Arch-pole; Pole of the Poles	قطب الاقطاب
Pole of the Age; Pole of the Time	قطب الوقت
Pole of the Age; Pole of the Time	قطب زمان
<i>axis mundi</i> ; Pillar of the cosmos;	قطب عالم
Pivot of the world	
Pole of the Beloved	قطب معشوقان
pole of unity	قطب وحدت
axiality; Polehood	قطبیت
cord of an arc; diagonal; semicircle	قطر
cutting off of secondary causes	قطع اسباب
severance of bonds	قطع تعلّق
cutting off attachments;	قطع علایق
disinterestedness; severing ties	
cage; prison	قفس (کنایه از تن آدمی)
heart; spirit	قلب
turning of existence; turning of the eye	قلب العین
pure heart; sound heart	قلب سلیم
upsetting the existence	قلب وجود (= دگرگون ساختن وجود)
heart of being	قلب وجود (= مرکز وجود)
of the heart	قلبی
anxious	قلّی (= انسان ناآرام)
anxiety of love	قلق عشق
the Pen	قلم (= علم تفصیلی)
the Highest Pen	قلم اعلیٰ (= عقل اوّل)
the Highest Pen	قلم اعلیٰ (نیز ← حقیقت محمدی)

Creator's Pen

قلم صنع

a wandering dervish without

قلندر (= صاحب مقام اطلاق)

proper affiliation; *qalandar*

content; contentment;

قناعت

frugality; satisfaction

devotion; humbleness;

قنوت (= فرمانبرداری مخلصانه)

obedience; piety

despair; desperate

قنوط (= یأس)

content; satisfied

قنوع (= قانع)

mystic singer; singer of

قَوّال (= سراینده)

Sufi songs; storyteller

inner faculties; inward faculties

قوای باطنی

intellectual faculties

قوای عقلی

food; sustenance

قُوْت

power; strength

قُوْت

arc of ascent; ascending arc

قوس صعودی

arc of descent; descending arc

قوس نزولی

orthodoxy

قول جمهور

sincere saying; sincere utterance

قول خالص

crowd

قوم

faculty; might; strength

قُوّه

hidden strength; secret force

قُوّه خفیه

imaginative faculty; imaginatrix;

قُوّه خیالیّه

representative faculty

remembering faculty

قُوّه ذاکره

concupiscent faculty; faculty of desire

قُوّه شهوانیّه

theoretical faculty	قوة علمیه
practical faculty	قوة عملیه
faculty of anger	قوة غضبیّه
imaginal faculty	قوة متخیله
form-giving faculty	قوة مصوره
reflective faculty; reflective power	قوة مفکره
the Most Strong; the Strong	قوی [خداوند]
the All-Subjugating; the Conquering;	قهار [خداوند]
the Invincible; the Omnipotent;	
the Overwhelming; the Subduer;	
the Victorious	
conquering force; cruelty; oppression;	قهر
overwhelming power; power; severity;	
subjugating force; violence; wrath	
Divine wrath	قهر الاهی
Omnipotence	قهر [خداوند]
God's Wrath	قهر خداوندی
erect stance; uprising	قیام
night <i>ṣalât</i> ; <i>ṣalât</i> of night	قیام اللیل
resurrection of the world	قیامت دنیا
Great Resurrection	قیامة القیامة
Great Resurrection	قیامت کبریٰ
the Abiding	قیّم [خداوند]
immutable; self-subsisting	قیوم
the Almighty; the Eternal;	قیوم [خداوند]
the Ever-Standing; the Immutable;	

the Self-Abiding; the Self-Existent;

the Self-Subsistent; the Subsistent

absolutely subsistent; almighty eternal;

self-subsistent

self-subsistence

قَيُّومٌ مَّطْلُوقٌ

قَيُّومِيَّةٌ

ک

creature; generated being	کائن
beings; creatures; engendered things;	کائنات
generated beings	
liar	کاذب (= دروغگو)
outward action	کار ظاهر
ungrateful	کافر (≠ شاکر)
truth-concealer	کافر (= صاحب مقام تفرقه)
disbeliever; unbeliever; unfaithful	کافر (≠ مؤمن)
desire	کام
desire of the Friend	کام دوست
perfect	کامل
perfect saints	کاملان ولایت
roast-flesh	کباب (کنایه از بی تابى)
arrogance; pride	کِبَر
the glorious Divine grandeur;	کبرياء [خداوند]
the Greatness; the Majesty	

glorious; majestic	کبریایی [وصف]
red sulphur	کبریت احمر
the All-Great; the Great	کبیر [خداوند]
greater sin; great sin	کبیره [گناه]
Mighty Book	کتاب عظیم
hidden book	کتاب مکنون
book	کتاب [هر یک از عوالم]
concealment of secret	کتم سرّ
concealment of nonbeing; obscurity of nonbeing	کتم عدم
concealment; hiddenness	کتمان
concealment of secret	کتمان سرّ
multiplicity; multitude; plurality	کثرت
extreme mortification of the soul	کثرت ریاضت نفس
Dune of White Musk	کثیب مسک ابیض
consolidated; dense	کثیف (≠ لطیف)
impurities	کدورات (= تعلّقات دنیوی)
corporeal contamination	کدورات جسمانی
darkness; foulness; impurity; taint; turbidity	کدورت
humanity impurity	کدورت بشری
Noble Recorders	کرام الکاتبین
charismatic acts; charismatic gifts;	کرامات
Divine graces; miracles; miracles performed by a Sufi saint; miraculous powers; special gifts; thaumaturgies; wondrous deeds; wondrous states	

miracles of the saints	کرامات اولیاء
act of miraculous grace; charisma;	کرامت
charismatic act; charismatic favour;	
charismatic gift; Divine grace;	
generosity; grace; honour; miracle	
performed by a Sufi saint; miraculous	
power; munificence; nobility	
distress	کرب (= اندوه)
the Creator	کردگار
Divine Pedestal; footstool; Throne of God	کرسی
amorous glance	کرشمه (کنایه از تجلی جلالی)
bounty; countenance; generosity; grace;	کَرم
liberality; magnificence; nobility	
Divine bounty; Divine mercy	کَرم حق
Bounty	کَرم [خداوند]
generosity of sainthood	کَرم ولایت
the Cherubim	کَروبیان (= ملائکة مهیم)
the generous; generous man; kind;	کریم
magnificent; noble; splendid	
the Generous	کریم [خداوند]
acquisition of happiness; propitiation	کسب خشنودی
acquisition; performance	کسب (مخ خلق)
acquisition of rank	کسب جاه
acquisition of wealth	کسب مال
human form; human state	کسوت بشریت
slain by the Beloved	کشته معشوق

allurement; pull	کشف
disclosure; illumination; insight;	کشف
intuition; revealing; revelation; spiritual	
vision; uncovering; unveiledness;	
unveiling; unveiling revelation	
discovery of states; unveiling of states	کشف احوال
Divine illumination; Divine intuition;	کشف الاهی
Divine uncovering	
lifting of the veil	کشف الغطاء
removal of all veils	کشف القناع
revelation of the mystery;	کشف المحجوب
unveiling of the veiled	
unveiling of inspiration	کشف الهامی
visual unveiling	کشف بصری
discovery of truths; unveiling of truths	کشف حقایق
imaginal unveiling	کشف خیالی
unveiling of the essence	کشف ذات
spiritual unveiling	کشف روحانی
unveiling by witnessing	کشف شهودی
unveiling of attributes	کشف صفاتی
unveiling by rays of light	کشف ضیائی
unveiling of the paths of ascent	کشف معاریج
unveiling of inner meanings;	کشف معانی
unveiling of inner realities	
unveiling of <i>intelligibilia</i> ;	کشف معقولات
unveiling of intelligibles	

meditative unveiling; theoretical unveiling	کشف نظری
unveiling of mysteries	کشف الاسرار
<i>Ka'bah</i>	کعبه
<i>Ka'bah</i> of pre-eternity	کعبه ازل
hut of the dervish	کلبه درویش
<i>Ka'bah</i> of the heart	کعبه دل
<i>Ka'bah</i> of attainment; <i>Ka'bah</i> of union	کعبه وصال
self-restraint	کَفّ نفس
incredulity; infidelity; misbelief;	کفر
unbelief; unfaithfulness; ungrateful	
truth-concealing	
sheer infidelity	کفر محض
blasphemous	کفر آمیز
equal	کفو (= همتا)
entirety of creation; whole of creation	کل کائنات
Divine Discourse; Divine Speech; God's	کلام الله
Speech; God's Word; Word of God	
house of sorrows	کلبه احزان
eloquent words	کلمات بالغه
Word of God	کلمه الله
Formula of <i>tawhîd</i> ; Sentence of <i>tawhîd</i>	کلمه توحید
Word of Presence	کلمه حضرت [لفظ "کُنْ"]
Universal Logos	کلمه کلّیه (= برکت محمدی)
word	کلمه (کنایه از موجود)
universal	کلّی
Conversing with God; Conversor	کَلِمِ اللّٰه

with God; Interlocutor of Allah	
entelechy; excellence; excellency;	کمال
perfection; plenitude	
to attain perfection	به کمال رسیدن
the highest perfection	کمال اتم
encompassing perfection	کمال احاطی
perfection of Divine Names;	کمال اسمائی
Perfection of God	کمال الله
perfect beauty; perfection of beauty	کمال جمال
complete bewilderment;	کمال حیرت
total bewilderment	
Perfection of God	کمال خداوند
essential Perfection	کمال ذاتی
perfect contemplation	کمال مشاهدت
absolute perfection; nondelimited	کمال مطلق
perfection	
	کَمُل ← کامل
noose of seeking; noose of yearning	کمند طلب
Be! and it is; Be! so it comes to be	کُنْ فَيَكُون
cloister-corner	کنج خانقاه
Tavern-corner	کنج خرابات
treasure	کنز
Hidden Treasure	کنز مخفی
Canaan	کنعان (کنایه از جهان معنوی)
core of the essence; innermost	کنه ذات
core; the very essence	

the Cosmos; created being; creation;	کون (= تمام موجودات)
the entire universe; phenomenal being;	
phenomenal existence; phenomenal	
universe; phenomenal world; the	
Universe; whole of existence	
generation	کون (≠ فساد)
engendered being; engendered	کون (= وجود)
existence; existence	
microcosm	کون اصغر
macrocosm	کون اکبر
all-comprehensive engendered being;	کون جامع (= انسان کامل)
synthetical being	
existence and abode	کون و مکان
existentiality	کونیت
manifest and hidden worlds; the two	کونین
existences; the two realms; two worlds	
Mount Sinai	کوه طور (کنایه از مقام فنا)
Mount <i>Qâf</i>	کوه قاف (کنایه از مقام یکرنگی)
alley; lane; street	کوی
street of Tavern	کوی خرابات (کنایه از مقام فنا)
street of profligates	کوی رندان
street of Magians	کوی مغان
street of Tavern	کوی میکده
Beloved's street; street of friend	کوی یار
being; nature	کیان
deceit; guile; stratagem	کید

guile of Satan	کید شیطان
deceit of the soul; soul's wiles	کید نفس
chastisement; punishment	کیفر
alchemy; elixir	کیمیا
performing alchemical transmutation	کیمیاگری
alchemy of happiness	کیمیای سعادت
alchemy of love; love's alchemy	کیمیای محبت
elixir of existence	کیمیای وجود
hatred	کین (≠ مهر)
being; coming to be	کینونت
hatred; rancour	کینه
Saturn	کیوان (= آسمان هفتم)

گ

Magi; Mazdean; Zoroastrian	گبر
beggary; begging; mendicancy	گدایی
passing of time	گذر ایام
passing of life	گذر عمر
whirlpool	گرداب
weeping	گریان
flower; rose	گل
rose-bed	گلشن
rose-bed of union	گلشن وصل
<i>felix culpa</i> ; misdeed; sin; sinfulness; wrongdoing	گناه
minor sin; trivial offence; venial sin	گناه صغیره
guilty; sinful; sinner; transgressor;	گناه کار
wicked; wrongdoer	
greater sin; great sin	گناه کبیره
eye-cornering; oblique glancing	گوشه چشم
heart's corner	گوشه دل

tavern-corner

گوشه میخانه

ascetics

گوشه نشینان

core; kernel

گوهر (≠ صدف)

jewel of existence

گوهر وجود

hair; locks; ringlet; tress

گیسو

ل

fearless; heedless	لا ابالى
agnostic	لا ادري
self-disclosure never repeats itself; there is no repetition in theophany	لا تكرر في التجلى
concomitant; necessary	لازم
no-thing	لا شئ
non-entities; non-entity	لا عين
boast of love	لاف عشق
tulip	لاله
having no station; No station	لامقام
without place; placeless non-local;	لامكان
non-locality; placelessness	لامكانى
non- <i>wujûd</i>	لا وجود
Not He	لا هو
Divine aspect; Divine nature;	لاهوت
Divine realm; divinity; the transcendent;	

unattainable Godhead	
divine; spiritual	لاہوتی
infinite	لایتناہی
illuminating; shining	لایح (= درخشان)
	لایحہ ← لوایح
perpetuity	لایزال [اسم]
unending	لایزال [وصف]
lip	لب
margin of the stream	لب جوی
ruby lip	لب لعل
core; kernel; pith	لُبّ
core of the core; kernel of the kernel	لُبّ اللّب
kernel of the kernel	لُبّ لباب
pith	لباب
bridle of struggle	لجام مجاہدہ
instant; moment	لحظہ
from God; God-given	لدئی
sensual pleasures	لذات حسی
animal pleasures	لذات حیوانی
joy; pleasure; relish	لذت
pleasure of communion;	لذت مناجات
pleasure of supplication	
pleasure of the self	لذت نفس
pleasure of being	لذت وجود
language; tongue	لسان
language of Oneness; tongue of Oneness	لسان احدیت

language of Divine Being;	لسان الحقّ (= انسان كامل)
tongue of God; tongue of the Truth	
tongue of the Hidden	لسان الغيب
tongue of revealed religion	لسان شرع
concrete language; exoteric expression	لسان ظاهر
language of the heart; tongue of the heart	لسان قلب
esoteric expression	لسان كشف
imaginal language; language of spiritual discovery	لسان مثالي
Grandiloquence	لّسن
subtle things	لطائف
subtlety	لطايف
amiable disposition; subtlety of disposition	لطايف طبع
	لطايف ← لطيفه
niceties of wisdom; subtleties of wisdom	لطايف حكمت
benefit; benevolence; benevolent assistance; blessing; clemency; countenance; elegance; favour; generosity; goodness; grace; help; kindness; loving kindness; providence; tenderness	لطف
benefit from God; Divine grace;	لطف الاهی
Divine providence; God's favour	
God's favour	لطف حقّ
hidden grace	لطف خفيّ

Divine grace; Lordly grace	لطف ربوبیت
the Gracious; the Subtle	لطیف [خداوند]
spiritual being; subtle being	لطیفه (= قلب)
human subtlety; inward	لطیفه انسانی (= نفس ناطقه)
dimension of man	
secret subtile inwardness	لطیفه خفیه
hidden meaning related to suprasensible	لطیفه [روحی]
worlds; subtle essence	
play	لعب
ruby of lip	لعل لب
cursing	لعن
curse; imprecation; malediction	لعنت
accursed	لعین
shared terminology	لفظ مشترک
confronting; encounter; meeting; vision	لقاء
beatific vision; <i>visio Dei</i> ; vision of God	لقاء الله
glance; suggestion	لمح
gleamings	لَمَحَات
glance; gleaming	لمحه (= درخشش)
Divine Flashes; Divine glitterings; gleamings	لَمَعَات
flash; illumination	لُمعه
banner of praise	لواء حمد
flashes	لوائج
effulgences; flashes; gleams; radiances	لوامع
reproachful	لَوَامِه
	لَوَامِه ← نفس لَوَامِه

Divine Tablet; the Guarded Tablet; the Preserved Tablet	لوح محفوظ
worry	لَهْف (= اندوه)
evil speech; frivolity; idle; trifling	لهو
amusement and play; play and sport	لهو و لعب
nonbeing; nothingness	لیس (= عدم)
blessed night	لیلة مبارک

final end; final goal	مآل
the Sublime	ماجد [خداوند]
wage-earner; wage-taker	مأجور
the Effacer	ماحی [خداوند]
matter; substratum	ماده
everything other than God;	ماسوی الله
the non-Divine; all else than God	
lord of phenomenal objects	مالک الاعیان
Kingdom-Possessing; the King of	مالک المُلک [خداوند]
the Kingdom	
the Monarch; the Possessor;	مالک [خداوند]
the Ruler; the Sovereign	
the Absolute Owner;	مالک مطلق [خداوند]
Supreme Monarch	
self possession	مالکیت بر نفس
all that is familiar to instinctual nature	مألوفات طبع

Divine thrall; theomorphosed	مألوه
absolute thrall of God; nondelimited	مألوه مطلق
thrall of Allah	
the Withholder	مانع [خداوند]
gleaming moon	ماه تابان
fasting month	ماه صیام
substance of lowliness	مایه خست
precepts; principles	مبادی
blessed	مبارک
punctilious	مُبالی آداب
innovator	مبتدع اوّل ← حقیقت محمدی
beginner; novice	مبتدع (= بدعت گذار)
novice wayfarer	مبتدی
afflicted; smitten	مبتدی سالک
excited; happy	مبتلا
the Origin	مبتهج
the Origin	مبدأ [خداوند]
First Beginning	مبدأ (≠ معاد)
the Beginning and the End;	مبدأ اولی
the Origin and the Return	مبدأ و معاد
innovator	مبدع
first Creator	مبدع اوّل
the Author; the Creator	مبدع [خداوند]
the Commencer; the Originator	مبدی [خداوند]
heralding visions	مبشرات

heralding vision	مبشّر
bewildered	مبهوت
the Clarifier	مبیین [خداوند]
followers of the sensual; sensual men	متابعان نفس
conformity; obedience	متابعت
obedience of passion; subordination to passion	متابعت هوا
worldly goods; worldly wealth	متاع دنیوی
goods of two worlds	متاع دو جهان
dignity	متانت
blessed with the grace of initiation	متبرک
followed	متبوع
the Indulgent	متجاوز [خداوند]
the Self-Discloser	متجلّی [خداوند]
actualized in God; actualized in the Truth	متحقق بالحق
adept in renunciation	متحقق در زهد
adorned	متحلّی (= آراسته)
bewildered; confused; disoriented	متحیر
to acquire Divine qualities	متخلّق به اخلاق حقّ شدن
one who assumed the traits of God's Names; one who has acquired the Divine Names; one who has assumed the traits of God's Names	متخلّق به اسماء الله
imaginalized object	متخیّل
recollecting; reminded	متذکّر

pious trembler; trembler	مترهّب
ambiguous; metaphorical	متشابه (= محکم)
ambiguous verses	متشابهات
aspirant to Sufism; participant in Sufism	متصوّف
pretender to Sufism	متصوّف (= مدّعی تصوّف)
the Sufis	متصوّفه
the Most High; the Self-Exalter;	متعالی [خداوند]
the Self-High; the Transcendent	
ascetic; devotee	متعبد
fanatic; sectarian	متعصّب
belonging; connected	متعلّق
appurtenances; belongings	متعلقات
alone; isolated; unrivaled	متفرد
thinker	متفکّر
fearing; godfearing; godwary; he who	متّقی
fears God; pietist; pious	
the godwary	متّقین
the Justly Proud; the Magnificent; the	متکبر [خداوند]
Proud; the Self-Great	
the proud	متکبران
the Speaker; the Speaking	متکلم [خداوند]
to be imaginalized	متمثّل شدن
hermit	متنّسک
humble; modest	متواضع
alone; immersed in unity	مُتَوَحِّد
middle class; middle men; people in	متوسطين

the middle; Sufi of intermediate rank;

those in the midst of the Path

reliant; trustful

متوکل

quietists; the reliant ones; the trustful

متوکلین

imagined

متوهم

in vigilant nightly prayer; wakeful and

متہجد

praying at night

firm; strong

متین

the Constant; the Firm

متین [خداوند]

analogy; image

مثال

imaginal

مثالی

the Establisher

مُثَبِّت [خداوند]

archetypes; Forms; Platonic Ideas

مُثَل

similitude

مَثَل

to give example; to strike similitude

مثل زدن

channels for grace

مجارى فیض

illusory

مجاز (≠ حقیقت)

metaphor

مجاز

figurative(ly); in a metaphorical

بالمجاز

sense; metaphorical(ly)

earthly; in name only; metaphorical;

مَجازی

unreal; worldly

Sufi gatherings; Sufi sessions

مجالس

gatherings in which Allah's Name is

مجالس ذکر

invoked; regular sessions for recollection

companionship; friendship;

مجالست

social intercourse	
fools of God; insanes because of the infatuation with the Truth	مجانین حقّ
adjacency	مجاورت
combatant; struggler; warrior	مجاهد
dry ascetic strivings	مجاهدات خشک
ascetic strivings and exercises	مجاهدات و ریاضات
act of self-mortification; ascetic practice; ascetic striving; ascetic struggle; austerity; discipline; endeavour; exertion; discipline; hard labour; inner striving; inner struggle purgation; purgative life; self-discipline; self-mortification; spiritual combat; spiritual mortification; spiritual strife; spiritual struggle; striving for virtuous purification	مجاهدت
disobeying the dictate of passions by constant efforts; struggling against the soul; training the soul	مجاهدت با نفس
reformer; renewer; resurrector; revivifier	مجدّد
an ecstatic; drawn unto	مجدوب
drawn unto God; he who undergoes Divine attraction; one whom God draws to Himself	مجدوب حقّ
attracted wayfarer; wayfarer attracted	مجدوب سالک
carefree; destitute condition; detached;	مجرّد

detached from material entanglement;	
disengaged; formless; unattached	
non-material; separate from matter	مجرد (= غیر مادی)
criminal; culpable; sinner	مجرم
incarnate	مجسم
anthropomorphists	مجسمه
object of instauration	مجعل
assembly; assembly-room; Sufi session	مجلس
assembly of intimacy	مجلس انس
gathering in which Allah's Name	مجلس ذکر
is invoked; session for the	
recollection of God	
sitting with God in intimacy	مجلس نجوی
Divine unveiling;	مجلّی (= جلوه گاه خداوند)
epiphantic form; locus of	
Self-Disclosure; place of theophany	
undifferentiated	مجمّل
combined totality	مجموع (= حقّ و خلق)
distraught lover; lunatic;	مجنون
mad; possessed	
responding	مجبیب
the Answerer; the Assenter	مجبیب [خداوند]
concentration; reckoning;	محاسبه
self-examination	
examination of the soul;	محاسبه نفس
self-examination; self-inspection	

loci	محالّ [ج محلّ]
laudable qualities; praiseworthy aspects	مَحَامِد
Praiseworthy Qualities	مَحَامِد [خداوند]
conversation; daily discourse	مَحَاوَرَه
friend; lover; loving	مَحَبّ
affection; friendship; love; spiritual love	مَحَبَّت
pre-eternal love	مَحَبَّت اَزَلِی
Divine love; love of God	مَحَبَّت الاهی
Divine love; love of God	مَحَبَّت خداوند
beloved; lovable; loved; object of love	مَحْبُوب
<i>fedeles d'amore</i> ; lovers	مَحَبِّین
dependent; needy	مَحْتَاج
veiled	مَحْتَجِب
city-censor; one who prevents sins;	مَحْتَسِب
reckoner; religious police	
grandeur	مَحْتَشَم
veiled; veiled one	مَحْجُوب
confined	مَحْجُور
path; way	مَحْجَّه
created; ephemeral; innovated;	مَحْدَث
newly arrived; newly arrived thing;	
non-eternal; phenomenal; renewed	
inspired man; one who is spoken to by God	مَحْدَّث
traditionalist	مَحْدَّث
<i>mehrab</i> ; niche in the mosque; prayer niche;	محراب
prayer-arch; private chamber; royal chamber	

a consecrated pilgrim; pilgrim in condition of consecration	مُحَرَّم
confidant; intimate	مَحَرَّم
confidant of heart	مَحَرَّم دَل
confidant of mystery	مَحَرَّم رَاز
intimate of Divine secrets; sharer of Divine secrets	مَحَرَّم سِرِّ الْإِلَهِ
forbidden matters; prohibited acts; taboos	مَحَرَّمَات
deprived	مَحْرُوم
afflicted; sad	مَحْزُون
virtuous	مُحْسِن
the Beneficent	مُحْسِن [خداوند]
constrained; limited	مَحْصُور
presence; presence-chamber	مَحْضَر
assembly; chamber; company	مَحْفَل
chamber of affection	مَحْفَلِ انْس
assembly of lovers	مَحْفَلِ عَاشِقَان
deserving; worthy	مَحَقِّق
saints in whom the Truth has become actualized	مُحَقِّقَانِ أَوْلِيَاء
decisive; definite; firm; firmly	مُحَكَّم
constructed; fundamental; sound	
explicit; strongly clear; unambiguous	مُحَكَّم (≠ مُتَشَابِه)
dwelling place; locus	مَحَل
lofty place	مَحَلِّ اَعْلَى
safe place	مَحَلِّ اَمْن

place of abstraction; place of transcendence	محل تنزیه
seat of knowledge of the Names	محل علم اسماء
locus of vision; place of speculation	محل نظر
lauded; praised	مَحْمَدَه ← محامد محمود [مقام] مِخَن ← محنت
oppression; probation; suffering; tribulation	محنت
annihilation; effacement; immersion; obliteration; self-effacement	محو
eternal obliteration	محو ابدی
pre-eternal obliteration	محو ازلی
absorbed; dissolved	محو [به معنای مفعولی]
effacement in affirmation; obliteration in affirmation	محو در اثبات
total effacement	محو کلی
the All-Encompassing; the Encompasser; the Encompassing; the Sovereign	محیط [خداوند]
animator of the religion; vivifier of religion	محيی الدین
the Bestower of life; the Life-Bestowing; the Life-Giver	مُحيی [خداوند]
swindler	مخادع
deception	مخادعه
amorous discourse	مخاطبات عاشقانه
address	مخاطبه

direct discourse with God	مخاطبة حق
fear	مخافت
fear of God	مخافة الله
intercourse	مخالطت
conflict; discord; opposition	مخالفت
opposition to the soul	مخالفت نفس (= موت احمر)
the Free	مختار [خداوند]
diverse; incongruous	مختلف
pre-eternal beauties	مخدرات ازل
secluded virgins of the Unseen	مخدرات غیبی
chamber	مخدع (= موضع ستر قلب)
abandoned; forsaken	مخدول
purified	مُخْلِص
having sincerity; purifying; sincere	مُخْلِص
drunkard; inebriated	مخمور
imaginal; imaginalized	مخیّل
courtesy; humility;	مدارا
politeness; showing mercy	
degrees; ranks; stages	مدارج
ascending degrees of perfection;	مدارج کمال
ranks of perfection	
constant <i>zikr</i> ; continuous	مداومت ذکر
remembrance of God	
flattery	مداهنت
the Governing	مدبّر [خداوند]
governor of the world;	مدبّر عالم

regulator of the world	
praise	مدح
aid; assist; help	مَدَد
gracious aid; help of grace	مدد فیض
lofty degree of the distance of two	مدرج قاب قوسین
bowstrings	
cosmic school; school of existence	مدرسه وجود
known; object of perception; perceived thing;	مُدْرَک
realities perceived inwardly	مدرکات باطنی
apprehender; apprehending; knower;	مُدْرِک
perceiver; perceiving	
claimant; imposter	مَدَّعی
claimants to Sufism; pretenders to	مَدَّعیان تصوّف
Sufism	
false claimants	مَدَّعیان دروغین
aspirants to the Truth	مَدَّعیان راه حقیقت
pretenders to the Truth	
aspirants to the Path	مَدَّعیان راه طریقت
pretenders to the Path	
false pretenders	مَدَّعیان کاذب
object of denotation	مدلول
amazing; astonishing	مدهش
masculine	مذکر
the Abaser; the Humiliator	مُذَلّ [خداوند]
abasement; lowliness	مذلت
to blame	مذمت کردن

reprehensible	مذموم
sinner	مذنب
mirror	مرآت
object of vision; visible	مرئی
contesting; disputing; doubting	مراء
hypocrite; impostor; ostentatious person	مُرائی
grades; hierarchy; levels; ranks; series	مراتب
grades of engendered beings	مراتب اکوان
grades of Self-disclosure;	مراتب تجلی
planes of theophany	
degrees of determinations	مراتب تعینات
six degrees; six levels	مراتب ستّه
degrees of felicity	مراتب سعادت
levels of the world	مراتب عالم
degrees of knowledge;	مراتب معرفت
levels of knowledge	
degrees of being; degrees of existence;	مراتب وجود
ontological levels	
return of souls	مراجعت نفوس
stages	مراحل
desirable; desired; object desired; object	مُراد
of desire; object sought for; sought; wish	
selfish desire; selfish purpose	مراد نفس
desires of humanity; human desires	مرادات انسانی
worldly desires	مرادات دنیوی
desires of the soul	مرادات نفس

attention; observance; respect; solicitude	مراعات
observance of the (Divine) Command	مراعات امر
observance of incoming thoughts	مراعات خواطر
companionship; friendship	مرافقت
the Examiner; the Guardian	مراقب [خداوند]
keeping in view; meditation;	مراقبت
observation; self-ostentation	
chaste regard; guard over the heart;	مراقبت دل
watchfulness of the heart; watch over the heart	
attentive control of oneself; attentive	مراقبه
observation; concentrated attention on God;	
contemplation; examination; guarding	
oneself and examining passion by good	
thoughts; observation; self-examination;	
self-vigilance; self-watchfulness; vigilance;	
vigilant attention	
<i>fedeles</i> ; vassal	مربوب
caretaker; fosterer; instructor; preceptor	مرئی
class; rank	مرتبت
class; degree; grade; limit; rank; stage;	مرتبه
standing; status; step	
stage of Unity	مرتبه احدیت
stage of the Names	مرتبه اسماء
Divine stage	مرتبه الاهی
stage of Imamate	مرتبه امامت
stage of man	مرتبه انسان

human degree; human stage	مرتبه انسانی
degree of certainty; stage of certainty	مرتبه ايقان
stage of faith	مرتبه ايمان
degree of leadership; rank of leadership	مرتبه پیشوایی
bodily stage; stage of the body	مرتبه جسد
imaginal level; imaginal stage;	مرتبه خیال
stage of imagination	
stage of spirit	مرتبه روح
rank of the beloved of God	مرتبه محبوبی
preponderator	مرجح
place of return; point of return	مرجع و مآب
return and reversion	مرجع و معاد [به صورت مصدری]
stage	مرحله
compassion; mercy	مرحمت
men of Allah; men of God	مردان خدا
condemned; failed; rejected	مردود
rebellious spirits	مَرَدَه (= ارواح سرکش)
envoy; messenger	مرسل
director; instructor; spiritual guide	مرشد
the Director; the Guide	مرشد [خداوند]
invisible guide	مرشد غیبی
acceptable; accepted; loved; pleasing	مرضی
bird of union	مرغ وصال
ladder	مرقات
	مُرَقَّعات ← مرقعه
patched frock of the Sufi	مُرَقَّعه (= جامه صوفیان)

mount	مَرَكَب
spiritual death	مرگ دل
symbolic sign; symbolic tale	مرموز
chivalry; generosity; kindness;	مروّت
manliness; virility; virtue	
plaster	مرهم
adherent; aspirant to the Way;	مرید
devotee; disciple; follower; novice;	
seeker; spiritual pupil	
willer	مرید (= اراده کننده)
the Desirous; the Willing	مرید [خداوند]
desirer; desiring	مرید (= مشتاق)
loyal disciple; truthful disciple	مرید صادق
constitution; mixture	مزاج
human constitution	مزاج انسانی
temperament of search and	مزاج طلب و ارادت
aspiration	
balanced constitution; temperament	مزاج متعادل
in equilibrium	
disturbing; hindering; jostling	مزاحمت
pitfalls	مزلاّت
advantage; superiority	مزیت
the Remover	مزیل [خداوند]
glad tiding	مژده
spiritual questions	مسائل قدسی
journeyer; traveller; wayfarer	مسافر

paths of truth	مسالک حقیقت
petition; petitioning;	مسألت
request; requesting	
point; problem; question;	مسأله
companionship; dialogue with God;	مسامره
nocturnal discourse	
coextensive	مساوق
the Author of all causes;	مسیبب الاسباب [خداوند]
the Cause of all causes; the	
Causer of secondary causes;	
the Occasioner of all occasions	
caused things	مسیببات
lauding	مستیج
dazzled; drunkard; inebriate; insensible	مست
completely intoxicated	مست خراب
God-intoxicated man;	مست قربت حضرت حق
intoxicated in the Presence of God	
familiar associations	مستانسات
heard in his prayers	مستجاب الدعوه
deserving; worthy	مستحق
circular	مستدیر
at ease	مستريح
	مستعار ← استعارى
help-seeker; seeking help	مستعين
absorbed; immersed; in rapturous	مستغرق
contemplation	

seeking forgiveness	مستغفر
acquired	مستفاد
erect; steadfast; straight	مستقیم
delights of the visible world;	مستلذات عالم شهادت
sensory delights	
delights of the soul; things	مستلذات نفس
pleasurable to the soul	
passionate delights;	مستلذات نفسانی
passionate pleasures	
Divine support	مستند الاهی
concealed; curtained; hidden;	مستور
veiled from the public eye	
drunkenness; inebriation; intoxication	مستی
metamorphosing	مسخ
intoxicant	مُسکر
abode; dwelling	مسکن
lowliness; indigence	مَسکنت
beggar; helpless; indigent; lowly;	مسکین
needy person; poor	
path; track; way	مسلك
stripped of attributes	مسلوب الاوصاف
named object	مسمّا (≠ اسم)
ontological named thing	مسمّای وجودی
the Named	مسمّی [خداوند]
path; road	مسیر
likeness; mutual similarity	مشابهت

dispositions of the senses	مشارب حسی
dispositions of the unseen;	مشارب غیبی
invisible modes	
preconditioning	مشارطه
partnership	مشارکت
witness; witnesser	مُشاهد
	مشاهد ← مشهد
	مشاهدت ← مشاهده
contemplating; direct vision;	مشاهده
(Divine) contemplation; immediate	
perception; (mystic) vision; seeing;	
sight; spiritual experience; true	
contemplation; vision; vision of	
Divine power; witnessing	
sensible experience	مشاهده (= تجربه حسی)
observation	مشاهده (= دیدن)
vision of God	مشاهده حق
imaginal vision;	مشاهده خیالی
imaginative contemplation	
spiritual vision; spiritual witnessing	مشاهده روحانی
elders; masters	مشایخ
elders of the Path; Sufi masters	مشایخ طریقت
ardent; lover; yearner	مشتاق
desirous ones; longing ones	مشتاقان
dubious	مشتبه
corporeal pleasures	مشتهیات جسمانی

law-giver	مُشَرِّع
ennobled; honoured	مَشْرُوف
east; orient	مَشْرِق
associationist; associator; associator	مَشْرِك
(of gods with God); polytheist	
musk	مُشْك
musk-diffusing	مُشْك فشان
niche	مِشْكَاة
praised; rewarded	مَشْكُور
musky	مُشْكِين
locus of witnessing	مَشْهَد
the most sacred locus of witnessing	مَشْهَد اقدس
intermediate locus of witnessing;	مَشْهَد برزخی
isthmus locus of witnessing	
imaginal locus of witnessing	مَشْهَد خیالی
contemplated being; object of contemplation;	مَشْهُود
object of witnessing; witnessed	
creative will; intention; will	مَشِیَّت
God's Intention; Providence;	مَشِیَّت الاهی
Will of God	
Will	مَشِیَّت [خداوند]
difficulties; misfortunes	مَصَائِب
companion	مَصَاحِب
companionship with God;	مَصَاحِبَتِ حَقّ
keeping company of God	
unexpected occurrence	مَصَادِفَه

lamp; lantern	مصباح
light-giving Lamp	مصباح منیر
book; the Quran	مصحف
authority	مصدر و مقتدا
Turner of hearts	مصرف القلوب
chosen	مصطفی
maker of wholesomeness;	مصلح
making wholesome; reformer	
the best interest; expedience;	مصلحت
good; wholesomeness	
the Creator; the Fashioner;	مصور [خداوند]
the Formator; the Former;	
the Form-Giving; the Shaper	
correct	مصیب
misfortunes	مصیبات
pernicious	مضر
agitated	مضطرب
the Misguider	مضلّ [خداوند]
hidden things	مضمّرات
demand; request; requisition	مطالبه
minstrel	مطرب
quest	مطلب
well-informed	مطلع
absolute; nondelimited;	مطلق
unbounded	
the Nondelimited	مطلق [خداوند]

nondelimited prophethood	مطلق نبوت (= نبوت عامه)
existence as such	مطلق وجود
desired; object of desire; object of seeking; sought object	مطلوب
desired for itself	مطلوب لذاته
ultimate object of desire	مطلوب مطلق
quiescent	مطمئن
at rest; tranquil	مطمئنه
epiphantic forms; loci of manifestation; theophanic forms	مظاهر
manifestations of entities	مظاهر اعیان
manifestations of engendered beings	مظاهر اکوان
Divine loci of Self-manifestation	مظاهر الاهی
epiphantic form; epiphantic form;	مظهر
epiphany; external manifestation; locus of manifestation; manifestation; place of manifestation; theophanic form	
censuring; rebuking passions; reproach; self-rebuke	معاتبه
Place of Return	معاد [خداوند]
the Return	معاد (≠ مبدأ)
ascents; stairs	معارج
steps to the highest of the high	معارج اعلیٰ علیین
cognitions; doctrines; gnostic sciences; realized knowledge	معارف
life of creatures	معاش خلق

affection	معاشقه
the Forgiver	معافی [خداوند]
the Punisher	معاقب [خداوند]
punishment	معاقبه
high merits	معالی
spiritual practices	معاملات
affair; interaction; one's dealing	معاملت
with God; one's treatment of God	
opposing one's soul	معاندۀ نفس
spiritual realities	معانی
embodied truths	معانی متجسّد
temporally originated meanings	معانی محدّثه
rational truths	معانی معقول
sensual thoughts	معانی نفسانی
return of souls	معاودت نفوس
actual experience; direct vision	معاینه
saints' place of worship	معبد اولیاء
object of worship; served;	معبود
worshipped	
the Adorable	معبود [خداوند]
believer	معتقد
incarnationist	معتقد به حلول
engaged in devotions	معتکف
self-conceited	معجب [به نفس]
miracle of a prophet	معجزه
annihilating agent	مُعدِم

to hold <i>sb</i> excused	معذور داشتن
ascension; ascension (to the heavens);	معراج
ascent; night journey to His Presence;	
nocturnal ascent; spiritual ascent	
to ascend	به معراج رفتن
acquaintance; cognition; contemplation;	معرفت
gnosis; knowledge; mystical knowledge;	
mystic wisdom; recognition; true	
knowledge	
perfect gnosis	معرفت تامه
complete gnosis	معرفت تمام
true knowledge	معرفت حقیقی
knowledge of God	معرفت خدا
knowledge of essence	معرفت ذات
mystic perception	معرفت ذوقی
knowledge of divinity	معرفت ربوبی
visionary knowledge	معرفت شهودی
cognitive gnosis	معرفت علمی
theoretical knowledge	معرفت نظری
gnosis of God	معرفه الله
self-knowledge	معرفه النفس
the Empowerer; the Exalter	مُعَزِّ [خداوند]
beloved	معشوق
original beloved	معشوق اصلی
Divinely preserved; exempt from sin;	معصوم
impeccable; inerrant; infallible;	

innocent; preserved from sin	
disobedience; sin; sinfulness;	معصیت
transgression	
agnostic; atheist	معطل [در شناخت]
ineffectual; inoperative	معطل [در وجود]
the Giver	معطی [خداوند]
the Existence-Giver	معطی وجود [خداوند]
rational concepts	معقولات
teacher	معلم
teacher of the human being	معلم انسان
teacher of angels	معلم ملائکه (نیز ← انسان کامل)
caused; effect;	معلول
archetype; esoteric meaning; mystical	معنا
meaning; reality; spiritual insight;	
spiritual reality; transcendent reality	
in its most particular sense	به معنای اخصّ
in its most general sense	به معنای اعمّ
spiritual; supra-sensory	معنوی
spirituality	معنویت
co-existence; with-ness	معیت
He-Who-Brings-Back; the Restorer	مُعید [خداوند]
the Helper	مُعین [خداوند]
young Magians; young tavern-keeper	مغیبه
magians	مُغان (= پیر می فروش)
occident	مغرب
deceived; deluded man; seduced	مغرور (= فریفته)

proud	مغرور (= متکبر)
kernel	مغز (= قشر)
forgiveness; remission; remission of sins	مغفرت
pardoned	مغفور
enraptured	مغلوب
overpowered by love	مغلوب محبت
the Enricher	مُغنی [خداوند]
the Unseen	مغیبات
the Reliever; the Saviour	مغیث [خداوند]
keys to the Gardens	مفاتیح الجنان
keys to the Absent; keys to the	مفاتیح الغیب
invisible world	
abandonment; discontinuance; separation	مفارقت
key of right guidance	مفتاح الهدی
Opener of doors	مفتّح الابواب
deceived; seduced	مفتون
exhilarating	مفرّح
the Solitary	مفرد فرد [همتای قطب با نقشی متفاوت]
celibates; the recluses	مفردون
corrupter	مفسد
commentator; interpreter	مفسّر
differentiated	مفصّل
the Differentiator; the Distinguisher	مفصّل [خداوند]
the Bounteous	مفصّل [خداوند]
object of act	مفعول
innovational object of act	مفعول ابداعی

motivational object of act	مفعول انبعاثی
natural object of act	مفعول طبیعی
prosperous	مفلح
bankrupt; destitute	مفلِس
counterpart	مقابل
measures	مقادیر
co-existence	مقارنت (= معیت)
keys	مقالید
esoteric abode; mystical station; office; station; station on the mystical Path	مقام
abode	مقام (= جایگاه)
rank	مقام (= درجه)
dignity	مقام (= شأن)
majesty	مقام (= عظمت)
stage	مقام (= مرحله)
station of union	مقام اتحاد
station of union	مقام اتصال
station of oneness; station of unicity	مقام احدیت
station of beneficence	مقام احسان
station of showing	مقام ارائت
station of tranquillity	مقام اطمینان
station of equilibrium	مقام اعتدال
station of commanding	مقام امارگی
station of the Imamate	مقام امامت
human state	مقام انسانی
stage of being substitute	مقام بدلیت

station of the isthmus	مقام برزخ
station of expansion	مقام بسط
level of animals and beasts	مقام بهایم و آنعام
station of immediacy	مقام بی واسطگی
station of self-disclosure	مقام تجلی
station of realization	مقام تحقق (≠ مقام تخلّق)
station of clothing oneself in the Divine characteristics	مقام تخلّق به اخلاق رحمانی
station of assuming traits	مقام تخلّق (≠ مقام تحقق)
station of glorification	مقام تعظیم
station of separation	مقام تفرقه
station of separation	مقام تفرید
station of generation	مقام تکوین
station of mutability	مقام تلوین
station of stability	مقام تمکین
station of repentance	مقام توبه
station of reliance	مقام توکل
stage of duality	مقام ثنویّت
station of union	مقام جمع
station of union of union	مقام جمع الجمع
state of (spiritual) union;	مقام جمعیت
station of spiritual synthesis	
station of ignorance; station of unknowing	مقام جهل
station of veiling	مقام حجاب
station of grief	مقام حزن
stage of; station of perplexity;	مقام حیرت

station of wonder astonishment	
station of clay; station of dust	مقام خاکی
station of the Seal of saintship	مقام ختم ولایت
station of <i>Khadhir</i>	مقام خضر
station of friendship	مقام خلّت
stage of the guide	مقام دلیل
station of essence	مقام ذات
station of hope	مقام رجاء
station of messengership	مقام رسالت
station of pleasure; station of satisfaction	مقام رضا
station of intercession	مقام شفاعت
station of affection	مقام شفقت
station of gratitude	مقام شکر
station of patience	مقام صبر
station of purity	مقام صفا
station of attributes	مقام صفات
station of servitude	مقام عبودت
station of servanthship;	مقام عبودیت
station of servitude	
station of knowledge	مقام علم
station of immediate proximity;	مقام عندیت
station of proximity	
station of elemental and simplicity	مقام عنصری و مفردی
station of jealousy	مقام غیرت
station of Lordly illumination	مقام فتح ربّانی
station of differentiation	مقام فرق

station of discernment	مقام فرقان
station of poverty	مقام فقر
station of contraction	مقام قبض
station of the Quran	مقام قرآن
station of nearness; station of proximity	مقام قرب
station of spiritual discovery;	مقام کشف
station of unveiling	
station of perfection	مقام کمال
station of "Be"	مقام "کن"
station of no station	مقام لامقامی
station of reproachfulness of soul	مقام لوامگی نفس
state of fruit-bearing	مقام مثمری [ثمردهی]
commendable station	مقام محمود
station of self-examination	مقام مراقبت
state of a bird; station of birdhood	مقام مرغی
station of contemplation	مقام مشاهدت
station of gnosis; station of knowledge	مقام معرفت
station of King of the Kingdom	مقام ملک الملک
angelic state; station of the angels	مقام ملکی
state of boasting; station of blandishment	مقام ناز
vegetable state	مقام نباتی
station of Prophecy	مقام نبوت
station of Oneness	مقام واحدیت
abode of unity; station of oneness	مقام وحدت
station of desire; station of spiritual will	مقام همّت
station of awe	مقام هیبت

station of certainty	مقام یقین
esoteric abodes; spiritual stations;	مقامات
stages; stations; stations of spiritual establishment	
stations of the gnostics	مقامات العارفين
high stations	مقامات علوی
abomination; anger; hatred	مقت (= غضب)
exemplar; exemplary guide; exemplary model; paragon	مقتدا
exemplar of the truth	مقتدای حقیقت
the Potent	مقتدر [خداوند]
demands of instinctual nature	مقتضای طبع
determined	مقدّر
the Fortune-Giver; the Ordainer;	مقدّر [خداوند]
the Sole Predestinator	
blessed; holy; sacred; sanctified	مقدّس
the Advancer	مقدّم [خداوند]
capable of being done; object of power	مقدور
brought near; brought nigh; approximating	مقرب
favourites of God; the saints; those drawn nigh unto God; those nearest to God; those who approach to God as much as possible; those who are brought near to God	مقربان
the Just	مقسط [خداوند]
outermost goal	مقصد اقصى
furthest purpose; supreme purpose	مقصد الأسنى

pause in reading; place of separation	مقطع
seat of sincerity; state of perfect veracity	مقعد صدق
the Turner of hearts	مقلب القلوب [خداوند]
follower of authority; imitator	مقلّد
overpowered	مقهور
the Food-Giver	مقیت [خداوند]
the Forbearing; the Raser	مقیل [خداوند]
dwellers	مقیمان
excellences of disposition; noble character traits; noble dispositions; noble manners; noble qualities of character; the noblest virtues	مکارم اخلاق
earnings	مکاسب (≠ مواهب)
illuminated; object of revelation	مکاشف
unveiler; unveiling	مکاشف
unveilings of inspiration	مکاشفات
spiritual unveilings	مکاشفات روحانی
unveilings of the spirit	مکاشفات روحی
secret unveilings; unveilings of the mystery	مکاشفات سرّی
unveilings of the Unseen	مکاشفات غیبی
unveilings of the heart	مکاشفات قلبی
ocular vision; unveiling of the manifested	مکاشفة العیان
revelation to the heart; unveiling of the hearts	مکاشفة القلوب
disclosure; revealing; unveiling; vision	مکاشفه

unveiling in the wakeful state; waking vision	مکاشفه در حال بیداری
nonwaking vision; unveiling in the dream state	مکاشفه در حال خواب
ocular vision	مکاشفه دیداری
revelation to the heart; unveiling in the heart	مکاشفه قلب
amorous communications; amorous conversations	مکالمات عاشقانه
place of the hereafter	مکان آخرتی
worldly place	مکان دنیوی
sacred place; sanctuary	مکان مقدس
placement; rank	مکان
stratagems of the soul	مکاید نفس
School of Illumination	مکتب اشراق
school of love	مکتب عشق
hidden saints; unknown saints	مکتومان
conspiracy; cunning; deceit; deception; devising; guile; intrigue; malice; plot; plotting; ruse; stratagem	مکر
God's ruse; ruse of the Divine	مکر الاهی
God's cunning; God's stratagem; ruse of God	مکر خدا
hidden cunning	مکر خفی
cunning of the souls	مکر نفس
generosity; honour; nobility	مکرم

abhorred; disapproved (by the Law); odious	مکروہ
the perfected	مکملین
depth of the heart	مکمن دل
depth of the hidden; lair of the Unseen	مکمن غیب
created thing; engendered being	مکون
the Engenderer of Secondary Causes; the Existentiator	مکون الاسباب [خداوند]
God as Bestower of being;	مکون [خداوند]
God insofar as He gives being	
angels	ملائک
guardian angels	ملائک حفظہ
angels of the circles of remembrance of God	ملائک حلقہ ہای ذکر
angels of the gatherings of remembrance of God	ملائک مجالس ذکر
terrestrial angels	ملائکۂ ارضیہ
angels of governance	ملائکۂ تدبیر
angels of dominion	ملائکۂ تسخیر
angels of life	ملائکۂ حیات
celestial angels; heavenly angels	ملائکۂ سماویہ
travelling angels	ملائکۂ سیاح
superior angels	ملائکۂ عالون
angels of ascent	ملائکۂ عروج
angels of hearts	ملائکۂ قلوب
archangels	ملائکۂ مقرب
enraptured angels	ملائکۂ مہیم

angels of the air	ملائكة هوا
agreeableness	ملائمت
garments	ملايس
garments of names	ملايس اسماء
garments of shapes	ملايس اشكال
garments of objects	ملايس اعيان
garments of individuals	ملايس افراد
garments of attributes	ملايس صفات
	ملاحدہ ← ملحد
asylum	ملاذ
practice of continuous retreat	ملازمت خلوت
constant practice of invocation	ملازمت ذکر
encounter; meeting	ملاقات
boredom; weariness	ملال
discouragement; weariness	ملالت
blame; reproach	ملامت
true acceptor of censure	ملامتی
the Blameworthy; people of Blame;	ملامتيہ (= ملامیہ)
seekers of reproach	
frivolous deeds	ملاهی
creed; tenet	ملت (= آیین)
nation; religious community	ملت (= امت)
atheist; heretic	ملحد
lower plenum	ملاً أدنى
lower plenum	ملاً أسفل
higher plenum; higher spiritual realm;	ملاً أعلى

intelligible world; sublime assembly;	
sublime company; sublime host; superior	
spirits; supreme assembly; supreme plenum	
Muhammadian plenum; Muhammadian realm;	مَلَأَ مُحَمَّدِي
in public; publicly	مَلَأَ عَامَ
casters	مَلَقِيَّات
corporeal world; dominion;	مَلِك (≠ مَلَكُوت)
visible world; kingdom	
empire; kingdom; kingship; monarchy	مَلِك (= پادشاهی)
mightier kingdom	مَلِكِ اعْظَم
the King of the Kingdom	مَلِكِ الْمَلِك [خداوند]
Angel of death	مَلَكِ الْمَوْت
the King	مَلِك [خداوند]
angel of Divine Proximity; archangel	مَلَكِ مَقْرَب
celestial hierarchy; Divine power;	مَلَكُوت
dominion; heaven; heavenly kingdom;	
higher plane of reality; invisible world;	
kingdom; permanent sovereignty;	
sovereignty; spiritual dominion; spiritual	
root; spiritual world; supreme dominion	
Divine domain of the heavens;	مَلَكُوتِ آسْمَانِهَا
kingdom of the heavens	
	مَلَكُوتِ السَّمَوَات ← مَلَكُوتِ آسْمَانِهَا
vegetable realm	مَلَكُوتِ نَبَات
celestial; heavenly	مَلَكُوتِي
angelic	مَلَكِي

creeds and sects	مِلَل ← مِلَّت
vexed	مِلَل و نَحَل
inspired	ملول
the Rich	مُلْتَهَم
the Omnipotent King	مَلِّی [خداوند]
likeness; mutual likeness	ملیک مقتدر [خداوند]
corporeal domains	مماثلت
spiritual domains	ممالک جسمانی
imaginalized; typified	ممالک روحانی
helper	ممثَل
object of praise; praiseworthy	مُمدِّ
the Retainer	ممدوح
contingent; possible	مُمسک [خداوند]
kingdom	ممکن
kingdom of singularity	مملکت
the Death-Giver; the Giver of Death;	مملکت فردانیت
the Slayer	مُमित [خداوند]
whomsoever He will	مَنْ یَشَاء
colloquy; communion (with God);	مناجات
confidential prayer; confidential psalm;	
holding secret converse; intimate	
communion; intimate conversation;	
intimate dialogue; intimate discourse;	
intimate supplication; litany; orison;	
secret prayer; secret psalm ; secret will;	

supplications between man and God;	
whispered prayer	
caller	منادى
degrees of mystic perfection; stages;	منازل
stopping places; waystations	
waystations of the hereafter	منازل آخرت
	منازل الآخرة ← منازل آخرت
waystations of the travellers	منازل السائرين
waystations of the wayfarers	منازل السالكين
waystations of the saints	منازل اولياء
exalted waystations; high positions	منازل عاليه
degrees of mystical perfection;	منازل عرفانى
gnostic stages	
stages of nearness to God	منازل قرب
	مُنَاوَلَات ← مَنَاوَلَه
co-association of the Godhead and	مَنَاوَلَه
the soul; condescendence; consociation	
of the Godhead and the soul; mutual	
waystation	
correspondence; interrelation;	مناسبت
interrelationship; relation	
contemplated ones	مناظر
higher loci of vision	مناظر اُولَى
magnanimity	مناعت طبع
disagreeableness	منافرت
hypocrite	منافق

glorious titles; illustrious traits; virtues	مناقب
the Benevolent; the Favourer	مَنَّان [خداوند]
free gift; reproach	مَنّت
aware	منتبه
the Avenger; the Vengeful	منتقم [خداوند]
extreme limit of the ascent of creatures	منتهای معراج خلائق
consummate Sufi	منتهی (≠ مبتدی)
deliverer	منجی
qualities leading to salvation	منجیات
contained; interpolated	مندرج
abode; halting-place; rank;	منزل
resting-place; stage; station	
bestial abode	منزل بهیمی
waystation of secrets	منزل رموز
degree; position; rank; stage; waystation	منزلت
waystation of Shatterers	منزلت قواصم
lodging	منزلگاه
recluse	منزوی
aloof; exalted; exempt; incomparable;	منزه
pure; purified; transcendent	
character; manner	منش
the Configurer; the Originator	مُنشئ [خداوند]
dignity; position; rank	منصب
locus of vision	منصّه (= مجلای اعراس)
language of the birds	منطق الطیر

locus of vision; spectacle-place	منظر
higher arena; higher locus of vision	منظر اعلیٰ
objects of the gaze of God's grace	منظوران نظر عنایت
the Benefactor; the Blessor;	مُنعم [خداوند]
the Blessing-Giver; the Dispenser	
individualized; particular	منفرد
the Unequalled; the Unique	منفرد [خداوند]
<i>patiens</i> ; receptive	منفعل
virtue	منقبت
cut from the world; devoted to God	منقطع
abominable; disallowed; indecent;	منکر
iniquity; ugly thing; unknown; unlawful;	
unwarrantable; wrong conduct;	
disbeliever	مُنکِر
	منکسرة القلوب ← شکسته دلان
direction; highway; road; way	منهاج
highway of religion; path of religion	منهاج دین
forbidden; interdicted	منہی
noble	منیع
the Dispenser	منیل [خداوند]
the Deferrer	مؤخر [خداوند]
believer; believing; faithful;	مؤمن
man of faith; person of faith	
confrontation; confronting;	مواجهه
face-to-face meeting	
interior discoveries; raptures	مواجید

	مواطن ← موطن
devoting oneself; taking care	مواظبت
sermons	مواعظ
compatible	موافق (= سازگار)
agreement; conformity	موافقت
orbits of the stars	مواقع النجوم
halting places	مواقف
halting places of the Resurrection	مواقف قیامت
occasions; time-moments	مواقیت
intimate familiarity	مؤانست
bestowals; Divine gifts; gifts	مواهب
white death	موت ایض (= جوع)
red death	موت احمر (= مخالفت با هوای نفس)
voluntary death	موت اختیاری
green death	موت اخضر (= مرقع پوشی)
black death	موت اسود (= تحمل آزار مردمان)
spiritual death	موت معنوی
wave	موج
wave of <i>Alast</i>	موج آلت
the Existence-Giver;	موجد [خداوند]
the Giver of Existence	
existent; existent being; existent thing	موجود
first being	موجود اوّل (نیز ← حقیقت محمدی)
affirmer of God's Unity; believer in	موحد
God's Unity; confessor to the unity	
of God; monotheist; realizer of	

unification; unitary	
affection; amiability; charity; friendship; love	مودّت
the Uniter	موصِل [خداوند]
the Named	موصوف [خداوند]
abode; native country	موطن
advice; homily; sermon	موعظه
good advice; good sermon	موعظه حسنه
successful	موفق
halting place; stopping place	موقف
three kingdoms; three progenies	مولّدات ثلاث
lord; master; patron; protector	مولی
the Lord; the Master; the Patron	مولی [خداوند]
the faithful; men of faith	مؤمنان
rebellious believers; sinful believers	مؤمنان عاصی
female; Feminine	مؤنث
intimate	مونس
friend of soul	مونس جان
bestowal; boon; favour; gift;	موهبت
giving; grace; grant	
Divine bestowal; Divine gift	موهبت الاهی
veneration	مهابت
emigrant; migrant	مهاجر
	مهالک ← مهلکه
place of revelation	مهبط وحی
directed; guided	مهندی
blood of the heart	مُهْجَةُ الْقَلْبِ

deserted; forsaken and forlorn	مهجور
cleansed; free from vice; purged;	مَهْدَب
spiritually purified	
devotion; love	مِهَر
moon-face	مهروی
deadly; destructive; malign; pernicious	مُهلک
destructive qualities of the soul	مهلکات نفس
disaster; peril; place of destruction	مهلکه
the Affrighter	مهیل [خداوند]
the Guardian; the Protector;	مهمین [خداوند]
the Vigilant	
spirits ecstatic with love of God	مهیْمون
wine	می
wine of love	می عشق
old wine	می کهنه
pure wine	می ناب
wine-stained	می آلود
wine-drinkers	می خوران
wine-seller	می فروش
tavern; wine-house; wine tavern	میخانه
wine-house; wine tavern	میکده
	میادین ← میدان
compact; covenant	میثاق
arena of the soul; domain of action;	میدان [مقام شهود معشوق]
domain of existence; level of reality	
the Divine Scale	میزان الاهی

Scale of the Law	میزان شرعی
Scale of the Law	میزان شریعت
harmonious constitution; just scale	میزان مستقیم
appointed place	میقات
deviation; swerving	میل (= انحراف از طریق)
desire; lust; yearning	میل (= خواهش)
natural disposition; natural inclination	میل فطری
inclination	میل (= گرایش)

ن

impurity

ناپاکی

fire of the Divine Light

نار نور الاهی

the Burning; the Hell; the Inferno

نار [جهنم]

displeasure over the pre-decreed

نارضایتی به قضا

conceit; coquetry; self-glorification;

ناز

self-sufficiency

arrogance and disdain

ناز و تعزّز

descending

نازل

beloved; specially cherished

نازنین

disciple of the mystical path; mystical disciple

ناسک

human; human aspect; humanity; human

ناسوت

nature; human receptacle

adviser

ناصح

the Helper

ناصر [خداوند]

contemplator; inspector; observer; spectator

ناظر

act of disobedience

نافرمانی

the Benefactor; the Benefiter	نافع [خداوند]
supererogatory prayer; supererogatory work	نافله
defective; deficient; imperfect; what falls short	ناقص
bell	ناقوس
Utopia	ناکجا آباد (= شهر پاکان)
excluded; outsider; stranger;	نامحرم
unrelated person	
illicit	نامشروع
invisible; not-visible	نامشهود
Divine law; principle	ناموس (= شرع الاهی)
archangel	ناموس اکبر (= جبرائیل)
record-book	نامہ عمل
immortal	نامیرا
deputy of Imam	نایب امام
deputy of the Real	نایب حق
deputy of God	نایب خدا
vegetative	نباتی
esoteric prophethood	نبوت باطن (= نبوت عامہ)
prophethood for verification	نبوت تحقیق (= نبوت عامہ)
prophethood for law-giving	نبوت تشریع (= رسالت)
bound prophethood; special	نبوت خاصہ (= رسالت)
prophethood	
general prophethood; non-delimited	نبوت عامہ
prophethood	
apostle; messenger; prophet	نبی
deliverance; delivering; delivery;	نجات

redeeming; rescue; salvation	
salvation of the heart	نجات قلب
prosperity; salvation	نجاح
nobles; the noble	نجباء
noble	نجیب
philosophical schools; sects	نَحْل
schism	نَحْلَه
arrogance; conceit	نخوت
like; match	نَدَّ
call; calling; summons; voice	نِدا
contrition; penitence; remorse	ندامت
	نَدَم ← ندامت
approximation; nearness; proximity	نزدیکی
descending; descent	نزول
descent of angels	نزول فرشتگان
descent of the Quran	نزول قرآن
relations; relationships	نِسَب (≠ عین وجود)
attribution; correlation; relation	نسبت
encompassing relation	نسبت احاطی
abrogation	نسخ
transmigration of spirit	نسخ روح
universal archetype;	نسخه جامعہ (= انسان)
universal copy	
forgetfulness	نسیان
breeze	نسیم
breeze of Paradise	نسیم بهشت

breeze of dawn	نسیم صبحگاهی
being; configuration; course; formation; mode of being; realm	نشأه
other-worldly mode of being	نشأه اخروی
realm of being of spirits	نشأه ارواح
Divine realm of being	نشأه الاهی
human realm	نشأه انسانیہ
bodily realm	نشأه جسمانیہ
worldly mode of being	نشأه دنیوی
mode of spirit	نشأه روح
mode of nature	نشأه طبیعت
intellectual mode	نشأه عقلی
definitive text; plain text	نص (= متن صریح)
advice; counsel	نصح
the Sincere	نصوح [خداوند]
allotted share; lot; portion; share	نصیب
advice; counsel	نصیحت
rational faculty; speech	نطق
	نظار ← اہل نظر
<i>harmonia</i> ; hierarchy; order	نظام
gaze; glance	نظر
perception	نظر (= ادراک)
attention; consideration; regard;	نظر (= توجہ)
regarding; speculation	
opinion	نظر (= رأی)
gazing; glance; looking	نظر (= نگریستن)

vision of sense	نظر حسّ
visual sense	نظر حسّی
mercy-glance	نظر رحمت
gaze of intelligence	نظر عقل
gaze of grace	نظر عنایت
awe-inspiring gaze	نظر هیبت
order; orderliness	نظم
verse	نظم (نثر)
attribute; characteristic; description; qualification; quality	نعت
benefaction; benefit; blessing; bliss; bounty; delight; Divine grace; favour; felicity; grace; happy worldly circumstances; kindness; prosperity	نعمت
esoteric blessing; inner blessing	نعمت باطنی
worldly bounty	نعمت دنیوی
exoteric blessing; outward blessing	نعمت ظاهری
bliss; bounty	نعیم
bounty of paradise	نعیم بهشت
passing blessing; transient bounty	نعیم فانی
running out	نقد (= پایان)
having two faces; hypocrisy; insincerity	نفاق
inblowing	نفث
breaths; breezes	نفحات
breaths of Divine grace; exhalations of God's favours;	نفحات الطاف حقّ

exhalations of Divine grace	
blowing; breathing	نفخ
Divine breathing	نفخ الاهی
breathing of the spirit	نفخ روح
blowing of Trumpet; blowing	نفخ صور
on the Trumpet	
swelling	نفخه
unique breath	نفخه خاص
mind; psyche; soul	نفس
human psyche; human soul	نفس آدمی
actual fact; self of the situation	نفس الامر
appetitive soul; carnal soul; commanding	نفس امّاره
soul; concupiscent soul; evil-prompting	
self; imperative soul; impulsive soul;	
insinuating self; soul that inspires evil;	
soul who orders	
carnal soul; ego; lower soul; self	نفس (= خود)
soul commanding evil	نفس امّاره به سوء
soul of man	نفس انسان
human soul	نفس انسانی
beast-like soul	نفس بهیمه صفت
bestial soul	نفس بهیمی
mineral soul	نفس جمادی
animal soul	نفس حیوانی
spiritual soul	نفس روحانی
savage soul	نفس سَبْعِي

debased soul; lowly soul	نفس سُفلی
concupiscent soul	نفس شهوی
oppressive soul	نفس ظالم
holy soul; sacred soul	نفس قدسی
<i>anima mundi</i> ; soul of the world	نفس عالم
practical soul	نفس عملی
irascible soul	نفس غضبی
Universal Soul	نفس کلی
blaming soul; conscience; morally	نفس لوامه
conscious soul; repentant self;	
reproachful soul; self-reproaching	
soul; soul who blames; the	
upbraiding soul	
perceiving soul	نفس مُدرِکِه
appeased soul; peaceful soul;	نفس مطمئنَه
soul at peace; tranquil soul	
mineral soul	نفس معدنی
angelic soul	نفس مَلَکی
inspired soul	نفس مُلَهمَه
rationally speaking soul; rational soul;	نفس ناطقه
thoughtful soul	
vegetable soul; vegetative soul	نفس نامیه
plant soul; vegetative soul	نفس نباتی
one soul; single soul; unique spirit	نفس واحده
Breath of the All-Merciful; Breath	نَفْسُ الرَّحْمَنِ
of the Clement; Breath of the	

Compassionate; Breath of the
Divine Compassion; Compassionate
Sigh; Divine Sym-pathy; Sigh of the
Compassionate

Breath of Clemency;

نَفَسِ رَحْمَانِی

Breath of the Merciful

animated; ego-centric; psychic; psychical

نفسانی

supererogatory

نَفْلِی (= استحبائی)

souls of elemental bodies

نفوس اجسام عنصری

simple souls

نفوس بسیطه

souls of the fixed stars

نفوس ثوابت

individual souls; partial souls

نفوس جزئیّه

celestial souls; heavenly souls

نفوس سماوی

souls of planets

نفوس سیارات

souls of the Throne

نفوس عرش

souls of the elements

نفوس عناصر

holy souls; sacred souls

نفوس قدسیّه

souls of the Pen

نفوس قلم

souls of the Tablet

نفوس لوح

souls of the centres

نفوس مراکز

souls of ethereal centres

نفوس مراکز اثیری

souls of compound bodies

نفوس مرکبات

souls of minerals

نفوس معادن

souls of simple bodies

نفوس مفردات

denial; negation

نفی (≠ اثبات)

negating stray thought

نفی خاطر

expulsion of astray thoughts;	نفی خواطر
negation of astray thoughts	
chiefs; leaders	نقباء [آگاهان به ضمیر مردم]
vengeance	نقمت
chief ; leader	نقیب
marriage; sexual union	نکاح
Divine marriage	نکاح الاهی
immanent marriage	نکاح ساری (= نکاح مطلق)
absolute marriage	نکاح مطلق (= نکاح ساری)
point	نکته
beloved; loved one; sweetheart	نگار
seal ring; seal stone	نگین
talebearing	نمیمه
supererogatory prayers;	نوافل
supererogatory works	
	نوامیس ← ناموس
illumination; light; lustre	نور
the Light	نور [خداوند]
green light	نور اخضر
signeural light	نور اسفهیدی
black light	نور اسود
God's light; Light of God	نور الله
light of faith	نور ایمان
endless light; limitless light; unending light	نور بی انتها
light of self-revelation; light of theophany;	نور تجلی
light of unveiling	

light of oneness; light of <i>tawhîd</i>	نور توحید
delight of one's eye	نور چشم
distinct light; particular light; specific light	نور خاص
spiritual light	نور روحانی
light of spirituality	نور روحانیت
light of happiness	نور سعادت
light of intellect; light of intelligence	نور عقل
dominant light; <i>lux victorialis</i> ;	نور قاهر
victorial light; victorious light	
light of Muhammad; prophetic light	نور محمدی
absolute light	نور مطلق
conditional light; delimited light	نور مقید
light of being	نور وجود
Light of Lights	نور الانوار
light of certitude	نور البقین
luminous; shining	نورانی
luminosity	نورانیت
luminosity of light	نورانیت نور
light bestowing; light shedding	نور بخشی
<i>nun</i>	نون (= علم اجمالی)
highway; path	نهج
prohibition	نهی
deputation; deputyship	نیابت
Divine deputyship	نیابت الاهی
Divine vicarate	نیابت خدا
	نیاتیه ← رجال تیت

need; needfulness; wanting	نیاز (= حاجت)
supplication (to God)	نیاز (= درخواست)
complaining	نیاز (= شکوه و درخواست)
state of seeking	نیاز (= طلب)
utmost expectancy	نیاز تمام
lover's entreaty	نیاز عاشق
in need; suppliant; wanting	نیازمند
resolve; intention	نیّت
luminary; luminous	نیر
annihilation; non-being; nonentity;	نیستی
non-existence; nothingness	
fortunate	نیک‌بخت
the blessed; the fortunate	نیک‌بختان
the good; the pious	نیکان

و

incumbent; necessary	واجب
the Necessary	واجب [خداوند]
the Necessary Being through Himself	واجب بالذات [خداوند]
necessary through the Other	واجب بالغير
the Necessary Being	واجب الوجود [خداوند]
the Perceiver	واجد [خداوند]
man of ecstasy	واجد (= صاحب وجد)
the Nondual; the One; the Unique	واحد [خداوند]
the One\Unique	واحدِ احد [خداوند]
One\many	واحدِ كثير
oneness; unicity	واحدیت
valley of right hand; <i>Wādî Ayman</i>	وادی ایمن
valley	وادی [گذرگاه دشوار در سیر و سلوک]
the Heir; the Inheritor	وارث [خداوند]
Divine influence; inrush; inspiration	وارد

Divine influence; Divine inspiration	وارد حق
inspiration of wrath	وارد قهر
inspiration of grace	وارد لطف
inspirations	واردات
Divine influences; Divine inspirations	واردات الاهی
spiritual inrushes; spiritual inspirations	واردات روحانی
intimations from the Unseen world	واردات غیبی
inspirations of the heart;	واردات قلبی
knowledge received by the heart	
the All-Embracing; the Vast One	واسع [خداوند]
one who has attained union	واصل
to attain union	واصل شدن
men of union; those who	واصلان
reached the union	
admonisher; orator; preacher	واعظ
event of the unseen world;	واقعه غیبی
vision deriving from the Unseen	
fatigued travellers	واقفان (= از سیر و سلوک بازمانده)
enraptured; love-mad	واله (= سرگردان در بحر وحدت)
the Lord	والی [خداوند]
the Bestowing; the Donator	واهب [خداوند]
the Giver of forms	واهب الصُور [خداوند]
the Single	وتر [خداوند]
odd; single	وتر (= شفع)
oddness; singleness	وتریت
ecstasy; ecstatic state; ecstatic yearning;	وجد

enthusiasm; finding; rapture; trance	
ecstasy and music; ecstasy and spiritual concert	وجد و سماع
enrapture; to be enraptured; to be in ecstasy	به وجد آمدن
quaking; tremble	وَجَل (= مرتبه‌ای از خوف)
necessity	وَجوب (≠ امکان)
being; existence; finding; <i>wujûd</i>	وجود
temporally originated being	وجود حادث
true being	وجود حقیقی
imaginal existence	وجود خیالی
essential existence	وجود ذاتی
inhering existence; relational existence	وجود رابطی
Absolute Being; Pure Being	وجود صرف
formal existence	وجود صوری
participated being; shadowy being	وجود ظلی
borrowed existence; <i>wujûd</i> on loan	وجود عاریتی
all-inclusive being	وجود عام
mental existence	وجود علمی
elemental existence	وجود عنصری
concrete existence; entified	وجود عینی
existence; individual existence	
Eternal Being	وجود قدیم
existence before God	وجود للحق
determined existence	وجود متعین
imaginal existence	وجود مثالی

figurative being; metaphorical existence	وجود مجازی
Absolute Being; pure being	وجود محض
verified existence	وجود محقق
Absolute Being	وجود مطلق
countenance; face; dimension	وجه
sense	وجه (= معنا)
face of properties	وجه احکام
face of specification	وجه اختصاص
specific face	وجه اخصّ
Face of God; God's Countenance;	وجه الله
God's Face	
inner dimension; inward face	وجه باطنی
actual face	وجه حاصل
Divine Face	وجه حقّ
face of manifestation	وجه ظهور
shared aspect; shared face	وجه مشترک (≠ وجه اخصّ)
Absolute Unity; Divine Unity;	وحدانیت
Oneness; Unicity; Unicity of God;	
Uniqueness; Unity	
oneness; singleness; solitude;	وحدت
unicity; uniqueness; unity	
expansive unity	وحدت انبساطی
unity of the same type	وحدت سنخی
unity of witness	وحدت شهود
Absolute Oneness	وحدت مطلقه
Oneness of Being; One-ness of	وحدت وجود

Existence; Oneness of Finding; Oneness
of Reality; transcendent unity of Being;
Unicity of Being; Unity of Being; Unity
of Existence; Unity of Finding

dread

وحشت (≠ انس)

revelation

وحی

alone; one; solitary

وحید

affection; charity; love

وَدَّ

the Loving

ودود [خداوند]

heredity; inheritance

وراثت

beyond the stage of reason

ورای طور عقل

invocation; litany; rosary

وِرْد

abyss; pitfall

ورطه

awesome chasm

ورطه هایل شبها

abyss of destruction and errors

ورطه هلاک و مزلات

abstinence; devoutness; piety and

وَرَع

godliness; religious scruple; scruple;

scrupulosity; timidness

ورقاء ← نفس کلی

arrival

ورود

وساوس شیطانی ← وسوسه شیطانی

وساوس نفسانی ← وسوسه نفسانی

diabolic suggestion; distracting thought;

وسواس

insinuation; temptation

meticulous

وسواسی

prompting; suggestion; temptation;

وسوسه

whispering

demonical suggestion; satanic

وسوسه شیطانی

whispering; suggestion of the devil;

temptation of Satan

temptation of the soul

وسوسه نفسانی

arrival; communion; conjunction; union

وصال

Divine description

وصف الاهی (≠ وصف کیانی)

cosmic description

وصف کیانی (≠ وصف الاهی)

attribute of self; description of self

وصف نفسی

attachment; joining; reaching; union

وصل

marriage; union

وصلت

stamp of createdness

وَصُمَتِ حَدُوثِ

arrival; attainment; conjunction;

وصول

junction; union; uniting

وصول الی اللہ ← وصول به خدا

arriving at God; reaching God

وصول به حق

being united with God; union with God

وصول به خدا

reaching the realm of certainty

وصول به عالم یقین

condition; convention

وضع

establishing the cause

وضع علت

by convention; conventional

وضعی

home; nation; original abode

وطن

Divine meanings

وطنات

وعاء اللہ ← قلب

promise

وعد

advice; exhortation; preaching; sermon

وعظ

admonishment; menace; severe warning;	وعید
threat; threatening; threat of punishment	
faith; faithfulness; fidelity; loyalty	وفا
fidelity; loyalty	وفاداری
the Faithful	وفیّ [خداوند]
dignity	وقار
	وقایه ← حفظ
moment; momentary experience;	وقت
occasion; spiritual state; time	
interval; stop	وقفه
stopping	وقوف
the Advocate; the Trustee	وکیل [خداوند]
patronage; relationship of client and patron	ولاء
attending; guarding; initiative power;	ولایت
jurisdiction; kingdom	
governorship	ولایت (= حکومت)
friendship	ولایت (= دوستی)
authority; guardianship;	ولایت (= ولی بودن)
sainthood; saintliness; sanctity;	
spiritual ministry	
Divine friendship; Divine guardianship	ولایت الاهی
esoteric guidance; inner sanctity;	ولایت باطنی
inner spiritual power	
special sainthood; specific saintship	ولایت خاصّه
solar sainthood	ولایت شمسیّه
general guardianship; general sainthood;	ولایت عامّه

general saintship

lunar sainthood; lunar saintship

ولایت قمریّه

universal sainthood

ولایت کلیّه

Muhammadan sainthood;

ولایت محمدی

Muhammadan saintship;

Muhammadan sanctity

absolute sainthood

ولایت مطلقه

spiritual child

ولد معنوی

love-madness; passionate

ولّه (= شوریدگی از سر عشق)

longing; rapture

guardian; patron

ولی (= حافظ)

the Patron

ولی [خداوند]

close disciple; friend

ولی (= دوست)

holy man; saint

ولی (= مرد خدا)

friend of God

ولی الله (= دوست خدا)

saint of God

ولی الله (= مرد خدا)

the All-Bestower; the Bountiful;

وهاب [خداوند]

the Giver

conception; conjectural faculty;

وهم

conjecture; fancy; fantasy; illusion;

perception; stray thought

هـ

heavenly voice; invisible messenger	هاتف (= منادی حقّ)
supernatural voice; voice from heaven;	
voice from the Unseen	
messenger of felicity	هاتف سعادت
	هاجس ← هواجس
the Guide; the Guiding	هادی [خداوند]
annihilated; perishing	هالک
dangerous; fearful; horrible;	هایل
horrific; terrible	
Dust; dust cloud	هباء (= غنقاء)
coming down; descent; fall; falling; going down	هبوط
Divine bestowal; Divine gift	هبء الاهی
absence; separation	هجران
emigration; flight; immigration; migration	هجرت
constant invocation	هَجِير (= ذکر مداوم)
direction; guidance; right guidance	هدایت

Divine direction; Divine guidance; God's guidance	هدایت الاهی
legal guidance; revealed guidance	هدایت تشریعی
cosmic guidance; creational guidance; formative guidance	هدایت تکوینی
special guidance; specific guidance	هدایت خاصه
general guidance	هدایت عامه
downfall of religion	هدم دین
hoopoe	هدهد
	هدی ← هدایت
core; kernel; pith	هسته (≠ پوسته)
being; existence	هستی
true being	هستی حقیقی
figurative being; metaphorical being	هستی مجازی
seven heavens; seven skies	هفت آسمان
Seven Cities of Love	هفت شهر عشق
destruction	هلاک
perishing; perishment	هلاکت
crescent moon	هلال
aspiration; attention; concern	هم
friend; sibling	هم‌نشین
ardour; aspiration; concentration;	همت
concentration of the heart; decisive force;	
endeavour; <i>enthymesis</i> ; exertion; fervour;	
force of spiritual decision; high aspiration;	
high resolve; holy aspiration; resolve;	

spiritual ambition; spiritual aspiration;	
spiritual energy; spiritual will; will	
lofty aspiration; lofty resolution	همت عالی
fellow- companion	همدم
con-spiration; sympathy; <i>sympathetica</i>	همدمی
<i>devotio sympathetica</i> ; Divine sympathy	همدمی با خدا
fellow-sitter	همنشین
He	هو
He\ not He	هُوَ لا هو
	هوا ← هوئ
urgings; whisperings	هواجس (= وسوسه ها)
urgings of the soul;	هواجس نفسانی
whisperings of the soul	
passion pursued; vehement passion	هوای متبع
lust; sensual passion; whim of the soul	هوای نفس
desire for wine	هوای می
desire for union	هوای وصال
caprice; desire; greediness; lust	هوس
sensible	هوشیار
animal desire; caprice; concupiscence;	هوئ
desire; desire of flesh; indulgence;	
low desire; lust; passion; pleasure;	
self-will; sensual affection; sensual	
passion; vain desire	
He-ness; identity; Ipseity; it-ness	هویت
hidden Ipseity	هویت غیبیه

countenance; form; guise; mode; state	هیئت
luminous frames; luminous temples	هیاکل نوریه
apprehension; awe; awesomeness;	هیبت
awfulness; dread; reverent awe; veneration	
Awe of the Compassionate	هیبة الرّحمن
frame; temple	هیکل
	هیمان (= شیفتگی و حیرانی
wander lust	در تلاطم امواج وجود)
First Hylé; prime matter	هیولای اولی
Universal Hylé	هیولای کل (= حقیقت محمدی)
hylé; matter	هیولی

ی

anamnesis; recollection	یادآوری
beloved; friend	یار
beloved ones; companions; friends	یاران
friends of the Path	یاران طریقت
despair	یأس
emerald	یاقوت
ruby	یاقوت احمر
yellow ruby	یاقوت اصفر
Gog and Magog	یأجوج و مأجوج
receiving hand	ید سُفلی
giving hand	ید عُلیا
God's Hand; Hand of Allah; Hand of God	ید الله
awakeness; awakening; vigilance;	یقظه
wakefulness; waking	
assurance; certain knowledge;	یقین
certainty; certitude; conviction;	

firm faith; (intuitive) certainty;

unshakable faith in God

Oneness; Unity

یگانگی [خداوند]

favour

یمن

fountains of wisdom

ینابیع حکمت

Day of Coming together

یوم الجمع

Day of Exposure

یوم العرض

Day of Differentiation

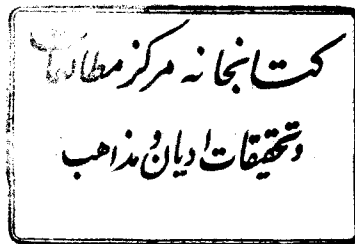
یوم الفصل

Day of Upstirring

یوم النشر

Day of God

یوم الله



اسماء و صفات الاهی

the Last	آخر
the Alone; the One; the Unique	أحد
the Great; the Greatest	أكبر
the Most Generous of the generous	أكرم الأكرمين
the First	أول
the Worthy of pious fear	أهل تقوی
the Worthy of pardon	أهل مغفرت
the Author; the Creator; the Maker;	باری
the Producer	
the Donator; the Extender;	باسط
the Open-Handed; the Outspreader	
the Concealed; the Hidden;	باطن
the Inward; the Occult	
the Resurrector	باعث
the Abiding; the Enduring; the Everlasting;	باقی
the Immortal; the Permanent; the Subsistent	

the Incomparable; the Innovator	بديع
the Righteous	برّ
the All-Seeing; the Clairvoyant;	بصير
the Seeing; the Seer	
the Distant	بعيد
the Acceptor of repentance;	توّاب
the Relenter; the Relenting	
the Appointer; the Maker	جاعل
the Gatherer	جامع
the All-Dominating; the All-Powerful;	جبار
the Almighty; the Awful; the Compelling;	
the Overbearing; the Overpowering	
Sovereign	
the Disclosed	جلّى
the Majestic	جليل
the Beautiful	جميل
the Generous; the Munificent	جواد
the Reckoner	حاسب
the Present	حاضر
the Guardian; the Preserver	حافظ
the Conditioner; the Dominant;	حاکم
the Judge; the Ruler	
the Beloved; the Friend	حبيب
the Reckoner	حسب
the Guardian	حفيظ
Divinity; God; <i>Haqq</i> ; the Real (One);	حقّ

the True; the Truth	
the Arbitrator; the Judge	حَكَم
the All-Wise; the Wise	حَكِيم
the Clement; the Gentle	حَلِيم
the Laudable; the Praiseworthy	حَمِيد
the Compassionate	حَنَّان
the Alive; the Eternally Living;	حَيَّ
the Ever-Living; the Life;	
the Living; the Living One	
the Abaser; He-Who-Puts-Down	خَافِض
the Creating; the Creator	خَالِق
the Aware; the Informed	خَبِير
the Hidden	خَفِيّ
the Ever-Creating	خَلَّاق
the Good; the Goodness	خَيْر
the Best of the deceivers	خَيْرُ الْمَاكِرِينَ
the Everlasting; the Lasting	دَائِم
the Guide; the Indicator	دَلِيل
the Retributer	دَيَّان
Lord of Splendor; the Majestic;	ذَوُ الْجَلَال
the Possessor of Glory;	
the Possessor of Majesty	
the Merciful	رَاحِم
the Nourisher; the Nourishing; the Provider	رَازِق
the Exalter	رَافِع
the Guardian Lord; the Lord; the Master	رَبِّ

the All-Compassionate; the All-Good;	رَحْمَنُ
the All-Merciful; the Clement;	
the Compassionate; the Infinitely	
Merciful; the Merciful	
the Compassionate; the Merciful;	رَحِيمُ
the Mercy-Giving; the Most Merciful	
the All-Provider; the Provider;	رَزَّاقُ
the Sustainer	
the Guide to the Right Path	رَشِيدُ
the Lofty; the Up-lifter	رَفِيعُ
the Up-lifter of degrees	رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ
the Surveyor; the Vigilant;	رَقِيبُ
the Watcher; the Watchful	
the Affectionate; the Clement; the Kind	رَوْوْفُ
the Hearing; the Listener	سَامِعُ
the Glorified	سَبَّوحُ
the Concealer of sins	سَتَّارُ
the Generous	سَخِيٌّ
the Swift in reckoning	سَرِيعُ الْحِسَابِ
the Swift in punishing	سَرِيعُ الْعِقَابِ
the Peace; the Source of Peace	سَلَامُ
the Authority; the Majesty; the Witnesser	سُلْطَانُ
the Hearer; the Hearing	سَمِيعُ
the Lord	سَيِّدُ
the Cure-Giver; the Healer	شَافِيُ
the Grateful	شَاكِرُ

the Witness; the Witnesser	شاهد
the Terrible in Punishment;	شدید العذاب
the Terrible in Tribulation	
the Terrible in Punishing	شدید العقاب
the Grateful; the Rewarder	شکور
the Witness	شہید
the Truthful	صادق
the Maker	صانع
the Patient	صبور
the All-Rich; the Besought of all;	صمد
the Constant; the Eternal; the	
Everlasting Refuge; the Immovable;	
the Impenetrable; the Impermeable;	
the Recourse	
the Harmer	ضارّ
the Apparent; the Exterior; the Manifest;	ظاهر
the Manifested; the Outward	
the Just	عادل
the Knower; the Knowing; the Omniscient	عالِم
the Elevated; the Eminent	عالی
the Exalted; the Glorious; the Inaccessible;	عزیز
the Loved; the Mighty; the Powerful; the	
Precious; the Strong; the Unattainable	
the Sympathetic	عطوف
the Glorified; the Great; the Mighty;	عظیم
the Tremendous	

the All-Pardoning; the Most Pardoning	عَقُوْ
the Ever-knowing of absent things	عَلَامُ الْغُيُوبِ
the All-High; the All-Highest; the Exalted;	عَلَى
the Great; the Highest; the Supreme	
the All-Knowing; the Knower;	عَلِيمٌ
the Knowing; the Omniscient	
the Nourisher	غَاذِي
the Forgiver of sin	غَافِرُ الذَّنْبِ
the All-Concealing; the All-Forgiving;	غَفَّارٌ
the Forgiver	
the Concealing; the Forgiving;	غَفُوْرٌ
the Indulgent; the Pardoner	
the Rich	غَنِيٌّ
the Overpowering	فَائِظٌ
the Originator	فَاطِرٌ
the Splitter	فَالِقٌ
the Arbitrator; the Conqueror; the Reliever	فَتَّاحٌ
the Single; the Solitary; the Unique	فَرْدٌ
the Absolute Author of action; the Active	فَعَّالٌ
the Doer of whatever He wills	فَعَّالٌ مَا يَشَاءُ
the Speaker	قَائِلٌ
the Gripper; the Restrainer	قَابِضٌ
the Acceptor of repentance	قَابِلُ التَّوْبِ
the Omnipotent; the Powerful	قَادِرٌ
the Conqueror; the Dominant;	قَاهِرٌ
the Dominator; the Overpowerer;	

the Ruler; the Subjugating; the Triumphant	
the All-Holy; God the Holy; the Holy;	قُدّوس
the Most Holy; the Most Sacred	
the Mighty; the Omnipotent; the Powerful	قَدِير
the Ancient; the Eternal; the Everlasting;	قَدِيم
the Pre-eternal	
the Near; the Very Near One	قَرِيب
the All-Powerful; the Most Strong;	قَوِيّ
the Strong	
the All-Subjugating; the Conquering;	قَهَّار
the Invincible; the Omnipotent;	
the Overwhelming; the Subduer;	
the Victorious	
the Abiding	قَيِّم
the Almighty; the Eternal;	قَيُّوم
the Ever-Standing; the Immutable;	
the Self-Abiding; the Self-Existent;	
the Self-Subsistent; the Subsistent	
the All-Great; the Great	كَبِير
the Generous	كَرِيم
the Gracious; the Subtle	لَطِيف
the Deferrer	مَوْخِر
the Sublime	مَاجِد
the Effacer	مَاحِي
the Monarch; the Possessor;	مَالِك

the Ruler; the Sovereign	
Kingdom-Possessing; the King	مالک الملک
of the Kingdom	
the Withholder	مانع
the Author; the Creator	مبدع
the Commencer; the Originator	مبدئ
the Clarifier	مبین
the Indulgent	متجاوز
the Self-Discloser	متجلی
the Most High; the Self-Exalter;	متعالی
the Self-High; the Transcendent	
the Justly Proud; the Magnificent;	متکبر
the Proud; the Self-Great	
the Speaker; the Speaking	متکلم
the Firm	متین
the Establisher	مُثَبِّت
the Answerer; the Assenter	مجیب
the Beneficent	محسن
the All-Encompassing; the Encompasser;	محیط
the Encompassing; the Sovereign	
the Bestower of life; the Life-Bestowing;	مُحْیِی
the Life-Giver	
the Free	مختار
the Governing; the Governor	مدبّر
the Abaser; the Humiliator	مُذَلِّل
the Examiner	مراقب

the Director; the Guide	مرشد
the Desirous; the Willing	مريد
the Remover	مزيل
the Author of all causes;	مسبب الاسباب
the Causer of secondary causes;	
the Occasioner of the occasions	
the Creator; the Fashioner; the Formator;	مصور
the Former; the Form-Giving; the Shaper	
the Misguider	مضل
the Forgiver	معافي
the Punisher	معاقب
the Adorable; the Worshipped	معبود
the Empowerer; the Exalter	مُعزّ
the Giver	معطى
He-Who-Brings-Back; the Restorer	مُعِيد
the Helper	مُعِين
the Enricher	مُغْنِي
the Reliever; the Saviour	مغيث
the Differentiator; the Distinguisher	مفصل
the Bounteous	مفضل
the Omnipotent; the Potent	مقتدر
the Fortune-Giver; the Ordainer;	مقدّر
the Sole Predestinator	
the Advancer	مقدّم
the Just	مقسط
the Turner of the hearts	مقلب القلوب

the Food-Giver	مقیّت
the Forbearer; the Raser	مقیل
God as Bestower of being	مکون
the Engenderer of secondary causes	مکون الاسباب
the King; the Sovereign	ملک
the Rich	ملی
the Omnipotent King	ملیک مقتدر
the Retainer	مُمسک
the Death-Giver; the Giver of Death;	مُمت
the Slayer	
the Benevolent; the Favourer	مئان
the Avenger; the Vengeful	منتقم
the Configurer; the Originator	مُشیئ
the Benefactor; the Blesser;	مُنعیم
the Blessing-Giver; the Dispenser	
the Unequalled; the Unique	منفرد
the Dispenser	منیل
the Existence-Giver; the Giver of existence	موجد
the Uniter	موصل
the Named	موصوف
the Lord; the Master; the Patron	مولی
the Affrighter	مهیل
the Guardian; the Protector; the Vigilant	مهمین
the Helper; the Victorious	ناصر
the Benefiter	نافع
the Sincere	نصوح

the Light	نور
the Necessary	واجب
the Necessary Being	واجب الوجود
the Perceiver	واجد
the Nondual; the One; the Unique	واحد
the Heir; the Inheritor	وارث
the All-Embracing; the Vast One	واسع
the Lord	والی
the Bestower; the Donator	واهب
the Giver of forms	واهب الصُور
the Single	وقو
the Lover; the Loving	ودود
the Faithful	وفیّ
the Advocate; the Trustee	وکیل
the Patron	ولیّ
the All-Bestower; the Bountiful; the Giver	وهّاب
the Guide; the Guiding	هادی

فهرست منابع و مآخذ

الف - منابع عمومی

- 1 - *The Encyclopedia of Islam*, New Edition, (Leiden, E. J. Brill, 1986).
 - 2 - Netton, Ian Richard, *A Popular Dictionary of Islam*, (London: Curzon Press, 1992).
 - 3 - Ibn-i-Khaldûn, *The Muqaddimah; An Introduction to History*, vol. 3, Trans. by Rosenthal, Franz, (New York: Pantheon Books, 1958).
 - 4 - Merriam-Webster INC., *Webster's Third New International Dictionary of the English Language Unabridged*, 3 vols. (Chicago: Encyclopedia Britannica, INC, 1986).
 - 5 - Patrick Hughes, Thomas, *Dictionary of Islam*, (New Delhi: Cosmo Publications, 1978).
- ۶ - اکبری، محمدتقی و ... (ویراسته‌ی بهاء‌الدین خرّمشاهی)، *فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدّن اسلامی* (فارسی - انگلیسی)، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اوّل، ۱۳۷۱.
- ۷ - اکبری، محمدتقی و ... (ویراسته‌ی بهاء‌الدین خرّمشاهی)، *فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدّن اسلامی* (انگلیسی - فارسی)، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اوّل، ۱۳۷۲.
- ۸ - البعلبکی، الدكتور روجی، *المورد* (قاموس عربی - انکلیزی)، بیروت، دارالعلم للملایین، الطبعة العاشرة، ۱۹۹۷.
- ۹ - المالکی، د. عبدالله أبو عشی و الشیخ إبراهیم، د. عبدالطیف، *معجم المصطلحات الدینیة* (عربی - إنجلیزی، إنجلیزی - عربی) (الریاض، مکتبة العبیکان، الطبعة الثانیة، ۱۴۱۸ هـ / ۱۹۹۷ م).

- ۱۰ - مشیری، مهشید، *فرهنگ زبان فارسی (الفبایی - قیاسی)*، تهران، انتشارات سروش، چاپ سوّم، ۱۳۷۴.
- ۱۱ - معین، دکتر محمد، *فرهنگ فارسی*، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۹.

ب - منابع تخصصی

- 12 - Utas, Bo, *A Persian Sufi Poem: Vocabulary and Terminology*, (London: Curzon Press, 1978).
- 13 - Al-Qâshânî, 'Abd al-Razzâq, *A Glossary of Sufi Technical Terms*, trans. from the Arabic by Dr. Nabil Safwat, (The Sufi Trust, 1991).
- ۱۴ - کامل، فؤاد، *قاموس المصطلحات الصوفیة* (عربی - فرنیسی - انجلیزی)، الطبعة الأولى، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۳ هـ - ۱۹۹۳ م.
- 15 - Ahmed Sherif, Mohammed, *Ghazâlî's Theory of Virtue*, (Albany: State University of New York Press, 1975).
- 16 - 'Alî Ibn Abî Tâlib (A. S.), *Supplications (Du'â)*, trans. by William C. Chittick, (Qum: Ansariyan Publications).
- 17 - 'Aṭṭâr, Farîd al-Dîn, *Muslim Saints and Mystics, (Tadhkirat al-Auliya')*, trans. by A. J. Arberry, (London: Routledge and Kegan Paul, 1966).
- ۱۸ - عطّار نیشابوری، فریدالدین، *تذکرة الأولیاء*، (با استفاده از نسخه نیکلسن، با مقدمه مرحوم قزوینی)، چاپ سوّم، تهران، انتشارات صفی علیشاه، ۱۳۷۵.
- 19 - ----- *The Ilâhî-Nâma or Book of God*, trans. by Boyle, John Andrew, (Manchester University Press, 1976).
- ۲۰ - عطّار نیشابوری، فریدالدین، *الاهی نامه*، تصحیح: فؤاد روحانی، تهران، انتشارات زوّار، چاپ سوّم، ۱۳۵۹.
- 21 - ----- *The Conference of the Birds*, trans. by C. S. Nott, Routledge and Kegan Paul Ltd London, 1974.
- ۲۲ - عطّار نیشابوری، فریدالدین، *منطق الطیر*، تصحیح و شرح: دکتر کاظم دزفولیان، تهران، انتشارات طلایه، ۱۳۷۸.
- 23 - Al-Ghazzâlî, Aḥmad, *Sawânih, Inspirations from the*

- World of Pure Spirits*, trans. by Naṣrollāh Pourjavādy, (London: K. P. I, 1986).
- ۲۴ - الغزالي، احمد، السوانح، به تصحيح: هلموت ريتز، تهران، مركز نشر دانشگاهي، ۱۳۶۸.
- 25 - Al-Ghazzâlî, Abû Ḥâmid Muḥammad, *The Duties of Brotherhood in Islam*, (from *Ihyâ 'Ulûm al-Dîn*), trans. by Mukhtar Holland, (Great Britain: The Islamic Foundation, 1983).
- 26 - ----- *Inner Dimensions of Islamic Worship*, (from *Ihyâ 'Ulûm al-Dîn*), trans. by Mukhtar Holland, (Great Britain: The Islamic Foundation, 1986 / 1406 A.H.).
- 27 - ----- *Ihyâ 'Ulûm al-Dîn*, 4 vols., trans. by Maulânâ Fazlul Karîm, (New Delhi: Kitab Bhavan, 1982).
- ۲۸ - الغزالي، ابو حامد محمد، احياء علوم الدين، بيروت، دارالكتب العلمية.
- ۲۹ - ----- ابو حامد محمد، احياء علوم الدين، ترجمه مؤيد الدين محمد خوارزمي، به كوشش حسين خديو جم، تهران، شركت انتشارات علمي و فرهنگي، ۳ ج، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
- 30 - Al-Hujwîrî al-Jullâbî, 'Alî B. Uthmân, *Kashf al-Mahjûb*, the oldest Persian treatise on Sufism, trans. by Reynold Alleyne Nicholson, (London: Luzac, 1976).
- ۳۱ - هجویری غزنوی جلالی، ابوالحسن علی بن عثمان، کشف المحجوب، به كوشش: دكتر محمد حسين تسيحي لاهور، انتشارات مركز تحقيقات فارسي ايران و پاكستان، ۱۳۷۴ ش / ۱۴۱۶ ق.
- 32 - Al-Niffarî, Muḥammad ibn 'Abdî 'l-Jabbâr, *The Mawâqif and Mukhâṭabât*, trans. by Arthur John Arberry, (London: Cambridge University Press, 1935).
- ۳۳ - النَّفَرِي، مُحَمَّد بن عبد الجبار بن الحسن، كتاب المواقف و يليه كتاب المخاطبات، بعناية و تصحيح و اهتمام: آرثر يوحنا أربري، القاهرة، مطبعة دارالكتب المصرية، ۱۹۳۴.
- 34 - Al-Râzî, Najm al-Dîn, *The Path of God's Bondsmen (Mersâd al-'Ebâd)*, trans. by Hâmid Algar, (New York, Caravan Books, 1982).

- ۳۵ - رازی، نجم‌الدین، *مرصادالعباد*، به اهتمام: دکتر محمد امین ریاحی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۴.
- 36 - Al-Sarrāj al-Tūsī, Abū Naṣr ‘Abdallāh B. ‘Alī, *The Kitāb al-Luma’ Fi’l Taṣawwuf*, edited with critical notes, abstract of contents, glossary and indices by Reynold Alleyne Nicholson, (Leyden: Brill, 1914).
- ۳۷ - السَّرَاج الطوسي، أبو نصر عبدالله بن علی، *کتاب اللمع فی التصوف*، تهران: انتشارات جهان، افست از چاپ مطبعة بریل، لیدن، ۱۹۱۴.
- 38 - ‘Alī ibn Ḥusayn, Zayn al-‘Ābidīn (A. S.), *The Psalms of Islam (Al-Ṣaḥīfat al-Sajjādiyya)*, trans. by William C. Chittick, (Qum: Ansariyan Publications).
- ۳۹ - علی بن الحسین، الامام زین العابدین (ع)، *الصحیفة السجّادیة*، تحقیق: الاستاذ کاظم مدیر شانه‌چی، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، ۱۳۷۱.
- 40 - Al-Gīlānī, ‘Abdul Qādir, *Futūḥ al-Ghaib (The Revelations of the Unseen)*, trans. by M. Aftāb-ud-dīn Aḥmad, (Lahore: Sh. Muahmmad Ashraf, 1973).
- ۴۱ - الجیلانی الحسینی، الشیخ عبدالقادر، *فتوح الغیب*، الطبعة الثانية، بیروت، دار الالباب، ۱۴۱۳ / ۱۹۹۲.
- 42 - Ibn al-‘Arabī, *The Wisdom of the Prophets (Fuṣūṣ al-Ḥikam)*, trans. from Arabic to French with notes by Titus Burckhardt and trans. from French to English by Angel Culme-Symour, (Beshara Publications, 1975).
- 43 - -----, *The Bezels of Wisdom (Fuṣūṣ al-Ḥikam)*, trans. by R. W. J. Austin, (Lahore: Suhail Academy, 1988).
- ۴۴ - ابن‌العربی، الشیخ‌الاکبر محیی‌الدین، *فصوص الحکم*، التعليق: ابوالعلاء عقیفی، تهران، مکتبة الزهراء، ۱۳۶۶ ش.
- 45 - Ibn ‘Aṭā’illāh, *Sufī Aphorisms (Kitāb al-Ḥikam)*, trans. by Victor Danner, foreword by Martin Lings, (Leiden: E. J. Brill, 1973).
- ۴۶ - السَّرَاج الطوسي، أبو نصر عبدالله بن علی، *کتاب الحکم*
- 47 - Al-Kalābādhī, Muḥammad Ibrāhīm, *The Doctrine of the Sufis (Kitāb al-Ta’arruf li-Madhhab Ahl al-Taṣawwuf)*, trans.

- by A. J. Arberry, (London: Cambridge University Press, 1977).
- ۴۸ - الکلاباذی، ابوبکر محمد، *التعرف لمذهب أهل التصوف*، تحقیق: الدكتور عبدالحلیم محمود و طه عبدالباقی شُرور، تهران، مؤسسه النصر، افست از چاپ قاهره ۱۳۸۰ ق / ۱۹۶۰ م.
- 49 - Nâsir-i Khusrow, *Forty Poems from the Divân*, trans. by Peter Lamborn Wilson and Gholâm-Rezâ A'avânî, (Tehran: Iranian Academy of Philosophy, 1977).
- 50 - Nicholson, Reynold A., *The Mathnawî of Jalâluddîn Rûmî*, volume VII, containing the commentary on the 3th to 6th books, with indices to volumes VII and VIII, (Cambridge University Press, 1940).
- ۵۱ - رومی، جلال‌الدین محمد بن محمد بن الحسین، *مثنوی معنوی*، تصحیح: رینولد ای. نیکلسون، به اهتمام دکتر نصرالله پورجوادی، تهران، ۱۳۶۳.
- 52 - Al-Suhrawardî, Abû al-Najîb, *A Sufi Rule for Novices (Kitâb 'Âdâb al-Murîdîn)*, trans. by Menahem Milson, (London: Harvard University Press, 1975).
- ۵۳ - السهروردي، ابوالنجيب عبدالقاهر، *کتاب آداب المريدين*، تحقیق و تقدیم: مناحم میلسون، القدس، معهد الدراسات الآسيوية والإفريقية، الجامعة العبرية في اورشليم، ۱۹۷۷.
- ۵۴ - السهروردي، ضياء الدين ابوالنجيب، *آداب المريدين*، ترجمان: عمر بن محمد بن احمد شیرکان، با تصحيحات و استدرکات نجيب مایل هروی، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۶۳ ه. ش.
- 55 - Takeshita, Masataka, *Ibn 'Arabî's Theory of the Perfect Man and its Place in the History of Islamic Thought*, (Tokyo: Institue For the Study of Languages and Cultures of Asia and Africa, 1987).
- 56 - Schimmel, Annemari, *The Triumphal Sun (A Study of the Works of Jalâluddîn Rûmî)*, (London: Fine Books, 1978).
- 57 - ----- *Mystical Dimensions of Islam*, (Chapel Hill: the University of North Carolina Press, 1976).
- 58 - Nasr, Seyyed Hossein, *Ideals and Realities of Islam*, New

- Revised Edition, (Chicago: ABC International Group, Inc., 2000).
- 59 – ----- *Şadr al-Dîn Shîrâzî and His Transcendent Theosophy; Background, Life and Works*, (Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies, 1997).
- 60 – ----- *Islam and the Plight of Modern Man*, Revised and Enlarged Edition, (Chicago: ABC International Group, Inc., 2000).
- 61 – Palmer, E. H. *Oriental Mysticism*, (London: Frank Cass and col, 1969).
- 62 – Chittick, William, C., *The Self-Disclosure of God: Principles of Ibn al-'Arabî's Cosmology*, (Albany: State University of New York Press, 1998).
- 63 – ----- *Imaginal Worlds*, (Albany, State University of New York Press, 1994).
- 64 – ----- *The Sufi Path of Knowledge*, (Albany: State University of New York Press, 1989).
- 65 – ----- *The Sufi Path of Love, The Spiritual Teaching of Rûmî*, (Albany: State University of New York Press, 1983).
- 66 – Sachiko, Murata and William C. Chittick, *The Vision of Islam*, (New York: Paragon House, 1994).
- 67 – Corbin, Henry, *Creative Imagination in the Sufism of Ibn 'Arabî*, trans. from the French by Ralph Manheim, (Princeton: State University of Princeton, 1969).
- 68 – Spencer, J. *The Sufi Orders in Islam*, (Oxford University Press, 1971).
- 69 – Wilson, Lamborn Peter and, Pourjavâdy, Nasrollâh, *The Drunken Universe; An Anthology of Persian Sufi Poetry* (translation), (U. S. A.: Phanes Press, 1987).
- 70 – Palmer, E. H., *Oriental Mysticism*, (London: Frank Cass and Col, 1969).
- ۷۱ - ابن العربی، الشیخ الأكبر محیی الدین، الفتوحات المکیة، تحقیق و تقدیم: د. عثمان یحیی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۹۹۴.

Bibliography

Willing, the	مُرِيد
Wise, the	حَكِيم
Withholder, the	مَانِع
Witnesser, the	شَاهِد، شَهِيد
Witness, the	شَاهِد، شَهِيد
Worthy of pardon, the	أَهْلُ مَغْفَرَةٍ
Worthy of pious fear, the	أَهْلُ التَّقْوَى

Swift in punishing, the	سريع العقاب
Swift in reckoning, the	سريع الحساب
Sympathetic, the	عطوف
Terrible in Punishing, the	شديد العقاب
Terrible in Punishment, the	شديد العذاب
Terrible in Tribulation, the	شديد العذاب
Transcendent, the	متعالى
Tremendous, the	عظيم
True, the	حقّ
Trustee, the	وكيل
Truth, the	حقّ
Truthful, the	صادق
Turner of hearts, the	مُصْرِفُ القلوب، مقلّب القلوب
Unattainable, the	عزيز
Unequaled, the	منفرد
Unique, the	أحد، منفرد، واحد
Uniter, the	موصل
Up-lifter, the	رفيع
Up-lifter of the degrees, the	رفيع الدّرجات
Vast One, the	واسع
Vengeful, the	منتقم
Veritable Reality, the	حقّ حقيق
Very Near One, the	قريب
Victorious, the	قهار
Vigilant, the	رقيب، مهيمن
Watcher, the	رقيب
Watchful, the	رقيب

Seer, the	بصير
Self-Abiding, the	قيوم
Self-Discloser, the	متجلى
Self-Exalter, the	متعالى
Self-Existent, the	قيوم
Self-Great, the	متكبر
Self-High, the	متعالى
Shaper, the	مصور
Sincere, the	نصوح
Single, the	فرد، وتر
Slayer, the	مُميت
Sole Predestinator, the	مقدّر
Solitary, the	فرد
Source of Peace, the	سلام
Sovereign, the	سلطان، مالک، محيط
Speaker, the	قائل، متکلم
Speaking, the	متکلم
Splitter, the	فالق
Strong, the	عزیز، قوی
Subduer, the	قہار
Subjugating, the	قاهر
Sublime, the	ماجد
Subsistent, the	باقی، قیوم
Subtle, the	لطيف
Supreme, the	علی
Surveyor, the	رقيب
Sustainer, the	رزاق

Present, the	حاضر
Preserver, the	حافظ
Producer, the	باری
Protector, the	مهیمن
Proud, the	متکبر
Provider, the	رازق، رزاق
Punisher, the	معاقب
Raser, the	مقیل
Real, the	حقّ
Real One, the	حقّ
Reckoner, the	حاسب، حسیب
Recourse, the	صمد
Relenter, the	توّاب
Relenting, the	توّاب
Reliever, the	فتّاح، مغيث
Remover, the	مزیل
Restorer, the	مُعيد
Restrainer, the	قابض
Resurrector, the	باعث
Retainer, the	مُمسک
Retributer, the	دیّان
Rewarder, the	شکور
Rich, the	غنی، ملّی
Righteous, the	برّ
Ruler, the	حاکم، قاهر، مالک
Saviour, the	مغيث
Seeing, the	بصیر

Omnipotent King, the	ملیک مقتدر
Omniscient, the	عالِم، علیم
One, the	أَحَد، واحد
One\Unique, the	واحدٍ احد
Open-Handed, the	باسط
Ordainer, the	مقدّر
Originator, the	فاطر، مُبدئ، مُنشئ
Origin, the	مبدأ
Outspreader, the	باسط
Outward, the	ظاهر
Overbearing, the	جَبَّار
Overpowerer, the	قاهر
Overpowering, the	جَبَّار، فائق
Overwhelming, the	قَهَّار
Pardoner, the	عَفُور
Patient, the	صبور
Patron, the	مولی، ولی
Peace, the	سلام
Perceiver, the	واجد
Permanent, the	باقی
Possessor, the	مالک
Possessor of Glory, the	ذوالجلال
Potent, the	مقتدر
Powerful, the	عزیز، قادر، قدیر
Praiseworthy, the	حمید
Precious, the	عزیز
Pre-eternal, the	قدیم

Merciful, the	راحم، رحمن، رحيم
Mercy-Giving, the	رحيم
Might, the	عظمت
Mighty, the	عزيز، عظيم، قدير
Misguider, the	مضلّ
Monarch, the	مالك
Most Generous of	
the Generous, the	اكرم الاكرمين
Most High, the	متعالی
Most Holy, the	قُدّوس
Most Merciful, the	رحيم
Most Pardoning, the	عَفُوّ
Most Strong, the	قوى
Munificent, the	جواد
Named, the	مسمّى، موصوف
Near, the	قريب
Necessary, the	واجب
Necessary Being, the	واجب الوجود
Necessary Being	
through Himself, the	واجب بالذات
Nondelimited, the	مطلق
Nondual, the	واحد
Nourisher, the	رازق
Nourishing, the	رازق
Occasioner of all occasions, the	مسبّب الاسباب
Occult, the	باطن
Omnipotent, the	قَهّار

Judge, the	حاكم، حَكَم
Just, the	عادل، مقسط
Justly Proud, the	متكبر
Kind, the	رؤوف
King, the	ملك
King of the Kingdom, the	مالك الملوك، ملك الملوك
Knower, the	عليم
Knowing, the	عالم، عليم
Last, the	آخر
Lasting, the	دائم
Laudable, the	حميد
Life, the	حيّ
Life-Bestowing, the	مُحيي
Life-Giver, the	مُحيي
Listener, the	سامع
Living, the	حيّ
Living One, the	حيّ
Lofty, the	رفيع
Lord, the	ربّ، سيّد، مولى، والى
Loved, the	عزيز
Loving, the	ودود
Magnificent, the	عظيم، متكبر
Majestic, the	جليل، ذوالجلال
Maker, the	بارى، جاعل، صانع
Manifest, the	ظاهر
Manifested, the	ظاهر
Master, the	ربّ، مولى

Guiding, the	هادی
Harmer, the	ضارّ
Healer, the	شافی
Hearer, the	سامع، سمیع
Hearing, the	سامع، سمیع
Heir, the	وارث
Helper, the	عون، مُعین، ناصر
Hidden, the	باطن، خفیّ
Highest, the	علیّ
Holy, the	قُدّوس
Humiliator, the	مُذَلّ
Immortal, the	باقی
Immovable, the	صمد
Immutable, the	قیّوم
Impenetrable, the	صمد
Impermeable, the	صمد
Inaccessible, the	عزیز
Incomparable, the	بدیع
Indicator, the	دلیل
Indulgent, the	غَفُور، متجاوز
Infinitely Merciful, the	رحیم
Informed, the	خبیر
Inheritor, the	وارث
Innovator, the	بدیع
Instaurer, the	جاعل
Invincible, the	قَهّار
Inward, the	باطن

Forgiving, the	غَفُور
Formator, the	مَصَوِّر
Former, the	مَصَوِّر
Form-Giving, the	مَصَوِّر
Fortune-Giver, the	مَقْدِّر
Free, the	مَخْتَار
Gatherer, the	جَامِع
Generous, the	جَوَاد، سَخِي، كَرِيم
Gentle, the	حَلِيم
Giver, the	مَعْطَى، وَهَّاب
Giver of Death, the	مُمِيت
Giver of Existence, the	مَوْجِد
Giver of forms, the	وَاهِب الصُّوَر
Glorified, the	سَبَّوح، عَظِيم
Glorious, the	عَزِيز
God as Bestower of being	مَكُون
Good, the	خَيْر
Governing, the	مَدَبِّر
Gracious, the	لَطِيف
Grateful, the	شَاكِر، شَكُور
Great, the	اَكْبَر، عَظِيم، عَلِيّ، كَبِير
Greatest, the	اَكْبَر
Gripper, the	قَابِض
Guardian Lord, the	رَبّ
Guardian, the	حَافِظ، حَفِيز، مَرَاقِب، مَهِيْمَن
Guide, the	دَلِيل، مَرشِد، هَادِي
Guide to the Right Path, the	رَشِيد

Engenderer of Secondary Causes, the	مكوّن الاسباب
Enricher, the	مُغْنِي
Establisher, the	مُثَبِّت
Eternal, the	صمد، قديم
Eternally Besought, the	صمد
Eternally Living, the	حَيّ
Ever-Creating, the	خلاق
Ever-Knowing of absent things, the	علام الغيوب
Everlasting, the	باقى، قديم
Everlasting Refuge, the	صمد
Ever-Living, the	حَيّ
Exalted, the	عزیز، علىّ
Exalter, the	رافع، مُعَزِّ
Examiner, the	مراقب
Existence-Giver, the	موجِد
Existentiator, the	مكوّن الاسباب
Extender, the	باسط
Exterior, the	ظاهر
Faithful, the	وفىّ
Fashioner, the	مصورّ
Favourer, the	مَنَّان
Firm, the	متين
First, the	اوّل
Food-Giver, the	مقيّت
Forbearing, the	مقيّل
Forgiver of sin, the	غافر الذّنب
Forgiver, the	غفّار، معافى

Conditioner, the	حاكم
Configurer, the	مُنشئ
Conquering, the	قَهَّار
Constant, the	صمد، متين
Creating, the	خالق
Creator, the	بارى، خالق، صانع، مبدع، مصوّر
Cure-Giver, the	شافى
Death-Giver, the	مُمت
Deferrer, the	مؤخّر
Desirous, the	مريد
Differentiator, the	مفصّل
Director, the	مرشد
Disclosed, the	جلّى
Dispenser, the	مُنعم، منيل
Distant, the	بعيد
Distinguisher, the	مفصّل
Doer of whatever He wills, the	فَعَّال ما يَشَاء
Dominant, the	حاكم، قاهر
Dominator, the	جَبَّار، قاهر
Donator, the	باسط، واهب
Effacer, the	ماحى
Elevated, the	عالى
Eminent, the	عالى
Empowerer, the	مُعزّز
Encompasser, the	محيط
Encompassing, the	محيط
Enduring, the	باقى

Aware, the	خَبِير
Awful, the	جَبَّار
Beautiful, the	جَمِيل
Beloved, the	حَبِيب
Benefactor, the	مُنْعِم، نافع
Beneficent, the	مُحْسِن
Benefiter, the	نافع
Benevolent, the	مَتَّان
Best of the Deceivers, the	خَيْرُ الْمَاكِرِينَ
Bestower of life, the	مُحْيِي
Bestowing, the	وَاهِب
Blessor, the	مُنْعِم
Blessing-Giver, the	مُنْعِم
Bounteous, the	مُفَضِّل
Bountiful, the	وَهَّاب
Bounty, the	فَضْل
Cause of all causes, the	مُسَبِّبُ الْأَسْبَابِ
Causer of secondary causes, the	مُسَبِّبُ الْأَسْبَابِ
Clairvoyant, the	بَصِير
Clarifier, the	مُبَيِّن
Clement, the	حَلِيم، رُؤُوف، رَحِيم
Commencer, the	مُبْدِئ
Compassionate, the	حَنَّان، رَحِيم، رَحِيم
Compelling, the	جَبَّار
Concealed, the	بَاطِن
Concealer of sins, the	سِتَّار
Concealing, the	عُقُور

All-Encompassing, the	محيط
All-Forgiving, the	غَفَّار
All-Good, the	رَحْمَن
All-Great, the	كَبِير
All-Highest, the	عَلَى
All-High, the	عَلَى
All-Holy, the	قُدُّوس
All-Knowing, the	عَلِيم
All-Merciful, the	رَحْمَن
All-Pardoning, the	عَفُو
All-Powerful, the	جَبَّار
All-Provider, the	رَزَّاق
All-Seeing, the	بَصِير
All-Subjugating, the	قَهَّار
All-Wise, the	حَكِيم
Almighty, the	جَبَّار
Alone, the	أَحَد
Ancient, the	قَدِيم
Answerer, the	مَجِيب
Apparent, the	ظَاهِر
Appointer, the	جَاعِل
Arbitrator, the	حَكَم
Assenter, the	مَجِيب
Author, the	بَارِئ، مَبْدِع
Authority, the	سُلْطَان
Author of all causes, the	مُسَبِّبُ الْاَسْبَاب
Avenger, the	مَنْتَقِم

ALLAH'S NAMES AND ATTRIBUTES

Abaser, the	خافض، مُذَلِّل
Abiding, the	باقى، قَيِّم
Absolute Author of action, the	فَعَّال
Absolute Knower, the	عَالِم مطلق
Absolute Owner, the	مالِك مطلق
Acceptor of repentance, the	تَوَّاب، قَابِل التَّوْب
Active, the	فَعَّال
Adorable, the	معبود
Advancer, the	مَقْدَّم
Advocate, the	وَكِيل
Affectionate, the	رؤوف
Affrighter, the	مهيِّل
Alive, the	حَيِّ
All-Bestower, the	وَهَّاب
All-Compassionate, the	رَحْمَن
All-Concealing, the	غَفَّار
All-Dominating, the	جَبَّار
All-Embracing, the	واسع

ALLAH'S NAMES AND ATTRIBUTES

Z

zeal	حمیت، غیرت
zealous	غیور
zealous, the	اہل غیرت
zealousness	غیرت
zephyr	صبا
Zoroastrian	زرتشتی، گبر
Zulaikha	زلیخا
<i>zunnâr</i>	زَنّار

Y

yearn	رغبت، شوق
yearner	مشتاق
yearning	آرزو، اشتیاق، رغبت، شوق، میل
yellow ruby	یاقوت اصفر
young tavern-keeper	مغیچه
yielding	تفویض
young Christian	ترسابچه (کنایه از جاذبه روحانی)
young Magians	مغیچه
youths	فتیان

wrong conduct	منکر
wrong deed	سَيِّئَه، عمل سیئ
wrongdoer	گناه کار
wrongdoing	ظلم، گناه
wronging oneself	ظلم به نفس
wrong way	راه ضلالت
<i>wujûd</i>	وجود
<i>wujûd</i> on loan	وجود عاریتی

world of Unbounded Imagination	عالم مثال مطلق
world of unicity	عالم وحدانیت
world of Unity	عالم توحید، عالم وحدت
world of unveiling matters relating to the Unseen	عالم کشف
world of visibility	عالم شهادت
world of writing	عالم تسطیر
world-revealing bowl	جام جهان‌نما (کنایه از قلب عارف کامل)
world-seeing eye	دیدۀ جهان‌بین
world's record	جریده عالم
world to come, the	آخرت، عالم آجل، عقبی
world-viewing cup	جام جهان‌بین
worship	عبادت، عبادت
worshipped	معبود
worshipper	عابد
worshipper of coquetry	عشوه‌پرست
worshipper of God	عبد
worthlessness	بی‌ارزشی
worthy	محقق، مستحق
Worthy of pardon, the	اهل مغفرت [خداوند]
Worthy of pious fear, the	اهل التقوی [خداوند]
wounded heart	دل خسته، دل مجروح
wrath	خشم، سخط، غضب، قهر
wretched	شقی
wretched, the	اشقیاء
wretched heart	دل مسکین
wretchedness	شقاوت

world of reality	عالم حقیقت
world of Sanctity	عالم قدس
world of secrets	عالم اسرار
world of self-disclosure	عالم تجلی
world of sense	عالم حس
world of shadows	عالم اظلال
world of souls	عالم نفوس
world of Sovereignty	عالم جبروت
world of speculative thinking	عالم نظر
world of sublimity	عالم علوی
world of subsistent Idea-Images	عالم مثال
world of subsistent images	عالم مثال
world of subtile substances	عالم مثال
world of the All-Powerful	عالم جبروت
world of the elements	عالم ارکان
world of the heavens	عالم افلاک
world of the Kingdom	عالم ملک
world of the light	عالم نور
world of the Realm	عالم ملکوت
world of the relationships	عالم مناسبات
world of the senses	عالم محسوسات
world of the sensible	عالم شہادت
world of the spirits	عالم روح
world of the Unseen	عالم غیب
world of the visible	عالم شہادت
world of the Witnessing	عالم مشہود
world of truth	عالم حقیقت

world of compilation	عالم تدوين
world of considerative thinking	عالم نظر
world of creation	عالم خلق
world of Domination	عالم جبروت
world of Dominion	عالم ملكوت
world of experience	عالم شهادت
world of form	عالم صورت
world of Idea-Images	عالم مثال
world of ideas (archetypes)	عالم معانى
world of images	عالم مثال
world of Imagination	عالم خيال، عالم مثال
world of immaterial bodies	عالم مثال
world of immaterial matter	عالم مثال
world of immutable entities	عالم اعيان ثابتہ
world of infallibility	عالم عصمت
world of intelligence	عالم عقل
world of intimacy	عالم انس
world of invisible realities	عالم غيب
world of manifestation	عالم ظاهر
world of mysteries	عالم راز
world of Mystery	عالم غيب
world of nearness to God	عالم قرب حق
world of Oneness	عالم توحيد
world of permanence	عالم بقا
world of possibility	عالم امكان
world of pre-existence	عالم ذرّ
world of pure Spirits	عالم ارواح

worldly demand	بایست دنیا
worldly desires	اغراض دنیوی، مرادات دنیوی
worldly encumbrances	علائق
worldly existence	ایام حیات
worldly gains	دنیا
worldly goods	متاع دنیوی
worldly honour	جاه خلق
worldly interests	دنیا
worldly life	حیات دنیا
worldly men	اهل دنیا
worldly mode of being	نشأه دنیوی
worldly place	مکان دنیوی
worldly power	دولت
worldly things	دنیا
worldly ties	تعلقات دنیوی، علائق دنیوی
worldly wealth	متاع دنیوی
world of absolute imagination	عالم مثال مطلق
world of absolute Immensity	عالم جبروت
world of Absolute Mystery	عالم غیب مطلق
world of annihilation	عالم فنا
world of archetypal figures	عالم مثال
world of archetypal images	عالم مثال
world of autonomous images	عالم مثال
world of bodies	عالم اجسام
world of breaths	عالم انفاس
world of certainty	عالم ایقان
world of command	عالم امر

spiritual world	عالم امر، عالم روحانی، ملکوت
subtile world	عالم مثال
supernal world	عالم علو
supersensible world	عالم غیب
third world	برزخ
this world	دنیا
transient world	دار فانی، دار فنا (= دنیا)
Unseen world, the	عالم غیب
upper world	عالم علو، عالم علوی
visible present world	عالم شهادت
visible world	عالم شهود
world above, the	عالم اعلیٰ، عالم علوی
world-displaying cup	جام جهان نما (کنایه از قلب عارف کامل)
world in a profane sense	دنیا
worldings	اهل دنیا
worldliness	دنیا طلبی، دوستی دنیا
worldly	دنیوی، مجازی
worldly, the	اهل دنیا
worldly adornments	زخارف دنیا
worldly and otherworldly enjoyments	تمتعات
	دنیوی و اخروی
worldly attachments	تعلقات دنیوی
worldly bliss and its trappings	زخارف نعیم دنیوی
worldly bonds	علائق دنیوی
worldly bounty	نعمت دنیوی
worldly connexions	علائق
worldly debasement	ذلت دنیا

work of devotion	عبادت
world	دار، دنیا، عالم، ملک
Angelic World	عالم ملکوت
animal world	عالم حیوانی
apparent world	عالم شہادت
below, the	عالم سفلی
dream world	عالم رؤیا
elemental world	عالم عنصری
exterior world	عالم شہادت
external world	عالم ظاہر
hidden world	عالم غیب
higher world	عالم اعلیٰ
Imaginal World	عالم جبروت، عالم مثال
intermediary world	عالم برزخ
intermediate world	عالم اوسط
invisible world	عالم غیب، ملکوت
lowest world, the	عالم اسفل، عالم دنیا، عالم سفلی
luminous world	عالم نورانی
manifest world	عالم شہادت
next world	آخرت، عالم آخرت، عقبیٰ
non-existent world	عالم عدم
perishable world	عالم فانی
phenomenal world	عالم شہادت، کون
physical world	عالم اجسام
present world	عالم عاجل
seen world	عالم شہادت
sensible world	عالم شہادت

witness	شاهد، مُشاهد
Witness, the	شاهد، شهيد [خداوند]
witnessed	مشهود
witnessed domain	عالم شهادت
witnesser	مُشاهد
Witnesser, the	شاهد، شهيد [خداوند]
witnessing	شهود، مشاهده
witnessing without intermediary	شهود بی واسطه
witness of annihilation	شاهد فنا
witness of God	شاهد حق
witness of the eternal	شاهد القِدَم
witnesses of the Unseen	شاهدان غیب
wondrous deeds	کرامات
wondrous states	کرامات
wont	سنت
wonts of the Prophet	سنت پیامبر (ص)
wooning	تعشّق
wool	صوف
woolen garment	جامه صوفی، خرقه
woolen tunic	جِبّه
word	کلمه [موجود]
word of ecstasy	شطح
Word of God	سخن خدا، کلام الله، کلمة الله
Word of Presence	کلمة حضرت [لفظ کُنْ]
words	قال (≠ حال)
working	تصرّف
working corruption	افساد

wine tavern	میخانه، میکده
wine-vessel	پیاله
wine-worshipper	باده پرست
wink	غمزه
winner	فائز
wisdom	حکمت، دانایی، خرد
Christic Wisdom	حکمت عیسویه
Divine wisdom	حکمت الاهی، حکمت ربوبی
Imperial Wisdom	حکمت خسروانی
Lordly wisdom	حکمت ربوبی
moral wisdom	حکمت اخلاقی
mystic wisdom	معرفت
Oriental Wisdom	حکمت اشراق
true wisdom	حکمت حقیقی
wise	حکیم، خردمند، عاقل
Wise, the	حکیم [خداوند]
wise hierarchy	ترتیب جگمی
wish	آرزو، مُراد
wishes	آمال، امانی
wishing to go into seclusion	قصد عزلت
withdrawal	تخلیه، عُزلت
Withholder, the	مانع [خداوند]
with-ness	عندیت، معیت
without choice	بی اختیار
without hypocrisy	بی ریا
without place	لامکان
witless	غافل

Eternal Will	ارادهٔ ازلّی
firm will	عزم
free will	اختیار (= آزادی عمل)
God's will	خواست خدا
normative will	اراده
secret will	مناجات
spiritual will	هَمّت
willer	مرید (= اراده کننده)
Willing, the	مرید [خداوند]
willingly	ارادی، اختیاری
Will of God	خواست خدا، مشیّت الاهی
wine	باده، شراب، صهباء (= می)
wine-drinkers	باده‌نوشان، می‌خوران
wine-house	خمخانه، شراب‌خانه، میخانه، میکده
wine-keeper	خُمّار (کنایه از عاشق سرگردان)
wine-merchant	خُمّار (کنایه از عاشق سرگردان)
wine of <i>Alast</i>	شراب آلت
wine of gnosis	شراب معرفت
wine of love	شراب عشق، می عشق
wine of perpetuity	شراب لایزال
wine of pre-eternity	شراب ازل
wine of <i>tawhîd</i>	شراب توحید
wine of vision	شراب شهود
wine of witnessing	شراب شهود
wine-seller	باده‌فروش، می‌فروش
wine-sickness	خُمّار
wine-stained	می‌آلود

whispered prayer	مناجات
whispering	وسوسه
whisperings of the soul	وسوسه‌های نفسانی
white death	موت ابیض (= جوع)
whole of creation	کل کائنات
whole of existence	کَوْن
wholesome	سلیم، صالح
wholesome deed	عمل صالح
wholesome deeds	صالحات
wholesomeness	صلاح، مصلحت
whomsoever He will	مَنْ یَّشَاء
wicked	گناه‌کار
wicked, the	اشقیاء، اصحاب شقاوت، اهل شقاوت
wickedness	سَیِّئَه
wickedness of soul	شرّ نفس
wideness	سماحت
wilderness	بیابان
wilderness of misguidance	تیه ضلالت
wilderness of misguidedness	تیه ضلالت
wiles of Satan	عشوۀ شیطان
will	اراده، مشیّت، همّت
Will	مشیّت [خداوند]
will, to	اراده کردن
arbitrary will	ارادهٔ گزاف
bad will	شرّ
creative will	مشیّت
Divine Will	ارادهٔ الهی، قضای الهی

waymark	راهنما، شعیره، نشانه
way of life	سنت
way of Truth	راه حق
waystation	منزل، منزلت
waystation of secrets	منزل رموز
waystation of Shatterers	منزلت قواصم
waystations of the hereafter	منازل آخرت
waystations of the saints	منازل اولیاء
waystations of the travellers	منازل السَّائِرین
waystations of the wayfarers	منازل السالکین
way to Allah	باب الله
weakness	رعونت
weakness of human nature	رعونت طبع
weariness	تعب، ملال، ملالت
wearing of wool	پشمینه پوشی
wedding fests	عراس
weeping	بکاء، گریان
welcome	اقبال
welfare	خیرات، سلامت
well-being	ریحان، صلاح
well-beloved	حبیب، محبوب
well doing	احسان
well-informed	مطلع
Well Zamzam, the	چاه زمزم
whereness	آینیت
whim of the soul	هوای نفس
whirlpool	گرداب

want	فقر
wanting	اراده، نیاز، نیازمند
want of the carnal soul	بایستِ نفسانی
warning	انذار، عبرت
warrior	مجاهد
wastefulness	بطالت
Watcher, the	رقیب [خداوند]
Watchful, the	رقیب [خداوند]
watchfulness of the heart	مراقبت دل
watch over the heart	مراقبت دل
water of favor	آب عنایت (کنایه از رحمت متواتر الهی)
water of immortality	آب حیات
water of <i>Khidr</i>	آب خضر
water of life	آب حیات
water of Tavern	آب خرابات (کنایه از صفا و یکرنگی)
wave	موج
wave of <i>Alast</i>	موج آلت
wavering	تردد
way	آیین، راه، طریق، مَحَجّه، مسلک، منهج
Way, the	طریقت
right way	راه هدایت
wrong way	راه ضلالت
way and usage	راه و رسم
wayfarer	رهرو، سالک، مسافر
wayfarer attracted	مجدوب سالک
wayfarer (on the Path)	سالک
wayfarers	ارباب سلوک

W

<i>Wādī Ayman</i>	وادی ایمن
wage-earner	مأجور
wage-taker	مأجور
wailing column (of the Prophet Mosque in Medina)	استن حنّانه
wakeful and praying at night	متهجّد
wakefulness	يقظه
waking	سَهَر (= بیداری)، يقظه
waking state	صحو (≠ سکر)
waking up	انتباه
waking vision	مکاشفه در حال بیداری
walking aright	استقامت
walking straight	راست‌رو
wanderer	سرگشته
wandering dervish without proper affiliation	قلندر
wandering off the Straight Path	ضلالت
wandering on the Path	سلوک
wander lust	هیمان (= شیفتگی و حیرانی در تلاطم امواج وجود)

voluptuousness	شهوت
votaries of self-mortification	ارباب/اصحاب مجاهدت
vow	پیمان، عہد
vow of chivalry	شرط مروّت
vow of moral virtue	شرط مروّت
voyage	سیر
voyager in the Path	سالک
vulgar, the	عوام

vision of generosity	دید فتوت
vision of God	رؤیت الاهی، رؤیت خداوند، لقاء الله، مشاهدۀ حقّ
vision of sense	نظر حسّ
vision of the angles	رؤیت ملائکه
vision of things as they are	فرق
visualization	رؤیت
visual sense	نظر حسّی
visual unveiling	کشف بصری
vital spirit	روح
vivifier of religion	محيی الدین
vocation	رسالت
voice	ندا
voice from heaven	هاتف
voice from the Unseen	هاتف
Void, the	خلاء (≠ ملأ)
void of knowledge	بی خبر
void of news	بی خبر
void of vision	بی خبر
volition	اراده
volitional	اختیاری، ارادی
voluptuary, the	اهل اذواق، اهل ذوق
voluntary	اختیاری، ارادی، تطوّعی
voluntary death	موت اختیاری
voluntary prayer	تطوّع
voluntary return	رجوع اختیاری
voluntary servitude	عبودیت اختیاری

actual vision	عیان
by immediate vision	بِالْعِیَان
contemplative vision	استبصار
direct vision	رَأَى الْعِیْنَ، مشاهده، معاینه
heralding vision	مبشّر
imaginal vision	مشاهده خیالی
immediate vision	عیان
intellectual vision	بصیرت
luminous inner vision	بصیرت
mental vision	بصیرت، رؤیت علمیّه
nonwaking vision	مکاشفه در حال خواب
ocular vision	رؤیت عینیّه، رؤیه العین، مکاشفه العیان، مکاشفه دیداری
spiritual vision	بصیرت ربّانی، کشف، مشاهده روحانی
true vision	عیان
waking vision	مکاشفه در حال بیداری
visionaries	اهل شهود
visionary experience	تجربه شهودی
visionary knowledge	معرفت شهودی
visionary realm	عالم مثال
visionary union	اتصال شهودی
vision by the heart	رؤیت به دل، رؤیت به قلب، رؤیت قلبی
vision deriving from the Unseen	واقعۀ غیبی
vision of certainty	عین الیقین
vision of certitude	عین الیقین
vision of Divine power	مشاهده

violence of disposition	تندخویی
Virgin Most Pure, the	عذراء بتول
virgins of the Unseen World	آبکار عالم غیب
virility	مروّت
virtue	احسان، برّ، حُسن، حسنه، صلاح، فضل، فضیلت، مروّت، منقبت
virtue and vice	فضیلت و رذیلت
essential virtue	حسن ذاتی (≠ حسن زائد)
moral virtue	مروّت
noblest virtues, the	مکارم اخلاق
outward virtue	صلاح ظاهر
spiritual virtue	احسان [مرحله‌ای پس از اسلام و ایمان]
virtuous	زکّی، محسن
virtuous, the	صالحان
virtuous act	فعل شایسته
virtuous character	اخلاق محموده، حسن اخلاق
virtuous man	انسان فاضل
virtuousness	برّ
virtuous quality	حسن خُلق، خُلق نیکو
visible	مرئی
visible, the	شهادت [عالم]
visible manifestation	تجلیّ شهود
visible present world	عالم شهادت
visible world	عالم شهادت، مُلک
<i>visio Dei</i>	رؤیت خداوند، لقاءالله
vision	بصر، بصیرت، رؤیت، شهود، عیان، لقاء، مشاهده، مکاشفه

<i>vestigia Dei</i>	آیات الاهی
vexed	رنجه دل، ملول
vice	بدی، ذنب، رذیلت، سیئه، عیب، فسق
vicegerency	استخلاف
Vicegerent of God	خلیفه الله
Vicegerent of the Divine	خلیفه الاهی
vicegerent of the Messenger	خلیفه پیامبر
viceroy of longing	شحنه شوق
vices	رذائل
victorious	فائز
victorial light	نور قاهر
victorious light	نور قاهر
Victorious, the	قهار [خداوند]
victory	فَوْز
vigil	تهجد
vigilance	مراقبه، یقظه
Vigilant, the	رقیب، مهیمن [خداوند]
vigilant attention	مراقبه
vile	پست
vileness	پستی، خست، دنائت
vileness of beliefs	خبث عقیدت
vileness of disposition	فرومایگی
vileness of nature	خست طبع
Vintner	خمّار (کنایه از عاشق سرگردان)
vintner's house	خرابات
violating the Law	خرق شریعت
violence	قهر

veils of lights	حُجُب نور
venerable Sufi	صوفی محتشم
veneration	احترام، تعظیم، مهابت، هیبت
vengeance	سَطوت، نَقمت
Vengeful, the	منتقم [خداوند]
venial sin	گناه صغیره
veracious	درست، صدیق
veracious, the	صدیقین
veracious believer	صدیق
veracity	راست گفتاری، صدق، صدق قول
verbal asking	سؤال به لفظ (= دعا)
verbal gratitude	شکر لفظی
veridical dream	روْیای صادق
verification by the heart	تصدیق به دل
verified existence	وجود محقق
verifiers	اهل تحقیق
veritable	حقّ [وصف]، حقیقی
Veritable Reality, the	حقّ حقیق [خداوند]
verities	حقایق
verities of faith	حقایق ایمان
verity	حقیقت
verse	آیه [قرآن]، نظم (≠ نثر)
ambiguous verses	آیات متشابه، متشابهات
Light Verse	آیه نور
very essence, the	کنه ذات
very eternity, the	ازل آزال
Very Near One, the	قریب [خداوند]

veil of attributes	حجاب صفات
veil of clouding	حجاب غینی
veil of covering	حجاب رینی
veil of darkness	حجاب ظلمانی
veil of dignity	تُتقی عزّت، حجاب عزّت
veil of directions	حجاب جهات
veil of essence	حجاب ذات
veil of forgetfulness	حجاب غفلت
veil of gnosis	حجاب معرفت
veil of humanity	حجاب بشریت
veil of imagination	پرده خیال، حجاب خیال
veil of jealousy	حجاب غیرت
veil of knowledge	حجاب علمی، حجاب معرفت
veil of light	حجاب نورانی
veil of majesty	تُتقی جلال، حجاب کبریا
veil of mortality	حجاب بشریت
veil of nature	حجاب طبیعی
veil of negligence	حجاب غفلت
veil of place	حجاب مکان
veil of reasoning	حجاب دلیل
veil of remembrance	حجاب ذکر
veil of remoteness	حجاب بُعد
veil of splendour	تُتقی جلال، حجاب جلال
veil of the heart	حجاب قلب
veil of the self	حجاب نفس
veil of the Unseen	پرده غیب، حجاب غیب
veil of time	حجاب زمان

vanity	آرزوی دور و دراز، بطالت، سودا
variation	تغیّر، تلوین (≠ تمکین)، تنوّع
variation of Laws	تنوّع شرایع
variegation	تلوین (≠ تمکین)
vassal	مربوب
vastness	اتّساع، توسّع
vastness of heart	سعه قلب
Vast One, the	واسع [خداوند]
vegetable realm	ملکوت نبات
vegetable soul	نفس نامیه
vegetable spirit	روح نامیه
vegetable state	مقام نباتی
vegetative	نباتی
vegetative soul	نفس نامیه، نفس نباتی
vegetative spirit	روح نامیه
vehemence	حدّت
vehement passion	هوای متّبع
veil	پرده، حاجب، حجاب، ستر
thin veil	غیّن (= حجاب رقیق)
veil covering God	حجاب
veiled	محتجب، محجوب، نهان
veiled, the	اهل حجاب
veiled from the public eye	مستور
veiled soul	جان مهجور
veiler	حاجب، ستّار
veiling	احتجاب، استتار، حجاب
veiling nutrition	غذای حجابی (= غذای طبیعی)

V

vacant regions	آفاق
vacating	تخلیه
vacillation	اضطراب، تردد
vague perception	ادراک اجمالی
vain desire	هوی
vain fancy	خیال باطل، خیال واهی
vain imagining	خیال باطل، سودا
vain thought	خاطر
valuable	پسندیده
valley	وادی [گذرگاه دشوار در سیر و سلوک]
valley of right hand	وادی ایمن
vanished	فانی
vanishing	انقطاع، فنا
vanishing from desire	فناء از هوی
vanishing from the people	فناء از خلق
vanishing from the will	فناء از اراده
vanishing of false attributes	زهوق صفات باطل
vanishing of the self	فناء نفس
vanities of the world	حطام دنیا

usurpation	غصب
utmost expectancy	نیاز تمام
utmost limit	غایت
utmost unseen, the	غیب الغیب
Utopia	ناکجا آباد (= شہر پاکان)
utter exclusion	خلوت
uttermost unseen, the	غیب الغیب

unveiling of the manifested	مکاشفه عیان
unveiling of the paths of ascent	کشف معاریج
unveiling of the veiled	کشف المحجوب
unveiling of truths	کشف حقایق
unveiling revelation	کشف
unveilings	فتوحات
unveilings of inspiration	مکاشفات
unveilings of the heart	مکاشفات قلبی
unveilings of the mystery	مکاشفات سرّی
unveilings of the spirit	مکاشفات روحی
unveilings of the Unseen	مکاشفات غیبی
unwarrantable	منکر
unworthiness	بی ارزشی
upbraiding soul	نفس لوّامه
upholding the Unity of Godhead	توحید
Up-lifter, the	رفیع [خداوند]
Up-lifter of the degrees, the	رفیع الدّرجات [خداوند]
up-lifting	رفعت
upper world	عالم علو، عالم علوی
uprightness	استقامت
uprising	قیام
Uprising, the	بعث
upsetting the existence	قلب وجود (= دگرگون ساختن وجود)
urge	رغبت
urgings	هواجس (= وسوسه ها)
urgings of the soul	هواجس نفسانی

Unseen of the Unseen, the	غیب الغیب
Unseen world, the	عالم غیب، غیب [عالم]
unselfish, the	اهل ایثار
unselfishness	ایثار
unshakable faith in God	یقین
unsolicited gifts	فتوح
unswerving repentance	توبه نصوح
untruly utterances	شطحات
unveiledness	کشف
unveiler	مکاشف
unveiling	تجلی، رفع حجاب، کشف، مکاشف، مکاشفه
unveiling by rays of light	کشف ضیائی
unveiling by witnessing	کشف شهودی
unveiling in the dream state	مکاشفه در حال خواب
unveiling in the heart	مکاشفه قلب
unveiling in the wakeful state	مکاشفه در حال بیداری
unveiling of attributes	کشف صفاتی
unveiling of inner meanings	کشف معانی
unveiling of inner realities	کشف معانی
unveiling of inspiration	کشف الهامی
unveiling of <i>intelligibilia</i>	کشف معقولات
unveiling of intelligibles	کشف معقولات
unveiling of mysteries	کشف الاسرار
unveiling of states	کشف احوال
unveiling of the essence	کشف ذات
unveiling of the hearts	مکاشفه قلوب

Universal Spirit	روح کلی
universal truth	حقیقت کلیّه
universe	عالم
Universe, the	کون
unkindness	جفا
Unknowable, the	غیب [عالم]
unknowable God	خدای ناشناختنی
unknown	منکر
unknown absent	غیب مجهول
unknown mystery	غیب مجهول
unknown saints	مکتومان
unknown theosophy	حکمت مجهوله
unlawful	حرام، منکر
unlettered	اُمّی
unlettered knowledge	علم اُمّی
unlettered Prophet	پیامبر اُمّی (ص)
unnecessary things	زوائد
unobstructed	ساذج، ساده
unparalleled in (one's) day	فرید وقت، یگانه دوران
unreal	باطل، مجازی
unrelated person	نامحرم
unrelated people	اغیار
unrestraint	بسط
unrighteousness	سیئه
unrivalled	متفرد
Unseen	غیبی
Unseen, the	غیب [عالم]، مغیبات

Unity of the Names	احدیت اسماء
unity of the Necessary Being	توحید واجب
Unity of the One	احدیت احد
unity of the same type	وحدت سنخی
Unity of the States	احدیت احوال
Unity of the Will	احدیت مشیت
Unity of the Word	احدیت کلمه
unity of witness	وحدت شهود
Unity pertaining to Divine Acts	توحید افعالی
universal	کلی
universal archetype	نسخه جامعہ (= انسان)
Universal Body	بدن کلی، جسم کلی
universal bondsman	عبد کلی
universal copy	نسخه جامعہ (= انسان)
universal Divine Names	اسماء الاهی کلی
universal feast of generosity	خوان کرم عام
Universal Hylé	هیولای کل (= حقیقت محمدی)
universal intelligence	عقل کل
universality	عموم (≠ خصوص)
Universal Logos	کلمه کلیه (= برکت محمدی)
Universal Man	انسان کامل، انسان کلی
universal mirror	آینه کل
universal reality	حقیقت کلیه
universal reason	عقل کل
universal sainthood	ولایت کلیه
universal servant	عبد کلی
Universal Soul	نفس کلی

unique spirit	نفس واحده
unique time	زمان فرد
unique truth	حقیقت واحده
Unitarianism	توحید
Unitarians	اهل توحید
unitary	موحد
unitedness	جمع
Uniter, the	موصل [خداوند]
uniting	وصول
unit of time	زمان فرد
Unity	احدیّت، وحدانیّت، وحدت، یگانگی [خداوند]
unity of being	توحید وجود، وحدت وجود
Unity of Divine Acts	توحید افعال
Unity of Divine Attributes	توحید صفات
Unity of Divine Essence	توحید ذاتی
Unity of Existence	وحدت وجود
Unity of Finding	وحدت وجود
Unity of God	توحید
Unity of multiplicity	احدیّت کثرت
Unity of the Bringing Together	احدیّت جمع
Unity of the Dependence	احدیّت تعلّق
Unity of the Divine	توحید الوهه
Unity of the Divinity	توحید الوهه
Unity of the Entity	احدیّت عین
Unity of the Essence	احدیّت ذات
Unity of the Manyness	احدیّت کثرت

unhappy	شقی
Unicity	احدیّت، توحید، واحدیّت، وحدانیّت، وحدت [خداوند]
Unicity of Being	وحدت وجود
Unicity of God	وحدانیّت
unification	اتّحاد
unification after separation	جمع بعد از فرق
unification of Divinity	توحید الوهیت
unification of humanity	توحید بشریّت
unification of the heart	توحید قلب
<i>unio mistica</i>	اتّحاد عرفانی
union	اتّحاد، جمع، وصال، وصل، وصلت، وصول
union of union, the	جمع الجمع
union with God	وصول به خدا
auspicious union	سعادت وصال
essential union	عین الجمع
high union	اتّحاد عالی
imaginative union	اتّصال خیالی
perfect union	جمع الجمع، عین الجمع
sexual union	نکاح
supreme union	اتّحاد اعلیٰ
Unique, the	آحد، منفرد، واحد [خداوند]
unique breath	نفخه خاصّ
unique essence	عین واحده
unique in (one's) day	فريد وقت (= یگانه دوران)
uniqueness	فردانیّت، وحدانیّت، وحدت

unboundedness	اطلاق (= مطلق بودن)
unboundedness of being	اطلاق وجود
unceasing	سرمد
unclean	پلید
unconscious	غافل
unconsciousness	بی‌هوشی (= مقام طمس)
uncovering	کشف
uncreated essence	ذات قدیم
uncreatedness	قَدَم
uncreated world	قَدَم
undergoing a forty-day period of seclusion	چله‌نشینی
undertaking	عهد
undifferentiated	مجمل
undifferentiated knowledge	ادراک اجمالی
undifferentiated mood	اجمال
unending	لایزال [وصف]
unending desire	آرزوی دور و دراز
unending light	نور بی‌انتهای
Unequalled, the	منفرد [خداوند]
unexpected occurrence	مصادفه
unexpressed theosophy	حکمت مسکوت عنها
unfaithful	کافر (≠ مؤمن)
unfaithfulness	کفر
ungrateful	کافر (≠ شاگرد)
ungratefulness	جحد
ungrateful truth-concealing	کفر
unhappiness	شقاق

U

ugliness	قبح
ugly	سوء
ugly act	سیتة
ugly custom	سنت سیئه
ugly deed	عمل زشت
ugly thing	منکر
ultimate goal	غایة الغایات
ultimate life	آخرت
ultimate object of desire	مطلوب مطلق
unalterable essences	اعیان ثابته
unambiguous	محکم (≠ متشابه)
unattached	مجرد
Unattainable, the	عزیز [خداوند]
unattainable Godhead	لاهور
unawareness	غفلت
unbelief	انکار، بی ایمانی، کفر
unbeliever	زندیق، کافر (≠ مؤمن)
unbelieving	بی ایمان
unbounded	مطلق

truth-perceiving eye	چشم حقیقت‌بین، دیده حقیقت‌بین
truth-perceiving sight	چشم حقیقت‌بین
try	ابتلاء (= آزمایش)
trying to reach ecstasy	تواجد (= اظهار حالت وجد)
tulip	لاله
tumult	فتنه (= جوش و خروش سالکان)
tumult and shout	جوش و خروش
tumult and uproar	شور و شرّ
turbidity	کدورت
Turner of hearts, the	مصرف‌القلوب، مقلب‌القلوب [خداوند]
turning	انابه، توبه
turning away from the Truth	اعراض از حقّ
turning back	استدبار، روی‌گردانی
turning of existence	قلب‌العین
turning of the eye	قلب‌العین
turning to God	توجّه به خدا
turning toward God	توجّه به حقّ
twist	تاب
two bow's length	قاب قوسین
two existences, the	کَوْنِین
two-faced	ریاکار
two realms, the	کَوْنِین
two weighty ones	ثقلان (= جنّ و انس)
two worlds, the	کَوْنِین
typification	تمثیل
typified	ممثّل
tyranny	تجبر

truth of certitude	حقّ اليقين
truth of faith	حقيقت ايمان، صدق ايمان
truth of speech	صدق قول
Truth of the truths	حقيقة الحقايق
embodied truths	معانى متجسّد
rational truths	معانى معقول
spiritual truths	حقايق، حقايق روحانى
absolute Truth	حقّ مطلق
certain truth	حقّ اليقين
esoteric truth	حقيقت
gnostic truth	حقيقت عرفانى
I am the Truth	انا الحق
imaginal truth	حقيقت مثالى
imaginary truth	حقّ متخيّل
intelligible truth	حقيقت معقوله
in truth	بالحقيقه
mystic truth	حقيقت عرفانى
spiritual truth	حقيقت روحانى
unique truth	حقيقت واحده
universal truth	حقيقت كلّيه
truth-concealer	كافر (= صاحب مقام تفرقه)
truthful, the	اهل صدق، صدّيقين
Truthful, the	صادق [خداوند]
truthful disciple	مريد صادق
truthfulness	درستى، صدق
truthful one	صدّيق
truth itself, the	عين الحقيقه

true effacement	فناء حقیقی
true imagination	خیال حقیقی
true knower	عارف
true knowledge	معرفت، معرفت حقیقی
true man	انسان حقیقی
true nutrition	غذای حقیقی (= غذای روحی)
true principles of religion	اصول دین
true service	تعبد
true vision	عیان
true wisdom	حکمت حقیقی
trumpet	صُور
trust	امانت، امین، توکل
trust, to	توکل کردن
trustee	امین
Trustee, the	وکیل [خداوند]
trustful	متوکل
trustful, the	متوکلین
trustfulness	توکل
trusting	توکل
trust in God	توکل، توکل به خدا
trust of knowledge	امانت معرفت
trustworthy	امین
trustworthy, the	أَمْنَاءُ
trusty, the	امناء
truth	حقّ، حقیقت، صدق
Truth, the	حقّ [خداوند]
truth of certainty	حقّ الیقین

trembler	مترهّب
Tremendous, the	عظیم [خداوند]
tremendous character	خُلُق عظیم
tremendous nature	خُلُق عظیم
trepidation	بیم
tress	زلف، گیسو
tress-tip	سر زلف
trial	آزمایش، ابتلاء، امتحان
tribe	طائفه
tribulation	بلا، محنت
tribulation of Satan	تشویش شیطان
tribulation of the soul	تشویش نفس
trick	حیل
trifling	لهو
trinity	تثلیث
triplicity	تثلیث
triumph	فَوْز
trivial offence	گناه صغیره
trouble	بلا
true	حقّ، حقیقی، درست
True, the	حقّ [خداوند]
true acceptor of censure	ملامتی
True Adam	آدم حقیقی
true being	وجود حقیقی، هستی حقیقی
true believer	صدّیق
true contemplation	مشاهده
true dawn	فجر صادق

transmitted sciences	علوم نقلی
transmutation	تحول
transparency	صفا (= روشنی)
transparent	شفاف
transposition	تعبیر
transubstantiated	حلولی
traveller	مسافر
traveller along the path	رهرو
traveller (on the Road)	سالک
traveller on the spiritual path	سالک
travelling	سالک
travelling angels	ملائکہ سیاح
traversing	سلوک
tray of separation	خوان فراق
treachery	خیانت
treading	سلوک
treasure	کنز، گنج
treasurers	خَزَنَه (= نگهبانان)
treasurers of Paradise	خَزَنَه بہشت
treasures of the Unseen	خزائن غیب
treasury	خزانہ، خزینہ
treasury of humanity	خزینہ انسانیت
treasury of imagination	خزانہ خیال
treasury of the Unseen	خزانہ غیب
treat with compassion, to	ترحم کردن
treaty	عہد
tremble	اضطراب، رعشہ، لرز

transcendence	تعالی، تنزه
Transcendent, the	لاهور، متعالی، منزّه [خداوند]
transcendent essence	ذات متعالی
transcendent Names of God	اسماء تنزیهی خداوند
transcendent qualities	صفات علیا
transcendent reality	معنا
transcendent unity of Being	وحدت وجود
transfer	انتقال
transfiguration	تجلی، حلول
transformation	تبدل، تغیر
transgression	طغیان، عصیان، معصیت
transgressor	گناه کار
transient	فانی
transient abode	سرای فانی
transient adornments	زخارف فانی
transient allurements	زخارف فانی
transient bounty	نعمت فانی
transient states	خواطر
transient things	خواطر
transient world	دار فانی، دار فنا (= دنیا)
transitoriness	فنا
transitory	فانی
transitory spiritual state	حال
translucent	شفاف
transmigration	تناسخ
transmigration of spirit	نسخ روح
transmitted knowledge	سمعیات

total bewilderment	کمال حیرت
total effacement	محو کُلّی
total knowledge	احاطه (= علم کامل)
total negation	عدم محض
total non-existence	عین العدم
total submission	رضا
total devotion	انقطاع کامل، تبّتل، عبودت
total victory	فتح مطلق
trace	اثر
track	مسلك
tradition	حدیث
traditional	سمعی
traditionalist	محدّث
traditionalists	اصحاب حدیث، محدّثین
traditionally transmitted signs	آیات سمع
traditional sciences	علوم نقلی
tragic element	حُزن
training	تربیت، ریاضت
training in good conduct	ادب
training the soul	ریاضت نفس، مجاهده با نفس
trance	وجد
tranquil	مطمئنّه
tranquility	سکون، فراغت
tranquility of the heart	اطمینان قلب
tranquility of the soul	سکون نفس
tranquillity	آرامش، اطمینان، طمأنینه
tranquil soul	نفس مطمئنّه

Throne of Divinity	عرش تقدیس
Throne of God	عرش خدا، کرسی
Throne of the Compassionate	عرش الرَّحْمَن
thunderbolt	صاعقه (کنایه از لهیب محبت)
thunderstruck	صَعِق (= مدهوش)
Time	دهر، وقت
time-moments	مواقیت
time of union	روزگار وصال
time of ignorance	جاهلیت
appointed time	اجل (= سرآمد)
solitary time	زمان فرد
unique time	زمان فرد
timidness	وَرَع
token	آیه (= نشانه)
tongue	لسان
tongue of God	لسان الحقّ
tongue of Oneness	لسان احدیت
tongue of revealed religion	لسان شرع
tongue of the heart	لسان قلب
tongue of the Hidden	لسان الغیب
tongue of the Truth	لسان الحقّ
Torah, the	تورات
torment	بلا، عذاب، عقوبت
torment of separation	شکنجه فراق
torn cloak	خرقه ممزقه
total absorption	استغراق
total adoration	عبودت

theoretical unveiling	کشف نظری
<i>theos agnostos</i>	خدای ناشناختنی
theosis	عرفان (= شناخت)
theosophers	الاهیون، اهل تحقیق، اهل حکمت
<i>theosophia</i>	حکمت
theosophy	حکمت، حکمت الاهی
theosophy of Light	حکمت اشراق
thingness	شیئیت
thinker	متفکر
thinking	تفکر، فکر (= تفکر)
third world	برزخ
this-ness	ائیّت
those of vision	صاحب نظران
those who reached the union	واصلان
thought	پندار، خاطر، فکر (= صورت ذهنی)
thoughtful soul	نفس ناطقه
thoughtlessness	رُعونت
threat	وعید
threatening	وعید
threat of punishment	وعید
three kingdoms	مولّدات ثلاث
three progenies	مولّدات ثلاث
threshold	آستانه، درگاه، عتَبه
threshold of gnosis	عتَبه عرفان
threshold of servitude	عتَبه عبودیت
throes of ecstasy	غلبات وجد
Throne, the	عرش

thank, to	شکر کردن
thanks	شکر
thanksgiving	شکر
thaumaturgies	کرامات
theologians	اصحاب کلام، اهل علم
theology	الاهیات (= علم کلام)، دین
theomorphosed	مألوه
theopathic locutions	شطحات
theophanic form	مظهر
theophanic locutions	شطحات، شطحیات
theophany	تجلی، تجلی الاهی
theophany of Divine Acts	تجلی افعال
theophany of Divine Names	تجلی اسمائی
theophany of Majesty	تجلی جلال
theophany of the Attributes	تجلی صفات
theophany of the Beauty	تجلی جمال
theophany of the Divine Essence	تجلی ذات الاهی
theophany of the Essence	تجلی ذات
theophany of the Most Omnipotent	تجلی اقهر
theophany the Most Holy	تجلی اقدس
theoretical faculty	قوة علمی
theoretical gratitude	شکر علمی
theoretical intellect	عقل نظری
theoretical knowledge	معرفت نظری
theoretical mysticism	عرفان نظری
theoretical science	علم نظری
theoretical Sufism	عرفان نظری

temple of idols	بت خانه، بتکده
temporally originated being	وجود حادث
temporally originated meanings	معانی محدثه
temporally produced	حادث
temptation	اغراء، اغواء، بلا، فتنه، وسواس، وسوسه
temptation of Satan	وسوسه شیطانی
temptation of the soul	وسوسه نفسانی
<i>tempus discretum</i>	زمان منفصل
tenderness	حنان، رقت دل، لطف
tenebrous	ظلمانی
tenet	ملت (= آیین)
tenuity	رقیقہ
term	اجل (= سرآمد)
terminology	اصطلاح
terrestrial angels	ملائکۂ ارضیہ
terrestrial life	حیات دنیا
terrible	هایل
Terrible in Punishing, the	شدیدالعقاب [خداوند]
Terrible in Punishment, the	شدیدالعذاب [خداوند]
Terrible in Tribulation, the	شدیدالعذاب [خداوند]
terror	ترس، خوف، روع، هول و هراس
test	امتحان، بلا (= آزمون)
testing	امتحان
thank	شکر
thankful	سپاس گزار، شاکر، شکور
thankfulness	سپاس گزاری، شکر
thanking	شکر، شکرگزاری

taste	ذوق، طعم
taste of beauty	ذوق جمال
taste of devotion	طعم عبادت
taste of gnosis	طعم عرفان
taste of God's witnessing	ذوق شهود
taste of intimacy	ذوق انسی
taste of love	ذوق محبت
taste of proximity to God	ذوق قربت حق
taste of witnessing	ذوق شهود
tasting	ذوق
Tavern	خرابات، میخانه
Tavern-corner	کنج خرابات، گوشه میخانه
tavern-door	در میخانه
tavern-frequenter	خراباتی
Tavern of Magians	خرابات مغان
tavern of the spirit	خرابات روح
tavern of the world	خرابات دنیا
teacher	معلم
teacher of angels	معلم ملائکه
teacher of the human being	معلم انسان
teaching through Divine inspiration	الهام
tearful, the	اهل بکاء
tearing one's garment	خرقه دریدن
temperament in equilibrium	مزاج متعادل
temperament of search and aspiration	مزاج طلب و ارادت
temple	هیكل

T

taboos	محرمات
taint	زنگار، کدورت
take inquiry of the welfare, to	تفقد کردن
take pity, to	ترحم کردن
take shelter in, to	پناه بردن به
taking care	مواظبت
taking enjoyment	تنعم
taking heed	اعتبار (≠ تفسیر)
taking of the Covenant	اخذ میثاق
taking pleasure	تلذذ
taking shape	تشکل
taking the word back to	تاویل
taking trouble	تکلف
talebearing	نمیمه
talent	فضل
tale of love	حدیث عشق
talisman	تعویذ، طلسم
talking to oneself	حدیث نفس
task	شان

Sympathetic, the
 sympathetic ecstasy
sympathetica
 sympathy
 synthesis
 synthetical being

عطوف [خداوند]
 تواجد (= اظهار حالت وجد)
 همدمی
 رحمت، غم خواری، همدمی
 جمع، جمعیت
 کون جامع (= انسان کامل)

sway of God	غلبه حقّ
sweet	طیّب
sweet of song	خوش الحان
sweetheart	جانان، دل‌بر، دل‌ستان، نگار
sweetness	حلاوت
sweetness of being	حلاوت وجود
sweetness of existence	حلاوت وجود
sweetness of faith	حلاوت ایمان
sweetness of invocation	حلاوت ذکر
sweetness of remembrance	حلاوت ذکر
swelling	نفخه
swerving	میل (= انحراف از طریق)
Swift in punishing, the	سریع العقاب [خداوند]
Swift in reckoning, the	سریع الحساب [خداوند]
swift traversal on the earth	طی الارض
swindler	مخادع
swindling	خدعه
swoon	سُکَر
swooning	غَشَّیت
symbol	اشاره
symbolic allusion	اشاره
symbolic figuration	تمثیل
symbolic interpretation	تأویل
symbolic sign	مرموز
symbolic tale	مرموز
symbolic utterance	اشاره
symbols	شعائر

Supreme Name	اسم اعظم
supreme plenum	ملاً اعلیٰ
supreme purpose	مقصد الأسنى
supreme receptivity	قبول اعلیٰ (= عقل اَوَّل)
supreme signs	آیات کبریٰ
Supreme Spirit	روح اعظم
supreme splendor	بهجت کبریٰ
supreme talisman	طلسم اعظم
supreme union	اتحاد اعلیٰ
supreme zenith	اعلیٰ علیّین
sure faith	ایمان قطعی
surmise	ظنّ
predominant surmise	ظنّ غالب
surpassing others	تفاضل [نظریّه ابن عربی]
surrendering to God	تسلیم خدا
surrender oneself to God, to	تسلیم حقّ تعالی شدن
Surveyor, the	رقیب [خداوند]
survival	بقا
susceptible	قابل (مفعول)
suspicion	سوء ظنّ
suspiciousness	تُهْمَت
Sustainer, the	رزّاق [خداوند]
Sustaining Quality of God	صفت قیومی خداوند
sustenance	قُوّت
suzerainty	ربوبیت
sword	چمن
sway	سلطه

superior spirits	ملاً اعلیٰ
supernal entities	علویات
supernal lights	انوارِ علوی
supernal world	عالمِ علو
supernatural voice	هاتف
supersensible world	عالمِ غیب
superstition	خرافه
suppliant	نیازمند
supplication	تضرع، توسل، دعا، نیاز، درخواست
supplications between man and God	مناجات
supplicatory prayer	دعا
support	تأیید
support of life	ریحان
Supports	اوتاد
suppress one's lusts, to	سرکوب کردن هواها
supra-sensory	معنوی
supreme	اعلیٰ
Supreme, the	اعلیٰ، علیّ [خداوند]
supreme assembly	ملاً اعلیٰ
supreme <i>Barzakh</i>	برزخِ اعلیٰ
supreme bliss	سعادتِ عظمیٰ
supreme dominion	ملکوت
Supreme First	اوّلِ اعلیٰ
supreme happiness	سعادتِ عظمیٰ
supreme joy	بهجتِ کبریٰ
Supreme Lord	ربِّ اعلیٰ
Supreme Monarch	مالکِ مطلق [خداوند]

summary of existence	خلاصه موجودات
summit of servitude	ذروه عبودیت
summoning	احضار
summoning men unto God	دعوت بندگان به حق
summons	ندا
sunlight of dignity	آفتاب عزّت
sunlight of existence	آفتاب وجود، آفتاب هستی
sunlight of glory	آفتاب جلال
sunlight of gnosis	آفتاب معرفت
sunlight of grandeur	آفتاب کبریا
sunlight of knowledge	آفتاب معرفت
sunlight of revelation	آفتاب تجلّی
sunlight of the intellect	آفتاب عقل
sunlight of the soul	آفتاب جان
sunlight of the spirit	آفتاب روح
sunlight of the Truth	آفتاب حقّ
sun of eternity	آفتاب ازل
Sunni Muslim	سُنی
superbness	جبروت
super-elect	خاصّ الخاصّ
supererogatory	تطوّعی، استحبّابی
supererogatory prayer	نافله
supererogatory work	نافله
superexistence	بقا
superficial scholars	علماء قشری
superior angels	رؤسای ملائکه، ملائکه عالون
superiority	برتری، مزیت، فضل،

Sufi	درویش، صوفی، فقیر
Sufis, the	اهل تصوّف، اهل طریقت، صوفیّه، متصوّفه
Sufi audition	سماع
Sufi centre	خانقاه، رباط، زاویه
Sufi circle	حلقه صوفیانه
Sufi circle of invocation	حلقه ذکر
Sufi convent	رباط
Sufi garb	جامه صوفی
Sufi gatherings	مجالس
Sufi hospice	خانقاه
Sufi master	استاد، پیر، شیخ
Sufi masters	مشایخ طریقت
Sufi meeting place	خانقاه
Sufi monastery	خانقاه
Sufi sciences	علوم صوفیه
Sufi of intermediate rank	متوسّطین
Sufi order	طریقت (= سلسله)
Sufi orders	طوائف تصوّف
Sufi session	مجلس
Sufism	تصوّف، صوفیگری
Sufi teachings	تعالیم صوفیه
(Sufi) way	طریقت
Sufis	ارباب تصوّف، اصحاب تصوّف
Sufis of intermediate rank	اوساط (= متوسّطان در سلوک)
suggestion	لمح، وسوسه
suggestion of the devil	وسوسه شیطانی

Substitutes	آبدال
substratum	ماده
subtile world	عالم مثال
Subtle, the	لطیف [خداوند]
subtle allusions	اشارات لطیف
subtle being	لطیفه (= قلب)
subtle body	جسم مثالی
subtle engendered beings	اکوان لطیفه (= اشیاء عالم مثال)
subtle essence	لطیفه [روحی]
subtle point	دقیقه لطیف
subtle spirit	روح لطیف
subtle things	لطائف
subtleties of actions	دقایق اعمال
subtleties of wisdom	لطایف حکمت
subtlety	دقیقه، لطافت
subtlety of disposition	لطافت طبع
subtle world	عالم لطیف (≠ عالم کنیف)
success	فلاح
successful	موفق
success given by God	توفیق الاهی
succession of self-disclosures	توالی تجلیات
succession of theophanies	توالی تجلیات
successor of the Messenger	خلیفه پیامبر (ص)
succumb, to	تسلیم شدن
sudden death	اجل ناگهانی، مرگ مفاجات
suffering	تألم، محنت
suffering injustice	تغابن

Subjugating, the	قاهر [خداوند]
subjugating force	قهر
Sublime, the	ماجد [خداوند]
sublime assembly	ملاً اعلیٰ
sublime character	خُلُق عظیم
sublime company	ملاً اعلیٰ
sublime host	ملاً اعلیٰ
sublime morality	خُلُق عظیم
sublime morals	خُلُق عظیم
sublime nature	خُلُق عظیم
submission	انقیاد، تسلیم، تفویض، تواضع، خشوع، خضوع
submission to God's pleasure	رضا
submissive	خاضع
submissiveness	انقیاد، تواضع، خشوع
subordinate	تابع
subordination	تسلیم
subordination to passion	متابعت هوا
subservience	تعبد
subsistence	بقا، دوام
subsistence of subsistence	بقاء البقاء
subsistence through God	اقامت به حق
subsistence with God	بقاء باللّٰه
subsistent	باقی
Subsistent, the	باقی، قیوم [خداوند]
subsistent by itself	غنی بالذات
substance of lowliness	مایهٔ خست

strength	قدرت، قوّت، قوّه
strengthening	تمکین (≠ تلوین)
strenuous effort	ریاضت
strife	جهاد
strike similitude, to	ضرب امثال، مثل زدن
stripped of attributes	مسلوب الاوصاف
stripping	تجرید
striving	مجاهدت
striving for virtuous purification	مجاهده
strong	متین
strong rope	حبل المتین
Strong, the	عزیز، قوی [خداوند]
strong longing	رغبت شدید
strongly clear	محکم (≠ متشابه)
struggle	جهاد
struggle against the desires of the carnal soul	جهاد اکبر
struggler	مجاهد
struggling against the soul	مجاهدت با نفس
strutting	تبختر
student	تلمیذ (≠ شیخ)
stupefaction	دهشت
Subduer, the	قَهّار [خداوند]
subject, the	رعیّت
subjected	خاضع
subjective journey	سیر انفسی
subjective voyage	سیر انفسی

stopping	وقوف
stopping place	منزل، موقف
storehouse	خزینہ
storehouse of humanity	خزینہٴ انسانیت
storehouse of imagination	خزانہٴ خیال
storehouse of nature	خزانہٴ طبیعت
storehouse of secrets	خزینہٴ اسرار
storehouse of senses	خزانہٴ محسوسات (= خیال)
storm of gnosis	توفان معرفت
story	حدیث، سخن، حکایت
storyteller	قَوّال (سرائندہ)
straight	مستقیم
straight-for-wardness	استقامت
Straight Path	صراط مستقیم
straitenedness	تنگ دستی
straitness	حرج
strangeness	بیگانگی
stranger	بیگانه، غریب، غیر، نامحرم
strata	طبقات
stratagem	خدعہ، کید، مکر
stratagems of the soul	مکاید نفس
stray thought	خاطر، وہم
street	کوی
street of friend	کوی یار
street of Magians	کوی مغان
street of profligates	کوی رندان
street of Tavern	کوی خرابات، کوی میکده

station of the Seal of saintship	مقام ختم ولایت
station of tranquillity	مقام اطمینان
station of unicity	مقام احدیت
station of union	مقام اتحاد، مقام اتصال، مقام جمع
station of union of union	مقام جمع الجمع
station of unknowing	مقام جهل
station of unveiling	مقام کشف
station of veiling	مقام حجاب
station of wonder	مقام حیرت
stations	مقامات
stations of spiritual establishment	مقامات
stations of the gnostics	مقامات العارفین
status	مرتبه
steadfast	مستقیم
steadfastness	استقامت، تمکین (≠ تلوین)
stead of the soul	توسن نفس
stenches of the Hell	روائح نار
stenches of the Fire	روائح نار
step	درجه، مرتبه
steps to the highest of the high	معارج اعلیٰ علیین
Steward of God	خلیفه الله
stillness	سکون
stillness of the soul	سکون نفس
stimulus of joy	رغبت ذوق
stinginess	بخل
stock	اصل
stop	وقفه

station of perfection	مقام کمال
station of perplexity	مقام حیرت
station of pleasure	مقام رضا
station of poverty	مقام فقر
station of Prophecy	مقام نبوت
station of proximity	مقام عندیت، مقام قرب
station of purity	مقام صفا
station of realization	مقام تحقق (≠ مقام تخلّق)
station of reliance	مقام توکل
station of repentance	مقام توبه
station of reproachfulness of soul	مقام لواّمگی نفس
station of satisfaction	مقام رضا
station of self-disclosure	مقام تجلّی
station of self-examination	مقام مراقبت
station of separation	مقام تفرقه، مقام تفرید
station of servanthip	مقام عبودیت
station of servitude	مقام عبودت، مقام عبودیت
station of showing	مقام ارائت
station of simplicity	مقام مفردی
station of spiritual discovery	مقام کشف
station of spiritual synthesis	مقام جمعیت
station of spiritual will	مقام همّت
station of stability	مقام تمکین
station of the angels	مقام ملّکی
station of the Imamate	مقام امامت
station of the isthmus	مقام برزخ
station of the Quran	مقام قرآن

station of elemental	مقام عنصری
station of equilibrium	مقام اعتدال
station of essence	مقام ذات
station of expansion	مقام بسط
station of friendship	مقام خَلَّتْ
station of generation	مقام تَکْوِین
station of glorification	مقام تعظیم
station of gnosis	مقام معرفت
station of gratitude	مقام شکر
station of grief	مقام حزن
station of hope	مقام رجاء
station of ignorance	مقام جهل
station of immediacy	مقام بی واسطگی
station of immediate proximity	مقام عندیّت
station of intercession	مقام شفاعت
station of jealousy	مقام غیرت
station of <i>Khadhir</i>	مقام خضر
station of King of the Kingdom	مقام مَلِکِ المُلْک
station of knowledge	مقام علم، مقام معرفت
station of Lordly illumination	مقام فتح ربّانی
station of messengership	مقام رسالت
station of mutability	مقام تلوین
station of nearness	مقام قرب
station of no station	مقام لامقامی
station of oneness	مقام احدیّت، مقام
	واحدیّت، مقام وحدت
station of patience	مقام صبر

state of perfect veracity	جایگاه صدق
state of seeking	نیاز (= طلب)
state of sobriety and composure	حال صحو و تمکین
state of spiritual changes	حال
state of (spiritual) union	مقام جمعیت
states	شؤون (= مراتب وجود)
station	مقام، منزل
stationary	ساکن
station of affection	مقام شفقت
station of assuming traits	مقام تخلّق (= مقام تحقّق)
station of attributes	مقام صفات
station of awe	مقام هیبت
station of "Be"	مقام "کُن"
station of beneficence	مقام احسان
station of birdhood	مقام مرغی
station of blandishment	مقام ناز
station of certainty	مقام یقین
station of clay	مقام خاکی
station of clothing oneself	
in the Divine characteristics	مقام تخلّق به اخلاق رحمانی
station of commanding	مقام امارگی
station of contemplation	مقام مشاهدت
station of contraction	مقام قبض
station of desire	مقام همّت
station of differentiation	مقام فرق
station of discernment	مقام فرقان
station of dust	مقام خاکی

stage of reason	طور عقل
stage of spirit	مرتبه روح
stage of the body	مرتبه جسد
stage of the guide	مقام دليل
stage of the Names	مرتبه اسماء
stage of Unity	مرتبه احدیت
stages	مدارج، مراحل، مقامات، منازل
stages of nearness to God	منازل قرب
stain	آلودگی
stairs	معارج
staking one's all	پاک بازی
stamp of createdness	وَصْمَت (مُهر) حدوث
standing	رتبه، مرتبه
starless celestial sphere	فلک اطلس
starvation	فاقه (= نیازمندی)
state	حال، شأن، هیأت
statement	حدیث (= سخن)
state of a bird	مقام مرغی
state of being dependent on God	افتقار
state of boasting	مقام ناز
state of contraction	قبض
state of fruit-bearing	مقام مثمری [ثمردهی]
state of gain	حال وجد
state of ignorance	جاهلیت
state of internal	
revelation and contemplation	حال کشف و شهود
state of loss	حال فقد

Spiritual Way	طریقت
spiritual warfare	جهاد با نفس
spiritual wayfaring	سلوک
spiritual will	همت
spiritual witnessing	مشاهده روحانی
spiritual world	عالم امر، عالم روحانی، ملکوت
<i>spiritus</i>	روح
<i>Spiritus Dei</i>	روح الله
splendid	کریم
splendour	بهاء، جلال، جلالت، فروغ
Splitter, the	فالق [خداوند]
spouse	زوج
spreading dawn	فجر صادق
spreading of existence	سریان وجود
Spring of Life	چشمه حیات، چشمه زندگانی
stability	ثبات
stability (of one's inner state)	تمکین (تخلوین)
stage	درجه، مرتبه، مرحله، مقام، منزل، منزلت
stage of astonishment	مقام حیرت
stage of being substitute	مقام بدلیت
stage of certainty	مرتبه ایقان
stage of duality	مقام ثنویت
stage of faith	مرتبه ایمان
stage of imagination	مرتبه خیال
stage of Imamate	مرتبه امامت
stage of intellect	طور عقل
stage of man	مرتبه انسان

spiritual realities	روحانیات، معانی
spiritual reality	حقیقت روحانی، معنا
spiritual remoteness	بعد (بجای قرب) معنوی
spiritual retirement	اعتکاف
spiritual retreat	اعتکاف، خلوت
spiritual root	ملکوت
spiritual sacrifice	بذل روح
spiritual self	باطن [اسم]
spiritual soul	نفس روحانی
spiritual state	حال، وقت
spiritual stations	مقامات
spiritual steadfastness	استقامت
spiritual stress	قبض
spiritual strife	مجاهده
spiritual struggle	مجاهدت
spiritual taste	ذوق
spiritual teacher	پیر
spiritual torment	عذاب معنوی
spiritual truth	حقیقت، حقیقت روحانی
spiritual unveiling	کشف/مکاشفه روحانی
spiritual virtue	احسان [مرحله‌ای پس از اسلام و ایمان]
spiritual vision	بصیرت ربّانی، دیدن با قلب، کشف، مشاهده روحانی
spiritual visitations	تنزّلات روحانی
spiritual voyage	سیر انفسی
spiritual wakefulness	بیداری (= صحو)
spiritual wanton	رند

spiritualization of	
the corporeal bodies	تَرَوُّح اجسام
spiritual journey	إِسراء، سفر روحانی، سیر انفسی
spiritual leaning	ذوق
spiritual light	نور روحانی
spiritual love	حُبّ روحانی، محبّت
(spiritually) immature	خام
(spiritually) mature	پخته (= بالغ)
spiritually purified	مَهْدَب
spiritual manifestation	تَجَلّی روحانی
spiritual master	پیر، شیخ
spiritual ministry	ولایت (= ولیّ بودن)
spiritual passion	شَهوت روحانی
spiritual Path	طریقت
spiritual physician	طیب روحانی
spiritual pleasure	رضا
(spiritual) poverty	درویشی (فقر)
spiritual practices	معاملات
spiritual preceptor	پیر، شیخ
spiritual presence	برکت
spiritual punishment	عذاب معنوی
spiritual pupil	مرید
spiritual purification	طهارت روحانی، طهارت معنوی
spiritual purity	صفای روحانی، طهارت روحانی، طهارت معنوی
spiritual quest	طلب
spiritual questions	مسائل قدسی

spiritual comportment	ادب
spiritual concert	سماع
spiritual contraction	قبض
spiritual death	مرگ دل، موت معنوی
spiritual determinations	تعیّنات روحی
spiritual director	پیر
spiritual distance	بعد معنوی (≠ قرب معنوی)
spiritual dominion	ملکوت
spiritual energy	همّت
spiritual exercise	ریاضت
spiritual expansion	بسط
spiritual experience	حال، مشاهده
spiritual eye	بصیرت
spiritual eyesight	چشم بصیرت
spiritual father	ربّ روحانی
spiritual favours	فتوح
spiritual feeling	حال
Spiritual Garden	جنت معنوی
spiritual guide	پیر، مرشد
spiritual hermeneutics	تأویل
spiritual inrushes	واردات روحانی
spiritual insight	فراست، معنا
spiritual inspirations	واردات روحانی
spiritual invocation	ذکر معنوی (= ذکر قلبی)
spiritualist	صاحب دل
spirituality	روحانیت، معنویت
spiritualization	تروّح

pure Muhammadan spirit	روح پاک محمدی
pure spirit	روح مجرّد
rebellious spirit	روح سرکش
sanctified spirit	روح مقدّس
subtle spirit	روح لطیف
Supreme Spirit	روح اعظم
Universal Spirit	روح کلی
vegetable spirit	روح نامیه
vegetative spirit	روح نامیه
spirits ecstatic with love of God	مهیّمون
spiritual	روحانی، لاهوتی، معنوی
spiritual action	عمل سرّ
Spiritual Adam	آدم روحانی
spiritual affinity	انجذاب روحی
spiritual ambition	همت
spiritual domains	ممالک روحانی
spiritual animus	جان روحانی
spiritual ascent	معراج
spiritual aspiration	همت
spiritual attraction	انجذاب روحی
spiritual audition	سماع
spiritual being	لطیفه (= قلب)
spiritual beings	روحانیات
spiritual brides	أعراس (= تجلیات روحانی الاهی)
spiritual child	فرزند معنوی
spiritual clarity	صفای روحانی
spiritual combat	جهاد با نفس، مجاهده

Spirit of God	روح الله
Spirit of Holiness	روح القدس
spirit of man	روح انسانی
spirit of ritual prayer	روح نماز
Spirit of Saintity	روح القدس
spirit of <i>ṣalât</i>	روح نماز
Spirit of Sanctity	روح القدس
spirit of Satan	روح شیطان
spirit of the act	روح عمل
spirit of the angel	روح مَلَك
spirit of the deed	روح عمل
spirit of the Devil	روح ابلیس
spirit of the jinn	روح جنّ
All spirit	روح کلّ
angelic spirit	روح مَلَکی
command spirit	روح امری
Divine Spirit	روح الاهی
Faithful Spirit	روح الامین
governing spirit	روح مدبّر
higher spirit	روح علوی
holy spirit	روح قدسی
human spirit	روح بشری
immaterial soul	روح مجرّد
lower spirit	روح سفلی
Muhammadan Spirit	روح محمدی
partial spirit	روح جزئی
particular spirit	روح جزئی

specific purification	طهارت خاص
specific saintship	ولایت خاصه
specific sending forth, the	بعث خاص
specific Uprising, the	بعث خاص
spectacle-place	منظر
spectator	ناظر
speculation	تأمل، تعمق، تفکر، نظر، توجّه
speculative sciences	علوم عقلی
speech	بیان، حرف (هر جزئی از هر موجود)، صحبت، نطق
speechlessness	سکوت
sphere of constellations	فلک البروج
sphere of Divine power	عالم جبروت
sphere of life	فلک حیات
sphere of the fixed stars	فلک ثوابت
sphere of the moon	فلک قمر
sphere of the moon's mansions	فلک المنازل
sphere of the spheres	فلک الافلاک
celestial sphere	فلک
first sphere	فلک الافلاک
highest sphere, the	فلک اعلیٰ، فلک الافلاک
lowest sphere, the	فلک اقصیٰ
starless celestial sphere	فلک اطلس
spirit	جان، روان، روح، قلب
spirit breathed in by God	روح دمیده
Spirit of Allah	روح الله
spirit of devotion	روح عبادت
spirit of faith	روح ایمان

source of wisdom	اُمّ حکمت (= معرفت نفس)
sources of realities	اُمّهات حقایق
Sovereign, the	سلطان، مالک، محیط [خداوند]
sovereign encompassment	احاطهٔ قیومی
sovereign of Jealousy	سلطان غیرت
sovereign of Names	سلطان اسماء
sovereign of Time	سلطان وقت
Sovereignty, the	ربوبیت، سلطنت، سلطه، ملکوت [خداوند]
space of two bow-lengths	قاب قوسین
spatial confinement	تَحْیِزْ
Speaker, the	قائل، متکلم [خداوند]
Speaking, the	متکلم [خداوند]
special gifts	کرامات
special guidance	هدایت خاصّه
specialy cherished	نازنین
special mercy	رحمت خاصّ
special prophethood	نبوّت خاصّه (= رسالت)
special sainthood	ولایت خاصّه
special Self-disclosure	تجلّی خاصّ
special theophany	تجلّی خاصّ
specific	خاصّ (≠ عامّ)
specification	اختصاص، تخصّص، تخصیص
specific face	وجه اخّصّ
specific guidance	هدایت خاصّه
specific light	نور خاصّ
specific mercy	رحمت خاصّ

souls of compound bodies	نفوس مرکبات
souls of elemental bodies	نفوس اجسام عنصری
souls of ethereal centres	نفوس مراکز اثیری
souls of minerals	نفوس معادن
souls of planets	نفوس سیارات
souls of simple bodies	نفوس مفردات
souls of the centres	نفوس مراکز
souls of the elements	نفوس عناصر
souls of the fixed stars	نفوس ثوابت
souls of the Pen	نفوس قلم
souls of the Tablet	نفوس لوح
souls of the Throne	نفوس عرش
soul's perishing	فناء نفس
soul's sicknesses	امراض نفس
soul's wiles	کید نفس
soul that inspires evil	نفس امّاره
soul who blames	نفس لوّامه
soul who orders	نفس امّاره
sound	آواز، درست، سلیم، محکم
sound cloak	خرقه صحیحه
sound dream	روّیای صالحه
sound heart	قلب سلیم
sound in discernment	سلیم التّظر
sound judgement	عقل سلیم
soundness of character	صحت سریرت
soundness of consciousness	صحت سریرت
Source of Peace, the	سلام [خداوند]

solitary	وحید
solitary, the	مفرد فرد (همتای
	قطب با نقشی متفاوت)
Solitary, the	فرد [خداوند]
solitary life	خلوت
solitary time	زمان فرد
solitude	انزوا، تنهایی، خلوت، عزلت، وحدت
song	آواز، سماع
song of assemble	سرود مجلس
son of the moment	ابن الوقت
son of the present state	ابن الحال
<i>Sophia Aeterna</i>	حکمت خالده
<i>Sophia perennis</i>	حکمت خالده
sorcerer	ساحر
sorcery	سحر
sordid	پست، دنی
sordidness	پستی
sorrow	اندوه، حزن، حسرت، غم
sought	مُراد
Sought-after Entity	عین مقصوده (= انسان کامل)
sought object	مطلوب
soul	جان، خود، دل، روان، نفس
soul at peace	نفس مطمئنّه
soul commanding evil	نفس امّاره به سوء
soul of man	نفس انسان
soul of the heart	جان دل
soul-seeing eye	دیدۀ جان‌بین

slighting	استخفاف
sluggish nature	افسردگی طبع
sluggishness	افسردگی طبع
slumber of heedlessness	خواب غفلت
smaller holy struggle	جهاد اصغر
small human being	انسان صغیر
smallness of soul	صِغَر نفس
smitten	مبتلا
snare	دام (کنایه از جلوه‌های فریبنده دنیا)
snare of deceit	دام تزویر
sneer	تمسخر
sneering	استهزا
sober	صحو (≠ سکر)
sober, the	اهل صحو
soberness	صحو
sobriety	صحو
sobriety after effacement	صحو بعد از محو
sobriety and effacement	صحو و محو
social intercourse	مجالست
society	صحبت
society of mankind	جمله خلق
solar sainthood	ولایت شمسیّه
soldiers of the heart	جنود قلب
Sole Predestinator, the	مقدّر [خداوند]
solicitation	التجاء
solicitude	عنایت، مراعات
solidness	اتقان

singleness	فردانیت، وحدت
singleness of worship and devotion	توحید در عبودیت
single soul	نفس واحده
singularity	فردانیت، فردیت
sinlessness	عصمت
sinner	عاصی، گناه کار، مجرم، مذنب
sitting	استواء، جلوس
sitting companion	جلس
sitting in solitude	خلوت نشین
sitting upon the Throne	استواء بر عرش
sitting with God in intimacy	مجلس نجوی
six degrees	مراتب ستّه
six levels	مراتب ستّه
skepticism	جحود، شک
sky	فلک
sky of the Unseen	آسمان غیب
slackness of demeanor	انبساط
slandering	افترا
slain by the Beloved	کشته معشوق
slave	بنده، عبد، غلام
slave of God	عبداللّه
God's slave	بنده خدا، عبد مملوک
little slave	عَبْدٌ
slavery	عبودیت
Slayer, the	مُهِیت [خداوند]
sleeplessness	سَهَر (= بیداری)

great sin	گناه کبیره
minor sin	گناه صغیره
venial sin	گناه صغیره
sincere	بی‌ریا، خالص، مُخْلِص
Sincere, the	نصوح [خداوند]
sincere action	عمل خالص
sincere consecration	اخلاص
sincere devotee	صدِّیق
sincere devotees	صدِّیقین
sincere devotion	اخلاص
sincere friendship	خَلَّتْ
sincere intention	خلوص نیت
sincerely devoted, the	صدِّیقین
sincere person	صدِّیق
sincere repentance	توبهٔ نصوح
sincere saying	قول خالص
sincere utterance	قول خالص
sincerity	اخلاص، خلوص، صدق
sincerity in worship	احسان [در عبادت]
sincerity of desire	صدق ارادت
sinful	گناه‌کار
sinful believers	مؤمنان عاصی
sinfulness	رندی، فسق، فسوق، گناه، معصیت
singer of Sufi songs	قَوّال (سراینده)
singing oratorios	سَماع
single	وتر (≠ شفع)
Single, the	فرد، وتر [خداوند]

Divine signs	آیات الاهی
God's signs	آیات حقّ
perspicuous signs	آیات بینات
supreme signs	آیات کبریٰ
traditionally transmitted signs	آیات سمع
signeural light	نور اسفہدی
signpost	عَلَم (= نشانه)
signposts	أعلام
signposts of the Unseen	أعلام غیوب
signs of contemplation	آیات تفکّر
signs of faith	آیات ایمان
signs of knowledge	آیات علم
signs of similarity	آیات تشبیه
signs of the intellect	آیات عقل
signs of the Truth	آیات حقّ
signs upon the horizons	آیات آفاقی
signs upon the souls	آیات انفسی
signs (with)in themselves	آیات انفسی
silence	خاموشی، سکوت، صمت
silent	خموش
silent knowledge	علم صامت
similarity	تشبیه
similitude	مَثَل
simple	بسیط
simple souls	نفوس بسیطه
sin	جرم، خطیئہ، ذنب، گناہ، معصیت
greater sin	گناہ کبیرہ

sheaf	خوشه
sheer Being	صرف الوجود
sheer compulsion	جبر محض
sheer good	خیر محض
sheer goodness	خیر محض
sheer infidelity	کفر محض
sheer polytheism	شرک محض
shell	قشر (≠ لب)
shining	تجلیه، لایح، درخشان، نورانی
shore of sobriety	ساحل صحو
showing courtesy	تأدب
showing humility	تضرع
showing mercy	رفق، مدارا
showing off	ریا
showing piety	تنسک
show of honesty	ریا
show self-conceit, to	اظہار رعونت نفس
sibling	قرین، ہم نشین
sick eye	چشم خمار
side	طرف
sigh	آہ
Sigh of God	حنین خدا
Sigh of the Compassionate	نَفْسُ الرَّحْمَنِ
sight	بَصَر، مشاہدہ
sign	آیہ (= نشانہ)
anthropomorphic signs	آیات تشبیہ
clear signs	آیات ینبات

severe warning	وعید
severing ties	قطع علائق
severity	سَطَوَت، قهر
sexual desire	شَهَوَت
sexual passion	شَهَوَت جنسی
sexual union	نکاح
shade	سایه
shadow	سایه، ظَلّ، ظلمت
shadow of God	ظَلّ اللّٰه
shadowy being	وجود ظَلّی
shaikh	شیخ
shame	حیا، شرم
shame before God	شرم از خداوند
Shaper, the	مَصوِّر [خداوند]
share	حِظّ، سهم، نصیب
shared aspect	وجه مشترک (≠ وجه اخَصّ)
shared face	وجه مشترک (≠ وجه اخَصّ)
shared terminology	لفظ مشترک
sharer of Divine secrets	مَحرم سرّ الاهی
<i>Shari'ah</i>	شریعت
sharing in expression	اشتراک لفظی
sharing in names	اشتراک در اسم
sharing in verbal form	اشتراک لفظی
sharing of Names	اشتراک در اسم
sharing of terminology	اشتراک در لفظ
shattered heart	خسته دل
shaykh	استاد، شیخ

servant of the Vigilant	عبدالمهيمن
servant of the Willing	عبدالمريد
servant of the Withholder	عبدالمانع
servant of the Witness	عبدالشَّهيد
servant of the Witnesser	عبدالشَّهيد
servants	خادمان (= مقيمَان خانقاه)
servantship	عبوديت
served	معبود
service	بندگي، عبادت، عبوديت
service (of God)	خدمت
servitude	بندگي، عبودت، عبوديت
servitude of compulsion	عبوديت اضطرار
servitude of direction	عبوديت تصريف
servitude of free will	عبوديت اختيار
servitude of possibility	عبوديت امكان
servitude of the spirit	عبوديت روح
session for the recollection of God	مجلس ذكر
setting down <i>sth</i> as custom	سنت گذاري
setting free	رهايي بخش
settling disputes	اصلاح ذات البين
Seven Cities of Love	هفت شهر عشق
seven heavens	هفت آسمان
seven skies	هفت آسمان
seven Substitutes	أبدال سبعة
severance	انقطاع، فرقت
severance of bonds	قطع تعلق
severe austerity	رياضت

servant of the Pardoner	عبدالعفور
servant of the Patient	عبدالصبور
servant of the Patron	عبدالمولى، عبدالولى
servant of the Peace	عبدالسلام
servant of the Perceiver	عبدالواجد
servant of the Powerful	عبدالعزیز، عبدالقادر
servant of the Praiseworthy	عبدالحمید
servant of the Preserver	عبدالحافظ
servant of the Protector	عبدالمهيمن
servant of the Provider	عبدالرزاق، عبدالرزاق
servant of the Real	عبدالحق
servant of the Reckoner	عبدالحسيب
servant of the Relenter	عبدالتراب
servant of the Restorer	عبدالمعيد
servant of the Restrainer	عبدالقابض
servant of the Resurrector	عبدالباعث
servant of the Righteous	عبدالبر
Servant of the Seeing	عبدالبصير [اسم رمزی ابدال]
servant of the Seer	عبدالبصير [اسم رمزی ابدال]
servant of the Sublime	عبدالماجد
servant of the Surveyor	عبدالرقیب
servant of the Transcendent	عبدالمتعالی
servant of the Trustee	عبدالوكيل
servant of the Truth	عبدالحق
servant of the Unique	عبدالاحد
servant of the Vast One	عبدالواسع
servant of the Vengeful	عبدالمنتقم

servant of the Innovator	عبدالبدیع
servant of the Inward	عبدالباطن
servant of the Judge	عبدالْحَكَم
servant of the Just	عبدالعدل، عبدالْمَقْسُط
servant of the King	عبدالْمَلِك
Servant of the Knowing	عبدالْعَلِیم [اسم رمزی اوتاد]
servant of the Last	عبدالْآخِر
servant of the Light	عبدالنور
Servant of the Lord	عبدالرَّب [اسم رمزی امام]، عبدالوالی
Servant of the Loving	عبدالودود [اسم رمزی ابدال]
servant of the Magnificent	عبدالْمَتَكَبِّر
servant of the Majestic	عبدالْجَلِیل
servant of the Maker	عبدالْبَارِی
servant of the Merciful	عبدالرَّحِیم
servant of the Mighty	عبدالْعَزِیز
servant of the Most-High	عبدالْمُتَعَالِی
servant of the Most Pardoning	عبدالْعَفُو
servant of the Most Strong	عبدالْقَوِی
servant of the Munificent	عبدالْجَوَاد
Servant of the Nonmanifest	عبدالْبَاطِن
servant of the Omnipotent	عبدالْقَادِر
servant of the Omniscient	عبدالْعَلِیم
servant of the One	عبدالْوَاحِد
servant of the Outward	عبدالظَّاهِر
servant of the Overpowering Ruler	عبدالْجَبَّار
servant of the Overwhelming	عبدالْقَهَّار

servant of the Creator	عبد الخالق، عبد المبدع
servant of the Death-Giver	عبد المميت
servant of the Deferrer	عبد المؤخر
Servant of the Desirer	عبد المرید [اسم رمزی اوتاد]
servant of the Enduring	عبد الباقي
servant of the Enricher	عبد المغني
servant of the Eternal	عبد الصمد، عبد القديم
servant of the Everlasting	عبد الباقي
servant of the Ever-Living	عبد الحي
servant of the Exalter	عبد الرافع، عبد المعز
servant of the Existence-Giver	عبد الموجد
servant of the Food-Provider	عبد المقيت
servant of the Form-Giving	عبد المصور
servant of the Generous	عبد الجواد، عبد الكريم
servant of the Gentle	عبد الحليم
Servant of the Grateful	عبد الشكور [اسم رمزی ابدال]
servant of the Great	عبد الكبير
servant of the Guardian	عبد الحفيظ، عبد المقيت، عبد المهيمن
servant of the Guide	عبد الهادي
servant of the Guide to the Right Path	عبد الرشيد
servant of the Harmer	عبد الصار
Servant of the Hearer	عبد السميع [اسم رمزی ابدال]
Servant of the Hearing	عبد السميع [اسم رمزی ابدال]
servant of the Holy	عبد القدوس
servant of the Humiliator	عبد المذل
servant of the Inheritor	عبد الوارث

Servant of All-Comprehensive	عبدالجامع
servant of God	عبدالله
Servant of He-Who-Brings-Together	عبدالجامع
Servant of King	عبدالملك [اسم رمزی امام]
servant of the Active	عبدالفعال
servant of the Advancer	عبدالمقدم
servant of the All-Embracing	عبدالواسع
servant of the All-Forgiving	عبدالغفار
servant of the All-Good	عبدالرحمن
servant of the All-High	عبدالعلی
servant of the All-Holy	عبدالقُدوس
servant of the All-Knowing	عبدالعلیم
servant of the All-Potent	عبدالمقتدر
servant of the All-Powerful	عبدالقادر، عبدالقهار
servant of the Almighty	عبدالجبار
servant of the Answerer	عبدالمجیب
servant of the Arbitor	عبدالفتاح
servant of the Avenger	عبدالمنتقم
servant of the Aware	عبدالخبیر
servant of the Beautiful	عبدالجميل
servant of the Benefactor	عبدالمُنعم
servant of the Beneficial	عبدالمحسن
servant of the Besought	عبدالصمد
servant of the Bountiful	عبدالوهاب
servant of the Clement	عبدالحلیم
servant of the Compassionate	عبدالرحمن
servant of the Conquerer	عبدالفتاح

Sentence of <i>tawhîd</i>	کلمۀ توحید
separated intelligences	عقول مجرّده
separated time	زمان منفصل
separate from matter	مجرّد (= غیرمادی)
separateness	انفراد، انفصال
separation	افتراق، انفصال، انقطاع، جدایی، فراق، فصل، هجران
separation after unification	انصداع (= فرق بعد از جمع)
separation from creatures	انقطاع
separation of the inner being	تفرّد باطن
separation's night	شب هجران
separatists	اهل تفرقه
separative consciousness	فرق
separator	فرقان
Seraphiel	اسرافیل
Seraphiel's Trumpet	صُور اسرافیل
serenity	آرامش، اطمینان، صفا، طمأنینه
series	مراتب
seriousness	جدّ
sermon	موعظه، وعظ
sermons	مواعظ
serpent	اژدها (کنایه از نفس امّاره)
servant	بنده، عبد، غلام
servanthood	بندگی، عبودیت
servant-ness	عبودیت
Servant of Alive	عبدالحیّ [اسم رمزی او تاد]
Servant of Allah	عبدالله [اسم رمزی قطب]

internal senses	حواس باطن
inward sense	باطن [معنا]
outer senses	حواس ظاهر
outward sense	ظاهر [معنا]
visual sense	نظر حسی
sense perception	ادراک ظاهری
sensible	هوشیار
sensible experience	مشاهده (= تجربه حسی)
Sensible Garden	جنت محسوس
sensible world	عالم شهادت
sensory delights	مستلذات عالم شهادت
sensory form	صورت محسوس
sensory image	صورت محسوس
sensual affection	هوئی
sensual desire	خواستۀ نفس
sensual distance	بعد حسی
sensual influence	باعث نفسانی
sensual men	متابعان نفس
sensual passion	هوای نفس، هوئی
sensual pleasure	حظ نفس، لذت حسی
sensual pleasures	لذات حسی
sensual promptings	دواعی شهوانی
sensual remoteness	بعد حسی
sensual thoughts	معانی نفسانی
sensuous effect	تأثیر شهوانی
sensuous impression	تأثیر شهوانی
sentence	جمله

self-revelation	تَجَلَّى، تعرّف
self-satisfied	خودبین
Self-seller	خودفروش
self-subsistence	قیومیت
self-subsistent	قائم به نفس، قیوم مطلق
self-subsisting	قیوم
self-sufficiency	استغناء، غناء، ناز
self-sufficient	غنی بالذات
self-vigilance	مراقبه
self-watchfulness	مراقبه
self-will	هوی
self-willing	آزادی عمل، تدبیر، اختیار
self-worship	خودپرستی
self-worshipper	خودپرست
selves	أنفس
semblance	شکل
<i>semeia</i>	سیمیا
semicircle	قطر
sempiternal	قدیم
sending forth	بعث
sending (forth) the messengers	ارسال رسل
sense	حس [ظاهر و باطن]، وجه، معنا
common sense	عقل سلیم
external senses	حواس ظاهر
in its most general sense	بالمعنی الاعمّ
in its most particular sense	بالمعنی الاخصّ
inner senses	حواس باطن

selfish interest	بهره نفسانی، حظّ نفس، غرض نفسانی
selfish motives	اغراض نفسانی
selfishness	انانیّت، خودپرستی
selfish passing thought	خاطر نفسانی
selfish passing thoughts	خواطر نفسانی
selfish pleasure	حظّ نفس
selfish purpose	غرض نفسانی، مراد نفس
self-knowledge	خودشناسی، معرفه النفس
selflessness	ایثار
self-love	حبّ نفس
self-manifestation	تجلی
self-mortification	ریاضت، ریاضت نفس، مجاهدت
self of the situation	نفس الامر
self-ostentation	مراقبت
self possession	مالکیت بر نفس
self-presentation	تعرّض
self-preservation	صیانت نفس
self-purification	تزکیه نفس
self-purity	تهذیب نفس
self-realization	تحقق
self-rebuke	معاتبه
self-regard	خودبینی
self-reproaching soul	نفس لوّامه
self-respect	عزّت نفس
self-restoration	اثبات (بمحو)
self-restraint	امتناع، خودداری، کفّ نفس
self-revealing	تجلی، تعرّف

Self-Discloser, the	متجلی [خداوند]
self-disclosure never repeats itself	لا تکرّر فی التجلی
Self-disclosure of Divine Acts	تجلی افعال
Self-disclosure of Divine Names	تجلی اسمائی
Self-disclosure of the Most Holy	تجلی اقدس
Self-disclosure of the Most Omnipotent	تجلی اقهر
self effacement	امحاء نفس، فنا، محو
self-evident	ضروری (= بدیهی)
self-evident perception	ادراک بدیهی
self-exaltation	ترفع
Self-Exalter, the	متعالی [خداوند]
self-examination	محاسبه، محاسبه نفس، مراقبه
self-exertion	تعمّل (≠ اختصاص)
Self-Existent, the	قیوم [خداوند]
self-giving	ایثار
self-giving, the	اهل ایثار
self-glorification	ناز
Self-Great, the	متکبر [خداوند]
Self-High, the	متعالی [خداوند]
selfhood	خودی
self-independence	غنا
self-indulgence	زیاده روی
self-inspection	محاسبه نفس
self-interest	خودکامی
self-intoxicated	سرمست
selfish	خودپرست
selfish desire	مراد نفس

Seer, the	بصیر [خداوند]
seizure of the spirit	قبض روح
selected among the selected ones, the	خواصّ الخواصّ
selected friends	صّفّوه، برگزیدگان
selected ones	خواصّ، برگزیدگان
selecting	اختیار، انتخاب
self	خود، سرّ، نفس
inmost self	سرّ
inner self	باطن [اسم]، سرّ، ضمیر
repentant self	نفس لوّامه
spiritual self	باطن [اسم]
self-abasement	تضرّع، ذلّت
Self-Abiding, the	قیوم [خداوند]
self-annihilated	فانی از نفس
self-annihilation	فنا، فناء از نفس
self assertion	انانیت
self-awareness	خودآگاهی
self-centred	خودبین، خویشتن‌بین
self-conceit	خودبینی، عُجب
self-conceited	خودبین، خویشتن‌بین
self-confidence	استغناء
self-constraint	تکلف (≠ انبساط)
self defeating	خسران نفس
self-denial	زهد
self-direction	تدبیر
self-discipline	تهذیب نفس، ریاضت، مجاهدت
self-disclosure	تجلیّ

sect	فرقه
sectarian	متعصب
sects	نحل
sect which achieves salvation	فرقه ناجیه
secure	ایمن
security	امن، طمأنینه
security of mind	سلامت صدر
seduced	مغرور، فریفته، مفتون
seduction	اغواء، اغوا
seeing	بصیر، شهود، مشاهده
Seeing, the	بصیر [خداوند]
seeker	طالب، مرید
seeker of love	طالب عاشق
seeker of safety	طالب سلامت
seeker of well-being	طالب سلامت
seekers of reproach	ملامتیه (= ملامیه)
seek forgiveness, to	استغفار کردن
seeking	طلب
seeking forgiveness	طلب مغفرت، استغفار
seeking help	استمداد، استعانت
seeking insight	استبصار
seeking of forgiveness	استغفار
seeking refuge	استعاذه، التجاء
seeking the good	طلب خیر
seeking this world	دنیا طلبی
seek nearness, to	تقرب جستن
seen world	عالم شهادت

Second theophany	تجلی ثانی
second thought	خاطر ثانی
secret	راز، سرّ، سریره
secret action	عمل سرّ
secret centre	سرّ
secret domain	سرّ
secret force	قوة خفیّه
secret heart	سرّ، سریره
secret invocation	ذکر خفیّ
secret knowledge	علم لدنی
secret lust	شهوۃ خفیّ
secret of Divine suzerainty	سرّ ربوبیت
secret of Resurrection	سرّ حشر
secret of secrets	سرّ السرّ
secret of suzerainty	سرّ ربوبیت
secret of the Godhead	سرّ ربوبیت
secret of the soul	سرّ نفس، سریره
secret prayer	مناجات
secret psalm	مناجات
secret remembrance	ذکر خفیّ
secrets	اسرار (= رازها)
secret sign	رمز
secret subtle inwardness	لطیفه خفیّه
secret thought	سریره
secret thoughts	اسرار، اندیشه‌های نهانی
secret unveilings	مکاشفات سرّی
secret will	مناجات

sea of Sovereignty	بحر جبروت
sea of the Truth	بحر حقیقت
sea of vision	بحر عیان
sealing	ختم، مهر زدن
seal ring	نگین
seal stone	نگین
Seal of command	ختم امر
Seal of Muhammadan Friends	خاتم اولیاء محمدی
Seal of Muhammadan Sainthood	خاتم ولایت محمدی
Seal of Muhammadan Saints	خاتم اولیاء محمدی
Seal of prophethood	خاتم نبوت
Seal of saintship	ختم ولایت
Seal of the Friends	خاتم اولیاء
Seal of the Prophets	خاتم انبیاء (ص)،
Seal of the Saints	خاتم اولیاء
search	طلب
searching hand	دست طلب
seat of knowledge of the Names	محل علم اسماء
seat of sincerity	مقعد صدق
secluded pavilion of the heart	خلوت سرای دل
secluded shrine	خلوت گاه خاص
secluded virgins of the Unseen	مخدرات غیبی
seclusion	خلوت، عزلت
seclusion in mosque	اعتکاف
secondary cause	سبب
Second Father	اب ثانی
Second Self-disclosure	تجلی ثانی (= فیض مقدس)

formal science	علم رسمی، علم رسوم
theoretical science	علم نظری
<i>scientia sacra</i>	علم الاهی
scoffers	اهل هزل
scope	حیطه
screen	پرده (= حجاب میان حق و بنده)
screen of chastity	پرده عصمت
within the screen	در حجاب، درون پرده
screen of Cloud	پرده عماء
screen of imagination	پرده خیال
screen of jealousy	پرده غیرت
screen of the hidden	پرده غیب
screen of thought	پرده پندار
screen-holder	پرده دار
scripture	صحیفه
scruple	وَرَع
scrupulosity	وَرَع
sea	بحر، دریا
sea of bounty	بحر جود
sea of dominion	بحر جبروت
sea of existence	بحر هستی
sea of gift	بحر عطا
sea of grandeur	بحر کبریا
sea of inspiration	بحر الهام
sea of love	بحر عشق
sea of manifestation	بحر ظهور
sea of revelation	بحر تجلی

science of the magical	سیماء
property of letters	علم وقت
science of time	علم روایت
science of transmission	علم شهودی، علم کشف
science of vision	علوم احوال
sciences of spiritual states	علوم سرّ
sciences of the mysteries	الاهیات
divine sciences	علوم رسمیه
formal sciences	معارف
gnostic sciences	علوم اشراقی
illuminative sciences	علوم عقلی
intellectual sciences	علوم ربّانی
lordly sciences	علوم اشراقی
luminous sciences	علوم رسمیه
official sciences	علوم سرّ
of the mysteries	علوم عقلی
rational sciences	علوم نقلی
religious sciences	علوم عقلی
speculative sciences	علوم عقلی
traditional sciences	علوم نقلی
transmitted sciences	علوم نقلی
acquired science	علم کسبی (≠ علم موهوب)
bestowed science	علم موهوب (≠ علم کسبی)
Divine science	علم الاهی
dogmatic science	علم اعتقادی
earned science	علم کسبی، علم مکتسب
esoteric science	علم باطن

Saturn	کیوان (= آسمان هفتم)
savage soul	نفس سَبْعی
saved	رستگار
saved sect	فرقه ناجیه
Saviour, the	مغیث [خداوند]
savour of devotion	طعم عبادت
savour of gnosis	طعم عرفان
saying prayer	دعا
sayings	قال (= حال)
scalding water	حمیم [در جهنم]
Scale of the Law	میزان شرعی، میزان شریعت
scant knowledge	علم قلیل
scared	خائف
scattering	افتراق
scepticism	جحود، شک
schism	نَحْلَه
scholars	اهل تحقیق، اهل علم
scholars of spiritual taste	علماء ذوق
school of existence	مدرسه وجود
School of Illumination	مکتب اشراق
school of love	مکتب عشق
science of certainty	علم الیقین
science of certitude	علم الیقین
science of polemics	فن مباحثه
science of spiritual states	علم حال
science of the imagination	علم خیال
science of the Law	علم شریعت

Sameritan	سامری
sanctification	تقدیس
sanctified	مقدس
sanctified spirit	روح مقدس
sanctifying	تقدیس
sanctifying the heart	تقدیس قلب
sanctity	پاکی، تقدس، حرمت، قدس، ولایت (= ولی بودن)
sanctuary	حرم، حریم، سکینه، مکان مقدس
Sanctuary of God	حرم خدا
sapience	حکمت، دانایی، شناخت، عرفان، علم ذوق
sapient	عارف
sapiential knowledge	ذوق، معرفت ذوقی
Satan	ابلیس، شیطان
satanic	شیطانی
satanic dream	روْیای شیطانی
satanic incoming thoughts	خواطر شیطانی
satanic intrigue	خدعه شیطانی
satanic perplexity	حیرت شیطانی
satanic suggestion	القاء شیطانی
satanic thought	خاطر شیطانی
satanic whispering	وسوسه شیطانی
Satan's wiles	عشوّه شیطان
satisfaction	اکتفا، رضا، قناعت
satisfied	راضی، قانع
satisfied, the	اهل رضا
be satisfied, to	راضی بودن

sad element	حُزن
sadness	حُزن
Ṣadrian	صدرايی
safeguard	حفظ
safe patience	صبر عاصم
safe place	محل امن
safety	امن، سلامت، صلاح
sagacity	بصیرت، فراست
sage	پیر، حکیم، خردمند، شیخ، عاقل
saint	پیر، صَدِّیق، وَلِیَّ (= مرد خدا)
sainthood	تَقَدُّس، روحانیت، ولایت
saintliness	ولایت (= وَلِیَّ بودن)
saintly	صاحب مقام
saintly effusion	فیض قدس
saintly man	پیر، زاهد
saintly servant	عبد صالح
saints	اولیاء، اهل کرامت، صَدِّیقین، مَقَرِّبان
saints of Allah	اولیاء خدا
saints of God	اولیاء خدا
saints' place of worship	معبد اولیاء
sake of Allah	سبیل الله
for the sake of Allah	فی سبیل الله
ṣalât	صلات، نماز
ṣalât of night	قیام اللیل، نماز شب
salvation	رستگاری، رهایی، فلاح، نجات
salvation of the heart	نجات قلب
same-ness	عینیت (= یکسانی)

S

sacred	قدسی، مقدّس
sacred effusion	فیض مقدّس
sacred fold	حرم
sacred fold of the beloved	حرم یار
sacred intellect	عقل قدسی
Sacred Law	شریعت
sacred locution	حدیث قدسی
sacred observances	شعائر، آیین‌های دینی
sacred place	مکان مقدس
sacred precinct	حرم
sacred saying	حدیث قدسی
sacred soul	نفس قدسی
sacred threshold	آستان قدس
sacred tradition	حدیث قدسی
sacrifice	قربان
sacrificing	بذل
sacrificing life	جان‌فشانی
sacrosanct effusion	فیض اقدس
sad	محزون

ruling property	حُکْم
running commentary	شرح مزجی
running out	نفاد (= پایان)
ruse	مکر
ruse of the Divine	مکر الاهی
ruse of God	مکر خدا
rust	رُئِن (= حجاب کفر و ظلمت)، زنگار
rust of denial	زنگار انکار
rust of heart	زنگار دل
rust of instinct nature	زنگار طبیعت

robe of honour	خلعت
robe of light	خلعت نور
root	اصل
roots of religion	اصول دین
rosary	وَرْد
robe	جَبّه
robe of discipleship	خرقه ارادت
robe of honour	خلعت
rose	گل
rose-bed	گلشن
rose-bed of union	گلشن وصل
rose garden	بستان، بوستان
royal chamber	محراب
ruby	یاقوت احمر
ruby lip	لب لعل
ruby of lip	لعل لب
ruined heart	دل خراب، دل ویرانه
ruined house	خانه خراب
ruined tavern	خرابات
rule of conduct	ادب
Ruler, the	حاکم، قاهر، مالک [خداوند]
ruler-recognizer	شحنه شناس
rulers	اولوالامر
rulership	تولیت
rules of ascetic discipline	آداب ریاضت
rules of Law	احکام شریعت
rules of the Truth	احکام حقیقت (= احکام شریعت)

right	استحقاق، حقّ
right conduct	ادب
righteous	راست‌رو، صالح، صدّیق
righteous, the	ابرار، اخیار، صلحاء، نیکان
Righteous, the	برّ [خداوند]
righteous bondsman	عبد صالح
righteous conduct	راست‌کرداری
righteous deeds	صالحات
righteous forebearers	سلف صالح
righteousness	استقامت، حسنه، درستی
righteous servant	عبد صالح
rightful claim	استحقاق
rightful due	حقّ
right guidance	هدایت
right path, the	سبیل
right way	راه هدایت
Rigour (of God)	جلال، جلال الاهی، جلال خدا
ring of service	حلقهٔ بندگی
ringlet	حلقهٔ زلف، زلف، طُره، گیسو
rites	آداب
ritual	شعیره، آیین عبادی
ritual prayer	صلات، نماز
rival	حریف
road	راه، طریق، مسیر، منهاج
road, the	سبیل
road-guide	راهبر
roast-flesh	کباب (کنایه از بی‌تابی)

revealed signs	فَوَاتِح
revealing	كشَف، فَتَح، مَكَاشَفَه
revelation	تَجَلَّى، كَشَف، مَكَاشَفَه، وَحَى
revelation of the mystery	كَشَفِ الْمَحْجُوبِ
revelations	فَتُوحَات
revelations from the Unseen	فَتُوحَاتْ غَيْبِي
revelation to the heart	مَكَاشَفَةُ قَلْبٍ
reverence	تَعْظِيم، تَكْرِيم، حَرَمَت
reverent awe	هَيْبَت
reverential fear	تَقْوَا
revering the waymarks	تَعْظِيمِ شَعَائِرِ
reviling	قَذَح (= عَيْبِ جَوِيٍّ)
revival	أَحْيَاء
revive, to	أَحْيَاء كَرَدَن
revivification	أَحْيَاء
revivifier	مَجِدِّد
revivify, to	أَحْيَاء كَرَدَن
revolution	اِنْقِلَاب
reward	اَجْر، ثَوَاب
rewarded	مَشْكُور
Rewarder, the	شَكُور [خَدَاوَنَد]
rich	غَنَى
Rich, the	غَنَى، مَلَى [خَدَاوَنَد]
riches	غَنَا
rich in God	غَنَى بِاللَّهِ
rich in itself	غَنَى بِنَفْسِهِ
richness	غَنَا

halting places of the Resurrection	مواقف قیامت
place of resurrection	عرصات
plain of Resurrection	دشت قیامت، صحنهٔ قیامت، عرصات
secret of Resurrection	سرّ حشر
resurrector	مجدّد
Resurrector, the	باعث [خداوند]
Retainer, the	مُمسک [خداوند]
retirement	خلوت، عُزَلت
retiring into a mosque for devotion	اعتکاف
retreat	عُزَلت
retreating into seclusion	اعتکاف
Retributer, the	دیان [خداوند]
retribution	عقاب
return	رجعت
Return, the	معاد (≠ مبدأ)
return and reversion	مرجع و معاد
returning	انابه
returning to God	انابه
return of souls	مراجعت نفوس، معاودت نفوس
return to God	بازگشت به سوی خدا
return to God, to	توبه کردن
reveal, to	تجلّی کردن، وحی کردن
revealed books	صُحُف
revealed command	امر تشریعی
revealed guidance	هدایت تشریعی
revealed Law	شریعت
revealed religion	شریعت

requital	جزا
rescue	نجات
research inspired by the Divine Throne	تحقیق عرشى
resemblance to the Divine	تشبه به بارى تعالى
resentment	تسخط
resignation	تسلیم، توکل
resistance	استقامت
resolution	عزم
resolve	اراده کردن، نیت، همت
respect	حرمت، مراعات
responding	استجاب (= پاسخ)، مجیب
response	اجابت (= پاسخ)
rest	آرامش، استقرار، طمأنینه
resting	اطمینان
resting-place	منزل
restless	بی قرار
restless desire	شوق بی قرار
restless fear	خوف بی قرار
Restorer, the	مُعيد [خداوند]
restore to life, to	زنده کردن
restoring the dead to life	احیاء مردگان
Restrainer, the	قابض [خداوند]
restraint	قبض
resurrect, to	زنده کردن
resurrection	احیاء مردگان، بعث، حشر، رستاخیز
resurrection of the world	قیامت دنیا
Great Resurrection	قیامت کبرى، قیامة القیامة

repent, to	توبه کردن
repentance	انابه، پشیمانی، توبه
repentance of return	توبهٔ انابه
repentance of shame	توبهٔ استحياء
repentant	تائب، توبه کار
repentant self	نفس لَوّامه
repetition of self-disclosure	تکرار تجلّی
repetition of theophany	تکرار تجلّی
reply	اجابت، پاسخ
report-giving	إخبار
repose	آرامش، سکون، فراغ، فَرَج
reposing knowledge	علم مستقرّ
Repository of God	ذخیرهٔ الاهی
reprehensible	مذموم
reprehensible characteristics	خصال ناپسند
reprehensible qualities	خصال ناپسند
representative faculty	قوةٔ خیال
reproach	معاتبه، ملامت، مَنّت
reproachful	لَوّامه
reproachful soul	نفس لَوّامه
reproduction	تناسل
repugnance	حشمت
repugnant qualities	صفات ذمیمه، صفات مذموم
repulsiveness	قبح
reputation	منزلت، شُمعّه
request	استدعا، طلب، مسألت، مطالبه
requisition	طلب، مطالبه

remission of sins	مغفرت
remorse	ندامت
remoteness	بُعد، دُوری
<i>remotio</i>	تنزیه
remotion	تنزیه
removal	خلع
removal of all veils	رفع حجاب، کشف القناع
removal of lust	زوال شهوت
removal of secondary causes	رفع اسباب
Removal of the Sandals	خلع نعلین
Remover, the	مزیل [خداوند]
renewal of creation	تجدید خلق
renewal of essences	تجدّد امثال
renewal of likes	تجدّد امثال
renewal of opposites	تجدّد اضداد
renewal of Platonic Ideas	تجدید مُثُل
renewance	تجدّد
renewed	محدّث
renewer	مجدّد
renounce, to	زهد ورزیدن
renouncement	زهد
renunciation	ترک، تفویض
renunciation of enjoyment	ترک لذّت
renunciation of the self	اعراض از نفس
renunciation (of the world)	زهد
repeated turning	انابه
repent	حسرت

religious devotion	عبادت
religious duties of Islam	آداب اسلامی
(religious) faith	ایمان
religiously allowed	حلال
religiousness	تدین
religious obligation	تکلیف
religious people	اهل دین
religious police	محاسب
(religious) retreat	اعتکاف
religious scholars	اهل علم، علماء
religious sciences	علوم نقلی، علم شریعت
religious scruple	وَرَع
religious service	عبادت
religious songs with sweet voice	سماع
religious warfare	جهاد
religious zeal	غیرت دینی
relinquishment	تخلیه
relish	لذت
relying on God	توکل به خدا
rememberer	ذاکر
remembering	ذکر
remembering faculty	قوة ذاکره
remembrance of God	ذکر خدا
reminded	متذکر
reminder	ذکر
reminding	تذکره
remission	بخشش، مغفرت

rejection of all accessories	اسقاط اضافات
relation	رابطه، علاقه، مناسبت، نسبت (≠ عین وجود)
relational existence	وجود رابطی
relationship	ارتباط، اضافه، علاقه، نسبت (≠ عین وجود)
relationship of client and patron	ولاء
relationship to God	ارتباط با خدا
relative non-existence	عدم مقید
relax, to	انبساط یافتن
relaxation	بسط
Relenter, the	تَوَاب [خداوند]
Relenting, the	تَوَاب [خداوند]
reliance	اتکا، اعتماد، توکل
reliance upon God	توکل به خدا
reliant	متوکل
Reliever, the	فَتَّاح، مغیث [خداوند]
religion	آیین، دین
religion-nurturing	دین پرور
religion of purity	دین خالص
religiosity	تدین، دیانت
religious, the	اهل دین
religious belief	ایمان
religious capacity and responsibility	تکلیف
religious ceremony	شعیره، آیین مذهبی
religious community	امت، ملت
religious cord	زَنّار

redeeming	نجات
redescent from the Divine Reality	تنزّل
red sulphur	کبریت احمر
refinement	تزکیه، تهذیب
refinement of character	تهذیب اخلاق
refinement of morals	تهذیب اخلاق
refinement of the heart	تزکیه نفس، تهذیب قلب
refinement of the soul	پالایش نفس، تزکیه نفس
refining	تهذیب
reflect, to	تأمل کردن
reflection	تدبّر، تأمل، تفکّر، فکر
reflection of wine	عکس می
reflective faculty	قوة مفکره
reflective power	قوة مفکره
reformer	مجدّد، مصلح
refusal	انکار، جحد
refuser	جاحد
regard	نظر (= توجه)
regarding	نظر (= توجه)
regret	پشیمانی، حسرت
regular sessions for recollection	مجالس ذکر
regulation	تدبیر، حکم
regulator of the world	مدبّر عالم
reign	سلطنت
reincarnation	تناسخ
reincarnationist	تناسخی
rejected	مردود

recess of the heart	سویدای دل، حَبَّةُ القلب
recitation of God's Names	ذکر
reciter of the Koran	قاری
recklessness	بی مبالاتی
reckoner	محاسب
Reckoner, the	حاسب، حسیب [خداوند]
reckoning	حساب (قیامت)، محاسبه
recluse	زاهد، منزوی
recluses, the	مفردون
recognition	معرفت
recollecting	متذکر
recollection	تذکر، یادآوری
recollection (of God)	ذکر
recollector	ذاکر
recompense	اجر، ثواب، جزا
reconciliation	صلح
reconciliation between Muslims	اصلاح ذات البین
record-book	نامهٔ عمل
recounting	حکایت
Recourse, the	صمد [خداوند]
rectitude	استقامت، سداد، صلاح
recurrence	انابه
recurrence of similitudes	تجدید مثل
recurrence of the creative act	تجدید خلق
recurrent creation	خلق جدید
red death	موت احمر (= مخالفت با هوای نفس)
red face	چهرهٔ گلگون

higher spiritual realm	مَلَأُ اَعْلَى
human realm	نَشَأُهُ اِنْسَانِيَه
imaginal realm	عَالَمٌ مِّثَال
mineral realm	عَالَمٌ جَمَادِي
vegetable realm	مَلَكُوتُ نَبَات
visionary realm	عَالَمٌ مِّثَال
real non-existence	عَدَمٌ حَقِيقِي
Real One, the	حَقٌّ [خَدَاوَنَد]
reason	خِرَدٌ، دَلِيلٌ، عَقْلٌ
reason-polluted by passions	عَقْلٌ آلُودَه بِه هُوَا
rebel	عَاصِي
rebellion	طَغْيَانٌ، عَصِيَانٌ، فِتْنَه
rebellious	عَاصِي
rebellious believers	مُؤْمِنَانِ عَاصِي
rebellious sinner	عَاصِي
rebellious spirit	رُوحٌ سَرَكَش
rebuking	زَاجِرٌ
rebuking passions	مَعَاتِبَه
rebuking the self	تَوْبِيخُ نَفْس
rebuking the soul	تَوْبِيخُ نَفْس
recalling	تَذَكُّرٌ، ذِكْرٌ
receive provision, to	اِرْتِزَاقُ كَرْدَن
receiving	تَلَقُّى (بِـ) اَلْقَاءُ
receiving hand	يَدُ سُفْلَى
receptacle	قَابِلٌ
receptive	قَابِلٌ، مَنفَعَلٌ
receptivity	اِنْفَعَالٌ، قَبُولٌ

intangible reality	رقیقہ
intelligible reality	حقیقت معقولہ
invisible reality	غیب [عالم]
Muhammadian Reality	حقیقت محمدیہ
mystical reality	حقیقت عرفانی
spiritual reality	حقیقت روحانی، معنا
transcendent reality	معنا
universal reality	حقیقت کلیہ
realization	تحقق
realize, to	اعتراف کردن
realized	حق (= محقق)
realized knowledge	معارف
realizer of unification	موحد
realm	دار، عالم، نشاء
real man	انسان حقیقی
realm devoid of colour and quality	عالم بی رنگی و بی چونی
realm of abiding	عالم بقا
realm of being of spirits	نشاء ارواح
realm of effacement	عالم فنا
realm of multiplicity	عالم کثرت
realm of unicity	عالم وحدانیت
realm of unity	عالم وحدت
animal realm	عالم حیوانی
bodily realm	نشاء جسمانیہ
Divine realm	لاہوت
Divine realm of being	نشاء الاهی

reaching God	وصول به حقّ
reaching the realm of certainty	وصول به عالم يقين
readiness	حضور
readiness to sacrifice	بذل
real	حقّ، حقيقي
Real, the	حقّ [خداوند]
real certitude	حقّ اليقين
Real Father	اب حقيقي
real imagination	خيال حقيقي
realities of faith	حقايق ايمان
realities of the Divine Names	حقايق اسماء
realities perceived inwardly	مدرّكات باطنی
reality	حقّ، حقيقت، معنا
Reality, the	حقّ [خداوند]
reality of certainty	حقّ اليقين
reality of certitude	حقّ اليقين
Reality of Muhammad	حقيقت محمدی
Reality of the realities	حقيقة الحقايق
reality of the world	حقيقت دنيا
elemental reality	حقيقت عنصريّه
gnostic reality	حقيقت عرفانی
hidden reality	حقيقة الحقايق
imaginal reality	حقيقت مثالی
imaginary reality	حقّ متخیّل
immediate reality	حقيقت
inner reality	باطن [اسم]
in reality	بالحقيقه

rank of leadership	مرتبه پيشوايی
rank of the beloved of God	مرتبه محبوبي
rank of the few	خواص
ranks	مدارج، مراتب
ranks of perfection	مدارج کمال
rapid journey from one point to another	طی الارض
rapture	جذبه، سُکر، شيفتگی، طرب، وجد
rapturous love	غلبه محبت
rapturous state	جذبه
Raser, the	مقیل [خداوند]
ratification	امضاء
rational	عاقل
rational concepts	معقولات
rational faculty	عقل، نطق
rational interpretation	تاویل عقلی
rationalists	اهل نظر
rationally speaking soul	نفس ناطقه
rational proof	حجت عقلی
rational sciences	علوم عقلی
rational soul	نفس ناطقه
rational theoreticians	اصحاب نظر
rational thinker	عاقل
rational truths	معانی معقول
ravisher of hearts	دلستان
raying-out of light	اشراق
rays of the Hidden	انوار غیبیه
reaching	وصل

R

rabbinical	ربّانی
rabbinical theologian	عالم ربّانی
radiance	ضیاء
radiances	لوامع
rag	خرقه
rage	غیظ
ragged drinkers of dregs	دُرد نوشان ژنده پوش
ragged mantle	خرقه
rain of inspiration	باران الهام
Ramaḍan, the	رمضان
ramifications of the religion	فروع دین
rancour	بغض، کینه
random thoughts	خواطر
rank	درجه، شأن، مکانت، منزل، منزلت، مرتبت، مقام
ranking in degrees of excellence	تفاضل [نظریّه ابن عربی]
ranking (in excellence)	فضل
rank of direct vision	درجۀ عیان
rank of fixity	تمکین (≠ تلوین)

quest for power	طلب ریاست
quest of worldly gain	طلب دنیا
quiescent	مطمئن
quietening the mind	تسکین فکر
quietism	رضا
quietists	متوکلین
quiet(ness)	سکینه، طمأنینه
quietude	طمأنینه
quintessence of desire	عین رغبت
Quran, the	مصحف
Quranic commentary	تفسیر قرآن

Q

<i>qalandar</i>	قلندر
<i>Qiblah</i>	قبله
quaking	وَجَل (= مرتبه‌ای از خوف)
qualification	تقیید، نعت
qualified Father	أب مقید
qualitative Names	اسماء صفات
qualities leading to salvation	منجیات
qualities of favour	صفات لطف
qualities of perfection	صفات کمال
qualities of the Divine domain	صفات لاهوتی
quality	صفت، نعت
Quality of Knowledge	صفت علم
Quality of Power	صفت قدرت
Quality of Speech	صفت تکلم
quaternity	تریع
quenching	رِی
quest	طلب، قصد، مطلب
quest for knowledge	طلب علم
quest for perfection	طلب کمال

purpose	غرض، قصد
purposeful	ارادی، عمدی
purpose of the hidden unseen	غایت مکنون غیب
pursuit	طلب
pursuit of knowledge	طلب علم
pursuit of perfection	طلب کمال
putting in order	اصلاح

pure wine	بادۀ ناب، رَحِیق، شراب طهور، شراب ناب، می ناب
purgation	تطهیر، مجاهدت
purgation from desire	تجرید از هوا
purgative life	مجاهدت
purged	مَهْدَب
purging	تزکیه
purging the inner being	تجرّد باطن
purification	تزکیه، تصفیّه، تطهیر، طهارت
purification of the carnal soul	تهذیب نفس
purification of the heart	تصفیۀ دل، طهارت دل،
purified	پاکیزه، مُخْلِص، منزّه
purified chosen servants	عباد مَخْلُصین
purified worshippers	عباد مَخْلُصین
purifying	طهور، مُخْلِص
purifying one's self	اخلاص
purifying the heart	تطهیر قلب
purity	اخلاص، پاکی، صفا، طهارت، عصمت
purity of heart	طهارت قلب
purity of spirituality	صفای روحانیت
purity of the heart	صفای دل، صفای قلب
purity of the inmost heart	صفای سرّ، صفای ضمیر
purity of the soul	طهارت نفس
greater purity	طهارت کبریٰ
inward purity	صفای باطن، صفای قلب، طهارت دل، طهارت قلب
lesser purity	طهارت صغریٰ
self-purity	تهذیب نفس
spiritual purity	صفای روحانی، طهارت روحانی، طهارت معنوی

psyche	نفس
psychic	نفسانی
psychical	نفسانی
psychic conversation	حدیث نفس
psychic determinations	تعیّنات نفسانی
psychological illnesses	امراض نفس
psychological influences	بواعث نفسانی
puerty	سنّ بلوغ
pull	کشش
punctilious	مُبالی آداب
Punisher, the	معاقِب [خداوند]
punishing	تعذیب
punishment	عذاب، عقاب، عقوبت، کیفر
pupil	تلمیذ (≠ شیخ)
pure	پاک، خالص، سلیم، طاهر، منزّه
pure, the	اهل الصّفوه، پاکان
pure Being	صرف الوجود، وجود صرف، وجود محض
pure determinism	جبر محض
pure drink	شراب طهور
pure good	خیر مطلق
pure heart	قلب سلیم
pure Muhammadan Essence	حقیقت محمّدی
pure Muhammadan spirit	روح پاک محمّدی
pure of skirt	پاکدامن
pure religion	دین خالص
pure spirit	روح مجرّد
pure verification	تصدیق مطلق

proponents of <i>Kalâm</i>	صفاتیان
proportioning	تسویه
prosperity	رستگاری، سعادت، نجاح، نعمت
prosperous	رستگار، مفلح
prosperous house	خانه آباد
prostration	سجده، سجود
prostration by essence	سجود ذاتی
prostration of the essence	سجود ذاتی
prostration of the heart	سجود قلبی
protected patience	صبر عاصم
protecting trust	حفظ امانت
protection	حفظ
protection from sin	عصمت
Protector, the	مولیٰ، مهیمن [خداوند]
<i>protokistos</i>	عقل اول
prototype	امام
proud	متکبر، مغرور
proud, the	متکبران
Proud, the	متکبر [خداوند]
providence	تقدیر، خواست خدا، لطف، مشیت الاهی
providential care	عنایت
providential purpose	حکمت (= غرض)
Providential Wisdom	حکمت خداوندی
Provider, the	رازق، رزاق [خداوند]
proximity	تقرّب، جوار، قرب، نزدیکی
proximity of God	جوار خدا، قرب الی الله
proximity (to God)	قرب [به خدا]

promise	عهد، وعده، وعد
prompter	داعی
prompting	خاطر، داعی، وسوسه
promptings of longing	دواعی شوق
proof	بیّنه، برهان، حجّت، دلیل، شاهد
proof of God	حجّة الله
evident proof	حجّت بالغه
intellectual proof	حجّت عقلی
legal proof	دلیل شرعی
rational proof	حجّت عقلی
propagandists	داعیان
propagating	تبلیغ
propagation	توالد
proper conduct	ادب
properties	احکام (= آثار)
properties of the Divine Names	حکم اسماء
prophet	پیامبر، پیغمبر، نبیّ
prophethood for law-giving	نبوّت تشریع (= رسالت)
prophethood for verification	نبوّت تحقیق (= نبوّت عامّه)
prophetic cycle	دائرة نبوّت
prophetic light	نور محمّدی
prophetic saying	حدیث
prophets among the friends	انبیاء اولیاء
prophets of the saints	انبیاء اولیاء
Prophet's <i>Sunnah</i>	سنت پیامبر
propinquity to God	قرب الی الله
propitiation	کسب خشنودی

principles of faith	اصول اعتقادی
principles of religion	اصول دین
priority	اولویت، تقدّم
prison	قفس (کنایه از تن آدمی)
privacy	خلوت
private	باطن [وصف]
private chamber	محراب
private liturgy	دعا
privation of being	عدم
probation	محنت
problem	مسأله
procession	صدور
procession round the <i>Ka'bah</i>	طوف کعبه
proclamation of the Divine greatness	تعظیم
Producer, the	باری [خداوند]
profane, the	عوام
professing	اقرار
profession of God's Unity	اقرار به توحید
profligacy	رندی
profligate	رند
profligate of Tavern	رند خرابات
profound inclination	رکوع
progression in the Path	سلوک
prohibited acts	محرمات
prohibition	زجر، نهی
projection of the Divine Will	توجّه الاهی
proliferation	بسط

pre-temporality	ازل
pretence	ادّعا، دعوا
pretended intoxication	تساکر (= خود را به مستی زدن)
pretenders to Sufism	مدّعیان تصوّف
pretenders to the Path and the Truth	مدّعیان راه
	طریقت و حقیقت
pretender to Sufism	متصوّف (= مدّعی تصوّف)
pretension	ادّعا، دعوا
pretentiousness	تفاخر
pride	استکبار، بزرگی، تکبر، غرور، فخر
primacy	اولویت، اوّلّیت
primality	اوّلّیت
prime matter	هیولای اولی
primordial	ازلی، فطری
Primordial Covenant, the	آلست، عهد ازلی
primordial disposition	فطرت
primordial faith	دین حنیف
primordialist	حنیف
primordially	اوّلّیت
primordial man	انسان اصلی، انسان قدیم
primordial nature	فطرت، فطرت اولی
primordial nature of spirit	فطرت روح
primordial state	بدایت فطرت، فطرت اولی
principle	اصل، ناموس
principle of Divine deception	حکم استدراج
principle of purification	ارکان طهارت
principles	مبادی

Presence of the Names	حضرت اسماء
Presence of the Names and Attributes	حضرت اسماء و صفات
Presence of the relative non-manifestation	حضرت غيب مضاف، حضرت غيب مقيد
Presence of the Sensation	حضرت حس
Presence of unboundedness	حضرت اطلاق
Presence of Unicity	حضرت وحدانيت
Presence of union	حضرت اتصال
Presence of Vision	حضرت عيان
Presence of Wealth and utter Freedom	حضرت غنا
Presence of the Witnessed	حضرت شهادت
Presence of Witnessing	حضرت شهود
Presence of wonder	حضرت حيرت
Presence of Wrath	حضرت قهر
Presences integrating the Names	حضرات اسماء
Presences of the Names	حضرات اسماء
Present, the	حاضر [خداوند]
present world	عالم عاجل
preserved from sin	معصوم
Preserved Tablet, the	لوح محفوظ
preserved Unseen, the	غيب مصون (= غيب مكنون)
Preserver, the	حافظ [خداوند]
prestige	جاه، منزلت
presumption	غرور
presumptuousness	ادلال [مقام]

Presence of necessity by another	حضرت وجوب بالغیر
Presence of nondelimitation	حضرت اطلاق
Presence of Plural-Unity	حضرت واحدیت
Presence of Power	حضرت قدرت
Presence of properties	حضرت احکام
Presence of Proximity	حضرت قرب
Presence of sanctity	حضرت تقدیس، حضرت قدس
Presence of sensation and witnessing	حضرت حس و شہادت
Presence of (Sense) Perception	حضرت حس
Presence of Singleness	حضرت فردانیت، حضرت فردیت
Presence of Singularity	حضرت فردانیت
Presence of specification	حضرت اختصاص
Presence of the Absent	حضرت غیب
Presence of the Absolute Manifestation	حضرت شہادت مطلق
Presence of the	
Absolute non-manifestation	حضرت غیب مطلق
Presence of the Almighty	حضرت عزّت
Presence of the Essence	حضرت ذات
presence of the heart	حضور قلب
Presence of the imaginal	حضرت تمثیل (= عالم مثال)
Presence of the Imagination	حضرت خیال، حضرت مثال
Presence of the Kingdom	حضرت مُلک (≠ ملکوت)
Presence of the Manifest	حضرت عیان
Presence of the Named	حضرت مسمیٰ

Presence of Doubts	حضرت شکوک
Presence of engendered beings	حضرت اکوان
Presence of Entity	حضرت عین
Presence of Essential Necessity	حضرت وجوب ذاتی
Presence of Existence	حضرت وجود
Presence of existence-giving	حضرت ایجاد
Presence of free will	حضرت اختیار
Presence of Glorious Majesty	حضرت جلّت
Presence of Glory	حضرت جلال
Presence of Grandiloquence	حضرت لسن
Presence of Images	حضرت مٹل
Presence of Imaginalization	حضرت تمثّل
Presence of Immutability	حضرت ثبوت
Presence of Individuals	حضرت افراد
Presence of innovation	حضرت ابداع
Presence of Jesus	حضرت عیسویہ
Presence of Justice	حضرت عدل
Presence of Knowledge	حضرت علم
Presence of Life	حضرت حیات
Presence of Light	حضرت نور
Presence of Lordship	حضرت ربوبیت
Presence of Magnification	حضرت تقدیس
Presence of Majesty	حضرت جلال
Presence of Marriage	حضرت نکاح
Presence of messengerhood	حضرت رسالت
Presence of Moses	حضرت موسویہ
Presence of Muhammad	حضرت محمدی

preoccupation	دل مشغولی
pre-ordination	تقدیر، قضا
preponderator	مرجح
prescription	تکلیف
prescriptive command	امر تکلیفی
presence	حضور، پیشگاه، حضرت، عالم، مرتبہ، قرب، شہود
presence-chamber	محضر
presence in society	جلوت (≠ خلوت)
Presence of absoluteness	حضرت اطلاق
Presence of absolute Unity	حضرت احدیت
Presence of Acts	حضرت افعال
Presence of Address	حضرت خطاب
Presence of Allah	حضرت اللہ
Presence of All-Comprehensiveness	حضرت جمع
Presence of All-Embracingness	حضرت واسع
Presence of "Am I not Your Lord"	حضرت الّست
Presence of <i>Barzakh</i>	حضرت برزخی
Presence of Beauty	حضرت جمال
Presence of Being	حضرت وجود
Presence of Bringing Back	حضرت اعادہ
Presence of Bringing Together	حضرت جمع
Presence of Command	حضرت امر
Presence of concealment	حضرت اخفاء
presence of consciousness	حضور قلب
Presence of courtesy	حضرت ادب
Presence of Creation	حضرت خلق

predatoriness	سعیّت
predestination	تقدیر، جبر، عنایت ازلی
predestination and free will	جبر و اختیار
predestined by God	تقدیر حقّ
predestiny	تقدیر
predetermination	تقدیر، جبر، قضا
predisposition	استعداد
predominant surmise	ظنّ غالب
pre-eternal	ازلی
Pre-eternal, the	قدیم [خداوند]
pre-eternal beauties	مخدّرات ازل
pre-eternal decree	حکم ازلی
pre-eternal dictate	حکم ازلی
pre-eternal grace	عنایت ازلی
pre-eternal lights	انوار ازلیّه
pre-eternal love	محبت ازلی
pre-eternal obliteration	محو ازلی
pre-eternal sea	بحر ازلی
pre-eternity	ازل، ازلیّت
pre-existence	قدّم
pre-existent	قدیم
preference	استحسان
preferring others to oneself	ایثار
pre-Islamic period	جاهلیّت
pre-Islamic state	جاهلیّت
prejudice	تعصّب
pre-measurement	تقدیر

prayer-arch	محراب
prayer in seclusion	اعتكاف
prayer-mat	سجّاده
prayer niche	محراب
Prayer of God	صلات حقّ
prayer of goodness	دعای خیر
prayer of man	صلات انسان
canonical prayer	صلات
confidential prayer	مناجات
individual prayer	دعا
ritual prayer	صلات
secret prayer	مناجات
supererogatory prayer	نافله
supplicatory prayer	دعا
voluntary prayer	تطوّع
whispered prayer	مناجات
pray-night	شب‌زنده‌داری
preacher	واعظ
preachers of God's Unity	اصحاب توحید
preaching	تبلیغ، وعظ
precaution	احتیاط
precedence	تقدّم
preceders	سابقون
preceptor	شیخ، مربّی
precepts	مبادی
Precious, the	عزیز [خداوند]
preconditioning	مشارطه

Powerful, the	عزیز، قادر، قدیر [خداوند]
power of perception	بصیرت
power to dominate	قدرت تصرف
practical faculty	قوة عملی
practical gratitude	شکر عملی
practical intellect	عقل عملی
practical mysticism	عرفان عملی
practical soul	نفس عملی
practical Sufism	تصوّف عملی، عرفان عملی
practice	رسم، عمل
practice of continuous retreat	ملازمت خلوت
practice of the Law	عمل به شریعت
practise abstinence, to	استعفاف
practise asceticism, to	ریاضت کشیدن، زهد ورزیدن
practise profligacy, to	رندی کردن
praise	تسبیح، ثناء، حمد، مدح
praise, to	سپاس گزاردن
praised	پسندیده، مشکور
praiser	حامد
praiser of God	ذاکر
praiseworthy	پسندیده، ممدوح
Praiseworthy, the	حمید [خداوند]
praiseworthy aspects	مَحامد، خصال پسندیده
Praiseworthy Attributes	صفات حمیده [خداوند]
praiseworthy qualities	اوصاف حمیده، خصال پسندیده،
Praiseworthy Qualities	صفات حمیده ۱ [خداوند]
praising	تسبیح

possessors of learning	ارباب علوم
possessors of mind	اولوالالباب
possessors of spiritual realities	ارباب معانی
possessors of spiritual states	ارباب احوال، ارباب حالات، اصحاب احوال
possessors of spiritual states	
possessors of steadfastness	اولوالعزم
possessors of the kernel	اولوالالباب
possessors of the sciences	ارباب علوم
possessors of unveiling	ارباب مکاشفه
possessors of <i>waqt</i>	خداوندان وقت
possible	ممکن
post-eternity	آبد [اسم]
postponing	امهال
post-temporality	آبد [اسم]
Potent, the	مقتدر [خداوند]
pouring (forth)	افاضه
poverty	فقر
power	جبروت، سلطه، قدرت، قوّت، قهر، منزلت،
Divine power	ملکوت
eternal power	قدرت ازلی
initiative power	ولایت
miraculous power	کرامت
overwhelming power	قهر
reflective power	قوّه مفکّره
worldly power	دولت

possessor of hearts	صاحب قلوب
possessor of lofty aspiration	صاحب همّت
possessor of sainthood	صاحب ولایت
possessor of spiritual influence	صاحب نفّس
possessor of spiritual perception	صاحب ذوق
possessor of spiritual secret	صاحب سرّ
possessor of spiritual state	صاحب حال
possessor of spiritual station	صاحب مقام
possessor of spiritual vision	صاحب کشف
possessor of spiritual will	صاحب همّت
possessor of the nearness	
of obligatory works	صاحب قرب فرائض
possessor of the Self-Disclosure	صاحب تجلّی
possessor of the Stairs	صاحب معارج
possessor of the station	صاحب مقام
possessor of the station of no station	صاحب لامقام
possessor of the Two Eyes	ذوالعینین
	[عالی مقام ترین عارف]
possessor of time	صاحب وقت
possessors of Divine secrets	اهل راز
possessors of ecstasies	ارباب مواجید
possessors of eyes	اولوالابصار
possessors of eyesights	اولوالابصار
possessors of firmness and determination	اولوالعزم
possessors of firm resolve	اولوالعزم
possessors of inner meaning	اولوالالباب
possessors of knowledge	اولوالعلم

pollution	آلودگی
polytheism	شرک
polytheist	مشرک
pomp	احتشام، حشمت، شوکت
pompousness	تبختر
ponder, to	تأمل کردن
pondering	تعمق، تفکر
poor	مسکین
poor man	فقیر
popular love	حبّ عوام (= حبّ طبیعی)
portent	آیه (= نشانه)
portion	اجل (= مدت حیات)، قسمت، نصیب
position	منزلت، منصب
positive attributes	صفات ثبوتی
positive attributes of the Self	صفات نفسانی ثبوتیه
positive disposition	حال
possessed	مجنون
possessed of miraculous deeds	صاحب کرامت
possessed of taste	صاحب ذوق
possessing angelic qualities	فرشته صفت
possession of command	إمَارَت
possessor	صاحب
Possessor, the	مالک [خداوند]
possessor of ascents	صاحب معارج
possessor of ecstasies	صاحب مواجید
possessors of ecstasy	اریاب وجد
Possessor of Glory, the	ذوالجلال [خداوند]

sensual pleasure	حظّ نفس
sensual pleasures	لذات حسّي
spiritual pleasure	رضا
plebeian	عامی
pledge	پیمان، بیعت
plenitude	کمال
plenum	ملأ
higher plenum	ملأ اعلیٰ
lower plenum	ملأ ادنیٰ، ملأ اسفل
supreme plenum	ملأ اعلیٰ
plot	مکر
plotting	مکر
plurality	کثرت
poetry	نظم (= شعر)
point	مسأله، نکته
point of return	مرجع و مآب
Pole	قطب
Pole of the Age	قطب زمان، قطب الوقت
Pole of the Beloved	قطب معشوقان
pole of guidance	قطب ارشاد
pole of unity	قطب وحدت
Pole of the Poles	قطب الاقطاب
Pole of the Time	قطب زمان، قطب الوقت
Polehood	قطبیّت
polemicists	اصحاب جدل
politeness	ادب، مدارا
polluting	آلودن

planes of theophany	مراتب تجلی
planning	تدبیر
plant soul	نفس نباتی
plaster	مرهم
Platonic Ideas	مُثل افلاطونی
play and sport	لهو و لعب
pleading	توکل
pleading of excuses	اعتذار
pleasant	طیب
please, to	خشنود ساختن
be pleased with God, to	رضا
pleasing	مرضی
pleasure	حظّ، رضا، رضوان، لذت، هوی
pleasure of being	لذت وجود
pleasure of communion	لذت مناجات
pleasure of God	رضای الاهی
pleasure of supplication	لذت مناجات
pleasure of the self	لذت نفس
pleasure of the soul	حظّ نفس
pleasures of the soul	شهوات نفسانی
animal pleasures	لذات حیوانی
bestial pleasure	شهوت
corporeal pleasures	مشتهیات جسمانی
God's pleasure	رضای خدا
good pleasure	رضا، رضوان
passionate pleasures	مستلذات نفسانی
selfish pleasure	حظّ نفس

placelessness	لامکانی
placement	مکانت
place of abstraction	محل تنزیه
place of destruction	مهلکه
place of manifestation	مَظهر
place of resurrection	عرصهٔ قیامت
place of retreat	خلوت‌گاه
place of return	مرجع و مأب، معاد [خداوند]
place of revelation	مهبط وحی
place of seclusion	خلوت‌خانه
place of separation	مقطع
place of speculation	محل نظر
place of the hereafter	مکان آخرتی
place of theophany	مَجَلِّی (= جلوه‌گاه خداوند)
place of transcendence	محل تنزیه
plain of catharsis	سرای تجرید
plain of intimacy	بساط انس
plain of Judgement	صحرای محشر
plain of mercy	بساط رحمت
plain of propinquity	بساط قرب
plain of Resurrection	دشت قیامت، صحنهٔ قیامت، صحرای عرصات
plain of union	بساط وصل
plain of wonder	صحرای حیرت
plain text	متن صریح، نصّ
plane (of being)	حضرت (= عالم، مرتبه)
planes of revelation	مراتب تجلّی

Pillars of the Law	ارکان شرع
Pillars of the religion	ارکان دین
pious	دیندار، صالح، متقی
pious, the	ابرار، ارباب تقوی، اهل ورع، صالحان، نیکان
pious acts	خیرات
pious devotee	عابد
pious fear of Divine chastisement	تقوا
pious men	پارسا مردان
pious predecessors	سَلَف صالح
pious retirement	اعتکاف
pious trembler	مترهَّب
Pîr of Canaan	پیر کنعان
Pîr of companionship	پیر صحبت
Pîr of Magians	پیر مغان
Pîr of monastery	پیر دیر
Pîr of Tavern	پیر خرابات
Pîr of wine-seller	پیر مغان
Pîr of wine-tavern	پیر میخانه
pit of the chin	چاه زنخدان
pitfall	ورطه
pith	لُب، لباب
pity	تَرْحَم، رَأْفَت، شفقت
Pivot	قطب
Pivot of the world	قطب عالم
place confidence in, to	توکل کردن
placeless	لامکان

phenomenal existence	کَوْن
phenomenal object	عین
phenomenal universe	کَوْن
phenomenal world	عالم شهادت، کَوْن
phenomena of nature	آیات (= نشانه‌ها)
phenomenon	حادث
phenomenon of nature	آیه (= نشانه)
philosopher	حکیم، فیلسوف
<i>philosophia perennis</i>	جاویدان خرد، حکمت خالده
philosophical schools	نِخَل
philosophy	حکمت، فلسفه
phoenix	سیمرغ، عنقاء
phrase	جمله
physical illnesses	امراض بدن
physical world	عالم اجسام
physician of the soul	شیخ، طبیب روح
pietist	مُتَقی
piety	پرهیزگاری، تدبّین، تقوا، طاعت، فرمانبرداری مخلصانه، وَرَع
piety and godliness	وَرَع
pilgrim	زائر
pilgrimage	زیارت
pilgrim in condition of consecration	مُحَرِّم
pilgrims on the way to the Truth	سالکان حقّ
Pillar	قطب
Pillar of the cosmos	قطب عالم
pillars	ارکان، اقطاب، اوتاد

pernicious	مضر، مُهلک
perpetual fasting	دوام صوم
perpetual silence	دوام سکوت
perpetuation	بقا، دوام
perpetuity	دوام، لایزال [اسم]
perplexed	سرگشته
perplexity	تحیر، حیرت
perseverance	صبر
persevering	صابر
persistence	بقا، دوام
personal desire	غرض
personal initiative	تصرف
person in union	صاحب وصول
person of faith	مؤمن
person of union	صاحب وصول
perspicacious and experienced, the	ارباب نظر و تجارب
perspicacious opinion	رای صائب
perspicacity	بصیرت، فراست
perspicuous signs	آیات بینات
pertaining to the afterlife	آخروی
perversity	انحراف، گمراهی
petition	دعا، مسألت
petitioning	مسألت
petitioning of pardon	استغفار
phenomenal	محدث
phenomenal being	کون

perfect nature	طبع تامّ، طبیعت کامل
perfect Pîr	پیر کامل
perfect saints	کاملان ولایت
perfect union	جمع الجمع، عین الجمع
perfect worship	احسان [در عبادت]
performance	کسب (≠ خلق)
performer of miracles	صاحب کرامات
performing alchemical transmutation	کیمیاجری
peril	مهلکه
perishable	فانی
perishable world	عالم فانی
perishing	فانی، فنا، هالک، هلاکت
perishment	هلاکت
perjury	شهادت کذب
permanence	بقا، ثبات، ثبوت
permanent	باقی
Permanent, the	باقی [خداوند]
permanent archetypes	اعیان ثابته
permanent creation	خلق دائم
permanent life	حیات دائم
permanent sovereignty	ملکوت
permeate, to	سریان داشتن
permeation	سریان
permeation of existence	سریان وجود
permeation of the light	سریان نور
permissible	حلال
permission	اباحه، اجازه، إذن، رخصت

people who learn through allusion	اهل اشاره
perceived thing	مُدْرَك
perceiver	مُدْرِك
Perceiver, the	واجد [خداوند]
perceiving	مُدْرِك
perceiving soul	نفس مُدْرِكه
perception	نظر (= ادرك)، وهم
perdition	زوال، سَحَق، صعق (= فنا در هنگام تجلّی ربّانی)
perenniality	دوام
perennial philosophy	حکمت خالده
perfect	کامل
perfect, the	اهل کمال
perfect among the Sufis, the	اصحاب عقول، اصحاب قلوب
perfect beauty	کمال جمال
perfect contemplation	کمال مشاهدت
perfected, the	مکملّین
perfect encompassing	احاطه تامّه
perfect gnosis	معرفت تامّه
perfect gnostic	عارف مکملّ
perfecting	استکمال
perfection	اتقان، استکمال، کمال
perfection of beauty	کمال جمال
Perfection of God	کمال خداوند
Perfect Man	انسان کامل
perfect master	شیخ کامل
perfect model	اسوه حسنه
perfect murshid	پیر مغان

people of the heart	اهل دل، اصحاب دل
people of the hearts	ارباب قلوب، اصحاب قلوب
people of the Household	اهل بيت (ع)
people of the inner realities	اصحاب معانی
people of the last degrees	اصحاب نہایات
people of the Law	اصحاب شریعت
people of the Path	اهل طریقت
people of the Portico	اهل صفہ
people of the secret	اصحاب سرّ
people of vision	اهل نظر
people of the visions	اصحاب کشف و شہود، اصحاب مشاہدات، اصحاب مکاشفات
people of trustworthiness	اهل امانت
people of Truth	اهل حقّ
people of union	اهل وصول
people of unity	اهل وحدت
people of unveiling	اهل کشف
people of Veranda	اهل صفہ
people of wayfaring	ارباب سلوک
people of wisdom	اهل حکمت
people of wretchedness	اهل شقاوت
people who adhere to the Truth	اهل حقیقت
people who can be trusted	اهل امانت
people who commit grave sins	اهل کبایر
people who commit minor sins	اهل صغایر
people who follow the Law	اهل شرع
people who hear from God in the creatures	اهل سماع

people of Remembrance	اهل ذکر
people of revelation	اهل فتوح، اصحاب وحی
people of sagacity	اصحاب کیاست
people of secondary causes	اهل اسباب
people of secrets	اهل اسرار، ارباب راز
people of self-examination	اهل مراقبه
people of severity	اهل قہر
people of service	اهل خدمت
people of <i>shirk</i>	اهل شرک
people of sitting	
place and the speaking	اهل مجالس و حدیث
people of Sovereignty	اهل جبروت
people of specification	ارباب اختصاص، اہل اختصاص
people of spiritual journey	اہل اسراء، اہل سلوک
people of spiritual states	اہل احوال
people of spiritual stations	اہل مقامات
people of strength	اصحاب قوت
people of taste	اہل ذوق
people of tears	اہل بُکاء
people of the Bench	اہل صفہ
people of the Book	اہل کتاب
people of the charismatic act	اصحاب کرامت
people of the Chivalry	اصحاب فتوت
people of the Fire	اصحاب جہنم، اصحاب نار، اہل نار
people of the Garden	اصحاب جنت، اہل جنت
people of the generosity	اصحاب کرم
people of the Hearing	اصحاب سماع

people of jealousy	اهل غیرت
people of knowledge	اهل معرفت
people of Koran	اهل قرآن
people of Laughter	اهل ضحک
people of Law	اهل شرع
people of lights	اهل انوار
people of love	اهل عشق
people of meditation	اهل فکر
people of monastery	اهل صومعه (کنایه از قطع علایق مادی)
people of mystical state	اهل حال
people of night	اهل لیل
people of orthodoxy	اهل سنت
people of pain	اهل درد (= شیفتگان وصال)
people of paradise	اهل بهشت، بهشتیان
people of perfection	اهل کمال
people of piety	اهل ورع
people of presence	اهل حضور، حاضران
people of progress	اهل ترقی
people of proof	اهل برهان، اهل دلیل
people of proximity	اهل تقرب
people of Purity	اهل صفا
people of quenching	اهل ری
people of reason	اصحاب نظر
people of reasoning	اهل نظر
people of reflection	اهل فکر
people of rejection	اهل انکار
people of religion	اهل دین

people of disunity	اهل تفرقه
people of ecstasy	اهل وجد
people of equity	اهل انصاف
people of faith	اهل ايمان
people of falsity	اهل باطل
people of favour	اهل عنايت
people of fidelity	اهل وفا
people of finding	اهل وجود
people of first degrees	اصحاب بدايات
people of God	اهل الله
people of healing	اهل شفا
people of heart	اهل دل
people of hearts	صاحب دلان
people of hereafter	اهل آخرت
people of humility	اهل خشوع
people of hypocrisy	اهل ریا
people of idle talks	اهل طامات (= خودنمایان)
people of imitation	اهل تقلید
people of imperfection	اهل نقص
people of ingenuity	اصحاب کیاست
people of inner interpretation	اهل تأویل
people of inner spiritual warfare	اصحاب مجاهدت
people of inner vision	آلباب
people of innovation	اهل بدعت
people of insight	اهل بصیرت
people of intoxication	اصحاب سکر
people of intuition	اهل ذوق، اهل شهود

people in the Garden	اهل بهشت، بهشتیان
people in the middle	متوسطین
people of advance	اهل ترقی
people of Allah	اهل الله
people of argument	اهل بحث (= اهل ذوق)
people of awe	اهل هیبت
people of belief	اهل ایمان
people of Blame	ملامتیه (= ملامتیه)
people of blessing	اهل عنایت
people of Bringing Together	اصحاب جمع، اهل جمع
people of capricious desire	اهل هوا
people of catharsis	اهل تجرید
people of certainty	اصحاب یقین، اهل یقین
people of certitude	اهل یقین
people of choice and acceptance	اهل اصطفاء و قبول
people of cloister	اهل خانقاه
people of companionship	اهل صحبت
people of concern	اهل عنایت
people of confession	اهل اعتراف، اهل اقرار
people of considerative thinking	اصحاب نظر
people of criteria	اهل موازن
people of demonstration	اهل برهان
people of descending	اهل تنزل
people of detachment	اهل انقطاع
people of differentiation	اهل فرقان
people of disagreement	اصحاب خلاف
people of discernment	اهل فرقان

patient	صابر، صبور
patient, the	صابرين
Patient, the	صبور [خداوند]
patron	مولی، ولی (= حافظ)
patronage	ولاء
Patron, the	مولی، ولی [خداوند]
pauper	درویش، فقیر
pause in reading	مقطع
pavilions	سرادقات
peace	آرامش، امن، سلام، سلّم، صلح
Peace, the	سلام [خداوند]
peaceful soul	نفس مطمئنّه
peaceful, the	صلحاء
peace of mind	تمکین (≠ تلوین)
pearl of speech	درّ سخن
peculiar symbolism	اشارات لطیف
Pegs	اوتاد
Pen, the	قلم (= علم تفصیلی)
penalty	سَطوت
penetrate, to	سریان داشتن
penetration of the light	سریان نور
penitence	توبه، ندامت
penitent	اوّاب، تائب، نادم
penniless	فقیر
people	امّت
people attached to externals	اهل رسوم
people in search	اهل طلب

passionate longing	وَلَهْ (= شوریدگی از سر عشق)
passionate love	عشق
passionate pleasures	مستلذات نفسانی
passion of yearning	سوز اشتیاق
passion-polluted intellect	عقل آلوده به هوا
passion pursued	هواى متّبع
passions of the soul	شهوات نفسانی
passive intellect	عقل انفعالی
passivity	انفعال
patched frock of the Sufi	جامهٔ صوفیان، مُرقَّعه
patched garment	خرقه
patched (Sufi) frock	خرقه
path	راه، طریق، مَحَجَّه، مسلک، مسیر، نهج
Path, the	طریقت
path of asceticism	طریق زهد
Path of God	راه خدا، سبیل الله
path of guidance	راه هدایت، راه رشد، سبیل الرشاد
path of perdition	راه ضلالت
path of religion	منهاج دین
Path of Sufism	طریقت تصوّف
paths of truth	مسالك حقیقت
Path to God	راه حقّ
patience	جَلَم، شکیبایی، صبر
patience in dangers and difficulties	صبر بر مصیبت
patience in obedience	صبر بر طاعت
patience in sinful actions	صبر بر گناه
<i>patiens</i>	منفعل

participant in Sufism	متصوّف
participated being	وجود ظلّی
participation	تشبّه
particular	منفرد
particular Divine Names	اسماء الاهی جزئی
particular light	نور خاصّ
particular souls	ارواح جزئیّه
particular spirits	ارواح جزئیّه
parting	انفصال، فراق
partner	شریک
partnership	مشارکت
passage	انتقال
passing-away	فنا
passing-away from qualities	فناء از اوصاف
passing-away of human nature	فناء بشریّت
passing blessing	نعمت فانی
passing of life	گذر عمر
passing of time	گذر ایام
passing state	حال
passing thought	خاطر
passing thought of the self	خاطر نفسانی
passing thoughts	خواطر
passing thoughts of the self	خواطر نفسانی
passion	اصطلام (= وَلَه وارد بر قلب و مسلّط بر آن)، سودا، سوز، شهوت، عشق، هوس
passionate delights	مستلذّات نفسانی
passionate desire	عشق

P

pact	عهد
pain	آلم (بھ لذت)، درد، تألم، غم
painful	دردناک
painful longing of the quest	درد طلب
pain of longing	درد اشتیاق
pain of separation	درد فراق
paltriness	خست
panic	رعب
parables	امثال
paradise	بھشت، جنت، دارالسلام، رضوان، روضه
paragon	مقتدا
paragon of being	خلاصهٔ موجودات
pardon	عفو
pardoned	مغفور
Pardoner, the	غفور [خداوند]
pardoning	عفو
<i>parousia</i>	رجعت
partial souls	نفوس جزئیہ
partial spirit	روح جزئی

literal religion	عمل به شریعت
outward purification	طهارت ظاهر
outward qualities	صفات ظاهر
outward rectitude	استقامت ظاهر
outward sense	ظاهر [معنا]
outward significance	ظاهر [معنا]، ظهور [معنا]
outward situation	ظاهر (مَحْضَر)
outward things	ظواهر
outward virtue	صلاح ظاهر
Overbearing, the	جَبَّار [خداوند]
over-earnestness	جِدّ
overflow	فیض
overpowered	مقهور
overpowered by love	مغلوب محبّت
Overpowerer, the	قاهر [خداوند]
Overpowering, the	جَبَّار، فائق [خداوند]
overwhelming power	قهر
Overwhelming, the	قَهَّار [خداوند]
owner	صاحب
owner of the level	صاحب مرتبت

outer action	عمل ظاهر
outer behavior	ظاهر (≠ باطن)
outer image	صورت ظاهری
outer judgement	حکم ظاهر
outermost goal	مقصد اقصی
outer senses	حواس ظاهر
outlay	بذل
out-of-love face-turning	توجه حبّی
outrage	جفا
outsider	نامحرم
outsiders	اغیار
outside wayfarer	سالک خارج
Outspreader, the	باسط [خداوند]
outspreading	بسط
outstanding men	اعاظم
outward	ظاهر
Outward, the	ظاهر [خداوند]
outward action	کار ظاهر
outward blessing	نعمت ظاهری
outward decree	حکم ظاهر
outward dimension	ظاهر (≠ سرّ)
outward eye	چشم ظاهر
outward form	صورت ظاهری
outward knowledge	علم ظاهر، علم ظاهری
outward meaning	ظاهر [معنا]
outwardness	ظهور
outward practice of	

orientation	اهتداء
Origin, the	مبدأ [خداوند]
original abode	وطن
Original Adam	آدم اصلی
original beloved	معشوق اصلی
original creation	ابداع
original disposition	جِبَلَّتْ، فطرت
original man	انسان اصلی
original nature	فطرت
Origin and the Return, the	مبدأ و معاد
origination	ابداع
Originator, the	فاطر، مُبْدِی، مُنْشِئ [خداوند]
origin of primordality	بدایت فطرت
orison	ذکر، مناجات
ornament	زینت
orthodox, the	اهل سنت
orthodox Muslim	سُنی
orthodoxy	رأی جمهور، قول جمهور
ostentation	تظاهر، تفاخر، ریا
ostentatious	ریاکار، مُرائی
others	اغیار
other-than-God, the	غیر
other-worldly	أُخْرَوِی
other-worldly bliss	سعادت اخروی
other-worldly happiness	سعادت اخروی
other-worldly mode of being	نشأه اخروی
outer	ظاهر (بِباطن)

openness of vision	سعه صدر
open polytheism	شرک صریح
open remembrance	ذکر جلی
operation of the senses	
on sense objects	تصرف حواس در محسوسات
opinion	نظر (= رأى)
opposing one's soul	معانده نفس
opposition	مخالفت
opposition to the soul	مخالفت نفس (= موت احمر)
oppression	جفا، ظلم، قهر، محنت
oppressive soul	نفس ظالم
option	اختیار (= انتخاب)
optional	اختیاری، تطوعی
optional religious practices	تطوع
orally transmitted	سمعی
orator	واعظ
orbits of the stars	مواقع النجوم
Ordainer, the	مقدّر [خداوند]
ordeal	امتحان
order	امر، نظام، نظم
orderliness	نظم
ordinance of the Law	قانون شریعت
organs	جوارح
orient	مشرق
Oriental philosophy	حکمت اشراق
Oriental theosophy	حکمت اشراق
Oriental Wisdom	حکمت اشراق

Oneness	واحدیت، وحدانیت، وحدت، یگانگی [خداوند]
Oneness of Being	وحدت وجود
One-ness of Existence	وحدت وجود
Oneness of Finding	وحدت وجود
Oneness of Reality	وحدت وجود
Oneness of Ultimate Reality	توحید
one's dealing with God	معاملت
one soul	نفس واحده
one's time	اجل (= وقت مرگ)
one's treatment of God	معاملت
One\Unique, the	واحدِ احد [خداوند]
onslaught	سَطوت، صولت
ontological entities	امور وجودی
ontological levels	مراتب وجود
ontological named thing	مسمّای وجودی
ontological qualities	امور وجودی
ontological vastness	سعه وجودی
Opener of doors	مفتّح الابواب
Open-Handed, the	باسط [خداوند]
opening	فتح
openings	فتوحات
opening the talisman	طلسم‌گشایی
open invocation	ذکر جلیّ
openness of heart	سعه قلب
openness of spirit	اتسراح صدر
openness of the chest	سعه صدر
openness of the spirit	شرح صدر

Occasioner of all occasions, the	مَسبَّبُ الاسباب [خداوند]
occident	مغرب
Occult, the	باطن [خداوند]
occultation	اختفاء، استتار، غیبت (≠ حضور)
occulted	غیبی
occupying the throne	جلوس
occurrence	حادث، خطور
ocean	بحر
ocean of light	دریای نور
ocular vision	رؤیت عینیّه، رؤیة العین، مکاشفة العیان، مکاشفة دیداری
odd	وتر (≠ شفع)
oddness	وتریت
odious	مکروه
offering	قربان
office	مقام
official sciences	علوم رسمیّه
of the heart	قلبی
old Magian, the	پیر مغان
old wine	می کهنه
omen	فال
Omnipotence	قهر [خداوند]
Omnipotent, the	قهار [خداوند]
Omnipotent King, the	ملیک مقتدر [خداوند]
Omniscient, the	عالم، عالم مطلق، علیم [خداوند]
One, the	أحد، واحد [خداوند]
One\many	واحد\کثیر

object of revelation	مکاشف
object of seeking	مطلوب
object of vision	مرئی
object of witnessing	مشهود
object of worship	معبود
objects of the gaze of God's grace	منظوران نظر عنایت
object sought for	مُرَاد
obligation	فرض (= واجب)
obligation towards God	عبادت
obligatory	الزامی
obligatory ritual	فرض (= واجب)، فریضه
oblique glancing	گوشه چشم
obliteration	محو
obliteration in affirmation	محو در اثبات
oblivion	ذهول
obscuration	تلبیس
obscurity	استتار، سیاهی (کنایه از ذات حق)
obscurity of nonbeing	کتم عدم
observance	مراعات
observance of incoming thoughts	مراعات خواطر
observance of the (Divine) Command	مراعات امر
observation	مراقبت، مراقبه، مشاهده
observer	ناظر
observing the rules of religion	حفظ آداب شریعت
obstacle	عَقَبه
obstinacy	خودرأیی
occasion	سبب، وقت

O

oath	عهد (= سوگند)
oath of allegiance	بیعت
obedience	اطاعت، انقیاد، طاعت، فرمانبرداری
	مخلصانه، متابعت
obedience of passion	متابعت هوا
obfuscation	شبهه
object desired	مُرَاد
objection	تعرّض
objective journey	سیر آفاقی
objective voyage	سیر آفاقی
object of act	مفعول
object of contemplation	شاهد، مشهود
object of denotation	مدلول
object of desire	مُرَاد، مطلوب
object of instauration	مَجْعُول
object of love	محبوب
object of perception	مُدْرَک
object of power	مقدور
object of praise	ممدوح

not-visible	نامشهود
nourish, to	رزق دادن
be nourished, to	ارتزاق کردن
Nourisher, the	رازق، غازی [خداوند]
Nourishing, the	رازق [خداوند]
nourishment	تریت
<i>Nous</i>	عقل اوّل
novelty	حدیث (= سخن)
novice	خام [آنکه در بدایت سلوک است]، سالک، مبتدی، مرید
novice wayfarer	مبتدی سالک
nuisance	الحاح
<i>nun</i>	نون (= علم اجمالی)
nurturing of equity	انصاف‌پروری

non-essential goodness	حسن زائد (≠ حسن ذاتی)
non-eternal	محدث
non-existence	عدم، فنا، نیستی
nonexistent entities	امور عدمی
nonexistent matters	امور عدمی
nonexistent qualities	امور عدمی
non-existent world	عالم عدم
non-local	لامکان
non-locality	لامکانی
nonmanifest	باطن [وصف]
non-manifested, the	غیب [عالم]
Non-manifested, the	غیب [خداوند]
non-material	مجرد (= غیرمادی)
non-non-existence	عدم لاوجود
non-performance of <i>ṣalât</i>	ترک صلات
non-perturbation	طمأنینه
nonwaking vision	مکاشفه در حال خواب
non- <i>wujûd</i>	لاوجود
noose of seeking	کمند طلب
noose of yearning	کمند طلب
normative will	اراده
<i>nostalgia</i>	غم غربت
No station	لامقام
not divisible	بسیط
Not He	لاهو
no-thing	لاشیء
nothingness	فنا، عدم، نیستی

noble	شریف، کریم، منیع، نجیب
noble, the	شُرَفَاء
noble and common	خاص و عام
noble character traits	مکارم اخلاق
noble dispositions	مکارم اخلاق
noble house	بیت الشرف
noble manners	مکارم اخلاق
noble qualities of character	مکارم اخلاق
Noble Recorders	کرام الکاتبین
nobles	احرار، نجباء
noblest virtues, the	مکارم اخلاق
nocturnal ascent	معراج
nocturnal discourse	مسامره
nocturnal orisons	تهجد
nonattachment	عدم تعلق
non-being	عدم، لیس، نیستی
noncompound	بسیط
nondelimitation	اطلاق (= مطلق بودن)
nondelimited	مطلق
Nondelimited, the	مطلق [خداوند]
nondelimited Imagination	خیال مطلق
nondelimited perfection	کمال مطلق
nondelimited prophethood	نبوت عامه
nondelimited thrall of Allah	مألوه مطلق
non-Divine, the	ماسوی الله
Nondual, the	واحد [خداوند]
non-entity	لاعین، نیستی

nest	آشیانه
next world	عقبی
new arrival	حدوث
new creation	خلق جدید
newly arrived thing	حادث، محدث
next world	آخرت، عالم آخرت، عقبی
niceties of wisdom	لطایف حکمت
niche	مشکات
niche in the mosque	محراب
niggardliness	بخل
niggardly	بخیل
nightingale	بلبل
night journey of the Prophet (from Mecca to Quds)	إسراء
night journey to His Presence	معراج
nightly vigil	شب زنده داری
night of ascent to heaven	شب معراج
Night of Decree	شب قدر
night of dis-union	شب فرقت
Night of Destiny	شب قدر
Night of Power	شب قدر
night of separation	شب هجر، شب هجران
night of the Ascension	شب معراج
night of vigilance	شب احیاء
night ṣalât	قیام اللیل، نماز شب
night-watching	تهجد
nobility	فخر، کرامت، کرم، مکرم

Necessary, the	واجب [خداوند]
Necessary Being, the	واجب الوجود [خداوند]
Necessary Being through Himself, the	واجب بالذات [خداوند]
necessary through the Other	واجب بالغير
necessity	وجوب (≠ امکان)
necessity preceding existence	تقدم وجوب بر وجود
need	افتقار، حاجت، فقر، نیاز
needfulness	نیاز، حاجت
neediness	افتقار
needlessness	استغناء
needy	محتاج
needy person	مسکین
negating stray thought	نفی خاطر
negation	نفی (≠ اثبات)
negation of astray thoughts	نفی خواطر
negative attributes	صفات سلبی
negative qualities	صفات سلبی
neglecting	ترک، غفلت
neglect of God	غفلت از حق
negligence	غفلت
negligence of God	غفلت از خدا
negligency	غفلت
negligent	ساهی، غافل
neighborhood of God	جوارالله
neighborliness	جوار
nescience	جهل

base nature	خسّت طبع
bodily nature	طبیعت جسمانی
by nature	ذاتاً
depressed nature	افسردگی طبع
Divine nature	الوهیّت، لاهوت
good nature	خُلُق نیکو
human nature	بشریّت، ناسوت
innate nature	فطرت
in nature	ذاتاً
mortal nature	بشریّت
original nature	فطرت
perfect nature	طبع تامّ
primordial nature	فطرت، فطرت اولی
sluggish nature	افسردگی طبع
sublime nature	خُلُق عظیم
tremendous nature	خُلُق عظیم
Near, the	قریب [خداوند]
nearby inspiration	فتح قریب
nearby victory	فتح قریب
nearest of the veils, the	حجاب اقرب
nearing God	تقرّب به خدا
nearness	قرب، نزدیکی
nearness of obligatory works	قرب فرائض
nearness of supererogatory works	قرب نوافل
nearness to God	قرب الاهی، قرب الی الله
near presence	قرب
necessary	ضروری، بدیهی، واجب (≠ ممکن)

Names of the Essence	اسماء ذات
Names of the Names	اسماء الاسماء
all-comprehensive Name	اسم جامع (= اسم اعظم)
external name	اسم ظاهر
greatest Name (of God), the	اسم اعظم
hidden name	اسم خفیّ
Highest Name, the	اسم اعظم
manifest name	اسم ظاهر
Supreme Name	اسم اعظم
narcissism	انانیّت
nation	ملت، امت، وطن
native country	موطن
natural disposition	فطرت، میل فطری
natural inclination	میل فطری
natural intellect	عقل فطری
natural love	حبّ طبیعی (= حبّ عوام)
natural lust	شہوت طبیعی
naturally	ذاتاً
natural nutrition	غذای طبیعی (≠ غذای حقیقی)
natural object of act	مفعول طبیعی
natural passion	شہوت طبیعی
natural veil	حجاب طبیعی
natural veil of the self	حجاب نفسی طبیعی
natural zeal	غیرت طبیعی
nature	طبع، طبیعت، کیان
four natures	طبايع اربعه، طبايع چهارگانه
perfect natures	طبايع تامّ

N

Named, the	مسمّی، موصوف [خداوند]
named object	مسمّا (≠ اسم)
named term	اجل مسمّی
Name of the Name	اسم الاسم
Names	اسماء
Names and Attributes	اسماء و صفات
Names and Qualities	اسماء و صفات
Names for declaring incomparability	اسماء تنزیه
Names for enumeration	اسماء احصاء
Names for magnification	اسماء تقدیس
Names indicating accidents	اسماء عَرَضِیَّه
Names of Beauty	اسماء جمال
Names of Divine Acts	اسماء افعال
Names of Gentleness	اسماء لطف
Names of Majesty	اسماء جلال
Names of Mercy	اسماء لطف
Names of perfection	اسماء حسنّی
Names of severity	اسماء قهر
Names of suzerainty	اسماء ربوبی

mystic dubitation	تجاهل عارف
mystic emotions	تأثرات عرفانی
mysticism	عرفان
mystic Path	طریقت
mystic perception	ذوق، معرفت ذوقی
mystics	ارباب حال، ارباب معانی، الاهیون، اهل حقیقت، اهل عرفان
mystic sciences	علوم ذوقی
mystic sign	اشارت
mystic singer	قوال (= سراینده)
mystic's passing-away	فناء [فی الله]
mystic state	حال
mystic truth	حقیقت عرفانی
(mystic) vision	مشاهده
mystic wisdom	معرفت

mutual impeding	تَمَانَع
mutual likeness	مِمَاثَلَت
mutual similarity	تَشَابَه، مِشَابَهَت
mutual waystation	مِنَاوَزَلَه
mysteries of worship	اَسْرَار عِبَادَات
mysterious	خَفِيّ
mystery	راز، سِرّ، غِيب
mystery inherent in being	سِرّ وجود
mystery of Destiny	سِرّ قدر
mystery of existence	سِرّ وجود
mystery of measuring out	سِرّ قدر
Divine Mystery	سِرّ الاهی، سِرّ ربّانی، سِرّ اللّٰه
Lordly Mystery	سِرّ ربّانی
unknown mystery	غِيب مَجْهُول
world of Mystery	عَالَم غِيب
mystic	عارف
mystical concert and dance	سَمَاع
mystical disciple	ناسک
mystical fusion	فَنَاء [فِي اللّٰه]
mystical knowledge	مَعْرِفَت
mystical meaning	مَعْنَا
mystical music	سَمَاع
mystical reality	حَقِيقَت عَرَفَانِي
mystical state	حَال
mystical station	مَقَام
mystical theosophists	الاهيَّون
mystical way	طَرِيقَت

Muhammadan grace	برکت محمدی
Muhammadan plenum	ملاً محمدی
Muhammadan Poles	اقطاب محمدی
Muhammadan Presence	حضرت محمدی
Muhammadan Reality	حقیقت محمدی
Muhammadan realm	ملاً محمدی
Muhammadan sainthood	ولایت محمدی
Muhammadan saintship	ولایت محمدی
Muhammadan sanctity	ولایت محمدی
Muhammadan Spirit	روح محمدی
Muhammadan triplicity	تثلیث محمدی
multiple essences	اعیان کثیره
multiplicity	تعدد، کثرت
multitude	کثرت
multitude, the	عوام
mundane	دنیوی
<i>mundus imaginalis</i>	عالم مثال
munificence	ایثار، بخشندگی، سخاوت، کرامت
munificent	بخشنده
Munificent, the	جواد [خداوند]
munifisence	جود
music	طرب
musk	مُشک
musk-diffusing	مُشک‌فشان
musky	مُشکین
mustering, the	حشر
mutual aversion	تنافر

most wretched, the	اشقى الاشقياء
moth	پروانه
mother of all woes	امّ الخبائث (کنایه از شراب)
mother of iniquities	امّ الخبائث (کنایه از شراب)
Mother of the Book	امّ الكتاب
Mother of the Cities	امّ القرى
mother of wisdom	امّ حکمت (= معرفت نفس)
mothers	امّهات
Mothers of (Divine) Names	امّهات اسماء
mothers of realities	امّهات حقایق
motion	سیر
motivation	انبعاث
motivational object of act	مفعول انبعاشی
motive	داعی (= داعیه)، غرض
mount	مرکب
Mount <i>Qâf</i>	کوه قاف (کنایه از مقام یکرنگی)
mount <i>Qâf</i> of separation	قاف تفرید
Mount Sina	طور سینا، کوه طور (کنایه از مقام فنا)
mountedness	ترکیب
mourning song	تعزیت
movement	حرکت، سیر
movement of ardent desire	حرکت شوقی
ascending movement	سیر صعودی
descending movement	سیر نزولی
ecstatic movements	حرکات وجدی
horizontal movement	سیر افقی
Muhammadian form	صورت محمدی

mortify (oneself), to	رياضت كشیدن
Most Beautiful Names, the	اسماء حسنیٰ
most befitting, the	اصلح
Most Compassionate of	
the compassionate, the	ارحم الراحمین [خداوند]
most deniable of the deniables, the	انکر منکرات
most exalted, the	اعلیٰ
Most Generous of the Generous, the	اکرم الاکرمین [خداوند]
most-great Master, the	شیخ اکبر [لقب ابن عربی]
most hidden, the	اخفی، غیب الغیب
Most High, the	متعالی [خداوند]
Most Holy, the	قُدّوس [خداوند]
most holy effusion, the	فیض اقدس
most indefinite of	
the indefinites, the	انکر منکرات
most interior secret of man, the	ضمیر
Most Merciful, the	رحیم [خداوند]
most noble of all creatures, the	اشرف مخلوقات
most non-manifested, the	غیب الغیب
Most Pardoning, the	عَفُو [خداوند]
Most Perfect Names, the	اسماء حسنیٰ
most sacred effusion, the	فیض اقدس
most sacred emanation, the	فیض اقدس
most sacred locus of witnessing, the	مشهد اقدس
most saintly effusion, the	فیض اقدس
most secret, the	سرّ السرّ
Most Strong, the	قوی [خداوند]

monastic vows	شرط رهبانیت
monk	ترسا، راهب، رهبان
Monotheism	توحید
monotheist	موحد
moon-face	مهروی
morality	اخلاق
morally conscious soul	نفس لوامه
moral philosophy	حکمت اخلاقی
moral qualities	آداب
morals	آداب، علم اخلاق
morals of paganism	اخلاق جاهلی
moral traits	اخلاق
moral virtue	مروت
moral wisdom	حکمت اخلاقی
more befitting	اصلح
more misguided	اضل
morning breeze	باد صبا (کنایه از نفحات رحمانی)
morning draught	صبوح
morning gale	صبا
morning of pre-eternity	صبح ازل
morning-riser	سحرخیز
morning-rising	سحرخیز
mortal	بشر، فانی
mortal man	بشر
mortal nature	بشریت
mortal sinners	اهل کبایر
mortification	ریاضت، مجاهده

misguidance	إضلال، ضلالت
misguided	ضالّ
misguidedness	ضلالت
Misguider, the	مضلل [خداوند]
misguiding	اذلال
missing	ترک
mission	رسالت
missionary	داعی
mistrust	سوء ظنّ
mixture	اختلاط، امتزاج، مزاج
mode	هیأت
mode of being	نشأه
mode of nature	نشأه طبیعت
mode of spirit	نشأه روح
modest	متواضع
modesty	تواضع، حیا، خضوع، صدق
mole	خال (کنایه از نقطه وحدت)
moment	دم، لحظه، وقت
momentary experience	وقت
moment of death	اجل (= وقت مرگ)
Monarch, the	مالک [خداوند]
monarch of love	سلطان عشق
monarchy	سلطنت، مُلک
monastery	صومعه
monastery	دیر، رباط (کنایه از دنیا)، صومعه (کنایه از مقام تفرّد و تجرید از ماسوی الله)
monasticism	رهبانیت

mineral realm	عالم جمادی
mineral soul	نفس جمادی، نفس معدنی
minor revelation	الهام
minor sin	گناه صغیره
minor sinners	اهل صغایر
minstrel	مطرب
miracle	آیت، اعجاز، خرق عادت، کرامت، معجزه
miracle (of prophet)	آیه، معجزه
miracle performed by a Sufi saint	کرامت
miracles of the saints	کرامات اولیاء
miracles performed by a Sufi saint	کرامات
miraculous power	کرامت
mirage	سراب
mirror	آینه، مرآت
mirror of beauty	آینه جمال
mirror of existence	آینه وجود، آینه هستی
mirror of horizons and souls	آینه آفاق و انفس
mirror of the soul	آینه جان
misbelief	کفر
mischievous	شرّ
miscreant	زندیق
misdeed	ذنب، گناه
miser	حریص
miserliness	بخل
miserly-stingy	بخیل
misery	شقاوت
misfortune	ادبار (≠ اقبال)، بلا، مصیبت

metaphorical love	عشق مجازی
metaphorically	با استعاره، بالمجاز، به معنای مجازی
metaphysics	حکمت، حکمت الاهی
metempsychosis	تناسخ
metempsychosist	تناسخی، قائل به تناسخ
method	آیین، راه و روش، طریق
method of Sufism	طریقت، طریقت تصوّف
meticulous	وسواسی
microanthropos	انسان صغیر
microcosm	انسان صغیر، عالم اصغر، عالم صغیر
microcosmic world of imagination	خیال متصل
middle class	متوسطین
middle men	متوسطین
midnight-prayer	دعای نیمه شب
might	اعزاز، جبروت، شوکت، قوّه
Might, the	عظمت [خداوند]
mightier kingdom	مُلک اعظم
Mighty, the	عزیز، عظیم، قدیر [خداوند]
Mighty Book	کتاب عظیم
mighty morality	خُلُق عظیم
mighty obstacles	عَقَبات عظیم
Mighty Presence	حضرت عزّت
migrant	مهاجر
migration	هجرت
mildness	چلم
mind	عقل، نفس
mindedness	سریره

Mercy-Giving, the	رحیم [خداوند]
mercy-glance	نظر رحمت
mercy of God	رحمت خدا
mercy of the Names	رحمت اسمائی
all-embracing mercy	رحمت واسعه
all-inclusive mercy	رحمت عام
all-spreading mercy	رحمت انتشاری
Divine mercy	رحمت الاهی، رحمة الله، کرم حق
essential mercy	رحمت ذاتی
general mercy	رحمت عام
God's mercy	رحمة الله
gratuitous mercy	رحمت امتنانی
special mercy	رحمت خاص
specific mercy	رحمت خاص
merit	حسنه
message	رسالت
messenger	پیامبر، پیک، پیغمبر، مرسل
messengerhood	رسالت
messenger of felicity	هاتف سعادت
Messenger of God	رسول الله
metamorphose	تحول
metamorphosing	مسخ
metaphor	مجاز
metaphorical	استعاره، بالمجاز، متشابه، مجازی
metaphorical being	هستی مجازی
metaphorical existence	وجود مجازی
metaphorical interpretation	اعتبار (≠ تفسیر)

Men of the Inability	رجال عجز
Men of the inner Sense	رجال حس باطن
men of the inner world	اهل معنا
Men of the invisible world	رجال غیب
Men of the Limit	رجال حد
Men of the Manifest Sense	رجال حس ظاهر
Men of the Nonmanifest Sense	رجال حس باطن
Men of the outward Sense	رجال حس ظاهر
Men of the Overview	رجال مطلع
men of the Path	اربات طریقت
Men of the Six Days	رجال ایام سته
Men of the Succour	رجال امداد
men of the Way	اهل طریقت
Men of the Wonder	رجال حیرت
Men of the Yearning	رجال اشتیاق
men of union	واصلان
mental dispersion	پراکندگی خاطر
mental distraction	تشّت خاطر
mental existence	وجود علمی
mental immutability	ثبوت علمی
mental vision	بصیرت، رؤیت علمیّه
mentioning the name of God	ذکر حقّ
mentor	استاد
merciful	رحمانی
Merciful, the	راحم، رحمن، رحیم [خداوند]
mercifulness	رحیمیت
mercy	رحم، رحمت، رأفت، رفق، عفو، مرحمت

men of allusion	اهل اشارت
Men of Breaths	رجال أنفاس
men of charismatic acts	اهل كرامت
men of chivalry	ارباب مروّت
men of discipleship	اهل ارادت
men of Divine deception	اهل استدراج
men of faith	مؤمنان
men of God	اهل الله، مردان خدا
men of heart	اهل دل
men of hearts	اهل قلوب
men of inner knowledge	علماء باطن
Men of Intentions	رجال نيات (= نياتيون)
men of learning	ارباب فضل
men of noble aspiration	ارباب همّت
Men of Number	رجال عدد
Men of Path	رجال طريقت
Men of perfumes	رجال روائح
men of piety	ارباب تقوى
men of pure heart	صافى دلان
men of religion	اهل دين
Men of Scents	رجال روائح
men of science	علماء
men of solitude	اهل خلوت
Men of spiritual path	رجال طريقت
men of spiritual virtue	اهل احسان
Men of the Absent	رجال غيب
Men of the Help	رجال امداد

match	نِدَّ، همتا
material intellect	عقل هیولانی
materialists	دهریان
matter	مادّه، هیولی
mature	بالغ
May it be so	آمین
Mazdean	گبر
meanness	بخل
measure	قَدَر
measures	مقادیر
measuring out	قَدَر
Mecca	امّ القری، مکه
mediate cause	سبب
meditation	تدبّر، تأمّل، تفکّر، فکر، مراقبت
meditative unveiling	کشف نظری
meekness	بردباری، حلم
meeting	لقاء، ملاقات
<i>mehrâb</i>	محراب
melancholiac	سودایی
melancholic	سودایی
melancholy	سودا، سودایی
melody	ساز
menace	وعید
mendicancy	گدایی
mendicant	درویش
men of Allah	مردان خدا

manners of Sufi monastery	آداب خانقاه
mansion of eternity	سرای باقی
man's right	حق الناس
margin of the stream	لب جوی
market	بازار، بازار (کنایه از مقام تجلیات انوار الاهی)
market of blame	بازار ملامت
market of love	بازار عشق
master of news	صاحب خبر
mantle	خرقه
manyness	تعدد
mark	اثر
Market of the Garden	سوق الجَنّه
marriage	زوجیت، نکاح، وصلت
masculine	مذکر
masculinity	ذکورت
master	استاد، پیر، سرور، سید، مولیٰ
Master, the	ربّ، مولیٰ [خداوند]
Master of Illumination	شیخ اشراق
master of masters	شیخ المشایخ
Master of the first	
and the last	سید اولین و آخرین
master of time	خداوند وقت
masters	مشایخ
mastership	ریاست، سیادت
masters of inwardness	خداوندان باطن
masters of time	خداوندان وقت
master who has attained union	شیخ واصل

manifestation of Glory	تجلّی جلال
manifestation of God	ظهور الاهی
manifestation of imagination	تجلّی خیال
manifestation of sensation	تجلّی حسّ
manifestation of the Beauty	تجلّی جمال
manifestation of the Divine Essence	تجلّی ذات الاهی
manifestation of the Essence	تجلّی ذات
manifestation of the heart	تجلّی قلب
manifestation of the invisible	تجلّی غیب
manifestation of the visible	تجلّی شهود
manifestations of engendered beings	مظاهر اکوان
manifestations of entities	مظاهر اعیان
manifest victory	فتح مبین
Manifested, the	ظاهر [خداوند]
manifest Imam	امام مبین
manifesting	ابداء، اظهار
manifest name	اسم ظاهر
manifest world	عالم شهادت
manliness	جوان مردی، فتوّت، مروّت
manly, the	فتیان
manly nobility	جوان مردی، فتوّت
manly zeal	حمیّت
manner	منش
manner of character	اخلاق
manners	آداب
manners of companionship	آداب صحبت
manners of sheikh	آداب شیخ

malicious	خیث
malign	مُهَلک
maligning	قَدَح (= عیب جوئی)
mammonism	دنیا طلبی
man	انسان، بشر
man of Angelic World	آدم ملکوتی
man of charismatic acts	صاحب کرامات
man of corporeal world	آدم مُلکی
man of ecstasy	واجد (= صاحب وجد)
man of excellence	اهل فضل
man of faith	مؤمن
man of heart	صاحب دل
man of inward feeling	صاحب سرّ
man of knowledge	عالم
man of knowledge and practice	عالم عامل
man of mystical state	ربّ حال (= صاحب حال)
man of religious learning	عالم
man of stability	صاحب تمکین
man of the moment	ابن الوقت
man of variegation	صاحب تلوین
manifest	پیدا
Manifest, the	ظاہر [خداوند]
manifest and hidden worlds	کَوْنِین
manifestation	ابداء، اظہار، تجلّی، جلوہ، ظہور، مَظہر
manifestation of Divinity	تجلّی الوہیت
manifestation of dominicality	تجلّی ربوبیت

Magnate	قطب
magnification	تعظیم
Magnificence, the	جباریت، جبروت، جلال، کرم، عظمت [خداوند]
Magnificent, the	کریم، متکبر [خداوند]
magnifying	تعظیم
magnifying God's waymarks	تعظیم شعائر الله
magnifying religious waymarks	تعظیم شعائر
majestic	کبریایی [وصف]
Majestic, the	جلیل، ذوالجلال [خداوند]
Majesty, the	جلال، حشمت، جبروت، شوکت، عظمت، کبرياء [خداوند]
Majesty of the Unity	جلال احدیت
major categories	امّهات
major witness	شهادت کبریٰ
make mediator, to	توسّل جستن
Maker, the	باری، جاعل، صانع [خداوند]
maker of wholesomeness	مصلح
make successful, to	توفیق دادن
making	جعل
making apparent	اظهار
making a show	ریا
making oneself master	استیلا
making whole	اصلاح
making wholesome	اصلاح، مصلح
malediction	لعنت
malice	خیث، مکر

M

machination	حيله
macroanthropos	انسان كبير
macrocosm	آفاق، انسان كبير، عالم اكبر، عالم كبير
macrocosmic world of imagination	خيال منفصل
mad	مجنون
madman	ديوانه
madness	جنون، ديوانگي، شور
<i>Madonna Intelligenza</i>	روح القدس، عقل فعال
Magi	گبر
magians	مُغان
Magians' cloister	دير مغان
Magian spiritual teacher	پير مغان
magic	سحر
magician	ساحر
magic cup	جام جهان نما (كنايه از قلب عارف كامل)
magnanimity	علوّ طبع، علوّ همّت، مناعت طبع
magnanimous, the	ارباب قلوب، اهل همّت

lunacy	جنون، دیوانگی
lunar sainthood	ولایت قمریّه
lunar saintship	ولایت قمریّه
lunatic	دیوانه، مجنون
lust	شہوت، میل، هوای نفس، هوس
lustre	بهاء، ضیاء، نور
<i>lux victorialis</i>	نور قاهر

lowest world, the	عالم اسفل، عالم دنیا
lowliness	تذلل، خشوع، دنائت، ذلت، فرومایگی، مذلت، مسکنت
lowly	خاشع، فروتن، مسکین
lowly soul	نفس سُفلی
low-minded	دون‌همت
low mothers	امّهات سُفلی
loyal disciple	مرید صادق
loyalty	توّلّی، صدق، وفا، وفاداری
lucid	صافی
Lucifer	ابلیس
lucky	سعادت‌مند
luminary	نورانی، نیر
luminosity	ضیاء، نورانیت
luminosity of light	نورانیت نور
luminous	نورانی، نیر
luminous frames	هیاکل نوریّه
luminous inner vision	بصیرت
luminous sciences	علوم اشراقی
luminous shadow	ظلّ نوری
luminous spirits	ارواح نوری
luminous temples	هیاکل نوریّه
luminous veil	حجاب نورانی
luminous veils	حُجُب نور
luminous world	عالم نورانی
luminous world of apparitional figures	عالم مثال نورانی
luminous world of Idea-Images	عالم مثال نورانی

lover	حبيب، دوست، دوستدار، محب، مشتاق
lover of God	عاشق
lovers	اهل محبت، محبين
lover's entreaty	نياز عاشق
lover's master	اديب عشق
love's Path	طريقت عشق
lover's ruined tavern	خرابات عشق
love's alchemy	کیمیای محبت
loving	عاشقی، محب تو دد، محبت
Loving, the	ودود [خداوند]
loving care	حنان
loving kindness	لطف
low	سُفلی
low aspiration	دون همّتی
low degrees	درکات
low degrees of wretchedness	درکات شقاوت
low desire	هوئ
lower life	حیات دنیا
lower plenum	ملاً ادنی، ملاً اسفل
lower soul	نفس (= خود)
lower spirit	روح سُفلی
(lower) world	دنیا
lowest abyss, the	دَرَک اسفل
lowest depth of degradation, the	اسفل السّافلین
lowest hell, the	اسفل السّافلین
lowest of the low, the	اسفل السّافلین
lowest sphere, the	فلک اقصى

lost	خاسر
lot	قسمت (= امر مقدر)، نصیب
Lote Tree	سدرة
Lote Tree of the Limit	سدرة المنتهى
Lotus of the Limit	سدرة المنتهى
lovable	محبوب
love	حُب، دوستی، سودا، عشق، محبت، مودت، مهر
loved	محبوب، مرضی
Loved, the	عزیز [خداوند]
loved one	جانان، نگار
loveliness	حُسن
lovely face	روی زیبا
lovely ones	خویان
love-mad	واله
love-making	عشق بازی
love of authority	حُب ریاست
love of created things	عشق مجازی
love of God	حُب الله، محبت الاهی، محبت خداوند
love of passions	حُب شهوات
love of power	حُب جاه
love of rule	حُب ریاست
love of the carnal soul	حُب نفس
love of this world	حُب دنیا
love of worldly gain	حُب دنیا
love-player	عشق باز
love-playing	عشق بازی

Lordly Lights	انوار اسفہدیہ
Lordly Mystery	سرّ ربّانی
Lordly Names	اسماء ربوبی
Lordly realities	حقایق ربّانی
Lordly sciences	علوم ربّانی
Lordly State	ربوبیت
Lordly wisdom	حکمت ربوبی
Lord of all being	پروردگار عالمیان، ربّ العالمین
Lord of phenomenal objects	مالک الایمان [خداوند]
Lord of Splendor	ذوالجلال [خداوند]
Lord of the Lords	ربّ الارباب
Lord of the universe	ربّ العالمین
Lord of the world	ربّ العالمین
Lord of the worlds	ربّ العالمین
Lord of Time	صاحب زمان (= غوث)
lords of liberality	اریاب کرم
Lordship	ربوبیت
Lord Supreme, the	ربّ الارباب
lose all self-control, to	بی قرار شدن
loser	خاسر
losing one-self	فنا
loss	حرمان
loss of consciousness	اصطلام (= وّله وارد بر قلب و مسلط بر آن)
loss of faith	زوال ایمان
loss of heart	بی دلی
loss of lust	زوال شہوت

locus of witnessing	مشهد
lodging	منزل‌گاه
loftiness of aspiration	علو همت
Lofty, the	رفیع [خداوند]
lofty aspiration	همت عالی
lofty degree of the distance of two bowstrings	مدرج قاب قوسین
lofty degrees	درجات عُلّیا
lofty of degree	عالی مقام
lofty Paradise	خلد برین
lofty place	محل اعلیٰ
lofty resolution	همت عالی
loneliness	تفرید، تنهایی
longing	اشتیاق، تمنّی، رغبت، شوق
longing ones	مشتاقان
long-necked goblet	صُراحی
looking	نظر (= نگریستن)
Lord, the	ربّ، سیّد، مولیٰ، والی [خداوند]
Lord-like	ربّانی
Lordliness	ربّانیت، ربوبیت
Lordly	ربّانی
Lordly Attributes	اوصاف ربوبیه
Lordly forms	صُور ربّانی
Lordly grace	لطف ربوبیت
Lordly graces	الطاف ربّانی
Lordly inspirations	الهامات ربّانی
Lordly knowledge	علم ربّانی

lip	لب
Listener, the	سامع [خداوند]
listening	سماع
listless intelligence	عقل افسرده
litany	مناجات، وِرد
literal	حقیقی (≠ مجازی)
literal aspect	ظاهر [معنا]
literally	بالحقیقه، به معنای حقیقی
little cosmos	عالم صغیر
little knowledge	علم قلیل
little slave	بنده كو چك، عُبيد
living	زنده
Living, the	حيّ [خداوند]
living in pleasure	عیش
Living One, the	حيّ [خداوند]
load of deposit	بار امانت
loathsome	خبث
localisation	حلول
locatedness	أَينِيَّة
loci	مَحالّ [ج محلّ]
loci of manifestation	مظاهر
lock (of hair)	زلف
locks	گیسو
locus	محل
locus of manifestation	مَظهر
locus of Self-Disclosure	مَجْلِي، جلوه گاه خداوند
locus of vision	محل نظر، منصّه، منظر

light of intelligence	نور عقل
Light of Lights	نور الانوار
light of Muhammad	نور محمدی
light of oneness	نور توحید
light of self-revelation	نور تجلی
light of spirituality	نور روحانیت
light of <i>tawhîd</i>	نور توحید
light of theophany	نور تجلی
light of unveiling	نور تجلی
Lights of Divine Commandment	انوار اسفندیّه
lights of evident truths	انوار بینات
lights of guidance	انوار هدایت
lights free of any locus	انوار مجرّد
light shedding	نور بخشی
light-spirited	سبک روح
Light Verse	آیه نور
like	نِدّ
likeness	مشابّهت، مماثلت
likenesses	امثال
limit	حد، مرتبه
limited	محصور
limitless light	نور بی انتها
limitless ocean	بحر بلا شاطی، دریای بی کران، بحر بی پایان
(limit of) equilibrium	حدّ اعتدال
limpidity	خلوص
limpidness	صفا
link	رابطه

lieutenant of longing	شحنه شوق
life	جان، حیات، سیره، نشأه
Life, the	حی [خداوند]
Life-Bestowing, the	مُحیی [خداوند]
Life-Giver, the	مُحیی [خداوند]
life of creatures	معاش خلق
life of endless eternity	حیات ابدی
life of the heart	حیات قلب
life span	اجل (= مدت حیات)
lifting a screen	رفع حجاب
lifting of the veil	رفع حجاب، کشف الغطاء
lifting up	رفعت
light	برق، نور
light bestowing	نوربخشی
light-burdened ones	سبک باران
light-giving Lamp	مصباح منیر
light-hearted	سبک روح
lighting	برق
lighting of union	برق وصال
lightness of disposition	خفّت
lightning	برق، صاعقه (کنایه از لهیب محبت)
light of being	نور وجود
light of certitude	نور الیقین
light of faith	نور ایمان
Light of God	نور الله
light of happiness	نور سعادت
light of intellect	نور عقل

lesser holy war	جهاد اصغر
lesser purification	طهارت صغری
lesser purity	طهارت صغری
lesser understanding	فقه اصغر (= فقه)
Let me see	أرني
letter	حرف (هر جزئی از هر موجود)
letter magic	سیمیا
letters	حروف (کنایه از حقایق بسیطه)
level of animals and beasts	مقام بهایم و اَنعام
level of degree	رتبه مکان
level of rank	رتبه مکان
level of reality	میدان
levels	طبقات، مراتب
levels of knowledge	مراتب معرفت
levels of the world	مراتب عالم
lewdness	فسق
liar	کاذب (= دروغگو)
liberal	جواد
liberality	بخشنده‌گی، بذل، جوان‌مردی، سخاوت، کرم
libertine	اباحی، رند
libertine, the	رندان
libertinism	اباحه‌گری
Libertinists	اباحیه
liberty	حریت
licentious	اباحی
licentiousness	فسق

leader	پیشوا، رہبر، سرور، سیّد، قطب، نقیب
leader of the Muslim community	امام
Leader of Theosophers	صدرالمتألهین
Leader of the Saints	سیّد الاولیاء
leaders	اولوالامر، نقباء
leadership	پیشوایی، ریاست، سروری
leadership of the religious	امامت امت
Leaders of the Attributes	ائمّة صفات
Leaders of the Names	ائمّة اسماء (= امّہات اسماء)
leading astray	إضلال
leading authorities on religion	بزرگان دین
learned, the	اہل علم
learned man	عالِم
learned master	عالِم
learned men	اولوالعلم
learned science	علم دراست (≠ علم وراثت)
lease of life	اجل (= وقت مرگ)
leave of God	اذن اللّٰہ
leaving	ترک
legal guidance	ہدایت شرعی
legal proof	دلیل شرعی
legal reason	دلیل شرعی
legitimate knowledge	علم مشروع
length of two bows	قاب قوسین
lenience	آسان گیری، تساہل
lesser holy struggle	جہاد اصغر

lasting righteous deeds	باقیات الصّالحات
last night	دوش
last night-hours	سَحَر
Last of the Prophets, the	خاتم انبیاء (ص)
last stage of union, the	جمع الجمع
latent	باطن [وصف]
latent polytheism	شرک خفیّ
laud	ثنا
Laudable, the	حمید [خداوند]
laudable qualities	اوصاف حمیده، محامد
laudation	ثنا
lauded	محمود [مقام]
lauding	مُسَبِّح
laughter	ضحک
lavishness	بذل، جود
law	ناموس
Law, the	شریعت
Law and the Way, the	شریعت و طریقت
Law-bringing	صاحب شریعت [وصف]
lawful	حلال
lawfully	شرعاً
Lawgiver	شارع، مُشرّع
Law-giving	تشریع
law of the Path	قانون طریقت
law of the Truth	قانون حقیقت
Law's obligations, the	تکالیف شرع
laxity	رُعونت

L

lack of fortitude	جَزَع
ladder	مِرْقَات
lair of the Unseen	مَكْمَن غِيب
lament	اِبْتِهَال، تَضَرُّع
lamentation	فغان
Lamp	چراغ، سراج، مصباح
lamp of the eye	چراغ چشم
Land of Darkness	ظلمات
lane	کوی
language of Divine Being	لسان الحق
language of Oneness	لسان احدیت
language of spiritual discovery	لسان مثالی
language of the birds	منطق الطیر
language of the heart	لسان قلب
lantern	سراج، مصباح
Last, the	آخر [خداوند]
last abode	دار آخرت
last days	آخر الزمان
Lasting, the	دائم [خداوند]

knowledge of the intellect	علم عقل
knowledge of the Law	علم شریعت
knowledge of the unseen world	علم غیب
knowledge of time	علم وقت
knowledge of unveiling	علم مکاشفه
knowledge received by the heart	واردات قلبی
knowledge tasted	علم ذوق
knowledge with God	علم مع الله
known	مُدْرَك
Koranic hermeneutics	تأویل قرآن
Koran reciter	قاری

Knowing, the	عالِم، علیم [خداوند]
knowledge	آشنایی، علم، معرفت
Knowledge	علم [خداوند]
knowledgeable men	رجال مطلع
knowledge and action	علم و عمل
knowledge from God	علم لدنی، علم خدادادی
knowledge-giving	إعلام
knowledge of asceticism	علم زهد، علم ورع و تقوی
knowledge of beneficence	علم احسان
knowledge of certainty	علم الیقین
knowledge of certitude	علم الیقین
knowledge of devotional practice	علم معامله
knowledge of divinity	معرفت ربوبی
knowledge of essence	معرفت ذات
knowledge of God	علم باللّه، معرفت خدا
knowledge of immediate vision	علم عیان
knowledge of inspiration	علم الهام
knowledge of lights	علم انوار
knowledge of piety	علم ورع و تقوی
knowledge of religious doctrines	علم اعتقادی
knowledge of sincerity	علم اخلاص
knowledge of spirits	علم ارواح
knowledge of spiritual states	علم احوال
knowledge of spiritual tastes	علم اذواق
knowledge of spiritual unveiling	علم کشف
knowledge of spiritual virtues	علم احسان
knowledge of the Absent	علم غیب

keys to the invisible world	مفاتيح الغيب
<i>Khadīr</i>	خضر
<i>Khidr</i>	خضر
khirka-wearer	خرقه پوش
Kind, the	رؤوف، کریم [خداوند]
kindliness	برّ، رفق، شفقت، لطف
kindness	احسان، برّ، رفق، شفقت، عنایت، مروّت، نعمت
King, the	مَلِک [خداوند]
king of love	سلطان عشق
King of the Kingdom, the	مالک المُلک، مَلِک المُلک [خداوند]
kingdom	دار، مُلک، ملکوت، مملکت، ولایت
Kingdom of Allah	دارالله
kingdom of eternity	دارالقرار
kingdom of singularity	مملکت فردانیّت
kingdom of the heavens	ملکوت آسمانها
kingdom of the kingdom	مُلک المُلک
Kingdom-Possessing	مالک المُلک [خداوند]
kingship	سلطنت، مُلک
knot	عقد
knotting	عقد
knotting of the heart	عقدالقلب
knower	عارف، عالم، مُدْرِک
Knower, the	علیم [خداوند]
knower of God	عالم بالله
Knower of the Absent	عالم به غیب
knower of the Path	راه شناس
Knower of the Witnessed	عالم به شهادت

K

Ka'bah

كعبه

Ka'bah of attainment

كعبه وصال

Ka'bah of pre-eternity

كعبه ازل

Ka'bah of union

كعبه وصال

Ka'bah of the heart

كعبه دل

keep aloof from, to

دوری جستن

keep away, to

دوری جستن

keeping away

اجتناب

keeping company of God

مصاحبت حق

keeping in view

مراقبت

keeping one's passions in check

ضبط شهوات

نفسانی

keep up awake, to

احیاء داشتن

kernel

گوهر، لب، مغز، هسته

kernel of the kernel

لب لباب، لب اللب

key of right guidance

مفتاح الهدی

keys

مقالید

keys to the Absent

مفاتیح الغیب

keys to the Gardens

مفاتیح الجنان

justice

عدل، قسط

Justly Proud, the

متکبر [خداوند]

just scale

قسط، میزان مستقیم

external journey	سیر آفاقی
horizontal journey	سیر افقی
objective journey	سیر آفاقی
spiritual journey	إسراء، سفر روحانی، سیر انفسی
subjective journey	سیر انفسی
journeyer	مسافر
journey in God	سیر فی اللہ
journey on the Path	سلوک
journey to God	سیر الی اللہ
journey with God	سیر باللہ
joy	ابتهاج، انبساط، بهجت، شُرور، طرب، فَرَح، لذت
joyful	شاد، مبتہج
joyfulness	ابتهاج، بشاشت، شادی
judge	داور
Judge, the	حاکم، حَکَم [خداوند]
Judgement Day	روز قیامت
judgement of intellect	حکم عقل
judgement of separation	حکم تفریق
jugular vein	حبل ورید
junction	اتصال (= پیوند)، وصول
juridically forbidden	حرام
jurisdiction	ولایت
jurist	فقیہ
Just, the	عادل، مقسط [خداوند]
be just, to	انصاف داشتن

J

jar	حُجْم (کنایه از بدایت سلوک)، سبّو
jealous	غیور، حسد
jealous, the	اهل غیرت
jealous care	غیرت
jealous honour	غیرت
jealous pride	غیرت
jealousy	رَشک، غیرت
jealousy of faith	غیرت ایمانی
jewel of existence	گوهر وجود
jinn	جَنّ
joinedness	اتّصال
joining	وصل
be joining	اتّصال یافتن
jostling	مزاحمت
journey	سفر، سیر
ascending journey	سیر صعودی
descending journey	سیر نزولی

inward rectitude	استقامت باطن
inward sense	باطن [معنا]
inward state	باطن [اسم]
inward yearning	سوز درون
Ipseity	اِیْتِیت، هویت
irascibility	غضب
irascible soul	نفس غضبی
<i>irhâs</i> (laying the foundations)	ارهاص (= نوعی خرق عادت)
irritability	حَدّت
isolated	متفرد
isolation	انفراد، انقطاع، تجرید، تنزیه، خلوت، عُزَلت، فردانیت
isolation from men	انقطاع از خلق
issuance	افاضه
issuing forth	انبعاث
isthmus	برزخ
isthmus locus of witnessing	مشهد برزخی
isthmus of isthmuses	برزخ البرازخ
it-ness	هویت

invocation	دعا، ذکر، وِرد
invocation of God	ذکر، ذکر حق، ذکر الله
invocation with the heart	ذکر قلبی
invocation with the imagination	ذکر خیالی
invocation with the soul	ذکر نفسی (≠ ذکر لفظی)
invocation with the spirit	ذکر قلبی
invocation with the tongue	ذکر زبانی، ذکر لسانی
invocation with words	ذکر لفظی (≠ ذکر نفسی)
invoker	ذاکر
invokers	اهل ذکر
invoking	ذکر
inward	باطن، باطنی
Inward, the	باطن [خداوند]
inward aspects	بطون
inward aspect of the Koran	باطن قرآن، بطن قرآن
inward association of gods with God	شرک معنوی
inward burning	سوز درون
inward dimension	باطن [اسم]
inward dimension of man	لطیفهٔ انسانی (= نفس ناطقه)
inward experience	حال
inward face	وجه باطنی
inward faculties	قوای باطنی
inward glow	حرقت، سوز درون
inwardly	در باطن
inward purification	طهارت باطن
inward purity	صفای باطن، صفای قلب، طهارت دل، طهارت قلب

	فراست، کشف
intuition of certainty	عین الیقین
(intuitive) certainty	یقین
intuitive experience	ذوق
intuitive intelligence	بصیرت
intuitive knowledge	علم شهودی
intuitive mystics	اهل کشف
intuitive people	اهل ادواق
intuitive perception	ادراک ذوقی
intuitive person	صاحب کشف
investigation	طلب
investiture of the robe	تلقی خرقه
invincibility	جبروت
Invincible, the	قهار [خداوند]
invisibility	غیب
invisible	غیب، نامشهود
invisible domain	غیب [عالم]
invisible entity	جنّ
invisible guide	مرشد غیبی
invisible instant	زمان فرد
invisible messenger	هاتف (= منادی حقّ)
invisible modes	مشارب غیبی
invisible reality	غیب [عالم]
invisible world	عالم غیب، ملکوت
invisible world of the innermost heart	غیب السرائر
invitation	استدعا، دعا
inviting ecstasy	تواجد (= اظهار حالت وجد)

intimate communion	مناجات
intimate conversation	مناجات
intimate dialogue	مناجات
intimate discourse	مناجات
intimate familiarity	أنس، مؤانست
intimate friend	خليل
intimate friend of God	خليل الله
intimate of Divine secrets	مَحْرَم سرِّ الاهی
intimate of the soul	سریره
intimates	اصفیاء، اهل انس
intimate supplication	مناجات
intimate taste	ذوق
intimate thought	سریره
intimations from	
the Unseen world	واردات غیبی
intoxicant	مُسْکِر
intoxicated	سرمست
intoxicated eye	چشم مست
intoxicated in the	
Presence of God	مست قریت حضرت حق
intoxication	خُمار، سُکر، مستی
intrepid	جرئ، جسور
intrigue	خدعه، مکر
introduction	تعرف
intruders	اغیار
intrusion	دخل
intuition	ذوق، شهود، عقل فطری،

internal prerequisite	شرط باطنی
internal rules	آداب باطنی
internal senses	حواس باطن
interpenetration	تداخل
interpolated	مندرج
interpolation	اندراج
interpretation	تعبیر
interpretation of dream	تعبیر رؤیا
esoteric interpretation	تأویل
hermeneutic interpretation	تأویل
intellectual interpretation	تأویل عقلی
metaphorical interpretation	اعتبار (بـ تفسیر)
rational interpretation	تأویل عقلی
symbolic interpretation	تأویل
interpreter	مفسّر
interpreter of mysteries	ترجمان الاسرار
interpret, to	تعبیر کردن
interrelation	مناسبت
interrelationship	مناسبت
interstice	برزخ
intertying	رابطه
interval	برزخ، فترت، وقفه
intervening stage	برزخ
interworld	برزخ
intimacy	الفت، انس، خُلّت
intimacy with God	انس با خدا
intimate	انیس، مَحْرَم، مونس

interconnector	رابط
intercourse	اختلاط، مخالطت
intercourse with men	اختلاط خلق
interdependence	تعلق
interdicted	منهی
interest	بهره، حظ، خیر
interests	اغراض
interference	دخال، دخل
interior	باطن، باطنی، غیب
interior discoveries	مواجید
interior faith	ایمان باطنی، ایمان قلبی
interior knowledge	علم باطنی
Interlocutor of Allah	کلیم الله
intermediary	برزخ [وصف]
intermediary place	برزخ
intermediary world	عالم برزخ
intermediate locus of witnessing	مشهد برزخی
intermediate Presence	حضر برزخی
intermediate stage	برزخ
intermediate suprasensory world	عالم مثال
intermediate world	برزخ، عالم اوسط
intermission	فترت
internal	باطنی
internal action	عمل باطن
internal aspect	باطن [اسم]
internal attributes	صفات باطن
internal disciplines	آداب باطنی

intellectual mode	نشأۀ عقلی
intellectual proof	حجّت عقلی
intellectual sciences	علوم عقلی
intellectual vision	بصیرت، رؤیت علمی
<i>intellectus materialis</i>	عقل هیولانی
<i>intellectus sanctus</i>	عقل قدسی
intelligence	خیزد، عقل
intelligent	عاقل
<i>intelligentia spiritualis</i>	عقول مجرّده
intelligent, the	اهل معنا
intelligible being	امر معقول
intelligible entity	امر معقول
Intelligible Garden	جنت معقول
intelligible quality	امر معقول
intelligible reality	حقیقت معقول
intelligible truth	حقیقت معقول
intelligible world	ملاً اعلیٰ
intend, to	اراده کردن
intensity of existence	شدّت وجود
intensity of luminosity	شدّت نور
intent	عزم
intention	عزم، قصد، مشیّت، نیت
intentional	ارادی (= عمدی)
interaction	معاملت
intercession	شفاعت
intercessor	شافع
interconnecting factor	رابط

instant	لحظه
instantaneous	آنی
instantaneous death	اجل ناگهانی (= مرگ مفاجات)
instantaneous state	حالت وقت
instauration	جعل
Instaurer, the	جاعل [خداوند]
instinctive intelligence	عقل غریزی
instruction	ارشاد، القاء، تعریف (= دانا ساختن)
instructor	مرئی، مرشد
insufficiency	فقر
intangible reality	رقیقہ
integral Divine Presence	حضرت جمعیت
intellect	عقل
Active Intellect	عقل فعال
First Intellect	عقل اول (= حقیقت محمدیہ)
greater intellect	عقل اکبر
in-born intellect	عقل فطری
material intellect	عقل هیولانی
natural intellect	عقل فطری
passive intellect	عقل انفعالی
practical intellect	عقل عملی
sacred intellect	عقل قدسی
theoretical intellect	عقل نظری
intellects	آلباب
intellectual extinction	فناء علمی
intellectual faculty	عقل، قوۂ عقل
intellectual interpretation	تأویل عقلی

inrush	وارد
insane sanes	عقلاء مجانين
insanes because of the infatuation with the Truth	مجانين حقّ
insensible	مست
inside	باطن [اسم]
inside wayfarer	سالک داخل
insight	بصيرت، فراست، کشف
insightful	بصير
insightful people	اهل بصيرت
insincerity	نفاق
insinuating self	نفس اماره
insinuation	تسويل، وسواس
insinuation of Satan	تسويل شيطان
insolence	اهانت
inspector	ناظر
inspiration	الهام، خاطر، شهود، فتح، وارد
inspirationists	الهاميان
inspiration of grace	وارد لطف
inspiration of the jinn	القاء نارى (= القاء جنّی)
inspiration of wrath	وارد قهر
inspirations	واردات
inspirations of the heart	واردات قلبی
inspired	مُلهم
inspired man	محدّث
inspired paradoxes	سطحات
inspired soul	نفس مُلهمه

inner meaning	باطن، معنای باطنی
inner meaning of the Law	سرّ شریعت
innermost core	کنه ذات
innermost heart	سریره
innermost secret	باطن [اسم]
innermost secret of man	سریره
inner perception	ادراک باطنی
inner qualities	صفات باطن
inner reality	باطن [اسم]
inner sanctity	ولایت باطنی
inner self	باطن [اسم]، سرّ، ضمیر
inner senses	حواس باطن
inner separation	تفرید باطنی
inner sight	چشم باطن
inner spiritual power	ولایت باطنی
inner state	باطن [اسم]، حال، حالت باطن
inner strivings	مجاهدات
inner struggles	مجاهدات
innocence	برائت (= بی گناهی)، عصمت
innocent	معصوم
innovated	محدث
innovation	ابداع
innovator	بدعت‌گذار، مبدع
Innovator, the	بدیع [خداوند]
innovators	اهل بدع
inoperative	معطل [در وجود]
inoperativeness	تعطیل [در وجود]

injunction	امر، تکلیف
inmates of the heavens	اهل سموات
inmost heart	سرّ
inmost of the heart	سرّ
inmost self	سرّ
Inn	رباط (کنایه از دنیا)
innate disposition	فطرت
innate nature	فطرت
inner, the	باطن [اسم]
inner action	عمل باطن
inner aspect	باطن [اسم]
inner being	باطن [اسم]
inner blessing	نعمت باطنی
inner contentment	رضا
inner decree	حکم باطن
inner dimension	باطن [اسم]، سرّ، وجه باطنی
inner dimensions	بطون
inner disposition	باطن [اسم]
inner eye	بصیرت، چشم باطن
inner faculties	قوای باطنی
inner faith	ایمان باطنی
inner form	صورت باطنی
inner image	صورت باطنی
inner intention	باطن [اسم]
inner joy	رضا
inner judgement	حکم باطن
inner knowledge	علم باطن، علم باطنی، علم لدّنی

inflecting on one what

is beyond one's capacity

تکلیف به مالا یتاق

inflection

تصرف

influence

تصرف

informality

انبساط (≠ تکلف)

Informed, the

خبیر [خداوند]

informing gnosis

تعریف (= دانا ساختن)

infusion

حلول، سریان

ingenuity

فراست

Inhabited House

بیت المعمور

inhabited house

خانه آباد

inherence

حلول

inherent

باطن [وصف]

inherent spiritual knowledge

فراست

inherent worship

عبادت ذاتی

inhering existence

وجود رابطی

inheritance

وراثت

inherited science

علم وراثت (≠ علم دراست)

Inheritor, the

وارث [خداوند]

inimitability

اعجاز

iniquity

منکر

initiate

سالک

initiated, the

اهل راز، اهل الله

initiatic chain

سلسله

initiatic circle

حلقه صوفیانه

initiation

بیعت

initiative power

ولایت

individual souls	نفوس جزئیّه
individual Sufis	افراد
individuation	تعین
individuations constituting the souls	تعینات نفسانی
individuations constituting the spirits	تعینات روحی
indulgence	بخشش، تساهل، عفو، هوی
Indulgent, the	عَفُور، بخشاینده [خداوند]
indwelling	حلول
inebriate	مست
inebriated	سر مست
inebriation	مستی
inebriety	شُکر، مستی
ineffectual	معطل [در وجود]
ineffectuality	تعطیل [در وجود]
inerrancy	عصمت
inerrant	معصوم
infallibility	عصمت
infallible	معصوم
infallible Imam	امام معصوم
infants of the Path	اطفال طریقت
Inferno, the	نار [جهنم]
infidelity	کفر
infinite	غیرمتناهی، لایتناهی
Infinitely Merciful, the	رحیم [خداوند]
infinite pre-existence	قَدَم
infinite regression	تسلسل
inflecting	تصریف

inciter	داعی
inclination	میل، گرایش
inclusiveness	عموم (≠ خصوص)
incoming thought	خاطر
incomparability	تنزه، فردیت
incomparable	بی بدیل، بی مثال، بی نظیر، منزّه
Incomparable, the	بدیع [خداوند]
incongruous	مختلف
increase	استکمال
incredulity	کفر
incumbent	واجب
indecent	پست، منکر
indefinite	غیرمتناهی
independence	استقلال، غنا
independence	استغناء
independent	غنی
indestructible	فناناپذیر
indication	اشارت، اشاره
Indicator, the	دلیل [خداوند]
indifference	استغناء
indigence	افتقار، فقر، مسکنت
indigent	مسکین
indignation	سخط، غضب
individual desire	غرض
individual existence	وجود عینی
individualized	منفرد
individual prayer	دعا

imposing obligation	تکلیف
impossible supposition	فرض محال
imposter	مدّعی
impostor	ریاکار، مُرائی
imprecation	لعنت
improvement of morals	تهذیب اخلاق
impulse	انگیزه، داعی
impulse of longing	داعیه شوق
impulsive soul	نفس امّاره
impurities	کدورات (= تعلّقات دنیوی)
impurities of doubt	شوائب شک
impurity	خبث، رجس، کدورت، ناپاکی
inaccessibility	عزّت
Inaccessible, the	عزیز [خداوند]
inadvertent	غافل
inanimate being	جماد
inanimate thing	جماد
inattentive	غافل
inblowing	نفث
in-born intellect	عقل فطری
incantation	تعویذ
incapacity	عجز
incarnate	حال، مجسّم
incarnation	حلول
incarnationism	حلول [مکتب]
incarnationists	حلولیّه، معتقدان به حلول
incitation	دعوت

immortal	جاودان، سرمد، غیرفانی، فناناپذیر، نامیرا
Immortal, the	باقی [خداوند]
immortality	بقا، جاودانگی، خلد، خلود
immortal life	حیات جاوید
Immovable, the	صمد [خداوند]
immutability	ثبوت
Immutable, the	قیوم [خداوند]
immutable archetypes	اعیان ثابته
immutable entities	اعیان ثابته
immutable essences	اعیان ثابته
impart	بذل
imparting	بذل
impatient	بی‌قرار
impeccability	عصمت
impeccable	معصوم
Impenetrable, the	صمد [خداوند]
imperative soul	نفس امّاره
imperfect, the	اهل نقص، ناقص
imperfect encompassing	احاطه غیر تامّه
imperfection	عیب
imperiousness of the awe of Divinity	صولت هیبت الوهیت
Impermeable, the	صمد [خداوند]
impetuosity	حدّت
impiety	زندقه
implant, to	حلول کردن

people in word and deed	تحلی
imitator	مقلّد
imitators	اهل تقلید
immaculacy	طهارت، عصمت
immaculateness	عصمت
immanence	حلول
immanent	حالّ
immanentists	اهل تشبیه
immanent marriage	نکاح ساری (= نکاح مطلق)
immanent Names of God	اسماء تشبیهی خداوند
immaterialization	تروّح
immaterial soul	روح مجرد
immaturity	خامی
immediate perception	مشاهده
immediate proximity	عندیّت
immediate reality	حقیقت
immediate tasting	ذوق
immediate vision	عیان
by immediate vision	بالعیان
immediate vision of immediate vision	عیان العیان
immediate witnessing	شهود بی واسطه
immersed	مستغرق
immersed in unity	مُتَوَحِّد
immersion	استغراق، محو
immersive	استغراقی
immigration	هجرت
immorality	فسق

delimited Imagination	خیال مقید
detached Imagination	خیال منفصل
discontiguous Imagination	خیال منفصل
dissociable Imagination	خیال منفصل
nondelimited Imagination	خیال مطلق
real imagination	خیال حقیقی
true imagination	خیال حقیقی
imaginative contemplation	مشاهده خیالی
imaginative creation	تخیل
imaginative Dignity	حضرت خیال
imaginative faculty	قوة خیالیہ
imaginative Presence	حضرت خیال
imaginative union	اتصال خیالی
Imaginatrix	حضرت خیال، قوة خیال
imagined	متوهم
imagining	خیال
Imam	امام
awaited Imam	امام منتظر
esoteric Imam	امام باطن
exoteric Imam	امام ظاهر
expected Imam	امام منتظر
Hidden Imam, the	امام غایب
infallible Imam	امام معصوم
manifest Imam	امام مبین
imitating the character of God	تخلق به اخلاق الله
imitation	اقتداء، تأسی، تقلید
imitation of praiseworthy	

imaginal faculty	قوة خيال، قوة متخیله
imaginal form	صورت خیالی، صورت مثالی
imaginalization	تخیل، تمثیل
imaginalized	مخیل، ممثّل
be imaginalized, to	متمثّل شدن
imaginalized object	متخیل
imaginal language	لسان مثالی
imaginal level	مرتبه خيال
imaginal locus of witnessing	مشهد خیالی
imaginal Presence	حضر خيال، حضرت خیالیّه
imaginal reality	حقیقت مثالی
imaginal realm	عالم مثال
imaginal soul	روح خیالی
imaginal stage	مرتبه خيال
imaginal truth	حقیقت مثالی
imaginal unveiling	کشف خیالی
imaginal vision	مشاهده خیالی
imaginal world	برزخ، حضرت خيال، عالم
	جبروت، عالم مثال
imaginary	خیالی
imaginary reality	حقّ متخیل
imaginary truth	حقّ متخیل
imagination	پندار، خيال
autonomous Imagination	خیال منفصل
conditioned Imagination	خیال مقید
conjoined Imagination	خیال متّصل
contiguous Imagination	خیال متّصل

ignorant who adopts

asceticism, the

جاهل متنسک

ill-fame

بدنامی

illicit

نامشروع

illiterate

اُمّی

ill-manner

سوء ادب

ill-mannered

بی ادب

ill-treatment

جفا

illuminated

مکاشف

illuminated night amidst

the day of darkness

شب روشن میان روز تاریک

illuminating

لایح (= درخشان)

illuminating sight

چشم بصیرت

illumination

اشراق، تجلّی، ضیاء،

کشف، لُمعه، نور

Illuminationists

اشراقیان

illuminationist philosophy

حکمت اشراق

illuminations

فتوحات

illuminative sciences

علوم اشراقی

illusion

توهم، وهم

illusory

مجاز (≠ حقیقت)

illustrious traits

مناقب

image

پیکر، مثال

imaginal

برزخی، خیالی، مثالی، مخیل

imaginal conformity with God

تضاهی الاهی خیالی

imaginal Descent

تنزّل مثالی

imaginal existence

وجود خیالی، وجود مثالی

I

I am God	انا الحق
I am the Truth	انا الحق
Iblis	ابليس
idea	فكر (= صورت ذهنی)
identity	عینیت (= یکسانی)، هویت
idle	لهو
idle talk	طامات
idol	بت
idolater	بت پرست
idolatrous	بت پرست
idolatry	بت پرستی
idol-breaker	بت شکن
idol-house	بت خانه
idol-temple	بت خانه، بتکده
idol-worship	بت پرستی
idol-worshipper	بت پرست
ignominy	رکاکت
ignorance	جهل، غفلت
ignorant	جاهل، جهول، غافل

humble-minded	خاشع
humbleness	تواضع، فرمانبرداری مخلصانه
humble subjection	خضوع
humbling	تضرع، خشوع
humiliation	ذلت
Humiliator, the	مُذَلِّ [خداوند]
humility	تذلل، خشوع، خضوع، مدارا
hunger	جوع، گرسنگی
husk	پوسته، صدف، قشر
hylé	هیولی
hypocrisy	ریا، نفاق
hypocrite	ریاکار، مُرائی، منافق

God's House	بيت الله
Inhabited House	بيت المعمور
hut of the dervish	كلبه درویش
human (aspect)	ناسوت
human being	انسان
human condition of vassaldom	عبودیت
human constitution	مزاج انسانی
human degree	مرتبه انسانی
human desire	مراد انسانی
human form	صورت انسانی، کسوت بشریت
human image	صورت انسانی
humanity	انسانیت، بشر، بشریت، ناسوت
humanity impurity	کدورت بشری
human nature	بشریت، ناسوت
human presence	حضر انسانی
human psyche	نفس آدمی
human qualities	صفات ناسوتی
human realm	نشأه انسانیہ
human receptacle	ناسوت
human soul	جان آدمی، نفس انسانی
human spirit	روح انسانی، روح بشری
human stage	مرتبه انسانی
human state	بشریت، کسوت بشریت، مقام انسانی
human subtlety	لطیفه انسانی (= نفس ناطقه)
humble	خاشع، خاضع، ذلیل، متواضع
humble, the	اهل خشوع
humble adoration	خشوع

hoopoe	هدهد
hope	رجاء
hope of union	امید وصال
hopeful	امیدوار
horizon	افق
horizontal journey	سیر افقی
horizontal movement	سیر افقی
horrible	هایل
horrific	هایل
horror	رهبت
houri	حور
Household (of the Prophet)	اهل بیت (ع)
house of delusion	دار غرور
house of dignity	بیت العزّه
House of God	بیت الله
house of grandeur	بیت العزّه
house of hope	بیت الرجاء
house of immortality	خانه بقا
House of Islam	دارالاسلام
house of service	بیت الخدمه
house of sorrows	بیت الأحزان، کلبه احزان
house of the heart	خانه دل
house of vanity	دار غرور
house of wine-keeper	خانه خمار (کنایه از مقام بی رنگی)
house of wisdom	بیت الحکمه
house of worship	بیت العباده
ancient House	بیت عتیق

holy	پاک، مقدّس
Holy, the	قُدّوس [خداوند]
holy aspiration	هَمّت
holy bird	طایر قدسی
holy breaths	انفاس قدسی
holy effusion	فیض مقدس
Holy Ghost	روح القدس
Holy House	بیت المقدس
holy man	ولّی (= مرد خدا)
holy men	ارباب قدسی
holy people	اولیاء خدا
holy sanctuary	حَرَم
holy soul	نفس قدسی
holy spirit	روح قدسی
holy traveller	سالک
homage	بیعت
home	وطن
homeland	دیار
homily	موعظه
homonymous	بالاشتراك، به اشتراك لفظی
honest conduct	راست کرداری
honest speech	راست گفتاری
honesty	صدق
honey of annihilation	شهد فنا
honour	آبرو، منزلت، حرمت، کرامت،
honoured	مشرّف
honouring	تشریف

higher world	عالم اعلیٰ
Highest, the	علیٰ [خداوند]
Highest <i>Barzakh</i> , the	برزخ اعلیٰ (= نفس الرّحمن)
Highest Name, the	اسم اعظم
highest of heavens, the	اعلیٰ علیین
highest of the high, the	اعلیٰ علیین
Highest Pen, the	قلم اعلیٰ (= عقل اوّل)
highest perfection, the	کمال اتمّ
highest sphere, the	فلک اعلیٰ، فلک الافلاک
high fathers	آباء علوی
high merits	معالی
high-minded persons	ارباب همّت
highness	علوّ
high peak of possibility	اوج امکان (کنایه از مقام خلافت الاهی)
high positions	منازل عالی
high resolve	همّت
high stations	مقامات علوی
high union	اتّحاد عالی
highway	منهاج، نهج
highway of rectitude	جاده صواب
highway of religion	منهاج دین
hindering	مزاحمت
holding fast	اعتصام
holding secret converse	مناجات
holding sway	تصرّف
hold <i>sb</i> excused, to	معدور داشتن
holiness	قدس

World of the Unseen	اسرار مکنون غیب
hidden name	اسم خفی
hiddenness	اختفاء، خفا، کتمان
hidden passion	شہوت خفی
hidden polytheism	شرک خفی
hidden reality	حقیقۃ الحقایق
hidden saints	مکتومان
hidden secret	سرّ خفی
hidden strength	قوۃ خفیہ
hidden things	مضمورات
Hidden Treasure	کنز مخفی
hidden-treasures of the Unseen	خزائن مکنون غیب
hidden world	عالم غیب
hierarchy	مراتب، نظام
hierarchy of the cosmos	ترتیب عالم
hieratic effusion	فیض مقدس
hierophanic effusion	فیض مقدس
high aspiration	علو ہمت
high degree of felicity	درجۂ سعادت
high degrees of salvation	درجات نجات
higher arena	منظر اعلیٰ
higher loci of vision	مناظر اولیٰ
higher locus of vision	منظر اعلیٰ
higher plane of reality	ملکوت
higher plenum	ملاً اعلیٰ
higher spirit	روح علوی
higher spiritual realm	ملاً اعلیٰ

heralding vision	مبشّرہ
hereafter	آجل، آخرت
here-before	أولئ (≠ آخرت)
heredity	وراثت
heresy	الحاد
heretic	بدعت‌گذار، ملحد
hermeneutic interpretation	تأویل
hermit	زاهد، متسک
hermitage	دیر، زاویہ، صومعہ، عزلت
hesitation	تردد، ریب
heterodox	بدعت‌گذار
He-Who-Brings-Back	مُعید [خداوند]
He-Who-Puts-Down	خافض [خداوند]
hidden	باطن، خفیّ، غیبی، مستور
Hidden, the	باطن، خفیّ [خداوند]، غیب [عالم]
hidden book	کتاب مکنون
hidden commandment	امر خفیّ (= حکم خفیّ)
hidden cunning	مکر خفیّ
hidden from sight	غایب از نظر
hidden grace	لطف خفیّ
Hidden Imam, the	امام غایب
hidden Ipseity	هوئیّت غیبیّه
hidden knowledge	علم مکنون
hidden meaning	باطن [معنا]، رمز
hidden meaning related to suprasensible worlds	لطیفه [روحی]
hidden mysteries of the	

heavenly	رَبَّانِی، سماوی، ملکوتی
heavenly affirmation	تأیید آسمانی
heavenly angels	ملائکة سماویہ
heavenly bodies	علویات
heavenly decree	قضای آسمانی
heavenly kingdom	ملکوت
heavenly souls	نفوس سماوی
heavenly support	تأیید آسمانی
heavenly Throne	عرش
heavenly voice	هاتف
heedless	لاابالی
heedlessness	غفلت
heedless savants	علماء غافل
heels	اعقاب
Heights, the	اعراف
Heir, the	وارث [خداوند]
Hell, the	نار [جهنم]
hell-fire	آتش دوزخ
help	امداد، لطف، مَدَد
helper	مُمدِّ
Helper, the	عون، مُعین، ناصر [خداوند]
helpless	مسکین
helplessness	عجز
help of grace	مدد فیض
help-seeker	مستعین
He-ness	هویت
He\ not He	هُوَ لاهو

health seekers	اهل عافیت
heard in his prayers	مستجاب الدعوه
Hearer, the	سامع، سمیع [خداوند]
hearing	سمع
Hearing, the	سامع، سمیع [خداوند]
heart	دل، سرّ، سریره، سینہ، صدر، قوٰد، قلب
heart of being	قلب وجود (= مرکز وجود)
heart of night	دل شب
heart-allurer	دل فریب
heart alluring	دل کش
heart-binding	دل بند
heart-broken	دل شکستہ
heartbroken ones	شکستہ دلان
heartlessness	بی دلی
heart piercing fear	ترس پریشان‌زا، خوف مُقلق
heart-pleasing	دل پذیر
heart-possessor	دلدار
heart-ravisher	دلبر، دلستان
heart-ravishing	دل ربا
heart-render	دل بر
heart's blood	خون دل
heart's candle	شمع دل
heart's consuming	سوز دل
heart's corner	گوشہ دل
heart's eye	چشم دل
heart vision	رؤیت بہ دل، رؤیت بہ قلب
heaven	فلک، ملکوت

hardship of separation	سختی هجران
harm	آفت
Harmer, the	ضارّ [خداوند]
<i>harmonia</i>	نظام
harmonious constitution	میزان مستقیم
harvest	خرمن
hasty life	حیات عاجل
hatred	بغض، کین، کینه
haughtiness	تجبر
haughty seclusion	تعزّل (= خلوت تفرعن آمیز)
have confidence, to	توکل کردن
having an angelic inner being	فرشته سیرت
having lost one's all	پاک بازی
having no station	لامقام
having sincerity	مخلص
having two faces	نفاق
He	هو
head	امام
headless	غافل
heads of craft guilds	أُمتاء
head of the street	سرکوی
head-revolving	سرگردان
Healer, the	شافی [خداوند]
healers	اهل شفا
health	سلامت
health of one's being	سلامت صدر
health-giving	شفابخش

H

habit-breaking	خرق عادت
habits	عادات
<i>Ḥadīth</i>	حدیث، سنت
<i>haecceity</i>	اِیْت
hair	گیسو
halting-place	منزل، موقف
halting places of the Resurrection	مواقف قیامت
handing in everything to God	توکل
Hand of Allah	یدالله
Hand of God	یدالله
happiness	ابتهاج، بهجت، سُرور، سعادت
happy	سعادتمند، سعید، مَبْتَهِج
happy, the	اهل سعادت
happy worldly circumstances	نعمت
<i>Ḥaqq</i>	حقّ [خداوند]
hard-heartedness	سخت دلی، قساوت قلب
hard labour	مجاهدہ
hardness	قساوت
hardness of heart	قسوت (= سختی دل)

Guarded Tablet, the	لوح محفوظ
guardian	ولی (= حافظ)
Guardian, the	حافظ، حفیظ، مراقب، مهیمن [خداوند]
Guardian Lord, the	ربّ [خداوند]
guardianship	تولیت، ولایت (= ولی بودن)
guarding	ولایت
guarding against evil	تقوا
guarding trust	حفظ امانت
guarding over the heart	مراقبت
guidance	ارشاد، رشد، هدایت
guide	راہبر، راہنما
Guide, the	دلیل، مرشد، هادی [خداوند]
guided	مہتدی
Guide to the Right Path, the	رشید [خداوند]
Guiding, the	هادی [خداوند]
guile	کید، مکر
guile of Satan	کید شیطان، مکر شیطان
guilt	ذنب
guiltlessness	برائت (= بی گناہی)
guilty	گناہ کار
guise	ہیأت

Great Man	انسان کبیر
Great Master	شیخ اکبر [لقب ابن عربی]
greatness	جلال، کبریاء
great ones	اعاظم، اکابر
great ones among the people	بزرگان قوم [طائفه]
great ones of the Folk	بزرگان قوم [طائفه]
Great Pole	قطب اعظم
Great Resurrection	قیامت کبری
great sin	کبیره [گناه]
great subtlety, a	دقیقه‌ای عظیم
great Sufi, the	اکابر صوفیه
great witness	شهادت کبری
greed	حرص، طمع
greediness	طمع، هوس
green death	موت اخضر (= مرقع پوشی)
Green Emerald	زمرد الخضر (= نفس منبعث از عقل اول)
green light	نور اخضر
greet, to	سلام گفتن
grief	اندوه، حُزن، غم
grief of exile	غم غریب
grief of separation	غم هجران
grief of time	غم ایام
grief-stricken	غم دیده
grieve-redresser	فریادرس
grip	قبضه
Gripper, the	قابض [خداوند]
ground	فرش (= عرش)

great antidote	تریاق اعظم
great boon	خیر کثیر
Great Circle	دایره کبری (= ولایت)
great elixir	اکسیر اعظم
great majority	سواد اعظم
great mass	سواد اعظم
greater advantage	اصلح
greater (holy) struggle	جهاد اکبر
greater intellect	عقل اکبر
greater purification	طهارت کبری
greater purity	طهارت کبری
greater sin	کبیره [گناه]
greater understanding	فقه اکبر (= اصول دین)
greater war	جهاد اکبر
Greatest, the	اکبر [خداوند]
greatest advantage, the	اصلح
greatest barrier, the	حجاب اعظم
greatest (Divine) Name, the	اسم اعظم
greatest element, the	عنصر اعظم
greatest master, the	شیخ المشایخ
Greatest Master, the	شیخ اکبر [لقب ابن عربی]
greatest Name (of God), the	اسم اعظم
greatest of the veils, the	حجاب اعظم
Greatest Shaykh, the	شیخ اکبر [لقب ابن عربی]
Great Friend	رفیق اعلی
great good	خیر کثیر
great human being	انسان کبیر

Muhammadan grace	برکت محمدیه
pre-eternal grace	عنایت ازلی
gracefulness	جمال
graceful patience	صبر جمیل
grace without intermediary	فیض بی واسطه
Gracious, the	لطیف [خداوند]
gracious aid	مدد فیض
grade	طور، مرتبه
grades of engendered beings	مراتب اکوان
grades of Self-disclosure	مراتب تجلی
grand alchemy	اکسیر اعظم
grandeur	بزرگی، جلال، عزّت، عظمت، محتشم
Grandiloquence	لّسن
grandness	جاه، منزلت
grant	موهبت
granting	اجابت، اعطاء، استجابت
granting of gnosis	تعریف (= دانا ساختن)
grasp	دُرک، قبضه
grateful	سپاس گزار، شاکر، شکور
Grateful, the	شاکر، شکور [خداوند]
be grateful, to	شکر کردن
gratefulness	سپاس گزاری، شکر گزاری
gratitude	سپاس، شکر
gratuitous bounty	تفضّل
gratuitous kindness	امتنان
gratuitous mercy	رحمت امتنانی
Great, the	اکبر، عظیم، علیّ، کبیر [خداوند]

sheer goodness	خیر محض
good pleasure	رضا، رضوان
good sermon	موعظهٔ حسنه
good thing	حسنه
good thinking	حسن ظنّ
good thoughts about God	حسن ظنّ به خدا
good work	حسنه
good works	خیرات
goods of two worlds	متاع دو جهان
governance	تدبیر
governance of the domicile	تدبیر منزل
Governing, the	مدبّر [خداوند]
governing control	تحکّم
governing spirit	روح مدبّر
governning the affair	تدبیر امر
governor of the world	مدبّر عالم
governorship	ولایت (= حکومت)
gown	رداء
grace	برکت، فضل، کرامت، کرم، لطف، موهبت، نعمت
Divine grace	عنایت حقّ، فضل الاهی، کرامت، لطف الاهی، لطف ربوبیت، نعمت
Dominical grace	فضل ربّانی
efficient grace	توفیق
God's uncaused grace	عنایت بی علّت الوهیت
hidden grace	لطف خفیّ
Lordly grace	لطف ربوبیت

good	خیر، مصلحت
good, the	اخیار (= نیکان)
Good, the	خیر [خداوند]
good action	حسنه
good advice	موعظه حسنه
good attribute	حسنه
good character	حسن خُلق، خُلق حسن
good comportment	حسن ادب
good conduct	تقوا
good custom	سُنّت حسنه
good deed	عمل صالح
good disposition	حسن خلق، خُلق حسن، خُلق نیکو
good example	اسوه حسنه
good fortune	دولت، سعادت
good health	عافیت (≠ بلا)
good invocation	دعای خیر
good luck	سعادت
goodly obedience	حسن طاعت
(good) manners	ادب، حسن ادب
good morals	اخلاق خوب، اخلاق نیک
good nature	خُلق نیکو
Goodness, the	خیر [خداوند]
goodness	احسان، حسن، خیر، صلاح، لطف
goodness of character	بِرّ
absolute goodness	خیر مطلق
essential goodness	حسن ذاتی (≠ حسن زائد)
non-essential goodness	حسن زائد (≠ حسن ذاتی)

God's servant	بندۀ خدا، عبد اللہ
God's servants	عباد اللہ
God's signs	آیات حق
God's slave	بندۀ خدا، عبد مملوک
God's Speech	کلام اللہ
God's stratagem	مکر خدا
God's Tasks	شؤون خدا
God's Throne	عرش
God's transcendence	تنزیہ خداوند
God's uncaused grace	عنایت بی علت الوہیت
God's Unity	توحید
God's Vicegerent	خلیفۃ اللہ
God's Waymarks	شعائر اللہ
God's will	خواست خدا
God's Wisdom	حکمت خدا
God's Word	کلام اللہ
God's Wrath	قہر خداوندی
God the Exalted	خداوند تعالیٰ
God the Holy	قُدّوس [خداوند]
godwariness	تقوا
godwariness of the hearts	تقوای دلہا
godwary	متقی
godwary, the	متّقین
Gog and Magog	یأجوج و مأجوج
going astray	خطا، ضلالت
going down	ہبوط
going through stations	طی منازل

God's cunning	مکر خدا
God's decree	قضا، قضای الاهی، قضای حق
God's destiny	تقدیر الاهی
God's direction	رشد
God's eyes, in	عندالله
God's Face	وجه الله
God's favour	تفضل الاهی، لطف الاهی، لطف حق
God's gift	عطای الاهی
God's giving knowledge	تعریف (= دانا ساختن)
God's grip, in	در قبضه خدا
God's guidance	هدایت الاهی
God's Hand	یدالله
God's House	بیت الله
God's inspiration	الهام
God's Intention	مشیت الاهی
God's Knowledge	علم الاهی، علم خداوند
God's light	نورالله
God's mercy	رحمة الله، رحمت حق
God's most Beautiful Names	اسماء حسنی خداوند
God's Oneness	توحید
God's permission	اذن الله
God's pleasure	رضای خدا
God's pre-eternal decree	حکم ازلی
God's right	حق الله
God's ruse	مکر الاهی
God's saints	اولیاء خدا
God's sanctuary	بیت الله

I am God	انا الحق
in God's eyes	عند الله
with God	عند الله
God-addicted man	عارف
God as Bestower of being	مكوّن [خداوند]
God (Almighty and Glorious)	حضرت خداوندی
god-consciousness	تقوا
God-displaying mirror	آينه خدا نما
god-fear	تقوا
godfearing	تقوا، خدا ترس، ديندار، متقى
godfearingness	تقوا
God-given	لدى
God-given beauty	حسن خداداد
God-given knowledge	علم لى
God-given sea	بحر لى
God-given teaching	تعليم لى
Godhead	الوھيۃ
God insofar as He gives being	مكوّن [خداوند]
God-intoxicated man	مست قربت حضرت حق
godliness	تقوا
God's Affairs	شؤون خدا
God's approval	رضای الہی
God's bondsman	بنده خدا
God's bondsmen	عباد الله
God's cause, in	فى سبيل الله
God's command	حكم الہی
God's Countenance	وجه الله

glorious titles	مناقب
Glory	بهاء، جلال، عزّ [خداوند]
Glory be to God	سبحان الله
Glory of the Unity	جلال احدیت
glowing passion	حرقت، سوز درون
glow of love	حرقتِ محبت
gluttony	حرص
gnosis	عرفان، معرفت، شناخت
gnosis of God	معرفه الله
gnostic	عارف
gnostics	ارباب معرفت
gnosticism	عرفان
Gnosticism	غنوصیه [فرقه]
gnostic reality	حقیقت عرفانی
gnostics	اهل عرفان، اهل معرفت
gnostic sciences	معارف
gnostic stages	منازل عرفانی
gnostic synthesis	جمع
gnostic truth	حقیقت عرفانی
goal	غایت
goal of goals	غایة الغایات
final goal	مآل
outermost goal	مقصد اقصى
ultimate goal	غایة الغایات
goblet	قدح، جام، صُراحی، ساغر
god	اله، ایزد
God	حقّ [خداوند]

free gift	امتنان، مَنّت
God's gift	عطای الاهی
give example, to	مثل زدن
Giver, the	معطی، وهَّاب [خداوند]
Giver of Death, the	مُمیت [خداوند]
Giver of Existence, the	موجِد [خداوند]
Giver of forms, the	واهب الصُّور [خداوند]
give success, to	توفیق دادن
give thanks, to	شکر کردن
giving	عطا، موهبت
giving hand	یدِ عُلّیا
gladness	انبساط
glad tidings	مژده
glance	غمزه، لمح، لمح، نظر
glance of sorcery	غمزه، غمزه جادو
gleaming moon	ماه تابان
gleamings	لَمَعَات، لَمَعَات
gleams	لوامع
global Presence	حُضرت جامع
gloom	غم
glories	سُبُحات
Glorified, the	سُبُوح، عظیم [خداوند]
glorification	اجلال، تسبیح، تعظیم، تقدیس
glorified and sanctified	سُبُوحی و قدّوسی
glorious	کبریایی [وصف]
Glorious, the	عزیز [خداوند]
glorious Divine grandeur	کبریاء

general prophethood	نبوّت عامّه
general purification	طهارت عامّ
general rule	ضابطه
general sainthood	ولایت عامّه
general saintship	ولایت عامّه
general sending forth	بعث عامّ
general Uprising	بعث عامّ
generated being	کائن
generated beings	کائنات
generation	گون (مفساد)
generic man	انسان مطلق
generosity	احسان، اکرام، بخشش، سخاوت، کرم، کرامت، فضل، لطف، مروّت، جوان مردی
generosity of sainthood	کرم ولایت
Generous, the	جمیل، جواد، سخّی، کریم [خداوند]
generous disposition	خُلُق کریم
genie	جنّ
Gentle, the	حلیم [خداوند]
gentleness	رفق، رِقّت
gift	تحفه، عطا، عطیّه، موهبت
charismatic gifts	کرامات
charitable gifts	خیرات
Divine gifts	مواهب
special gifts	کرامات
unsolicited gifts	فتوح
charismatic gift	کرامت
Divine gift	موهبت الاهی، وهب الاهی، هبّه الاهی

garments of names	ملابس اسماء
garments of objects	ملابس اعيان
garments of shapes	ملابس اشكال
gate of gates	باب الابواب
gates of the Paradise	درهای بهشت
gate of the Garden	باب الجنة
gate of the heart	باب قلب
gateways	ابواب
gateways to luminous chambers	ابواب عُرفات نور
gateways to obedience	ابواب طاعات
gateways to proximity	ابواب تقرب
gateways to vision	ابواب مكاشفت
Gatherer, the	جامع [خداوند]
gathering in which Allah's Name is invoked	مجلس ذكر
gaze	ديده، نظر
gaze of grace	نظر عنایت
gaze of intelligence	نظر عقل
gaze of the people of the world of the Unseen	ديده اهل غيب
gazing	نظر (= نگريستن)
Gehenna	جهنم
general guardianship	ولايت عامه
general guidance	هدايت عامه
general knowledge	ادراك اجمالی
general measurement	تقدير
general mercy	رحمت عام

G

Gabriel	جبرئیل، روح الامین، روح القدس
Garden	بهشت، جَنَّت، رَوْضَه (= باغ)
Garden of Angelic World	باغ ملکوت
Garden of Bliss	جَنَّت نعیم
Garden of Deeds	جَنَّت اعمال
Garden of Delight	جَنَّت نعیم
Garden of Eden	جَنَّت عدن
Garden of Eternity	جَنَّت خلد
Garden of Immortality	بهشت جاوید، جَنَّت خلد
Garden of Inheritance	جَنَّت میراث
Garden of Paradise	جَنَّت فردوس
Garden of Specification	جَنَّت اختصاص
Garden of the Real	جَنَّت حق
Garden of Vision	جَنَّت رؤیت
gardenplot	باغستان (کنایه از عالم ملکوت) رَوْضَه
garment of honour	خلعت
garments	ملابس
garments of attributes	ملابس صفات
garments of individuals	ملابس افراد

full binding	تعلق تامّ
full moon	بدر
full of cunning Iblis	ابلیس پر تلبیس
full of feeling	پر شور
full of life	پر شور
function	تابع
fundamental	محکم
fundamentals of religion	اصول دین
furthest limit	غایت
furthest purpose	مقصد الاسنی
futilities	تُرّہات (= یاوہا)

freeing the locus	تفریغ محل
freeing the place	تفریغ محل
free-thinker	زندیق
free will	اختیار، تفویض
fresh-faced	تازه روی
freshness	رُوح، بسط
freshness of the eye	قرّة العین
friend	حبیب، دوست، رفیق، محبّ، ولی، هم‌نشین، یار
friend of Allah	خلیل الله
friend of God	حبیب الله، خلیل الله، دوست خدا، ولی الله
friend of soul	مونس جان
friends of the Path	یاران طریقت
friendship	حُبّ، دوستی، صداقت، مجالست، محبت، مراققت، مودّت، ولایت
friendship with God	خُلّت
friends of God	اولیاء خدا
frivality	رُعونت
frivolity	استخفاف، تمنّی، لهو
frivolous deeds	ملاهی
frivolous imitators	اهل هزل
frontier of placelessness	حدّ لامکان
frugality	قناعت
frustration	حرمان
fulfilment	اداء، انجام
full attachment	تعلّق تامّ

forty days (of spiritual retreat)	اربعینات
fosterer	مربی
foulness	کدورت
fountain in Paradise, a	تسним
Fountain of Life	چشمهٔ حیات، عین الحیات
fountains of wisdom	ینابیع حکمت
four journeys	اسفار اربعه
four natures	طبیاع اربعه، طبیاع چهارگانه
Four Pillars	ارکان اربعه، اوتاد اربعه
Four Supports	اوتاد اربعه
fragrance of existence	رائحهٔ وجود
fragrance of familiarity	بوی آشنایی
fragrant tidings	انفاس خوش
frame	هیكل
frame of clay	قالب خاکی
fraternity	طریقت (= سلسله)
free	حرّ، فارغ (= رها از همهٔ تعلّقات)
free, the	احرار
Free, the	مختار [خداوند]
free activity	تصرف
freed	رستگار
free disposal	تصرف
freedom	حریت، فراغ
freedom from care	فراغت
freedom from grief	فَرَج
free from vice	مَهْدَب
free gift	امتنان، مَنّت

formality	رسم
formal knowledge	علم نظری
formal science	علم رسمی، علم رسوم
formation	نشأه
formative guidance	هدایت تکوینی
Formator, the	مصور [خداوند]
Former, the	مصور [خداوند]
Form-Giving, the	مصور [خداوند]
form-giving faculty	قوة مصوره
formless	مجرد
form of corporeal nature	شیخ
form of God	صورت خدا
Form of the Exalted Divine Truth	صورت حق تعالی
form of the heart	صورت دل
Forms	مثل
forms of deeds	صور اعمال
formula of remembrance	ذکر
Formula of <i>tawhîd</i>	کلمه توحید
formula to ask God for forgiveness	استغفار
forsaken	مخدول
forsaken and forlorn	مهجور
fortitude	صبر
fortunate	سعادت‌مند، نیک‌بخت
fortunate, the	نیک‌بختان
fortune	دولت
Fortune-Giver, the	مقدّر [خداوند]
forty-day (period of) seclusion	چله

Forbearing, the	مقیل [خداوند]
forbidden	منهی
forbidden matters	محرمات
force of spiritual decision	همّت
forefathers	سَلَف
foregoing	ترک
foremost, the	سابقون
foremost among the Sufis, the	اکابر صوفیه
Foremost among the Theosophers	صدرالمتألهین
foresight	تدبیر، فراست
forethought	تدبیر
forgery	تزئیف
forgetfulness	غفلت، نسیان
forgetfulness of God	غفلت از حق، غفلت از خدا
forgetfulness of the exterior world	ذهول
forgetting	غفلت
forgiven	آمرزیده
be forgiven, to	آمرزیده شدن
forgiveness	مغفرت
Forgiver, the	غَفَّار، معافی [خداوند]
Forgiver of sin, the	غافر الذَّنْب [خداوند]
forgiving	عفو
Forgiving, the	غَفُور [خداوند]
form	هیأت
<i>Forma Dei</i>	صورت حقّ تعالی، صورت خدا
formal existence	وجود صوری
formalists	اصحاب رسوم، اهل ظاهر

folk\people of the spiritual concert	اصحاب سماع
folk\people of the spiritual journey	اهل اسراء
folk\people of trustworthiness	اهل امانت
folk\people of visions	اصحاب كشف و شهود، اصحاب مشاهدات، اصحاب مكاشفات
followed	متبوع
follower	مرید
follower of authority	مقلد
followers of formal religion	اهل ظاهر
followers of night	اهل لیل
followers of the Koran	اهل قرآن
followers of the sensual	متابعان نفس
followers of the truth	ابناء الحقیقة، اهل حق
followers of the wrong	اهل باطل
following	اقتدا
following authority	تقلید
following the <i>Sunnah</i>	سُنی
folly	رُعونت
folly of the soul	رُعونت نفس
food	قُوْت
Food-Giver, the	مقیت [خداوند]
fools of God	مجانین حق
fool who adopts asceticism, the	جاهل متنسک
footstool	کرسی
for Allah's sake	فی سبیل اللہ
forbearance	تصبر، حلم، صبر
forbearing	حلم

folk\people of healing	اهل شفا
folk\people of insight	اهل بصيرت
folk\people of Law	اهل شرع
folk\people of lights	اهل انوار
folk\people of remembrance	اهل ذكر
folk\people of revelation	اصحاب فتوح، اهل فتوح
folk\people of secondary causes	اهل اسباب
folk\people of self-examination	اهل مراقبه
folk\people of <i>shirk</i>	اهل شرك
folk\people of sitting place and the speaking	اهل مجالس و حديث
folk\people of specification	اهل اختصاص
folk\people of spiritual states	اهل احوال
folk\people of strength	اصحاب قوت
folk\people of taste	اهل ذوق
folk\people of the Book	اهل كتاب
folk\people of the charismatic act	اصحاب كرامت
folk\people of the Fire	اصحاب جهنم، اصحاب نار
folk\people of the Garden	اصحاب جنت، اهل جنت
folk\people of the Hearing	اصحاب سماع
folk\people of the hearts	اصحاب قلوب
folk\people of the inner discoveries	اصحاب مكاشفات
folk\people of the inner realities	اصحاب معاني
folk\people of the Koran	اهل قرآن
folk\people of the last degrees	اصحاب نهايات
folk\people of the Path	اهل طريقت
folk\people of the spiritual chivalry	اصحاب فتوت

flash	بارقه، برق، لمعه
flashes	لوائح، لوامع
flashing glories	سُبُحات
flattery	مداھنت
flavour	ذوق
flawless intention	صحّت نیت
fleeing to Allah	فرار الى الله
fleeting	فانی
flight	ھجرت، فرار
flood	فیض
flower	گل
flower-garden	بوستان
flowing	افاضه
fluctuation	تقلّب، دگرگونی
fold	حریم
fold of the dignity	حریم حرمت
folk	اصحاب، اهل
folk\people of Allah	اهل الله
folk\people of allusion	اصحاب اشارت
folk\people of Bringing Together	اصحاب جمع، اهل جمع
folk\people of considerative thinking	اصحاب نظر
folk\people of disagreement	اصحاب خلاف
folk\people of equity	اهل انصاف
folk\people of first degrees	اصحاب بدايات
folk\people of gatherings and speech	اهل مجالس و حدیث
folk\people of generosity	اصحاب کرم
folk\people of God	اهل الله

firmament	فلک
Firm Cable	جبل المتین
firm faith	ایمان استوار، یقین
firm in knowledge, the	راسخان در علم
firmly constructed	محکم
firmness	تمکین (≠ تلوین)
firm resolve	عزم
firm will	عزم
First, the	اوّل [خداوند]
first Aeon	دهر‌الذّهور (= دهر اوّل)
First Beginning	مبدأ اولی
first being	موجود اوّل
first Creator	مبدع اوّل
First Father	اب اوّل (= حقیقت محمّدی)
First Hylé	هیولای اولی
First Intellect	عقل اوّل (= حقیقت محمّدی)
First Intelligence	عقل اوّل (= حقیقت محمّدی)
first-light	فجر
firstness	اوّلّیت
First Self-Disclosure	تجلّی اوّل (= فیض اقدس)
first sphere	فلک‌الافلاک
first thought	خاطر اول
fit of ecstasy	غلبه حال
Five Descents	تنزّلات خمس
Five (Divine) Presences	حضرّات خمس
fixed entities	اعیان ثابتہ
fixity	تمکین (≠ تلوین)، ثبات، ثبوت

Feminine	مؤنث
femininity	انوثت
ferment	خمیره
fervency	حمیت، غیرت
fervent	غیور
fervour	شوق، همت
fervour of contemplation	غلیان مشاهدہ
fidelity	وفا، وفاداری
fiery inspiration	القاء ناری (= القاء جنّی)
fiery spirits	ارواح ناری
fight with one's own self	جہاد با نفس
figurative(ly)	بالمجاز
figurative being	وجود مجازی، هستی مجازی
filth	رجس
final end	مآل
final goal	مآل
finally	بالمآل
final state	عاقبت
finding	وجد، وجود
Fingers of the All-Merciful	اصابع الرحمن
fire	آتش (کنایہ از لہیب عشق الاهی)
firebrands	قبسات
fire of love	آتش محبت، آتش عشق
fire of the Divine Light	نار نور الاهی
fire-temple	آتشکدہ (کنایہ از عالم عشق)
firm	متین، محکم
Firm, the	متین [خداوند]

favourites of God	مقربان
fear	بیم، ترس، خشیت، خوف، رعب، مخافت، هول
fear and hope	بیم و امید، خوف و رجاء
fearful	خائف، هایل
fearing	فزع، متقی
fearless	لاابالی
fear of account	خوف حساب
fear of death	ترس از مرگ
fear of God	تقوا، خشیت، مخافة الله
fear of punishment	خوف عذاب
feast	عید، بزم
feast of proximity	بساط قرب
<i>fede</i>	مربوب
<i>fede d'amore</i>	محبین
feebleness	رُعونت، ناتوانی
feebleness of human nature	رُعونت طبع
feebleness of the soul	رُعونت نفس
feeling	حال
feigning	تظاهر
felicitous	سعادت‌مند، سعید
felicitous, the	سعادت‌مندان
felicity	سعادت، نعمت
<i>felix culpa</i>	گناه
fellow- companion	همدم
fellow-sitter	همنشین
female	مؤنث

fame	جاه (= منزلت)
familiar associations	مستأنسات
familiarity	الفت، انس
fanatic	متعصب
fancy	خاطر، خیال، وهم
fantasy	وهم
farness	بُعد
Fashioner, the	مصور [خداوند]
fast	صوم، صیام
fasting	صوم، صیام
fasting month	ماه صیام
fasting of the chosen	صوم خواص
fasting of the common	صوم عوام
fasting of the elite	صوم خواص
fasting of the free	صوم احرار
fasting of the heart	صوم قلب
fasting of the slaves	صوم عبید
fate	قضا
Fate and Destiny	قضا
Father of all things	آب کل
Father of mankind	ابوالبشر
Father of the spirits	ابوالارواح (= حقیقت محمدی)
fatigued travellers	واقفان (= از سیر و سلوک بازمانده)
fault	خطیئه، لغزش
favour	تفضل، عنایت، فضل
	لطف، موهبت، نعمت، یمن
Favourer, the	متان [خداوند]

rational faculty	عقل، نطق
reflective faculty	قوة مفكره
remembering faculty	قوة ذاكره
representative faculty	قوة خياليه
theoretical faculty	قوة علميه
fading away	فنا
failed	مردود
failure to be wholehearted	عدم حضور قلب
fair	جميل
fair attributes	اوصاف جميله
fair thought	حسن ظن
faith	آيين، اعتقاد، ايمان، دين، وفا
on faith	تعبدًا
faithful	مؤمن
faithful, the	اهل ايمان، اهل وفا، مؤمنان
Faithful, the	وفى [خداوند]
faithful devotee	صديق
faithfulness	اخلاص، وفا
Faithful Spirit	روح الامين
faithless	بى ايمان
fall	هبوط
falling	هبوط
false	باطل
false claimants	مدعيان دروغين
false dawn	فجر كاذب
false deity	طاغوت
false pretenders	مدعيان كاذب

F

face	چهره، رخ
Face of God	وجه الله
face of manifestation	وجه ظهور
face of properties	وجه احكام
face of specification	وجه اختصاص
face of the Beloved	رخ يار
face-to-face meeting	مواجهه
face-turning	توجه
faction	فرقه
faculty	قوة
faculty of anger	قوة غضبيه
faculty of desire	قوة شهوائيه
concupiscent faculty	قوة شهوائيه
conjectural faculty	وهم
form-giving faculty	قوة مصوره
imaginal faculty	خيال (قوة)، قوة متخيله
imaginative faculty	قوة خياليه
intellectual faculty	عقل
practical faculty	قوة عمليه

eye of understanding

عين فهم

eye of vision

ديده بصيرت

eye-to-eye viewing

عيان

external world	عالم ظاهر
extinction	فنا
extraneous suggestions	خواطر پراکنده
extraordinary event	آیه، پدیده خارق العاده، خرق عادت
extreme limit of the ascent of creatures	منتهای معراج خلاق
extremely oppressive	ظلوم
extreme mortification	کثرت ریاضت
extreme nearness	دنوّ
extremity of confusion	غایت حیرت
eye	بصر، چشم
eye-brow	ابرو (کنایه از حاجب ذات)
eye-cornering	گوشه چشم
Eye of certainty	عين اليقين
Eye of certitude	عين اليقين
Eye of controlling rule	عين تحکّم
eye of discernment	چشم بصیرت
eye of favour	عين عنايت
Eye of God	عين الله
Eye of governing control	عين تحکيم
eye of heart	چشم دل
eye of insight	چشم بصیرت
eye of intelligence	چشم دل
eye of sorcery	چشم جادو، چشم سحرانگیز
Eye of the heart	عين القلب
Eye of Time	عين الوقت

expression of a state of

soul in words

عبارت، بیان حال

expulsion

القاء

expulsion of astray thoughts

نفی خواطر

expulsive

دافع

extended hope

طول امل

Extender, the

باسط [خداوند]

extension

انبساط

exterior

ظاهر (محاطن)

Exterior, the

ظاهر [خداوند]

exterior knowledge

علم ظاهری

exterior of Law

پوست شریعت، ظاهر شریعت

exterior of religion

ظاهر دین

exterior world

عالم شهادت

external action

عمل ظاهر

external attributes

صفات ظاهر

external dimension

چهرهٔ ملکی، ظاهر

external face

چهرهٔ ملکی

external immutability

ثبوت خارجی

external journey

سیر آفاقی

external manifestation

مظهر

external name

اسم ظاهر

(external) obedience

تعبد

external perception

ادراک ظاهری

external rules (of discipline)

آداب ظاهری

external science

علم ظاهر

external senses

حواس ظاهر

exoteric	ظاهر (≠ باطن)
exoteric, the	اهل رسوم
exoteric blessing	نعمت ظاهری
exoteric expression	لسان ظاهر
exoteric Imam	امام ظاهر
exoteric knowledge	علم رسمی، علم رسوم، علم ظاهر
exoteric meaning	ظاهر [معنا]
exoteric religious scholars	علماء قشری
exoteric scholars	علماء رسوم، علماء ظاهر
exoteric science	علم ظاهر
exoterists	اهل رسوم، اهل ظاهر
expanding	بسط
expansion	انبساط، بسط
expansion of the breast	سعه صدر، شرح صدر
expansion of the chest	سعه صدر، شرح صدر
expansiveness	توسّع
expansive unity	وحدت انبساطی
expected Imam	امام منتظر
expedience	مصلحت
experience	ذوق، وجد
experienced	خبیر
experienced pain	رنج دیده
explaining away	تأویل
explanation	بیان
explanation of how	بیان کیفیت
explication	بیان
explicit	محکم (≠ متشابه)

mental existence	وجود علمی
metaphorical existence	وجود مجازی
relational existence	وجود رابطی
verified existence	وجود محقق
worldly existence	ایام حیات
existence and abode	کون و مکان
existence as such	مطلق وجود
existence before God	وجود للحق
Existence-Giver, the	معطی وجود، موجد [خداوند]
existence-giving	ایجاد
existent	موجود
existent being	موجود
existent entity	عین ثابت، عین موجوده
existential command	امر تکوینی (= حکم تکوینی)
existential effects	آثار کونیه
existential theophany	تجلی وجودی
existential entity	امر وجودی
existentiality	کونیت
existential manifestation	تجلی وجودی
existential openness	سعه وجودی
existential union	اتصال وجودی
existentiated essences	اعیان کونیه (≠ اعیان ثابتہ)
existentiating a non-existent thing	ایجاد معدوم
existentiating theophany	تجلی ایجادی
existentiation	ایجاد، تکوّن
Existentiator, the	مکونّ الاسباب [خداوند]
existent thing	موجود

exemplary guide	مقتدا
exemplary model	مقتدا
exempt	منزه
exempt from sin	معصوم
exemption	تبری
exercise of self-discipline	ریاضت
exertion	جهد، مجاهده، همت
exhalations of God's favours	نفحات الطاف حق
exhalations of Divine grace	نفحات الطاف حق
exhalations of Dominical Favour	نفحات الطاف ربّانی
exhibiting patience	تصبر
exhibition of ecstasy	تواجد (= اظهار حالت وجد)
exhilarating	مفرّح
exhortation	وعظ
exile	غریت
existence	کون، وجود، هستی
borrowed existence	وجود عاریتی
concrete existence	وجود عینی
determined existence	وجود متعیّن
elemental existence	وجود عنصری
entified existence	وجود عینی
essential existence	وجود ذاتی
eternal existence	قدّم
formal existence	وجود صوری
imaginal existence	وجود خیالی، وجود مثالی
individual existence	وجود عینی
inhering existence	وجود رابطی

exaltation	تسبیح، تعظیم، رفعت
exalted	رفیع، علوی، منزّه
Exalted, the	عزیز، علی [خداوند]
exalted fathers	آباء علوی
exalted rank	درجه رفیع
exalted waystations	منازل عالیّه
Exalter, the	رافع، مُعزّ [خداوند]
examination	مراقبه
examination of the soul	محاسبه نفس
Examiner, the	مراقب [خداوند]
example	اسوه، الگو، تمثیل
excellence	حُسن، شرف، فخر، فضیلت، فضل، کمال
excellences of disposition	مکارم اخلاق
excellency	کمال
excellent	طیّب
excellent exemplar	اسوه حسنّه
excellent merit	فضل (= هنر)
excess	افراط، زیاده‌روی، مقدار زائد
excited	مبتهج، منبعث
excitement	انبعاث
excluded	نامحرم
excommunication	تکفیر، کافر شمردن
excrement	آلودگی
excuse	عذر
exemplar	اسوه، پیشوا، مقتدا
exemplar of the truth	مقتدای حقیقت

everlasting abode	دار بقا، سرای باقی
everlasting ease	راحة الابد
everlasting life	حیات ابدی
everlastingness	ازلیت، جاودانگی، خلود
Everlasting Refuge, the	صمد [خداوند]
everlasting woe	شقاوت ابدی
Ever-Living, the	حی [خداوند]
Ever-Standing, the	قیوم (خداوند)
everything other than God	ماسوی الله
evident hierophanic knowledge	ادراک واضح و جلّی
evident proof	حجت بالغه
evil	بد، بدی، خبث، خبیث، رذیلت، سوء، قبح
evil act	سیئه، عمل بد
evil character	سوء اخلاق
evil deed	عمل زشت، عمل سوء
evil-doer	بدکار
evil genius	شیطان
evilness of temper	بدخویی
evil of deeds	فسق معامله
evil of the soul	آفت نفس
evil of worldly people	آفت اهل زمانه
evil-prompting self	نفس امّاره
evil scholars	علماء سوء
evil speech	لهو
evocation	احضار، استحضار، ذکر
evocation by heart	احضار قلبی

eternal obliteration	محو ابدی
eternal power	قدرت ازلی
eternal providence	عنایت ازلی
eternal punishment	عذاب ابدی
eternal sea	بحر ابدی
eternal sovereignty	سلطنت سرمدی
eternal torment	عذاب ابدی
Eternal Will	ارادهٔ ازلی
eternal witness	شاهد القدّم
eternal woe	شقاوت ابدی
eternity	آبد، ازل، ازلیّت، جاودانگی، دیمومیت، قدّم
eternity of the eternities	ازلی آزال
eternity to come	آبد [اسم]
eternity without beginning	ازل
eternity without end	آبد [اسم]
ethics	اخلاق
etiquette	آداب معاشرت
eulogizing	تحمید
evanescence	زوال، فنا
even	شفع (محرورتر)
event of the unseen world	واقعهٔ غیبی
Ever-Creating, the	خلاق [خداوند]
Ever-Knowing of	
absent things, the	علام الغیوب [خداوند]
everlasting	آبد، جاودان، جاودانه، سرمد
Everlasting, the	باقی، قدیم [خداوند]

establishing wholesomeness	اصلاح
establishment	تمکین (≠ تلوین)
esteem	آبرو
estrangement	غُریت
eternal	ازلی، باقی، جاودان، سرمد، قدیم
Eternal, the	صمد، قدیم [خداوند]
eternal affliction	شقاوت ابدی
Eternal Being	وجود قدیم
eternal bliss	سعادت ابدی
eternal command	امر ازلی
eternal ease	راحة‌الابد
eternal existence	قَدَم، وجود قدیم
eternal felicity	سعادت ابدی
eternal Garden	بهشت جاوید
eternal happiness	سعادت ابدی
eternal hecceity	عین ثابت
eternal <i>hexeity</i>	عین ثابت
eternal individuality	عین ثابت
eternal kingship	سلطنت سرمدی
eternal knowledge	علم ازلی
eternal life	حیات ابدی، عمر جاویدان
eternal loss	خسران ابدی
Eternally Besought, the	صمد [خداوند]
Eternally Living, the	حَیّ [خداوند]
eternally manifesting emanation	فیض تجلّی دائم
eternal misfortune	شقاوت ابدی

Essence of Divine Unity	ذات احدیّت
Essence of God	ذات خداوند
essence of separation	عین تفرقه
Essence of the Real	ذات حقّ [تعالیٰ]
essence of time	عین الوقت
essence of unity	عین جمع
essences of the Names	اعیان اسماء
essential adoration	عبادت ذاتی
essential determination	تعیّن ذاتی
essential existence	وجود ذاتی
essential generosity	جود ذاتی
essential goodness	حسن ذاتی
essential limits	حدود ذاتی
essentially	ذاتاً
essential mercy	رحمت ذاتی، رحمت وجوبی
essential Perfection	کمال ذاتی
essential polish	صقالت ذاتی
essential service	عبادت ذاتی
essential theophany	تجلّی ذاتی
essential theophany of love	تجلّی ذاتی حبّی
essential union	عین الجمع
essential virtue	حسن ذاتی
established commendable custom	سنّت
established veils	حُجُب موضوعه
Establisher, the	مُثَبِّت [خداوند]
establishing peace	اصلاح
establishing the cause	وضع علّت

esoteric aspect	باطن [اسم]
esoteric blessing	نعمت باطنی
esoteric commentary	تأویل
esoteric counterpart	باطن [اسم]
esoteric dimension	باطن [اسم]
esoteric exegesis	تأویل
esoteric expression	لسان کشف
esoteric guidance	ولایت باطنی
esoteric Imam	امام باطن
esoteric interpretation	تأویل
esotericists	اهل باطن، باطنیه
esoteric knowledge	علم باطن
esoteric life	حیات باطنی
esoteric meaning	باطن، معنا
esoteric meaning of rites	اسرار عبادات
esoteric name	اسم باطن
esoteric prophethood	نبوت باطن (= نبوت عامه)
esoteric scholars	علماء باطن
esoteric science	علم باطن
esoteric true reality	حقیقت
esoteric truth	حقیقت
esoterists	اهل باطن
essence	حقیقت (= ماهیت)، عین
essence-archetype	عین ثابت
essence of certainty	عین البقین
essence of certitude	عین البقین
Essence of Creator	ذات باری

entreat	تَضَرَّعَ
entreat, to	توسَّل جستن
entreaty	تَضَرُّع، توسَّل
entrust, to	تفویض کردن
entrusting the affair	تفویض امر
envoy	رسول، مرسل
envy	حسادت، حسد
ephemeral	حادث، فانی، محدث
epiphanic form	مَظْهَر
epiphanize, to	تَجَلَّی کردن
epiphanic form	مَجَلِّی، جلوه گاه، مَظْهَر
epiphany	تَجَلَّی، مَظْهَر
equal	کفو، همتا
equanimity	آرامش، استواء دل، شکیبایی
equilibrium	اعتدال
equitable balance	انصاف
equitableness	انصاف
erect	مستقیم
erect stance	قیام
erotic	شهووانی
(erotic) passion	عشق
err	ضالالت
erring	ضال، ضالالت
error	خطا
error-covering	خطا پوش
esoteric	باطن [وصف]، باطنی
esoteric abode	مقام

enjoyment	التذاد، حظّ، عيش
enliven, to	زنده کردن
enmity	خصومت
ennobled	مشرف
ennobling	تشریف، تکریم
enrapture, to	به وجد آمدن
enraptured	مغلوب، واله
be enraptured, to	به وجد آمدن
enraptured angels	ملائکۀ مهیم
Enricher, the	مُغنی [خداوند]
entelechy	کمال
entertaining good notion	حسن ظنّ
enthralling	استعباد
enthusiasm	اشتیاق، غیرت، وجد
enthusiastic love	عشق
(enthusiastic) lover	عاشق
<i>enthymesis</i>	همت
enticements of the soul	تسویل نفس
enticing	اغوا
entification	تعین
entifications	تعینات
entified existence	وجود عینی
entirety of creation	کل کائنات
entire universe, the	گون
entities of the attributes	اعیان صفات
entities of the names	اعیان اسماء
entity	عین (≠ اثر)

encompassing relation	نسبت احاطی
encompassing sea	بحر محیط، دریای محیط
encompassment	احاطه (= محیط بودن)
encounter	لقاء، ملاقات
end	اجل، پایان، عاقبت
endeavour	مجاهده، همت
endless	آبدی
endless light	نور بی انتها
end of life	اجل، وقت مرگ
endowed with insight	صاحب بصیرت
endowed with taste	صاحب ذوق
endowed with vision	بصیر
endurance	بردباری، تحمل، صبر
enduring	باقی
Enduring, the	باقی [خداوند]
engaged in devotions	معتکف
engagement	عهد
engendered being	گون (= وجود)،
engendered beings	اعیان گونیه (= اعیان ثابته)
engendered command	امر تکوینی (= حکم تکوینی)
engendered effects	آثار گونیه
engendered existence	گون (= وجود)
engendered state	حال گونی
engendered things	کائنات
Engenderer of Secondary Causes, the	مکون الاسباب [خداوند]
engendering	تکوین
engrossment	استغراق، انهماک

embodiment of deeds	تجسم اعمال
embrace, to	جامع بودن، شامل بودن
embrace	آغوش
embracing	احاطه (= محیط بودن)، جامع
emerald	یاقوت
emergence from the veil	از حجاب بیرون آمدن
emerging from	رهایی
emigrant	مهاجر
emigration	هجرت
eminence	سُزوری، شرف
eminent, the	اهل فضل
Eminent, the	عالی [خداوند]
emotion	طرب
empire	مُلک
Empowerer, the	مُعزّ [خداوند]
empty-heart	فارغ دل
Empyrean, the	عرش
enamoured	عاشق
enamoured seeker	طالب عاشق
encompass	احاطه (= محیط بودن)
Encompasser, the	محیط [خداوند]
encompassing	احاطه (= محیط بودن)
Encompassing, the	محیط [خداوند]
imperfect encompassing	احاطه غیر تامّه
perfect encompassing	احاطه تامّه
encompassing knowledge	علم کامل، علم احاطی، علم محیط
encompassing perfection	کمال احاطی

elemental body	جسم عنصری
elemental existence	وجود عنصری
elementality	عنصریت
elemental reality	حقیقت عنصریّه
elemental spirit	جنّ
elemental world	عالم عنصری
elevated	رفیع
Elevated, the	عالی [خداوند]
Elias	الیاس (کنایه از قبض)
elite	خاصّ
elite, the	خواصّ (≠ عوام)
elite among servants, the	خواصّ العباد
elixir	اکسیر، کیمیا
elixir of existence	کیمیای وجود
elixir of gnostics	اکسیر عارفان
elixir of the Law	اکسیر شریعت
elongated dawn	فجر کاذب
eloquent words	کلمات بالغه
emanating	افاضه
emanation	افاضه، صدور، فیض، فیضان
emanation of continuous theophany	فیض تجلّی دائم
emanation without intermediary	فیض بی واسطه
embarrassment	حیا
embodied souls	ارواح متجسّد
embodied spirits	ارواح متجسّد
embodied truths	معانی متجسّد
embodiment	تجسّد

effort	اجتهاد، اهتمام، تکلف
effulgences	لوامع
effusion	افاضه، فیض، فیضان
effusion of being	فیض وجود
effusion of Dominical grace	فیضان فضل ربّانی
effusion of light	اشراق
ego	خود، نفس
ego-centric	نفسانی
ego-centric thought	خاطر نفسانی
ego-centric-willing	اختیار، آزادی عمل
egoism	انانیت، خودبینی
elder	شیخ
elders of the Path	مشایخ طریقت
elder Sufi, the	اکابر صوفیه
elect	خاصّ
elect, the	خاصّان، خواصّ
elect among the elect, the	خاصّ الخاصّ
elect among the saints, the	خواصّ اولیاء
elected	صفیّ
elect few, the	خاصّ الخاصّ، خصوص الخصوص
election	اختصاص (≠ کسب)، برگزیدگی، صفوت
Elect of Allah, the	برگزیدگان خدا
elect of the elect, the	خصوص الخصوص
elect saints	خواصّ اولیاء
elect servants	خواصّ العباد
elegance	لطف
element	رکن، عنصر

ecstatic	سر مست، مجذوب
ecstatic absorption	فناء [فی الله]
ecstatic expressions	شطحيات
ecstatic man	صاحب حال
ecstatic men	ارباب احوال
ecstatic movements	حرکات وجدی
ecstatic phrase	شطح
ecstatics	اصحاب وجد، اهل وجد
ecstatic state	حالت وجد، وجد
ecstatic utterances	شطحيات
ecstatic yearning	وجد
edge	طرف
effacement	فنا، محو
effacement in affirmation	محو در اثبات
effacement in God	فناء فی الله
effacement of effacement	فناء الفناء
effacement of self	امحاء نفس
Effacer, the	ماحی [خداوند]
effect	اثر، معلول
effect of His rapture-bestowing grace	تصرف
	جذبات عنایت
effect of the agent	جعل
effect of the rapturous Divine states	تصرف
	جذبات الوهیت
effects	آثار
efficacious master	شیخ کامل
efficient grace	توفیق

E

eager desire	حرص
eagerness	شوق
earned science	علم کسبی، علم مکتسب
earnest	جدّ
earnings	مکاسب (≠ مواهب)
earth	فرش (≠ عرش)
earthly	خاکی، مجازی
earthly Adam	آدم خاکی
earthly frame	قالب خاکی
earthly world	حیات دنیا
ease	بسط، فرج، قرار (≠ تردد)
east	مشرق
east wind	صبا
economics	تدبیر منزل
ecstasy	ابتهاج، حال، خلسه، فنا، وجد
in ecstasy	بی خودی (= مقام سکر)
be in ecstasy, to	به وجد آمدن
ecstasy and music	وجد و سماع
ecstasy and spiritual concert	وجد و سماع

drinking of wine-dregs	دُردکشان (کنایه از صوفیان یکرنگ)
drinking wine	شراب خمر
drunkard	مخمور، مست
drunkenness	سُکر، مستی
dry ascetic strivings	مجاهدات خشک
dualism	اثنینیت
dualist	ثنوی
duality	اثنینیت
dubious	مشتبه
dubitation	تجاهل عارف
due consideration	عبرت
Dune of White Musk	کثیب مسک ابیض
duplicity	ریا
duration	بقا
dusk	شفق
Dust	هباء (= عنقاء)
dust cloud	هباء (= عنقاء)
dust of abasement	خاک مذلت
duties	فرائض
dutifulness	تقوا
dwel, to	حلول کردن
dwellers	ساکنان، مقیمان
dwelling	آشیانه، حال، حلول، مسکن
dwelling of Sufis	رباط (کنایه از دنیا)
dwelling place	محل

double-faced	ریاکار
doubt	شک
doubting	مراء
doubting God's existence	الحاد
downfall of religion	هدم دین
draft of wine	جرعه می
dragon	اژدها (کنایه از نفس اماره)
draught	جرعه
draw away, to	انتزاع کردن
draw close\igh, to	تقرّب جستن
drawing close	تدانی (= معراج مقرّبین)
drawing close to God	تقرّب به خدا
drawing nigh to the presence of God	تقرّب به حضرت عزّت
drawing somebody little by little	استدراج
drawn unto	مجدوب
drawn unto God	مجدوب حقّ
dread	خشیت، وحشت، هیبت
dream	خیال
dream-vision	روّیا
dream world	عالم روّیا
dreg	درد
dreg-drinkers	دردکشان (کنایه از صوفیان یکرنگ)
dress of honour	خلعت
drink	شراب
drinkers of wine-dregs	دردکشان (کنایه از صوفیان یکرنگ)
drinking	شرب

domain of the Unseen	[عالم] غیب
invisible domain	غیب [عالم]
secret domain	سرّ
witnessed domain	عالم شهادت
dome of God	قُبَّة حَقّ
dominance of ardor	غلبه شوق
dominance of God	غلبه حقّ
dominance of love	غلبه محبّت
dominance of lust	غلبه هوا
dominance of yearning	غلبه شوق
Dominant, the	حاکم، قاهر [خداوند]
dominant light	نور قاهر
domination	جبروت
Dominator, the	جَبَّار، قاهر [خداوند]
dominical	ربّانی
dominical aid	تأیید ربّانی
Dominical Attributes	صفات ربوبی
Dominical grace	فضل ربّانی
Dominical Qualities	صفات ربوبی
dominical support	تأیید ربّانی
dominion	جبروت، تصرّف، ملکوت
Dominion	استیلاء، جَبَّارِیت [خداوند]
donation	احسان، تبرّع
Donator, the	باسط، واهب [خداوند]
doors to Divine Knowledge	ابواب علم الاهی
doors to gratuitous bounty	ابواب تفضّل
double annihilation	فناء در فنا

	حکمت ربوبی
Divine work	فعل الاهی
(divine) worship	عبادت
Divine wrath	قہر الاهی
divinity	الوہ، الوہیت، حق، خداوندی، ربوبیت، لاهوت
division	تفریق
divulging of secrets	افشاء سر
Doctor <i>Maximus</i>	شیخ اکبر [لقب ابن عربی]
doctor of the Law	فقیہ
doctors of the Law	علماء ظاہر، فقہاء
doctrine	آیین، عقیدہ
doctrine derived from the Lord	علم ربّانی
doctrines	معارف
Doer of whatever He wills, the	فَعّال ما یَشَاء [خداوند]
doffing of the Sandals	خلع نعلین
dogmatics	اصول دین
dogmatic science	علم اعتقادی
doing good	احسان
doing homage	خضوع
doing the beautiful	احسان
doing wrong oneself	ظلم بہ نفس
domain	عالم
domain of action	عالم عمل، میدان
domain of existence	عالم وجود، میدان
Domain of Holiness	حظیرہ قدس

Divine Speech	کلام الله
Divine Spirit	روح الاهی
Divine splendor	فرّ یزدانی
Divine stage	مرتبه الاهی
Divine strengthening	تأیید ربّانی
Divine succour	توفیق الاهی
Divine support	تأیید الاهی، مستند الاهی
Divine Sym-pathy	نَفْس الرَّحْمَن، همدمی با خدا
Divine Tablet	لوح محفوظ
Divine teaching	تعلیم الاهی
Divine things	الاهیات
Divine thrall	مألوه
Divine Threshold	درگاه الاهی
Divine Throne	عرش الاهی
Divine Throne of Tabernacle	عرش
Divine torment	عذاب الاهی
Divine uncovering	کشف الاهی
Divine Unity	توحید، وحدانیّت
Divine unveiling	تجلی الاهی، مَجْلَی، جلوه گاه خداوند
Divine vastness	اتّساع الاهی، توسّع الاهی
Divine veils	حُجُب الاهی
Divine vicarate	نیابت خدا
Divine vicegerency	خلافت الاهی
Divine Vicegerent	خليفة الله، خلیفه الاهی
Divine vocation	رسالت الاهی
Divine Will	اراده الاهی، قضای الاهی
Divine wisdom	حکمت الاهی، حکمت خداوندی،

Divine premeditation	عنايت الاهی
Divine Presence	حضرت الاهی، حضرت الوهیت، حضرت ربّانی، حضور خداوند
Divine Presence in the Absolute	حضرت شهادت مطلق
Divine protection	عصمت
Divine providence	تقدیر، عنايت الاهی، لطف الاهی
Divine punishing	اخذ الاهی، مؤاخذة الاهی
Divine punishment	عذاب الاهی
Divine Qualities	اوصاف الاهی، صفات خداوند
Divine realm	لاهوت
Divine realm of being	نشاء الاهی
Divine recompense	ثواب
Divine reports	اخبار الاهی
Divine return	رجوع الاهی
Divine reward	ثواب
Divine root	اصل الاهی
Divine Scale	میزان الاهی
Divine science	علم الاهی
divine sciences	الاهیات (= علوم الاهی)
Divine Secrets	اسرار الاهی، اسرار خداوند
Divine self-disclosures	فتوحات
divine service	عبادت
Divine Side	جناب الاهی
Divine signature	توقيع الاهی
Divine signing	توقيع الاهی
Divine signs	آیات الاهی
Divine singularity	فردانیت

Divine love	حُبِّ الاهی، محبَّت خداوند
divinely inspired knowledge	علم لدنی
Divinely inspired master	عالِم ربّانی
Divinely learned man	عالِم ربّانی
Divinely preserved	معصوم
Divine Majesty	جلال الاهی
Divine man of courtesy	ادیب الاهی
Divine marriage	نکاح الاهی
Divine meanings	وطنيّات
Divine mercy	رحمت الاهی، رحمة الله، کَرَم حقّ
Divine message	رسالت الاهی
Divine mission	رسالت الاهی
Divine Mystery	سرّ الاهی، سرّ ربّانی، سرّ الله
Divine Names	اسماء الاهی
(Divine) Names and Attributes	اسماء و صفات
Divine nature	الوهیّت، لاهوت
Divine Omnipotence	قدرت خداوند
Divine ones	الاهیّون
Divine order	امر الاهی
Divine Path	راه خدا، سبیل الله
Divine Peace	سکینه
Divine Pedestal	کرسئ
Divine physician	طبيب الاهی
(Divine) pleasure	رضوان
Divine Portal	درگاه الاهی
Divine power	ملکوت
Divine predestination	تقدیر ربّانی

Divine Form	صورت الاهی
Divine friendship	ولایت الاهی
Divine generosity	فضل الاهی
Divine gift	موهبت الاهی، هبة الاهی
Divine gifts	موهب
Divine glitterings	لَمَعَات حَقّ
Divine glory	فَرِّ یزدانی
Divine grace	عنایت حَقّ، فضل الاهی، کرامت لطف الاهی، لطف ربوبیت
Divine guardianship	ولایت الاهی
Divine guidance	هدایت الاهی
Divine illumination	کشف الاهی
Divine image	صورت الاهی
Divine influence	وارد الاهی، وارد حَقّ
Divine insights	فتوحات
Divine inspiration	القاء الاهی، الهام حَقّ، الهام ربّانی، وارد حَقّ
Divine intuition	کشف الاهی
Divine jealousy	غیرت الاهی
Divine Knowledge	علم الاهی
divine knowledge	عرفان (= شناخت خدا)
Divine knowledge giving	تعریف (= دانا ساختن)
Divine Law	شریعت، ناموس (= شرع الاهی)
Divine limits	حدود الاهی
Divine loci of Self-manifestation	مظاهر الاهی
Divine Lordly condition	ربوبیت
Divine Lordship	ربوبیت

Divine decree and predestination	قضا و قدر الاهی
Divine deputyship	نیابت الاهی
Divine Descent	تنزل الاهی
Divine description	وصف الاهی (≠ وصف کیانی)
Divine destiny	تقدیر ربّانی
Divine determination	تقدیر الاهی
Divine determinations	تعیّنات الاهی
Divine diffusions	فتوحات
Divine direction	هدایت الاهی
Divine Discourse	کلام الله
Divine domain of the heavens	ملکوت آسمانها
Divine dream-vision	روّیای رحمانی
Divine elocution (in the imaginal world)	فهوانیّت (خطاب مستقیم حقّ در عالم مثال)
Divine Empire	عالم جبروت
Divine envoy	سفیر حقّ
Divine envoys	سفرای حقّ
Divine Essence	ذات حقّ [تعالیٰ]
Divine exemplification	تخلّق الاهی
Divine expansiveness	توسّع الاهی (= اتّساع الاهی)
Divine Face	وجه حقّ
Divine favour	عنایت حقّ، فضل خدا، لطف الاهی
Divine <i>Fiat</i>	امر الاهی
Divine flash	بارقه الاهی
Divine Flashes	لَمَعَات حقّ
Divine foreordination	قضا و قدر الاهی

disturbing	مزاحمت
diverse	مختلف
diversity in states	اختلاف احوال
divestiture	تجريد
divided attention	پراکندگی خاطر
Divine	الاهی، ایزدی، رحمانی
Divine Act	فعل الاهی
Divine address	خطاب الاهی
Divine Affair	امر ربّانی
Divine affirmation	تأیید الاهی، تأیید ربّانی
Divine aid	توفیق، توفیق یزدانی
Divine aspect	لاهورت
Divine assistance	امداد، توفیق الاهی،
Divine attention	توجّه الاهی
Divine Attribute of Sustaining	صفت قیومی خداوند
Divine Beauty	جمال الاهی، جمال خداوندی
Divine bestowal	موهبت الاهی، هبّه الاهی
Divine blessing	برکت، توفیق
Divine bounty	کرم حقّ
Divine breathing	نفخ الاهی
Divine Command	امر الاهی
Divine concern	اعتناء الاهی
(Divine) contemplation	مشاهده
divine cup	جام الاهی
Divine deception	استدراج
Divine decree	تقدیر، حکم الاهی، قضا
Divine decree and destiny	قضا و قدر الاهی

dissemblance	ریا
dissimulation	ریا
dissipation	رندی
dissociable Imagination	خیال منفصل
dissolution	فنا
dissolved	محو [به معنای مفعولی]
distance (from God)	بُعد، دوری
distance of two bowstrings	قاب قوسین
distance oneself, to	دوری جستن
Distant, the	بعید [خداوند]
distinction	تمییز
distinct light	نور خاص
Distinguisher, the	مفصل [خداوند]
distracted	سرگشته
distractedly in love	شیدا
distracting thought	وسواس
distraction	اضطراب، تفرقه، غفلت
distraction of one's heart	تفرقه دل
distraught	دیوانه، شوریده
in a distraught state	شوریده حال
distraught heart	دل سودا زده، دل شیدا
distraught lover	عاشق شوریده، مجنون
distraughtness	شیدایی (= شدت غلیان عشق)
distress	اندوه، پریشانی، حُزن، شقاوت، غم
distressed	رنجه دل
distribution	تفرقه
disturbance	فتنه (= جوش و خروش سالکان)

disequilibrium	انحراف
dishonour	ذلت
disintegration	فنا
disinterested	فارغ دل
disinterestedness	انسلاخ، قطع علائق
disloyalty	بدعهدی، خیانت
dismayed	خاسر، زیان کار
dismissing	عزل (≠ تولیت)
disobedience	معصیت
disobedient	عاصی
disobeying the dictate of passions by constant efforts	مجاهده با نفس
disorientation	حیرت
disoriented	متحیر
Dispenser, the	مُنعم، منیل [خداوند]
dispersed thoughts	خواطر پراکنده
dispersion	تفرقه، تفریق
dispersion of will	تفرقه همت
display	ارائه
displaying gentleness	تحلم، حلم ورزی
displeasure over the pre-decreed	ناراضایتی به قضا
disposing	تدبیر
disposition	خلق
dispositions of the senses	مشارب حسی
dispositions of the unseen	مشارب غیبی
disputing	مراء
disquieting fear	ترس پریشان‌زا، خوف مُقلق

discipline	ادب، تأدیب، ریاضت، مجاهده
disclose, to	تجلی کردن
Disclosed, the	جلّی [خداوند]
disclosure	تجلی، کشف، مکاشفه
disclosure of conjectures	تجلی ظنون
discomfort	تکلف (≠ انبساط)
discontiguous Imagination	خیال منفصل
discontiguous world of souls	عالم نفس منفصل
discontiguous world of visibility	عالم شهادت منفصل
discontinuance	مفارقت
discord	مخالفت
discouragement	ملالت
discourse	حدیث (= سخن)
discourtesy	اسائۀ ادب، سوء ادب
discovery of states	کشف احوال
discovery of truths	کشف حقایق
discredit, to	جرح کردن (≠ تعدیل کردن)
discrepancy	تخلف
discursive knowledge	علم قال، علم مقال
discursive reasoning	عقل
disease of the soul	بیماری روح
diseases of beliefs	امراض اعتقادات
diseases of deeds	امراض افعال
diseases of sayings	امراض اقوال
diseases of states	امراض احوال
disengaged	مجرد
disengagement	تجريد، فراغ

directed	مہتدی
direct experience	ذوق
directing oneself toward God	توجہ بہ حق
direction	منہاج، ہدایت
direction of the religious community	امامت اُمّت
direction toward God	توجہ بہ خدا
direct observation	رأی العین
director	مرشد
Director, the	مرشد [خداوند]
direct vision	رأی العین، مشاہدہ، معاینہ
disagreeableness	منافرت
disallowed	منکر
disappointment	دل شکستگی، نومیدی، یأس
disapproved (by the Law)	مکروہ
disapproving	سخط
disassociation	تجرید
disaster	مہلکہ
disbelief	بی ایمانی، زندقہ
disbeliever	کافر، مُنکر
disbursing	بخشش، بذل
discarding	ترک
discernment	بصیرت، تمیز، ذوق، فرقان
discharge	اداء، تصفیہ
disciple	تلمیذ، صاحب، مرید
disciple of the mystical path	ناسک
discipleship	ارادت
disciples of the rational intellect	اصحاب عقول

diabolic suggestion	وسواس
<i>diabolus</i>	ابلیس
diagonal	قطر
dialogue with God	مسامره
dictation	املاء
differentiated	مفصل
differentiated perception	ادراک تفصیلی
differentiation	تفرقه، فرق
differentiation of address	فصل الخطاب
differentiation of differentiation	فرق الفرق [مقام]
Differentiator, the	مفصل [خداوند]
difficult ascent	عقبه
difficulties	مصائب
diffidence	حیا
diffusion	افاضه
dignity	آبرو، اہلیت، حرمت، حضرت، منزلت، متانت، منصب، وقار
dilation	بسط
diligence	جُہد
dimension	ساحت
esoteric dimension	باطن [اسم]
external dimension	چہرہ مُلکی، ظاہر (≠ باطن)
inner dimension	باطن، بطن، سر، وجہ باطنی
inward dimension	باطن [اسم]
inward dimension of man	لطیفہ انسانی (= نفس ناطقہ)
outward dimension	ظاہر (≠ سر)
direct discourse with God	مخاطبہ حق

detachment of worldly causes	انقطاع اسباب
determination	تقدیر، تقدید، عزم
determinations of souls	تعیّنات نفسانی
determinations of spirits	تعیّنات روحی
determined	مقدّر
determined existence	وجود متعیّن
<i>Deus revelatus</i>	عقل اوّل
deviation	الحاد، انحراف [از طریق]
devil	شیطان
Devil, the	ابلیس
devilishness	شیطنیت
devils	شیاطین
devising	مکر
devoid of knowledge	جهول
devoted	دل داده، عاکف
devoted lover	عاشق صادق
devoted to God	منقطع
devotee	عابد، متعبّد، مرید
devoting oneself	مواظبت
<i>devotio sympathetica</i>	همدمی با خدا
devotion	اخلاص، ارادت، طاعت، عبودیت، فرمانبرداری مخلصانه، مهر
devotions	اعتکاف
devotion through separation from the world	انقطاع
devout	دیندار
devout men	عبّاد
devoutness	عبادت، وَرَع

desired	مُرَاد، مطلوب
desirer	مَرِيد (= مشتاق)
desires of humanity	مرادات انسانی
desires of the soul	مرادات نفس
desiring	مَرِيد (= مشتاق)
desirous	راغب
Desirous, the	مُرِيد [خداوند]
desirous ones	مشتاقان
desolate soul	جان مهجور
desolation	تنهایی
despair	قنوط، یأس
desperate	قنوط، نومیدی
destiny	تدبیر، قَدَر، قسمت (= تقدیر)
destitute	مفلس
destitute condition	مجرّد
destitution	فقر
destruction	استهلاک، زوال، فنا، هلاک
destruction of the soul	زوال نفس
destructive	مُهْلَک
destructive qualities of the soul	مهلكات نفس
detached	مجرّد
detached from material entanglement	مجرّد
detached Imagination	خیال منفصل
detached lights	انوار مجرّد
detachment	استغناء، انقطاع، تجرّد، عدم تعلق
detachment by attaching to God	انقطاع الی الله
detachment from worldly matters	تجرّد از شواغل دنیوی

descending degrees	درکات
descending degrees of hell	درکات دوزخ
descending journey	سیر رجوعی، سیر نزولی
descending movement	سیر نزولی
descent	تنزل، نزول، هبوط
descent of angels	نزول فرشتگان
descent of the Quran	نزول قرآن
description	نعت
description of self	وصف نفسی
desert	بادیه [گذرگاه دشوار در سیر و سلوک]
deserted	مهجور
deserving	محق، مستحق
design	تدبیر، سودا
designation	تعیین
designation of levels	تعیین مراتب
desirable	مُراد
desirable characteristics	خصال پسندیده
desire	آرزو، اراده، اشتیاق، تمنی، شهوت، رغبت، شوق، غرض، کام، میل، هوس
desired for itself	مطلوب لذاته
desire for food	شهوت بطن
desire for good repute	سُمعه
desire of flesh	هوای
desire of the Friend	کام دوست
desire of the stomach	شهوت بطن
desire for union	هوای وصال
desire for wine	هوای می

denudation of the spirit	تجرید روح
denying God	الحاد
dependence	افتقار
dependence on God	اتکال به خدا
dependent	محتاج
depending on God	توکل به خدا
deployment	انبساط
depressed nature	افسردگی طبع
deprivation	فقر
deprived	محروم
depth of the heart	مکمن دل
depth of the hidden	مکمن غیب
depths of the human state	حقیض بشریت
deputation	نیابت
deputy of God	نایب خدا
deputy of Imam	نایب امام
deputy of the Real	نایب حق
deputyship	نیابت
derision	استخفاف، استهزاء
derivatives of the religious Law	فروع شریعت
dervish	درویش
dervish-frock	خرقه
dervish mantle	خرقه
dervish monastery	خانقاه
descendants of Adam	بنی آدم
descending	نازل، نزول
descending arc	قوس نزولی

delivering	نجات
delivery	نجات
deluded man	مغرور (= فریفته)
deluding	تلبیس
deluge of calamity	توفان بلا
deluge of sea	توفان قلزم
deluge of wrath	توفان قهر
delusion	پندار، غرور (= فریب)
demand	مطالبه
demands of instinctual nature	مقتضای طبع
demeanour	حالت
demon	جن، شیطان، عفريت
demonic	شیطانی
demonical suggestion	وسوسه شیطانی
demonic cunning	حيله شیطانی
demonic intrigue	حيله شیطانی
demons	شیاطین
demons in human and jinn form	شیاطین جن و انس
demons in humans and jinns	شیاطین جن و انس
denial	انکار، جحد، نفی
denier	جاحد
denomination	فرقه
denotation	دلالت
dense	کثیف (≠ لطیف)
dense engendered beings	اکوان کثیفه (= اشیاء عالم حس)
dense world	عالم کثیف (≠ عالم لطیف)
denudation	تجريد

degrees of mystic perfection	منازل
degrees of the people of certainty	درجات اهل یقین
descending degrees	درکات
lofty degrees	درجات عُلّیا
low degrees	درکات
deiformity	تألّه
deity	اله، ربوبیت
delay	تأخیر
delegate, to	تفویض کردن
delegation	تفویض
deliberated intention	عزم
delicacy	رَقّت
delight	شادی، طرب، فرح، نعمت
delighter of hearts	دل آرام
delightful	شاد
delight of certainty	راحت یقین
delight of one's eye	نور چشم
delights of the soul	مستلذّات نفس
delights of the visible world	مستلذّات عالم شهادت
delimitation	تقیّد، تقیید
delimited evil	شرّ مقیّد
delimited Father	آب مقیّد
delimited Imagination	خیال مقیّد
delimited light	نور مقیّد
delinquency	خطیئه
deliverance	رستگاری، غوث، نجات
deliverer	رهايي بخش، منجی

evil deeds	سوء اعمال
frivolous deeds	ملاهی
lasting righteous deeds	باقیات الصالحات
righteous deeds	صالحات
wondrous deeds	کرامات
deep emotion	شور
deepening one's thought	تعمّق
defective	ناقص
Deferrer, the	مؤخّر [خداوند]
deficient	ناقص
defiled	پلید
definite	محکم
definitive text	متن صریح، نصّ
degree	درجه، مرتبه، منزلت
degree of certainty	مرتبه ايقان
degree of leadership	مرتبه پیشوایی
degree of perfection	درجه کمال
degrees of ascent	درجات
degrees of being	مراتب وجود
degrees of descent	درکات
degrees of determinations	مراتب تعینات
degrees of existence	مراتب وجود
degrees of felicity	مراتب سعادت
degrees of hell	درکات دوزخ
degrees of hellfire	درکات دوزخ
degrees of knowledge	مراتب معرفت
degrees of mystical perfection	منازل عرفانی

decisive address	فصل الخطاب
decisive argument	حجّت بالغه
decisive force	همت
decisive speech	فصل الخطاب
declaration of faith	شهادت (= إعلام ایمان)
declaration of God's Unity	توحید
declaration of incomparability	تنزیه
declaration of self-purity	تزکیه نفس [به معنای مذموم]
declaring incomparability	تنزیه
decorum	ادب
decree	قضا
decree and destiny	قضا و قدر
decree and preordination	قضا و قدر
decree of fate and destiny	حکم قضا و قدر
decree of the Law	حکم شرع
decrees of fate and destiny	احکام قضا و قدر
deed	عمل
deed of the heart	عمل قلبی
bodily deed	عمل بدنی
carnal deed	عمل نفسانی
dark deed	عمل ظلمانی
evil deed	عمل زشت
good deed	عمل صالح
ugly deed	عمل زشت
wholesome deed	صالح (≠ طالح)
wrong deed	عمل سیئ (≠ عمل صالح)
deeds	اعمال

Day of God	یوم الله
Day of Judgement	روز قیامت
Day of Upstirring	یوم النّشر
Days of God	ایام الله
days of life	ایام حیات
dazzled	مست
dead	فانی
deadly	مُهلک
death	فنا
Death-Giver, the	مُمیت [خداوند]
debased soul	نفس سُفلی
debasement	خَفّت
debauchee	رِند
debauchery	رندی
decadence	انحطاط
deceit	تزویر، خُدعه، فریب، کید، مکر
deceitful world	دنیای غُدار
deceit of fantasy	غرور پندار
deceit of the Devil	تسویل شیطانی
deceit of the soul	کید نفس
deceived	مغرور، فریفته، مفتون
deceiving	خیانت
decency	حیا
deception	خُدعه، فریب، مخادعه، مکر
deceptive world	دار غرور
decision	قضا
decisive	محکم

D

daily discourse	محاوره
<i>Dajjal</i>	دَجَّال
damned, the	اشقياء
dance	رقص
dancing	رقص
dangerous	هايل
dark	ظلمانی
dark deed	عمل ظلمانی
dark mole	خال سیاه (کنایه از عالم غیب)
darkness	سیاهی (کنایه از ذات حق)، ظلمت، کدورت
darkness of createdness	ظلمت خلقت
darkness of the created state	ظلمت خلقت
dawn	صبح، فجر
dawning	اشراق
Day of <i>Alast</i>	روز آلت
day of assembling	روز حشر
Day of Coming together	يوم الجمع
Day of Differentiation	يوم الفصل
Day of Exposure	يوم العرض

cut from the world	منقطع
cut-off	انقطاع
cutting off attachments	قطع علائق
cutting off of secondary causes	قطع اسباب
cycle of initiation	دائرة ولایت
cycle of prophecy	دائرة نبوت
cycle of sanctity	دائرة ولایت
cypress	سرو

demonic cunning	حيلة شیطانی
God's cunning	مکر حق
hidden cunning	مکر خفی
cup	پياله، پيمانه، جام، ساغر، قَدَح (کنایه از قلب عارف سالک)
cup of faith	جام ایمان
cup of gnosis	بادهٔ عرفان
cup of inner self	جام ضمیر
cup of intoxication	بادهٔ مست
cup of love	بادهٔ عشق، جام محبت
cup of non-existence	جام نیستی
cup of union	جام وصال
cup of wine	جام می، ساغر
cup of Witnessing	جام شهود
cup-bearer	ساقی
cupidity	تمنی، حرص، شره، شهوت
Cure-Giver, the	شافی [خداوند]
curl	زلف، جعد
currents of thought	خطورات ذهنی، خواطر
curse	لعنت، نفرین
cursing	قَدَح (= عیب جویی)، لعن
curtain	حجاب، ستر
curtained	مستور
curtaining	ستر
curtain of jealousy	پردهٔ غبطه
curve of tress	پیچ زلف، خم زلف
custom	آیین (= رسم)، عادت

Creator's Pen	قلم صنع
creature	خلق، کائن، مخلوق
creaturely darkness	ظلمت خلقت
creaturely image	صورت کونیہ
creaturely Names	اسماء خَلْقِیَّہ
creed	ملت (= آیین)
creeds and sects	مِلل و نِحَل
crescent moon	ہلال
crime	جرم، جریرہ، ذنب
criminal	مجرم
criterion	ضابطہ، فارق
criterion (of right and wrong)	فرقان
crookedness	اعوجاج
cross	چلیپا
crossing over	اعتبار
crowd	قوم
crudeness	خامی
cruelty	قساوت، قہر
cry for help	استغاثہ
crying	بکاء
culpable	مجرم
cultivation	تہذیب
cultivation of religion	دین پروری
cultivation of the soul	تربیت نفس
culture	ادب (= فرهنگ)
cunning	پرتلبیس، حیلہ، مکر
cunning of the souls	مکر نفس

courtesy of service	ادب خدمت
courtesy of the Truth	ادب حق
Court of God	درگاه خدا
covenant	عهد، میثاق
covenant of <i>Alast</i> , the	عهد آلست
covenant of trust	عهد امانت
covering	احاطه، ستر، غشاه، تُثَقُّ (= حجاب)
covering of dignity	تُثَقِّ عَزَّت
covering of the Invisible	تُثَقِّ غِیْب
covering of the Unseen	تُثَقِّ غِیْب
covetous, the	اهل منیه
covetousness	آز، شَرَه، شهوت
cream of the world	زبدۀ عالم
created	محدث
created being	حادث، گون
created in time	حادث
created thing	مکون
Creating, the	خالق [خداوند]
creating concordance among men	اصلاح بین مردم
creation	انشاء، تکوین، خلق، گون
creational guidance	هدایت تکوینی
creation as determination	خلق تقدیر (≠ خلق ایجاد)
creation as existentionation	خلق ایجاد (≠ خلق تقدیر)
creation of deeds	خلق اعمال
creative will	مشیت
Creator, the	باری، خالق، صانع کردگار، مبدع، مصوّر [خداوند]

correcting the limbs	تأديب جوارح
correction	تهذيب
correctness of manner	ادب
correct opinion	رأى صائب
correlation	اضافه (≠ عين وجود)، نسبت
correspondence	مناسبت
corrupter	مفسد
corrupt fancies	خیالات فاسد
corruption	فسق
co-sharer	شریک
cosmic description	وصف کیانی (≠ وصف الاهی)
cosmic guidance	هدایت تکوینی
cosmic school	مدرسه وجود
Cosmos, the	کون
counsel	نصح، نصیحت
countenance	عنایت، کرم، لطف، هیأت
counterpart	مقابل
country	دیار، دیر
country of Friend	دیار دوست
couple	زوج
coupleness	زوجیت
course	نشأه
court	ایوان، درگاه
courteous	ادیب
courteous, the	ادباء، اهل ادب
courtesy	احترام، ادب، تواضع، مدارا
courtesy according to the Law	ادب شریعت

core of the essence	کنه ذات
core of the heart	حَبَّةُ الْقَلْبِ (= سويدای دل)
<i>corpora</i>	جسمانی
corporeal form	جسد عنصری
corporeal frame	قالب جسمانی
corporeal	جسمانی، جسیم
corporeal act	فعل جسمانی
corporeal attachments	تعلقات جسمانی
corporeal being	جسم
(corporeal) body	جسم، جسمانی
corporeal contamination	کدورات جسمانی
corporeal domains	ممالک جسمانی
corporeal frame	جسم
corporeality	جسمیت
corporealization	تجسّد، تجسّم، تجسیم
corporealization of the spirits	تجسّد ارواح
corporeal pleasures	مشتهیات جسمانی
corporeal union	اتصال جسمانی
corporeal world	مُلک (≠ ملکوت)
corporeous bodies	اجساد
(corporeous) body	جسد
corporeous forms	صُور جسدیه
corpse	پیکر
corpses	اجساد
correct	درست (≠ نادرست)، مصیب
correct attitude towards God	ادب
correct behavior	ادب

continence of heart	عَقَّتْ دِل
contingency	امكان، حدوث
contingent	حادث، ممكن
continuance	بقا
continuous remembrance of God	مداومت ذكر
contract	عهد
contracting	قبض
contraction	انقباض، قبض
contraction of the spirit	قبض روح
contrariety	تقابل
contrition	حيا، ندامت
controlling	تسخير
controlling the imagination	ضبط خيال
contumacy	طغیان
convention	وضع
conventional	وضعی
conventional religious scholars	علماء رسوم
conversation	حديث (= سخن)، محاوره
conversation of the soul	حديث نفس
Conversing with God	كليم الله
conversion	انابه
Conversor with God	كليم الله
conviction	يقين
coquetry	ناز
cordial presence	حضور قلب
core	فؤاد، لب
core of the core	لب اللب

consummation of command	ختم امر
contained	مندرج
container for meaning	ظرف معنا
containers	او عیه
containership	ظرفیت
contemplate, to	تأمل کردن، شهود کردن
contemplated being	مشهود
contemplated ones	مناظر
contemplating	مشاهده
contemplation	تأمل، مراقبه، معرفت، تدبّر،
contemplation and action	علم و عمل
contemplative	شاهد (= ناظر)
contemplative consciousness	سرّ
contemplative meditation	عیان
contemplatives	اهل حضور
contemplative vision	استبصار
contemplative voyage	سیر
contemplator	ناظر
content	راضی، رضا، قانع، قناعت
contentment	خوش دلی، رضا، سکون، طمأنینه، قناعت
contentment with destiny	رضا به قضا
contentment with the decree of God	رضا به قضا
contesting	مراء
contiguous Imagination	خیال متصل
contiguous world of souls	عالم نفس متصل
contiguous world of visibility	عالم شهادت متصل
continence	زهد

considerative thinkers	اهل نظر
consociation of the	
Godhead and the soul	منازله
consolation	حسرت، دل داری، فَرَج، قَرّة العین
consolidated	کثیف (≠ لطیف)
conspiracy	مکر
con-spiration	همدمی
Constant, the	صمد، متین [خداوند]
constant ablution	دوام وضو
constant fasting	دوام صوم
constant invocation	هیجیر (= ذکر مداوم)
constant knowledge	علم مستقرّ
constantly engaged in invocation	دائم الذکر
constantly engaged in <i>ṣalāt</i>	دائم الصلاة
constantly present	دائم الحضور
constant practice of invocation	ملازمت ذکر
constant silence	دوام سکوت، دوام صمت
constant <i>zikr</i>	مداومت ذکر
constitution	شاکله، فطرت، مزاج
constrained	محصور
constraint	جبروت، ضیق
constricted abode of this world	تنگنای زندان سرای دنیا
constriction	ضیق
consuming	سوزان
consuming of the moth	سوختن پروانه
consummate Sufi	منتهی (≠ مبتدی)
consummation	شهوت

confused	متحیر
confused dreams	أَصْغَاتِ احْلَام (= خواب‌های آشفته)
confusion	پریشانی، تحیر، حیرت، دهشت
confusion of one's mind	تشویش خاطر
congregation	جمع
conjectural faculty	قوة وهم
conjecture	وهم
conjoined Imagination	خیال متصل
conjunction	اجتماع، وصال، وصول
<i>conlatio</i> Gr.	همدمی
connect	پیوند
connected	متعلق
connectedness	اتصال (= به هم پیوستن)
connection	اتصال (= پیوند)، پیوند، تعلق
connexion	تعلق، علاقه (= ارتباط)
connivance	تستر
connoisseurs	خواص
Conquering, the	قهار [خداوند]
conquering force	قهر
conquest	استیلاء
conscience	سر، سریره، نفس لوامه
conscious awareness	حضور قلب
consciousness	خودآگاهی، سریره
consecrated pilgrim	مُحَرِّم
consent	رضا
considerateness	رفق
consideration	نظر (= توجه)

Conditioner, the	حاکم [خداوند]
conditions of heart	اطوار دل
conditions of man	اطوار بشریت
confess, to	اعتراف کردن
confession (of faith)	اقرار
confessor to the unity of God	موحد
confidant	محرم
confidant of heart	محرم دل
confidant of mystery	محرم راز
confidence	اعتماد، توکل
confidence in God	توکل به خدا
confidential prayer	مناجات
confidential psalm	مناجات
configuration	انشاء، نشاء
Configurer, the	مُشیئ [خداوند]
confined	محجور
confinement	اختصاص
confirmation	تمکین (≠ تلوین)
confirmation of the heart	تصدیق دل
confirming	اقرار
conflict	مخالفت
conflict among the Names	تنازع اسماء
conforming	امثال
conformity	متابعت، موافقت
confounding veil	حجاب فاتن
confrontation	تقابل، مواجهه
confronting	لقاء، مواجهه

concentration of religious ambition	جمع الهمة
concentration of spiritual will	جمع الهمة
concentration of the heart	همت
concept and judgement	تصوّر و تصديق
conception	تصوّر، وهم
conceptualization	تصوّر
concern	اعتنا، التفات، اهتمام، دل مشغولی، عنایت، همّ
conciliation	اصلاح
conclusive argument	حجّت بالغه
concomitant	لازم
concrete determination	تعیّن
concrete existence	وجود عینی
concrete language	لسان ظاهر
concupiscence	رغبت شدید، شهوت جنسی، هوی
concupiscent	شهوانی، شهوی
concupiscent faculty	قوة شهوانیه
concupiscent soul	نفس امّاره، نفس شهوی
concupiscibility	شهوت
concupiscible	شهوی
condemned	مردود
condescendence	منازله
condescension	تفضّل
condition	حالت، وضع
conditional evil	شرّ مقید
conditional light	نور مقید
conditioned Imagination	خیال مقید

composure	آرامش، جمعیت
compoundedness	ترکیب
comprehension	دُرک
comprehensiveness	عمومیت
comprehensive theosophy	حکمت جامعه
compression	قبض
compromising disputes	
among people	اصلاح ذات البین
compulsion	الجاء، جبر
compulsion and volition	جبر و اختیار
compulsory	فرض (= واجب)
compulsory return	رجوع اضطراری
compulsory servitude	عبودیت اضطراری
comrade	دوست، رفیق، قرین
concealed	مستور
Concealed, the	باطن [خداوند]
concealed Unseen, the	غیب مکنون (= غیب مصون)
concealer	حاجب
Concealer of sins, the	سِتار [خداوند]
Concealing, the	عَفُور [خداوند]
concealing	تدلیس، تلبیس، ستر
concealment	احتجاب (نه تجلی)، کتمان
concealment of nonbeing	کتم عدم
concealment of secret	کتم سرّ، کتمان سرّ
conceit	زَهُو، ناز، نخوت
concentrated attention on God	مراقبه
concentration	اجتماع، جمع، محاسبه، همت

compass of existence	پرگار وجود
compassion	امتنان، ترحّم، رحمت، رأفت، شفقت، مرحمت
compassionate	رحمانی
compassionateness	رحمانیت، رحمت
Compassionate, the	حنّان، رحیم، رحمن [خداوند]
Compassionate Sigh	نَفْسِ الرَّحْمَنِ
compatible	موافق (= سازگار)
Compelling, the	جَبّار [خداوند]
competence	اهلیّت
complacency	عُجب
complaining	نیاز (= شکوه و درخواست)
complaint	فغان
complete	جامع
complete annihilation	فناء کلی
complete bewilderment	کمال حیرت
complete devotion	انقطاع کامل
complete gnosis	معرفت تمام
complete indigence	فقر
completely intoxicated	مست خراب
complete man	انسان تامّ
complete negation	عدم محض، عین العدم
completeness	تمام
completion	استکمال، تمام
compliance	اتباع
complying	اطاعت
comportment	ادب

common consent	عرف
commoners	عامّة
common folk\people	عامّة، عوام، عوام الناس
common sense	عقل سليم
common usage	عرف
communicate, to	سريان یافتن
communication	ارتباط، بلاغ، سريان
communication with God	ارتباط با خدا
communion	ارتباط، وصال
communion (with God)	مناجات
community of dumb beast	امّت بهيمه
community of Islam	امّت
community of love	امّت عشق
community of Muslims	امّت
compact	عهد، میثاق
companion	جليس، رفيق، صاحب، مصاحب
companion of subtlety	صاحب لطف
companions	ياران
companionship	الفت، صحبت، مجالست، مرافقت
companionship with God	مصاحبت حقّ
Companions of the Left (Hand)	اصحاب شمال
Companions of the Messenger	اصحاب رسول (ص)
companions of theophany	اصحاب تجلّي
Companions of the Prophet	اصحاب پیامبر، اصحاب نبی (ص)
Companions of the Right (Hand)	اصحاب يمين
companions of the Self-Disclosure	اصحاب تجلّي
company	صحبت، محفل

coming together	اجتماع
command	امر (≠ خلق)
command by intermediary	امر تکلیفی
commander	سَرور
commanding	امّاره، امر
commanding soul	نفس امّاره
commanding to evil	امّاره به سوء
commandment	امر، حکم
commandment of the Law	امر شرع، حکم شرع
Command of Creation	امر ایجاد
Command of God	امر الله
command of revealed Law	امر تشریعی
Command of the Desire	امر ارادی
command of the Law	فرمان شرع
commands	دستورات
commands and prohibitions	اوامر و نواهی
command spirit	روح امری
command without intermediary	حکم تکوینی
Commencer, the	مُبدئ [خداوند]
commendable characteristics	اخلاق محموده
commendable station	مقام محمود
commentary	تفسیر (≠ اعتبار)
commentator	مفسّر
commingling	امتزاج
commiserate	دل سوزی، رحم
commiseration	شفقت، غم خواری
common among the saints, the	عوام اولیاء

coat of honour	تشریف، خلعت
code of conduct	ادب
code of the Law	قانون شریعت
code of the Path	قانون طریقت
code of the Truth	قانون حقیقت
co-dependence	تعلّق
co-existence	معیت، مقارنت
coextensive	مساوق
cognition	معرفت
cognitive	علمی
cognitive extinction	فناء علمی
cognitive gnosis	معرفت علمی
cognizant	خبیر
coincidence of opposites	جمع اضداد
<i>coincidentia oppositorum</i>	جمع اضداد
colour	رنگ
colloquy	مناجات
combatant	مجاهد
combined totality	مجموع (= حقّ و خلق)
comeliness	حُسن
comfort	رفق
coming close	تدلّی (= نزول حقّ به سوی مقرّبین)
coming closer	تقرّب
coming down	هبوط
coming from the Divine	خاطر الاهی
coming from the Lord	خاطر ربّانی
coming to be	تکوّن، کینونت

clear	صافی
clear intelligence	عقل صریح
clear judgement	فصل الخطاب
clear mind	عقل صریح
clear signs	آیات بیّنات
clear victory	فتح مبین
cleaving	تعلّق
Clemency, the	رحمائیّت، رحمت، رأفت، عفو، لطف [خداوند]
Clement, the	حلیم، رحمَن، رؤوف [خداوند]
climbing	ترقّی (≠ تنزّل)
cling	اعتصام
clinging	تعلّق
cloak	خرقه، رداء
cloak of blessing	خرقه تبرّک
cloak of sainthood	خرقه ولایت
cloister	خانقاه، دُیر، زاویه، صومعه
cloister-corner	کنج خانقاه
close disciple	ولی (= دوست)
close friend	صدیق حمیم
closest abode, the	دار دنیا
closest life, the	حیات دنیا
cloud	غشاوه
Cloud	عماء (= مرتبت احدیّت)، غشاوه
coalition	ائتلاف
co-association of the Godhead and the soul	منازله

Christian trinity	تثلیث عیسوی
Christic <i>Sophia</i>	حکمت عیسویّه
Christic Wisdom	حکمت عیسویّه
cipher	رمز
circle of existence	دائره وجود
circle of possibility	دایره امکان
circle of remembrance	حلقه ذکر
circle of the initiated	حلقه صوفیانه
circle of <i>wujūd</i>	دائره وجود
circles of Sufism	طوایف تصوّف
circular	مستدیر
circularity	استداره
circumambulation	طواف
circumscription	قضا
city of love	شهر عشق
city-censor	محاسب
claim	ادّعا
claimant	مدّعی
claimants to Sufism	مدّعیان تصوّف
claim divinity, to	دعوی خدایی کردن
clamour	فغان
clairvoyance	بصیرت
Clairvoyant, the	بصیر [خداوند]
Clarifier, the	مبیّن [خداوند]
class	مرتبت، مرتبه
clean	پاکیزه
cleansed	مهدّب

cheek	رخ
cheerful	بشاش
cheerful submission	رضا
cherishing	حُبّ
Cherubim, the	کُرُوبیان (= ملائکه مهیم)
chest	صدر
chief	نقیب
chilliness of certainty	بردالیقین
chin	زَنخدان
chivalrous, the	اهل فتوّت
chivalrousness	جوان مردی، فتوّت
chivalry	جوان مردی، فتوّت، مروّت
choice	اصطفاء، برگزیدن
choice of Allah	صفوة الله، صفی الله
choice of creatures	زبدۀ کائنات
choosing	اختیار، انتخاب، اصطفاء
chosen	برگزیده، صفی، مصطفی
chosen, the	اخیار (= برگزیدگان)، خاصان
chosen bondsman	عبد خاصّ
chosen by God	صفی الله
chosen of God	صفوة الله
chosen of God, the	خاصگان حقّ
Christian	ترسا
Christianity	ترسایی (کنایه از تجرید و تفرید از خلق)
Christian lad	ترسابچه (کنایه از جاذبه روحانی)
Christians' belt	رُتّار
Christians' girdle	رُتّار

change	تبدّل، تلوین (≠ تمکین)
change of expression	تغیّر
change of states	تغیّر احوال
changing colouration	تلوین (≠ تمکین)، تغیر احوال
changing of states	تلوین (≠ تمکین)، تغیر احوال
channels for grace	مجارى فیض
chaos	عماء (= مرتبت احدیّت)
character	خصّلت، خُلق، سیرت، منش
characteristic	نعت
characteristics of God as the Lord	اوصاف ربوبیّه
characterization	تعریف (≠ تنزیه)
character quality	خُلق
character trait	خُلق
character traits of God	اخلاق الاهی
charisma	کرامت
charismatic act	کرامت
charismatic favour	کرامت
charismatic gift	کرامت
charitable gifts	خیرات
charity	صدقه، مودّت
chaste	عفیف
chastening	تأدیب
chastening of the soul	ریاضت نفس
chaste of soul	عفیف النفس
chaste regard	مراقبت
chastisement	عذاب، عقاب، عقوبت، کیفر
chastity	عصمت

degree of certainty	مرتبه ايقان
delight of certainty	راحت يقين
essence of certainty	عين اليقين
Eye of certainty	عين اليقين
intuition of certainty	عين اليقين
reality of certainty	حق اليقين
science of certainty	علم اليقين
truth of certainty	حق اليقين
vision of certainty	عين اليقين
certificate	اجازه
certitude	اتقان، تيقن، يقين
essence of certitude	عين اليقين
Eye of certitude	عين اليقين
knowledge of certitude	علم اليقين
light of certitude	نور اليقين
real certitude	حق اليقين
reality of certitude	حق اليقين
science of certitude	علم اليقين
truth of certitude	حق اليقين
vision of certitude	عين اليقين
chaff	پست
chain of spiritual masters	سلسله
chamber	سراپرده، محفل، مخدع (= موضع ستر قلب)
chamber of affection	محفل انس
chamber of love	سراپرده محبت
chamber of secret	سراپرده راز
chamber of vision	رواق منظر

cause upon an effect	جعل
cause upon the caused	جعل
causing division	تفرقه
causing to descend	انزال
causing to witness	إشهاد
creation	خلق (= مخلوقات)
celestial	سماوی، ملکوتی
celestial angels	ملائکة سماویہ
celestial Earth	ارض ملکوت
celestial garden	روضه اخروی
celestial hierarchy	ملکوت
celestial souls	نفوس سماوی
celestial sphere	فلک
celibacy	تجرد (≠ تأهل)
celibates	مفردون
cellar	خمخانه
cell and church	دیر و کنشت
cell-door	خلوت
cell of seclusion	خلوت خانه
censure	انکار
censuring	معاتبه
ceremonial action	فعل به تکلف
certain faith	ایمان قطعی
certain knowledge	علم الیقین، یقین
certain sight	عین الیقین
certain truth	حق الیقین
certainty	یقین

canonical prayer	صلات، نماز
capable of being done	مقدور
capacity	استحقاق، استعداد
caprice	هوس، هوی
capricious wind	هوس، هوی
captivator of hearts	دل‌بند
captivity	اسارت
carefree	مجرّد
careless	غافل
carelessness	اهمال، غفلت
caretaker	مرّبی
carnal action	عمل نفسانی
carnal deed	عمل نفسانی
carnal desire	شهوت
carnal soul	نفس (= خود)، نفس اماره
carriers of the Koran	حاملان قرآن
carrying the trust	حمل امانت
casters	ملقیات
casting (away)	القاء
cast omen, to	فال زدن
catharsis	تجرّد، تجرید
caused	معلول
caused things	مستیّات
cause of Allah, in the	فی سبیل الله
Cause of all causes, the	مستبب الاسباب [خداوند]
cause of perturbation	اسباب تفرقه
Causer of secondary causes, the	مستبب الاسباب [خداوند]

C

cage	قفس (کنايه از تن آدمی)
calamity	بلا
call	دعا، دعوت، ذکر، ندا
caller	منادی
calling	دعا، دعوت، ندا
calling God	دعا
calling to God	دعوت به حقّ تعالیٰ
calling upon God	خدا را خواندن
calling upon the holy	تسبیح
call (to conversion)	دعوت [به آیین]
call towards God	دعوت به حقّ تعالیٰ
calmness of the heart	اطمینان قلب
calumny	افترا
camel-driver	ساریان
Canaan	کنعان (کنايه از جهان معنوی)
cancellation	الغاء
candle	شمع (کنايه از نور عرفان)
candle of the heart	شمع دل
canker of the soul	آفت نفس

brothers	اخوان
Brothers of Pure heart	اخوان الصّفا
brought near	مقرَّب
brought nigh	مقرَّب
brow	ابرو (کنایه از حاجب ذات)
<i>Burâq</i>	بُراق
<i>Burâq</i> of the inhalation	بُراق نفخه
<i>Burâq</i> of the soul	بُراق نفس
burdening oneself	تکلف
burden of favour	بار منت
burden of the trust	بار امانت
burning	احتراق، سوز
Burning, the	نار [جهنم]
burning and melting	سوز و گداز
burning heart	سینه نالان
burning lights	انوار محرقه
burning of heart	سوز دل
burning of separation	سوز هجران
burnished mirror	آینه صافی
byword	حدیث (= سخن)

Breath of the Merciful	نَفْسِ رَحْمَانِي
breaths	نفحات
breaths of Divine grace	نفحات الطاف حقّ
breaths of men	انفاس خلق
breaths of the creatures	انفاس خلائق
breeding	تأديب
breeze	صبا، نسيم
breeze of dawn	نسيم صبحگاهی
breeze of Paradise	نسيم بهشت
breezes	نفحات
Brethren of Purity	اخوان الصّفا
bridge of trial	پل بلوی
bridle of struggle	لجام مجاهده
brigand	عیّار
brigandage	عیّاری
brightness	صفا (= روشنی)، ضیا
brilliance	اشراق، بهاء
bringing forth by God	فطرۃ اللّٰه
bringing news	اخبار
bringing of glad tidings	تبشیر، بشارت دهی
bringing of the dead to life	احیاء مردگان
bringing things into being	تکوین
bringing (things) to be	تکوین
bringing together	جامع
broken hearted	دل شکسته
brotherhood	اخوّت
brotherhood of catharsis	اخوان تجرید

bounteousness	تَفَضُّلٌ
bounties	عَطَايَا
Bountiful, the	وَهَّابٍ [خداوند]
bountifulness	سَمَاحَتِ
bounty	إِكْرَامٍ، بَخْشِشٍ، جُودٍ، كَرَمٍ، نِعْمَتٍ، نَعِيمٍ
Bounty, the	فَضْلٍ، كَرَمٍ [خداوند]
bounty of paradise	نَعِيمِ بَهْشَتِ
bowing down	رُكُوعٍ
bowl	قَدَحٍ
braggart	رِيَاكَارِ
braggarts	أَهْلِ سَمْعِهِ
branches of legal rules	فُرُوعِ أَحْكَامِ
branches of the religion	فُرُوعِ دِينِ
branches of the rulings	فُرُوعِ أَحْكَامِ
breaking the habit	خَرْقِ عَادَتِ
breaking the talisman	طَلْسَمِ گَشَايِی
breast	صَدْرِ
breast of the spheres	صَدْرِ أَفْلَاقِ (= کَرَسِی)
breath	دَمٍ، نَفَسٍ
breathing	نَفِیخِ
breathing of the spirit	نَفِیخِ رُوحِ
Breath of Clemency	نَفَسِ رَحْمَانِی
Breath of the All-Merciful	نَفَسِ الرَّحْمَنِ
Breath of the Clement	نَفَسِ الرَّحْمَنِ
Breath of the Compassionate	نَفَسِ الرَّحْمَنِ
Breath of the Divine Compassion	نَفَسِ الرَّحْمَنِ

bodily torment	عذاب حسی
body	بدن، پیکر
apparitional body	صورت مثالی
(corporeal) body	جسم
(corporeous) body	جسد
elemental body	جسم عنصری
subtle body	جسد مثالی
Universal Body	بدن کلی، جسم کلی
bold eye	چشم مخمور
bond	پیوند
bond of hylé	بند هیولی
bond of property	بند مال
bond of rank	بند جاه
bondage	بندگی
bondsmen	عباد
book	صحیفه، کتاب [هر یک از عوالم]، مصحف
boon	خیر، موهبت
boredom	ملال
borrowed existence	وجود عاریتی
bosom	آغوش
bound	حدّ
boundary of the Presence	حدّ حضرت
bound non-existence	عدم مقید
bound prophethood	نبوّت خاصّه (= رسالت)
bound retreat	خلوت مقید
Bounteous, the	مفضّل [خداوند]

blights of deeds	امراض افعال
blights of sayings	امراض اقوال
blights of states	امراض احوال
blindness	عمى (= نابینایی، کنایه از حقیقت حقایق)
bliss	ابتهاج، سعادت، نعمت، نعيم
blissful	سعید
bliss of perfection	ابتهاج کمالی
bliss of union	سعادت وصال
blood of the heart	مُهَجَّةُ الْقَلْب
blowing	نفخ
blowing of Trumpet	نفخ صور
blowing on the Trumpet	نفخ صور
boast of love	لاف عشق
boastfulness	تفاخر
boastful wiles of one's soul	عشوۀ نفس
boasting	فخر
bodies of fire	اجسام ناری
bodies of light	اجسام نوری
bodily action	عمل بدنی، عمل جوارح
bodily deed	عمل بدنی
bodily diseases, the	امراض بدن
bodily form	صورت جسمانی
bodily nature	طبیعت جسمانی
bodily physician	طبيب جسمانی
bodily punishment	عذاب حسی
bodily realm	نشأۀ جسمانیہ
bodily stage	مرتبۀ جسد

blameworthy attributes	صفات ذمیمه، صفات مذموم
blameworthy character	خُلُق مذموم
blameworthy disposition	خُلُق مذموم
blaming soul	نفس لَوَّامه
blasphemous	ضالَّه، کفرآمیز
blessed	سعید، مبارک، مقدَّس
blessed, the	اهل سعادت، سعاداء، نیک‌بختان
Blessed Messenger, the	پیامبر اکرم (ص)
blessedness	تَبَرُّک
blessedness and auspiciousness	تَبَرُّک و تَیْمَن
blessed night	لیلۀ مبارک
Blessed Night, the	شب قدر
Blessed Prophet, the	پیامبر اکرم (ص)
blessed with the grace of initiation	مُتَبَرِّک
Blessor, the	مُنْعِم [خداوند]
blessing	برکت، تَبَرُّک، رحمت، عنایت، لطف، نعمت
Divine blessing	برکت، توفیق
esoteric blessing	نعمت باطنی
exoteric blessing	نعمت ظاهری
inner blessing	نعمت باطنی
outward blessing	نعمت ظاهری
passing blessing	نعیم فانی
Blessing-Giver, the	مُنْعِم [خداوند]
blest	سعید
blight	آفت
blights of beliefs	امراض اعتقادات

bestowal of existence	ایجاد
bestowal of honour	تشریف
bestowal of success	توفیق
bestowals	عطایا، مواهب
bestowed science	علم موهوب (\neq علم کسی)
Bestower of life, the	مُحیی [خداوند]
bestowing	ایجاد
Bestowing, the	واهب [خداوند]
bestowing of Divine knowledge	تعریف (= دانا ساختن)
bewildered	حیران، مبہوت، متحیر
bewilderment	بُہت، تحیر، حیرت، سرگشتگی
beyond the stage of reason	ورای طور عقل
bidding	امر
bigotry	ریا
binding	تقیید
biography	سیرہ، شرح حال
bird	طائر
bird of union	مرغ وصال
bird's eye	دید اجمالی
black death	موت اسود (= تحمل آزار مردمان)
black light	نور اسود
blamable	ذمیم
blame	ملامت
blame, to	مذمت کردن
blamelessness	سلامت
Blameworthy, the	ملامتیہ (= ملامتہ)
blameworthy action	فعل مذموم

beloved friend of God	خليل الله
beloved of God	حبيب الله
beloved ones	احباب، ياران
Beloved's street	کوی یار
benediction	برکت، رحمت
benefaction	نعمت
Benefactor, the	مُنعم، نافع [خداوند]
beneficence	احسان
Beneficent, the	محسن [خداوند]
benefit	لطف، نعمت
Benefiter, the	نافع [خداوند]
benefit from God	لطف الاهی
benevolence	احسان، ارادت، تفضُّل، رحمت، لطف
benevolent	خیرخواه
Benevolent, the	مَنان [خداوند]
benevolent assistance	لطف
"Be" of existentionation	امر ایجاد
bereaved	دل سوخته
besecher	راغب
beseeking God	خدا را خواندن
Be! so it comes to be	کُنْ فَيَكُونُ
bestial abode	منزل بهیمی
bestial pleasure	شهوت
bestial soul	نفس بهیمی
best interest, the	مصلحت
Best of the Deceivers, the	خیرالماکرین [خداوند]
bestowal	اعطاء، ایثار، عطا، موهبت

being overthrown	انقلاب
being perplexed	سرگستگی
being purified	تزکی
being puzzled	سرگستگی
beings	کائنات
beings endowed with spirit	ذوات الروح (= موجودات روحانی)
being thwarted	نومیدی، یأس
being united with God	وصول به خدا
being wary	اتقاء
being wrapped	اندراج
belief	اعتقاد، باور، عقیده
belief in eschatology	ایمان به اخرویات
belief in God's Oneness	توحید
belief in God's Unity	توحید
belief in the afterlife	ایمان به اخرویات
belief in the heart	باور قلبی
belief with the heart	ایمان قلبی، باور قلبی
believer	مؤمن، معتقد
believer in God's Unity	موحد
believing	اعتقاد، ایمان، مؤمن
Bell, the	جرس، ناقوس (کنایه از خطاب الاهی وارد بر قلب)
bellies	بطون
belonging	تعلق، متعلق
belongingness	تعلق
beloved	جانان، حبیب، دلستان، دوست، محبوب، نگار
	معشوق، نازنین، یار
beloved, the	حبیب [خداوند]

becoming more remote from God	استدراج
becoming qualified	اتِّصاف
becoming similar	تشبیه
before God	پیشگاه خدا
befriending	تولّی
beggar	مسکین
beggars	صعاليک
beggary	گدايي
begging	گدايي
beginner	مبتدی
Beginning and the End, the	مبدأ و معاد
beginningless non-existence	عدم ازلی
beginning of wisdom	رأس الحکمه
beg to be forgiven, to	استغفار کردن
behind the veil	ورای حجاب
Being	اُنَیّت، کینونت، نشأه، وجود، هستی
being acted upon	انفعال
being alone with God	انقطاع الى الله
being consumed	اصطلام (= وَلَه وارد بر قلب و مسلط بر آن)
being distraught	اضطراب
being gratuitously bountiful	تفضُّل
being hardened	قساوت
being indifferent towards	
the life hereafter	زهد در آخرت
being indifferent towards the world	زهد در دنیا
being in want of God	افتقار
being led on step by step	استدراج

Be! and it is	كُنْ فَيَكُونُ
bearers of the Throne	حاملان عرش
bearing testimony	تصديق
beast-like soul	نفس بهيمه صفت
beastly community, the	اُمّت بهيمه
beautiful fawn	غزال رعنا
beatific vision	رؤيت خداوند، لقاء الله
beatitude	سعادت
beautification	تحليه
beautiful	جميل
Beautiful, the	جميل [خداوند]
beautiful act	حسنه
beautiful and the ugly, the	حسن و قبح
beautiful being	شاهد (= زياروى)
beautiful character traits	حسن اخلاق
Beautiful Names	اسماء حسنى
beauty	جمال، حُسن
beauty-displaying mirror	آينه جمال نما
beauty of disposition	حسن خلق
beauty-perceiving eye	ديده جمال بين
becolour, to	رنگين کردن
become expansive, to	انبساط يافتن
become incarnated, to	حلول کردن
become permeated, to	سريان يافتن
become restless, to	بى قرار شدن
becoming draped	اكتساء
becoming God-like	تأله

B

backsliding	زَلَّتْ، لغزش
bad	بد، خبیث، سوء
bad character qualities	اخلاق رذیله
bad manners	اساءة ادب، سوء ادب
bad temper	بدخوی
bad will	شرّ
balanced constitution	مزاج متعادل
balancing	تعديل
bankrupt	مفلس
banner of praise	لواء حمد
banquet	بزم
barrier	حجاب
base	پست، ذلیل
base nature	خست طبع
baseness	پستی، خست
bashful	با حیا
bashfulness	حیا
<i>Bâtiniyyah</i>	باطنیّه
beacon	راهنما

Awe of the Compassionate	هَيْبَةُ الرَّحْمَنِ
awesome blow	سَطَوَات
awesome chasm	وَرِطَةُ هَايِلِ شَبْهَات
awesomeness	هَيْبَت
Awful, the	جَبَّار [خداوند]
awfulness	هَيْبَت
axiality	قَطْبِيَّت
<i>axis mundi</i>	قُطْبِ عَالَم
Azrael	عِزْرَائِيل

Author, the	باری، مبدع [خداوند]
authorities in the	
transmission of <i>Ḥadīth</i>	اصحاب نقل
authority	إذن، اقتدار، ریاست، صاحب نظر، مصدر و مقتدا، ولایت
on authority	تعبداً
Authority, the	سلطان [خداوند]
Author of all causes, the	مسبب الاسباب [خداوند]
autonomous Imagination	خیال منفصل
avarice	آز، طمع
avarice indulged	شُحّ مطاع
avaricious	بخیل
avariciousness	طمع
Avenger, the	منتقم [خداوند]
aveternal	ازلی
aveternity	دهر
avid person	حریص
avoidance	ترک
awaited Imam	امام منتظر
awakeness	يقظه
awakening	انتباه، يقظه
aware	منتبه
Aware, the	خبیر [خداوند]
awareness	حضور قلب
awe	ابهت، خشیت، خوف، رهبت، هیبت
awe-inspiring gaze	نظر هیبت
awe-inspiring plain	بساط هیبت

Attributes of the Divinity	اوصاف الاهی
attributes of the human domain	صفات ناسوتی
blameworthy attributes	صفات ذمیمه، صفات مذموم
Dominical Attributes	صفات ربوبی
external attributes	صفات ظاهر
fair attributes	اوصاف جمیلہ
good attributes	حسنات
internal attributes	صفات باطن
Lordly Attributes	اوصاف ربوبیہ
man's attributes as a servant of God	اوصاف عبودیہ
negative attributes	صفات سلبی
positive attributes	صفات ثبوتی
positive attributes of the Self	صفات نفسانی ثبوتیہ
praiseworthy attributes	صفات حمیدہ
attribution	اضافہ (≠ عین وجود)، نسبت
attrition	توبہ
audition	سمع، سماع
audition of poetry	سمع شعر
audition of the Koran	سمع قرآن
audition of voices and songs	سمع اصوات و الحان
augury	زجر
auspicious	سعید
auspicious fortune	دولت
auspiciousness	تیمّن
auspicious union	سعادت وصال
austere	ریاضت کش
austerity	ریاضت، ریاضت کشی، زهد، مجاہدہ

attention	مراعات، نظر، توجّه، همّ
attentive control of oneself	مراقبه
attentiveness	توجّه
attentive observation	مراقبه
attestation	اشهاد، شاهد، دليل و بينه
attesting	تصديق
attracted wayfarer	سالک مجذوب، مجذوب سالک
attraction	جذبّه
attraction by God	جذبّه
attribute	نعت
attribute of action	صفت فعل
attributed spirit	روح اضافی، روح مضاف [مثل روح الله]
attribute of self	وصف نفسی
attributes	صفات
attributes of acts	صفات افعال
attributes of animality	صفات بهیمی
attributes of favour	صفات لطف
Attributes of God	صفات خداوند
attributes of human nature	اوصاف بشریّه
attributes of incomparability	صفات تنزیه
Attributes of Lordship	اوصاف ربوبیّه
attributes of operations	صفات افعال
attributes of perfection	صفات کمال
attributes of servanthood	اوصاف عبودیّه
attributes of similarity	صفات تشبیه
attributes of the Divine domain	صفات لاهوتی

astounded	حیران
assuming shape	تشکّل
assuming the character	
traits of God	تخلّق به اخلاق الله
assuming the Divine character	تخلّق به اخلاق حقّ
assuming the traits of God's Names	تخلّق به اسماء الاهی
assuming traits	تخلّق
assumption of dominical traits	تخلّق به اخلاق ربوبیت
assumption of traits	تخلّق
assurance	اطمینان، یقین
astonishing	مدهش، حیرت انگیز
astonishment	حیرت، دهشت
astray	خطا
asylum	ملاذ، ملجأ
atheism	الحاد، زندقه
atheist	زندیق، ملحد
atheistic	الحادی
at-ness	عندیّت
attachment	أنس، تعلّق، وصل
attachments	علائق
attachment to God	انقطاع الى الله
attach the heart to worldly things, to	دل به دنیا بستن
attainment	اتّصال، درک، وصول
attain perfection, to	به کمال رسیدن
attain union, to	واصل شدن
attendant	تابع
attending	ولایت

aspirants to the Path and the Truth	مَدَّعِیَانِ رَاه
	طریقت و حقیقت
aspirant to Sufism	مَتَصَوِّف
aspirant to the Way	مَرِید
aspiration	هَمَّت
assault	سَطُوت، صولت
assemble	حَشْر
assembly	مَجْلِس، محفل
assembly of intimacy	مَجْلِسِ اَنَس
assembly of lovers	محفل عاشقان
assembly-room	مَجْلِس
assent	تَسْلِیم
assent by the heart	تَصْدِیقِ قَلْبِی
Assenter, the	مَجِیب [خداوند]
assiduous	عَاكِف
assimilation	تَشْبِیه
assist	مَدَد
assistance	امداد، توفیق، عنایت
associate	شَرِیک
associating other gods with God	شُرک
associating others with God	شُرک
association	تَوَلَّى
associationism	شُرک
associationist	مَشْرک
associator	مَشْرک
associator (of gods with God)	مَشْرک
astonished	حِیرَان

ascetic practice derived from Shari'ah	ریاضت شرعی
ascetics	زُهَّاد، گوشه نشینان
ascetic striving	مجاهدت
ascetic struggle	مجاهده
ascribed spirit	روح اضافی، روح مضاف [مثل روح الله]
ascribing partner to God	شرک
ascription	اطلاق (= اسناد)
asking by being in a state	سؤال به حال، سؤال حال
asking by capacity	سؤال به استعداد
asking by one's essence	سؤال ذاتی
asking for forgiveness	استتابه
asking for mercy	طلب رحمت
asking for recantation	استتابه
asking God for forgiveness	استغفار
asking pardon of God	استغفار
ask pardon, to	استغفار کردن
aspect	جنبه، طور، وجه
aspects of heart	اطوار دل
Divine aspect	لاهُوت
esoteric aspect	باطن [اسم]
human aspect	ناسوت
inner aspect	باطن [اسم]
internal aspect	باطن [اسم]
literal aspect	ظاهر [معنا]
shared aspect	وجه مشترک (≠ وجه اخَص)
aspirant	طالب

artifice	تصنّع
artificial ecstasy	تواجد (= اظهار حالت وجد)
artificial effort	تکلف (= انبساط)
artificial intoxication	تساکر (= خود را به مستی زدن)
artisanry	صنعت
art of polemics	فن مباحثه
ascend, to	به معراج رفتن
ascending arc	قوس صعودی
ascending degrees	درجات، مدارج
ascending degrees of perfection	مدارج کمال
ascending journey	سیر صعودی، سیر عروجی
ascending movement	سیر صعودی
ascension (to the heavens)	ترقی، معراج
ascent	ترقی، عروج، معراج
ascent of creatures	معراج خلایق
ascension of deeds	صعود اعمال
ascents	معارج
ascetic	پارسا، پرهیزگار، ریاضت‌کش، زاهد، متعبد
ascetic combat	ریاضت و مجاهدت
ascetic devotion	زهد
ascetic discipline	ریاضت
ascetic exercise	ریاضت
asceticism	پارسایی، پرهیزگاری
	ریاضت، ریاضت‌کشی، زهد
asceticism and ascetic combat	ریاضت و مجاهدت
ascetic practice	ریاضت، مجاهده
ascetic practice according to Shari'ah	ریاضت شرعی

archangels	ملائكهُ مقَرَّب
Arch-pole	قطب الاقطاب
Archetypal Book	امّ الكتاب
archetype	معنا
archetypes	اعيان ثابتہ، مُثُل
archetypes of the names	اعيان اسماء
arc of ascent	قوس صعودی
arc of descent	قوس نزولی
ardent	غیور، مشتاق
ardent love	حرقّتِ محبّت
ardor	شوق
ardour	حمیت، شور، ہمت
areal region	صُقع
arena of the soul	میدان [مقام شہود معشوق]
argument	دلیل
argument from providence	دلیل عنایت
arithmeticians	اصحاب عدد
arrival	ورود، وصال، وصول
arriving at God	وصول بہ حقّ
arriving thought	خاطر
arrogance	استکبار، تکبر، صولت، عُجب، غرور، کِبَر، نخوت
arrogance and disdain	ناز و تعزّز
arrogant fancy	پندار مغرورانہ
arrogant thought	پندار مغرورانہ
art	صنعت، فن، ہنر
articles of faith	ارکان ایمان، اعتقادات

appointed time	اجل (= سرآمد)
Appointer, the	جاعل [خداوند]
appointing	تولیت (= عزل)
apprehender	مُدْرِک
apprehending	مُدْرِک
apprehension	توهم، هیبت
approach	اقبال، تدانی (= معراج مقربین)، قرب
approach to divine precepts	قرب فرائض
approaching to God	
approach to spontaneous acts of devotion	قرب نوافل
approaching	قرب
with obligatory rituals	تَقَرُّب به فرائض
approaching to God	
with supererogatory	تَقَرُّب به نوافل
works and rituals	
approach to God	تَقَرُّب به خدا
approval	رضا
approve, to	راضی بودن
approving	راضی
approximating	مَقَرَّب
approximation	قرب، نزدیکی
appurtenances	متعلقات
aptitude	استعداد، اهلیت
arbitrary will	اراده گزاف
Arbitrator, the	حَكَم [خداوند]
arcane	خفی
archangel	ناموس اکبر (= جبرائیل)

<i>anthropos teleios</i>	انسان کامل
Anti-Christ	دجال
antinomians	اباحیه، اهل اباحت
antinomism	اباحه گری
anxiety	رعب
anxiety of love	قلق عشق
anxious	قَلِق (= انسان ناآرام)
apex of grandeur	اوج کبریا
apex of magnificence	اوج کبریا
apodicticity	حقّ الیقین
apophasis	تجاهل عارف
apostle	پیامبر، پیغمبر
apparel	جبه
apparent	ظاهر (≠ خفی)
Apparent, the	ظاهر [خداوند]
apparent world	عالم شهادت
apparition	تمثّل، خیال، شبیح
apparitional body	صورت مثالی
apparitional figure	صورت مثالی
appear, to	تمثّل یافتن
appearing (in likeness)	تمثّل
appeased soul	نفس مطمئنّه
appetite	شهوت
appetitive soul	نفس امّاره
application	اطلاق (= اسناد)
appointed hour	اجل (= سرآمد)
appointed place	میقات

animal realm	عالم حیوانی
animal soul	روح حیوانی، نفس حیوانی
animal world	عالم حیوانی
animated	نفسانی
animator of the religion	محبی الدین
annihilated	فانی، هالک
annihilating	افناء
annihilating agent	مُعِدِم
annihilation	صعق، فنا، محو،
annihilation in Allah	فناء فی الله
annihilation in annihilation	فناء در فنا
annihilation in Divine Unity	فناء در توحید
annihilation in God	فناء در خدا، فناء فی الله
annihilation in the Essence	فناء در ذات
annihilation in Unity	فناء در توحید
annihilation of annihilation	فناء الفناء
announced expression	عبارت (≠ اشارت)
annulment	فنا
annunciation	تبشیر
answer	اجابت (= پاسخ)
Answerer, the	مجبب [خداوند]
answering	استجابت (= پاسخ)
(anterior) eternity	قَدَم
anthropomorphic signs	آیات تشبیه
anthropomorphism	تشبیه
anthropomorphists	اهل تشبیه، مجسمه
anthropomorphosis	تشبیه

Angelic World	عالم ملکوت
angelic world of determinations	تعینات روحی
Angel of death	ملک الموت
angel of Divine Proximity	ملک مقرب
angel of revelation	فرشته وحی
angels	ملائک
angels of ascent	ملائکۀ عروج
angels of dominion	ملائکۀ تسخیر
angels of governance	ملائکۀ تدبیر
angels of hearts	ملائکۀ قلوب
angels of life	ملائکۀ حیات
angels of the air	ملائکۀ هوا
angels of the circles of remembrance of God	ملائک حلقه های ذکر
angels of the gatherings of remembrance of God	ملائک مجالس ذکر
anger	تندخویی، سخط، غضب، غیظ
<i>anima mundi</i>	نفس عالم
animal	حیوانی
animal desire	هوی
animal enjoyments	تمتعات حیوانی
animal human being	انسان حیوان (بجز انسان کامل)
animality	بهیمیّت، حیوانیّت
animal passion	شهوة حیوانی
animal passions	شهوات حیوانی
animal pleasures	لذات حیوانی
animal qualities	صفات بهیمی

amiable disposition	لطافت طبع
"Am I not" compact	عهد أَلست
amorous communications	مکالمات عاشقانه
amorous conversations	مکالمات عاشقانه
amorous discourse	مخاطبات عاشقانه
amorous glance	غمزه، کرشمه (کنایه از تجلّی جلالی)
amusement and play	لهو و لعب
analogy	مثال
anamnesis	یادآوری
anathema	تکفیر، کافر شمردن
ancestors	اعقاب
anchorite	زاهد
Ancient, the	قدیم [خداوند]
ancient House	بیت عتیق
Ancient Man	انسان قدیم
ancientness	قَدَم
<i>angeli intellectuales</i>	عقول مَلْکی
angelic	فرشته صفت، مَلْکی
Angelic Adam	آدم جبروتی
angelic dream	رؤیای مَلْکی
angelic incoming thoughts	خواطر مَلْکی
angelic inspiration	القاء مَلْکی
angelic intelligence	عقل مَلْکی
angelic soul	نفس مَلْکی
angelic spirit	روح مَلْکی
angelic state	مقام مَلْکی
angelic thought	خاطر مَلْکی

All-Subjugating, the	قَهَّار [خداوند]
all that is familiar	
to instinctual nature	مألوفات طبع
all the early Muslims	سَلَف
allurement	اغراء، اغواء، کشش
alluring	دلکش
allusion	اشارت، اشاره
allusive meaning	اشارت
All-Wise, the	حکیم [خداوند]
Almighty, the	جَبَّار، قَيُّوم [خداوند]
almighty eternal	قَيُّوم مطلق
alone	متفرد، مُتَوَحِّد، وحید
Alone, the	أَحَد [خداوند]
aloof	منزّه
alteration	تحریف
altruism	ایشار
amazement	تحیّر، حیرت
amazing	مدهش
ambassador	رسول، فرستاده
ambiguity	تلبیس
ambiguous	متشابه (≠ محکم)
ambiguous verses	آیات متشابه، متشابهات
ambition	طلب جاه، غرض
ameliorating	اصلاح، تعدیل
amelioration	اصلاح، تعدیل
Amen	آمین
amiability	انبساط، مودّت

All-Encompassing, the	محیط [خداوند]
all-encompassingness	احاطه، شمول، عمومیت
all eternity	ابدالآباد
alley	کوی
All-Forgiving, the	غفار [خداوند]
All-Good, the	رحمن [خداوند]
All-Great, the	کبیر [خداوند]
All-High, the	علی [خداوند]
All-Highest, the	علی [خداوند]
All-Holy, the	قدوس [خداوند]
alliance	عهد
all-inclusive	عام (مخصوص)
all-inclusive being	وجود عام
all-inclusive mercy	رحمت عام
All-Knowing, the	علیم [خداوند]
All-Merciful, the	رحمن [خداوند]
all-mighty	قادر مطلق
allotment	قسمت (= امر مقدّر)
allotted share	نصيب
allowed	حلال
All-Pardoning, the	عفو [خداوند]
all-powerful	قادر مطلق
All-Powerful, the	جبار، قادر [خداوند]
All-Provider, the	رزاق [خداوند]
All-Rich, the	غنی [خداوند]
All-Seeing, the	بصیر [خداوند]
all-spreading mercy	رحمت انتشاری

agreement	موافقت
aid	استعانت، عنایت، مدد
Aider of the seekers of aid, the	غیاث المستغیثین [خداوند]
aim	غایت، قصد
alacrity	بشاشت
alchemy	کیمیا
alchemy of happiness	کیمیای سعادت
alchemy of love	کیمیای محبت
alertness of the heart	حضور قلب
alive	زنده
Alive, the	حیّ [خداوند]
All-Bestower, the	وهاب [خداوند]
All-Compassionate, the	رحمن [خداوند]
all-comprehensive engendered being	کون جامع (= انسان کامل)
all-comprehensive Name	اسم جامع (= اسم اعظم)
all-comprehensiveness	جامعیت، جمع، جمعیت
all-comprehensive Presence	حضرّت جامع
all-comprehensive son	ابن جامع
All-Concealing, the	غفار [خداوند]
All-Dominating, the	جبار [خداوند]
allegiance	بیعت
allegory	اشارت، اشاره
all else than God	ماسوی الله
all-emanating	فیاض
All-Embracing, the	واسع [خداوند]
all-embracing knowledge	علم واسع
all-embracing mercy	رحمت واسعه

Affectionate, the	رؤوف [خداوند]
affinity	الفت
affirmation	اثبات (≠ محو)، تأیید
affirmation of God's Unity	توحید
affirmative qualities	صفات ثبوتی
affirmative qualities of the soul	صفات نفسانی ثبوتیه
affirmer of God's Unity	موحد
affirmers of God's Unity	اهل توحید
affirming similarity	تشبیه
affirming the truth	تصدیق
afflicted	بلاکش، رنج‌دیده، شقی، مبتلا، محزون
afflicted, the	اهل بلا، دردمندان
afflicted heart	دل رنجور
affliction	ابتلاء، بلا، شقاوت، فتنه
affrighted	خائف
Affrighter, the	مهیل [خداوند]
agens	فَعَال
agent	فاعل
annihilating agent	مُعَدِم
agents	اعوان
age of ignorance	جاهلیّت
agitated	مضطرب
agitating fear	خوف بی‌قرار، ترس هیجان‌انگیز
agitation	اضطراب، پریشانی، تلوین (≠ تمکین)
agnostic	لاادری، معطل [در شناخت]
agnosticism	تعطیل [در معرفت]
agreeableness	ملائمت

adorned	آراسته، متحلّی
adorning	تحلّی
adornment	بهاء، تحلیه
adornments of this world	زخارف دنیوی
adult	بالغ
advance	اقبال
(advanced) saints	آبدال
Advancer, the	مقدّم [خداوند]
advancing	اقبال
advantage	مزیت
adversity	بؤس (= گرفتاری)
advice	اشاره، اندرز، موعظه، نصح، نصیحت، وعظ
adviser	ناصح
Advocate, the	وکیل [خداوند]
adytum of proximity	خلوت خانه قرب
adytum of <i>tawhîd</i>	خلوت خانه توحید
adytum of the friends	خلوت خانه دوستان
adytum of the pure	خلوت خانه پاکان
Aeon	دهر
Aeonists	دهریون
Aeon of Aeons	دهرالدّهور (= دهر اوّل)
affability	أنس
affair	امر، شأن، معاملت
affectation	تحلّی
affection	دل‌داری، شفقت، محبّت، معاشقه، مودّت

act of will(ing)	اراده
actual experience	معاینه
actual face	وجه حاصل
actual fact	نفس الامر
actualization	تحصیل
actualized in God	متحقق بالحق
actualized in the Truth	متحقق بالحق
actual vision	عیان
acuteness	فراست
Adamic	آدمی [وصف]
Adam of spirits	آدم ارواح
Adam of the age	آدم وقت
address	خطاب، مخاطبه
adept in renunciation	متحقق در زهد
adherent	مرید
adherents of incarnation	حلولیه
adherents of the Truth	اهل حق
adhesion of faith	تصدیق
adjacency	مجاورت
admiration	تمجید
admonisher	واعظ
admonishment	وعید
admonition	اخطار، تذکر، تنبیه
adopting character traits	تخلّق
Adorable, the	معبود [خداوند]
adoration	بندگی، عاشقی، عبودیت
adorer	عبد

internal action	عمل باطن
outer action	عمل ظاهر
outward action	کار ظاهر
secret action	عمل سرّ
sincere action	عمل خالص
spiritual action	عمل سرّ
active	فَعَّال
Active, the	فَعَّال [خداوند]
Active Imagination	حضرت خیال
Active Intellect	عقل فَعَّال
activity	فاعلیّت
act of bestowing Divine influence	فیض اقدس
act of derision	استهزا
act of devotion	طاعت، عبادت
act of disobedience	عصیان، نافرمانی
act of God	فعل حقّ، فعل خدا
act of man	فعل بنده
act of miraculous grace	کرامت
act of obedience	طاعت
act of obligation	فعل به تکلف
act of piety	طاعت
act of remembrance	ذکر
act of self-denial	ریاضت
act of self-mortification	مجاهدت
act of showing	ابداء
act of the creature	فعل بنده
act of the heart	عمل قلبی

acquired	مستفاد
acquire Divine qualities, to	متخلّق به اخلاق حقّ شدن
acquired knowledge	علم مکتسب
acquired science	علم دراست (≠ علم وراثت) علم کسبی (≠ علم موهوب)
acquiring knowledge of religion	تفقّه در دین
acquisition	اکتساب، کسب (≠ خلق)
acquisition of God's characteristics	تخلّق به اخلاق الاهی
acquisition of happiness	کسب خشنودی
acquisition of rank	کسب جاه
acquisition of wealth	کسب مال
act	عمل، فعل، کار
beautiful act	حسنه
Divine act	فعل الاهی
Divine Acts	افعال الاهی
evil act	سیئه، عمل بد
pious acts	خیرات
ugly act	سیئه
action	عمل، فاعلیّت
blameworthy action	فعل مذموم
bodily action	عمل بدنی، عمل جوارح
carnal action	عمل نفسانی
ceremonial action	فعل به تکلف
external action	عمل ظاهر
good action	حسنه
inner action	عمل باطن

abstemious	پرهیزگار، زاهد
abstemiousness	زهد
abstinence	اجتناب، احتراز، امساک، ریاضت، زهد، وَرَع
abstinent	زاهد
abstract, to	انتزاع کردن
abstruse	غامض
abundance	غنا، فیض
abundant reward	ثواب جزیل
abyss	ورطه
abyss of destruction and errors	ورطهٔ هلاک و مزلات
acceptable	مرضیّ
acceptance	رضا
acceptance by the heart	تصدیق قلبی
acceptance of destiny	رضا به قضا
acceptation	تسلیم
accepted	مرضیّ
Accepter of repentance, the	توّاب، قابل التّوب [خداوند]
accidental names	اسماء عَرَضِیّه
accidental worship	عبادت عرضی
account	حساب [قیامت]
account for, to	تعلیل کردن
accursed	لعین
accusation	تُهْمَت
acquaintance	آشنایی، معرفت
acquiescence	انقیاد، رضا
acquiescent	راضی

absolutely rich	غنئی مطلق
absolutely subsistent	قیوم مطلق
absolute man	انسان مطلق
absolute marriage	نکاح مطلق (= نکاح ساری)
absoluteness	اطلاق (= مطلق بودن)
absoluteness of being	اطلاق وجود
absolute non-manifestation	غیب مطلق
absolute oneness	توحید مطلق، وحدت مطلقه
Absolute Owner, the	مالک مطلق [خداوند]
absolute perfection	کمال مطلق
absolute sainthood	ولایت مطلقه
absolute seclusion	خلوت مطلق
absolute solitude	خلوت مطلق
absolute theophanic Imagination	خیال مطلق
absolute thrall of God	مألوه مطلق
absolute Truth	حق مطلق
absolute unconditioned Imagination	خیال مطلق
absolute unification	توحید، توحید مطلق
absolute Unity	توحید، وحدانیت
Absolute Unseen, the	غیب مطلق
absolution	رهايي
absolved	آمرزیده
be absolved, to	آمرزیده شدن
absorbed	محو، مستغرق
absorbing	استغراق
absorption	اتحاد، اتصال، فنا
abstainer	زاهد

abode of unity	مقام وحدت
abominable	منکر
abomination	سخط، غضب
abrogation	نسخ
absence	غیاب، غیبت، هجران
absence of ipseity	غیب هویت
absence of relatedness	غیبت مضافت
absence of selfhood	غیبت هویت
absence of the essence	غیبت ذات
absence of the heart	غیبت قلب
absent	غائب (≠ شاهد)
Absent, the	عالم غیب، غیب [عالم]
Absent and Witnessed, the	غیب و شهادت
absolute	مطلق
Absolute Author of action	فَعَّال
absolute authority	استقلال
absolute being	عین الوجود، وجود صرف، وجود محض، وجود مطلق
absolute delegation of power	تفویض
absolute determination	جبر
absolute Divine Presence	حضرت شهادت مطلق
absolute good	خیر مطلق
absolute goodness	خیر مطلق
absolute knower	عالم مطلق
absolute knowledge	علم مطلق
absolute light	نور مطلق
absolutely encompassing Presence	حضرت جمع

abiding monarchy	سلطنت سرمدی
abiding of abiding	بقاء البقاء
abjection	دنائت، رکاکت
abnegation	زهد
abnormal phenomenon	خرق عادت
abode	جایگاه، عالم، مسکن، مقام، منزل، موطن
abode of abiding	دیار باقی، دار بقا (= آخرت)
abode of annihilation	دار فانی، دار فنا (= دنیا)
abode of destruction	خراب آباد
abode of discernment	دار تمیز (= آخرت)
abode of felicity	دار سعادت
abode of generation and corruption	دار کون و فساد
abode of glory	دار جلال
abode of good pleasure	دار رضوان
abode of happiness	دار سعادت
Abode of Islam	دارالاسلام
abode of obligation	دار تکلیف
Abode of Peace	دارالسلام
abode of permanence	دارالقرار، دیار باقی
abode of pride	دار غرور
abode of subsistence	دار بقا (= آخرت)
Abode of the All-Merciful	دارالرحمن
abode of the hereafter	دار آخرت
abode of the living	دار حیوان
abode of the world	دار دنیا
abode of trial	دار ابتلاء (= دنیا)

A

<i>a patre ante</i>	قَدَم
abandoned	مخذول
abandoning	خذلان
abandoning fear	ترک خوف
abandoning the examination	ترک مراقبت
abandonment	تسلیم، تفویض، فراق، مفارقت، واگذاری
abandonment of sin	ترک زَلَّت
abandonment of the world	ترک دنیا
abasement	استکانت، افتادگی، تذلل، ذَلَّت، فروتنی، مذلّت
abasements of loss	درکات خسران
Abaser, the	خافض، مُذَلّ [خداوند]
abating passions	خمود شهوت
aberration	ضلالت
abhorred	مکروه
abhorrence	اکراه
abiding	بقا، جاودانه، ساکن
Abiding, the	باقی، قَیَم [خداوند]

A Glossary of Islamic Mysticism

8 □ A Glossary of Islamic Mysticism

pains in assembling the raw materials. Dr. Hossein-Alî Sheidânshîd made a significant contribution by preparing the original notes and particularly in completing the entries of theoretical mysticism. Other scholars who helped us in the preparatory stage are: Mr. Muhammad Ja'far Sadri, Mr. Ahmad Rezâ Jalîlî, Dr. Qâsim Kâkâ'î, Mr. Hossein 'Oshshâqî, Mr. Alî Mullâ Hosseinî, all of whom took much time and trouble to extract words from original sources.

I am deeply indebted to Professor Dr. Mustafâ Malikiyân who has a great role in the creation of this Glossary. He provided us, throughout the process of preparation, with his invaluable experience and constructive suggestions, all of which were of great benefit to the final text.

I owe a special debt to the distinguished professor Dr. Seyyed Hossein Nasr who generously accepted our request and reviewed the entire text and made constructive suggestions and crucial improvements, to which these few lines can hardly do justice. I thank him for his encouraging comments and particularly for his scholarly forward to the Persian-English version.

I must also thank Mr. Ahmad Yusufi for writing a special computer program for this work and for providing support and service crucial to the production of the text.

I should like to further thank all those involved in this work, Brother Shujâ' Alî Mîrzâ for his helpful comments, Mr. Yazdiyân and Mrs. Marzeyeh Tavakkulî for their assistance in typesetting.

I am also grateful to Director of the Suhrawardî Research and Publication Center, Muhammad Ja'far Sadrî for his continued interest in the work of this *Glossary* as well as for his endeavors in raising the necessary funds and providing access to the required resources.

Finally, although great care and much trouble has been taken to present a reliable and as complete a resource as possible for translators and authors in the field of Islamic mysticism, there might still be some shortcomings and the ultimate responsibility for the *Glossary*, and any and all errors that it contains, rests with me.

combinations are listed first and âlim and its related phrases later, so one should consider the vowels in addition to the letters.

9 - It should be noted that the words listed for one entry might not seem synonymous; this is partly because these words were separated from their original contexts and cannot be judged properly in isolation. Another reason is that the authors of these words have different tendencies. Some take into consideration the original literal meaning, while others give more importance to the current usage of the word.

10 - The English-Persian version is different from Persian-English in some aspects. The Arabic and Persian terms not current in modern Persian have been intentionally deleted. Also, for the convenience of users some repetitions were allowed, i.e. adjectival combinations are to be found under both the adjective and the related noun.

Last but not least, despite all its positive points, much can be done to improve this Glossary by contextualizing it through illustrative examples, sentences etc. In fact, the publication of this work was put off by one year so as to include words from classical works of literature. These words are especially difficult to translate and must often be rendered in their figurative sense. It must be noted that not all poetic terms and expressions were covered in this volume. The most common and important words, though, were included— numbering approximately a thousand. Much more work is needed to complete the job but its publication could not be deferred any longer, not to mention the fact that a comprehensive glossary of such work would be as large as the present book.

It is hoped that this humble work will contribute to the improvement as well as the acceleration of rendering Islamic mystical texts into English for the use of those who are eager for first-hand sources of Islamic mystical knowledge.

Glossaries, like language itself are changing and developing, so once in a while there is an urgent need to revise, a task which my colleagues and I hope to be able to fulfill in later editions.

Acknowledgements

My first acknowledgement, by far, is to colleagues who took great

6 □ A Glossary of Islamic Mysticism

short explanation in parentheses or brackets; the detailed description of some strange words lies outside the province of this work.

Some points in particular deserve mention:

1 - For the sake of brevity and a number of other reasons the words appearing in every entry of the *Glossary* were not cross-referenced to their sources, mainly because the works used were reliable ones – the inappropriate terms having been omitted during editing.

2 - There is a marked tendency on behalf of some English authors to use the original Arabic terms which they think convey better the intended meanings. This is a welcome tendency. Such words were transliterated and along with other loanwords are to be found in *italic* type.

3 - The use of definite article "the", due to its being a matter of dispute and controversy, was consistently left out except in the case of the Divine Names and Attributes, superlative adjectives, and in such phrases as "the Pious", which indicate an entire class.

4 - Capitalization is another area of particular difficulty in English. In many instances no hard and fast rule can be followed to help in this case. Still we tried our best to be consistent

5 - Spellings shown throughout the *Glossary* are those preferred in the *Oxford English Dictionary*.

6 - The *Glossary* contains only a few cross-references between entries. Their number was kept to a minimum for the convenience of the users.

7 - In both sections of this edition, where there is more than one equivalent, they are separated by a semi-colon and given in alphabetic order, without any indication of preference, under the assumption that users can choose the best among the existing words according to their own needs and taste.

8 - It would be difficult and perhaps impossible to arrange the listed words in terms of appropriateness, so as a rule, the words in both version are in letter-by-letter alphabetical order, but in rare cases especially in the Persian-English version when one word with the same letters but different vowels has different meaning, the rule was not observed and the Arabic vowels were taken into consideration and for example âlam and its adjectival

Preface

The present book is the first volume of *the Library of Glossaries of the Islamic Sciences*. It assembles within itself a vast compendium of Islamic mystical terms, with the overall intent to improve the English translation of classical Arabic and Persian texts as well as facilitating the writing of original works in the field.

The work of compiling *the Library* first began 7/8 years ago (1996) through the attempts and contribution of some distinguished scholars and the present book is the first product of their labour. The central feature of this *Glossary* is its comprehensiveness, thoroughness, consistency and precision. The content has been to a great extent assembled from a number of sources, ranging from specialized dictionaries to technical works written on the subject. The complete list of these works can be found in the *Bibliography*. This work contains a vast number of technical, semi-technical terms of Islamic mysticism with a considerable overlap with other branches. Our criterion in the choice of words was their frequency of occurrence in typical mystical discourse and writings. Therefore, some of the vocabularies and usages which may not be regarded as particularly belonging to Islamic mysticism, are included in the *Glossary* in accordance with our general aim of coordinating and communicating the rich and deep spiritual Islamic heritage to the English-speaking world— English being one of the most popular of living languages. (The English-Persian section contains over 9500 entries with their 12,000 equivalents and the Persian-English section has over 6500 entries and 13000 equivalents).

However, this is a glossary not a descriptive dictionary. Mystics, like any other class, have their own language. So you might find some specialized words that are not commonly encountered in ordinary language. We have tried to explain, where necessary, the meaning and usage by providing a very



© **Suhrawardī Research and Publication Center**

2003 / 1382 / 1423

ISBN 964-6980-31-7

All right reserved. No part of this publication may be reproduced, stored in a retrieval system, or transmitted in any form or by any means, electronic, mechanical, photocopying, recording or otherwise, without the prior permission of the publishers.

A Glossary of Islamic Mysticism - English-Persian & Persian-English; Compiled by A Group of Researchers in Suhrawardī Research and Publication Center; With an Introduction and Corrections by Seyyed Hossein Nasr; edited by Seyyed Mahmūd Mūsavī, 1st edition -- Tehran: Suhrawardī Research and Publication Center; 2003.

780 p. -- (The Library of Glossaries of the Islamic Sciences (1))

Includes bibliographies p. 481.

ISBN 964-6980-31-7

1. Islamic Mysticism -- Technical Terms. 2. Persian -- Dictionaries -- English 3. English Language -- Dictionaries -- Persian I. Seyyed Hossein Nasr, II. Seyyed Mahmūd Mūsavī, III. Suhrawardī Research and Publication Center.

BP 274 / 3 / F 356

298 / 803

M 82-805

Iranian National Library

Published by
Suhrawardī Research and Publication Center
P. O. Box 15855-413
Tel & Fax : + 98-21- 8028953-4
Tehran - Iran

***A Glossary
of Islamic Mysticism***

(English - Persian)

(Persian - English)

**Compiled by
A Group of Researchers**

**Edited by
Seyyed Mahmûd Mûsavî**

**With an Introduction and Corrections by
Dr. Seyyed Hossein Nasr**



**Suhrawardî
Research and Publication Center
2003 / 1382 / 1423**